CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

Tahqiqat-e-Kushani

International

Center of Kushan

studies

6879

EDITOR ;

Gul Mohammad Adabyar

Board of Readers :

Abdullah Dost — M. Amin Hakim

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تحقیقات کوشانی

شماره دوم سوم سال چهارم
کابل عقرب حوت ۱۳۶۰ نمبر مسلسل ۹۰۸

علمی - تاریخی و تحقیقی

برخی از داشته های این شماره

نظری به هنر و تمدن عصر کوشانی
کنشکا. امپراتور سترگ کوشانی
شناخت اوزان سکه های کوشانی
مهاجرت ساکا به درانجیانا
و ...

بیانگر
سایه روشن دوره بلند آوازه کوشانی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تحقیقات کوشانی

شماره دوم - سوم سال چهارم

کابل عقرب - حوت ۱۳۶۰ - نمبر مسلسل ۹۰۸

میخوانید

نظری به هنر و تمدن عصر کوشانی — پوهنوال محمد حسن ضمیر صافی

کنشکا - امپراتور سترگ کوشانی — نویسنده: نیک سیر

شناخت اوزان سکه های کوشانی — نویسنده: بهاسکر چتوپادهیائی
برگرداننده: خلمی حیدری

مهاجرت ساکا به درانجیانا — نویسنده: پاولو دافینا
برگرداننده: امین حکیم

تجارت در عصر کوشانیها — نویسنده: بلدیو کمار
برگرداننده: عبدالظاهر یوسفزی

دکوشانی شاهانو پایکنوگرافی ..... — لیکونکی: م. م. سپاگنوی
ژبارونکی: صدیق اله عتیق زوی

سکه شناسی ..... ؟ — برگرداننده: ز. کاوشگر

کتابشناسی کوشانی — نویسنده: ب. ن. پوری
برگرداننده: حمیدالله صدیقی

وزارت اطلاعات و کلتور

مرکز بین المللی تحقیقات کوشانی

مدیر مسوول: گل محمد ادبیار

اعضای تصحیح و چاپ:

عبدالله دوست - امین حکیم

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

Museum Library Lucknow 6877

پوهنوال محمد حسن اصمیم صافی

هنر و تمدن در عصر کوشانی

در سه قرن اول میلاد ی‌امپرا توری وسیع و مقتدر وجود داشت که از وادی گنگا تا آسیا ی‌مرکزی را در بر میگرفت و این امپراتور ی بزرگ را مرد مبوجود آوردند که‌قبلا صحرا نشین و بدو ی بودند این مرد م در تاریخ بنام کوشا نیها شهرت دارند .

یکی از خصوصیات ومشخصات عمدهٔ دوره امپرا تور ی کوشا نیها این بوده که در چوکات این‌امپرا توری وسیع، مدنیت کلتور ی و سیاسی اقوام و مرد ما نی‌تا مین‌شد که دارا ی نژاد ها زبانها مذاهب وفرهنگهای مختلف بوده‌اند.

دو هزار سال قبل جمهور یت‌ها ی آسیا یی اتحاد شوروی افغانستان ، پاکستان هند شمالی‌قسمتی از ایران و قسمتی هم از چین غربی در چوکات امپرا تور ی‌مقتدر کوشانی با هم متحد شده بودند و میتوان گفت که در تمام‌طول تاریخ این منطقه برا ی نخستین بار بود که در چوکات‌امپراتور ی کوشانی سه حوزه بزرگ از قبیل گنگا اندوس واکسوس با هم متحد شده و یک دولت واحد ی راتشکیل داده بودند مو قعیت جغرافیایی امپراتور ی کوشانی در بین روم چین و ایران‌طور ی بود که راهای مهم تجارتی از آن میگذشت و آنرا به شکلی‌درآورده که در ست مرکز جهان بشود .

راه ابریشم که در تاریخ بشر نخستین راه تجارتی وسیاسی بین القاره ای بوده و از چین تامدیترا نه امتداد داشته از قلمرو امپراتور ی کوشانی و پارتیا می‌گذشت و این قابل فهم است که تماس های وسیع و همه جانبه بین‌مرد مان سوا حل مدیترا نه ، شرق میانه وشرق نزدیک آسیا ی مرکزی‌نیم قاره هند و شرق دور صورت پذیر گشته و انکشاف نموده است.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

باختر هسته مرکز ی امپراتوری کوشا نیها شمرد ه میشد که قبل از عرو ج کوشانیها دارا ی فر هنگ پیشر فته وسنت غنی ساز مانهای دو لتی بوده است .

در باختر و در نـواحـی اطراف آن قبل از هخا منیشا ن پارسـی جا معهٔ طبقا تی و اشکا ل او لی ساز مان دو لتی پا به عر صهٔوجود گذاشته است آن اقوا م و قبایـل بدوی و صحرا نیشن که در قرن دوم قبل از میلاد به باختر آمدند دراینجا یعنی در باختر خود را بایك مدنیت بسیار پیشر فته و عنعنه محکم ومحلی حکو متدار ی و اقتصـاد شگو فا ن وفر هنگ اصیل روبرو یافتند . تحت چنین شرا یط بود که مها جرین نو وارد در زمینه ها ی اجتماعی وفر هنگی وسیاسی وهنری چنا ن پیش رفتند که در زما نو عصر خود یکی از مقتدر تریـن امپراتور ی های جها ن را تشکیل دادند و چنا ن تمد نی را بـو جو د آوردند که هم جذب کنند ه و هم صادر کنند ه بود و این عملیه در هیچ مورد ی آنقدر چشمگیر نبو دمثلیکه در هنر بوده هنر یکه در عهد کجو لا کا دفیز س و جانیشا ن او بدرجه کمال رسید .

در مورد هنر و تمد ن عصـر کوشانی تحقیقا ت باستا نشناسی خیلی تازه و آنهم وقفه‌ای بوده است و بیش از یك قرن تجاوز نمیکنند ولی باز هم باستانشناسا نِ و حتی باشند گا ن محل بطور تصاد فی از اینجا و از آنجا گنجینه ها ی هنری فراوا نی را از زیر توده ها ی خاك بیرو ن آورد ه و می آوار ندو هرروز تو جه باستا ن شناسا ن و مورخان رابخود جلب مینماید .

یونسکو این مر کز فر هنگی جهان در این اوا خر بمظنور روشـن سا ختن هر چـه بیشتر تمـد ن آسیا ی مر کز ی تو جه خود را معطو ف داشته و پرو گرا مها ی وسیعی را بسو یه بین المللـی روی دست گرفته است در چو کا ت انجمن بین المللی مطا لعا ت کلتوری آسیای مرکزی .

(International associationfor the stady of culture ofcentral asia)

یك مر کز بین المللی تحقیقا ت کو شانی رادر کابل تاسیس نمودند اکنو ن این مر کزدر چو کا ت وزارت اطلا عات و کلتور فعا لیت مـی کنند .

به ابتکار دو لت افغانستا ن و یو نسکو دو سیمینار بین المللی در بار ه هنر و تمدن کوشا نی درکابل دایر گرد ید یکی در بها ر

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

سا ل ۱۹۷۰ و دیگر ی در اگست سا ل ۱۹۷۸ بود قبل از این در سپتامبر سال ۱۹۶۸ درشهر دوشنبه مرکز تاجکستا ن شورو ی یـــك کنفرانس بین المللی نیز دایر شده بود در اپریل سا ل ۱۹۶۰ در مور د کرو نو لوجی کوشا نهیا یـــــك سیموز یمی در لند ن دایر شد ه بود که در آن کو شانشنا سا ن جها ن اشترا ك نموده بودند .

همچنا ن در بار ه پهلو ها ی مختلف هنر و تمد ن عصر کوشانی در ممالك مختلف و بزبانها ی مختلف نشرا ت زیاد ی بصور ت مقا لات و رسا له ها و کتب وراپور هـــا صورت گرفته است .

در همین سلسله چند سال قبل یونسکو یك پروژه تهیه البو م هنرو تمد ن کو شانی را منظور کرد که بالاخر ه کار ایـد ت آن از طر ف آمر شعبه تاریخ اکاد می علـــــوم افغانستا ن تکمیل و در دسا مبر ۱۹۸۰ بمقا مات یونسکو در پاریس تسلیم داده شد تا بچا پ سپرد ه شود . امپرا تور ی کوشا نی در تاریخ جها ن باستا ن بالخصو ص در کلتور و فرهنگ بشر نقش عمده وار زند ه داشته است و میتوا ن آنرا با امپراتور ی روم و امپراتوری دود مان ها ن چین و با دو لت پارت و بعدا باساسانیا ن پار س مقایسه کرد و با آنها همطر از دانست .

اکنو ن جها ت مختلف هنر وتمد ن دور ه کوشانی را بطـــور مختصر معر فی میداریم :

۱ـ زندگانی شهر ی وصنایع :

«جواستین Gustin باختر راسر زمین هزا ر شهر میدا نـــد، ژانگ کوین Zhan-Qian در اخیرقرن دوم قبل از میلاد مینو یسد کـــه «در غرب آسیا ی مرکز ی فرغا نه یك وادی نسبتا کوچك است ، در آن بیش از هفتاد شهر محا ط به دیوا ر ها و اما کن مسکو نی وجود داشت» روی همرفته سر زمیـــن آسیا ی مرکز ی در طو ل تاریخ خود با شهر های خوردو بزرگ پوشیده بود .

در عصر کو شانیها زندگا نی شهر ی نسبت به هر عصر دیگر قبلی فعا لتر و دینا میك تـر بوده است و چهار مر حله در آن مشخص میگردد .

۱ـ توسعه کمی شبکه هـــا ی شهر نشین : درین مرحله شهرهای جدید که قبلا وجود نداشتند بوجود آمدند و تعداد آنها در تاریخ قدیم آسیای مرکزی به اوج خود رسید .رسید .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

۲ـ شهر ها بیکه تهدا ب آنهـــاقبلا گذاشته شده‌بود، ساحه آنها بیش از پیش توسعه یافته وبنا های جدید ی در آن احدا ث گرد ید ه است .

۳ـ ادا مه آن پلان شهر ی که‌در آن اکثرا سه قسمت عمـــد ه ساختما نی از قبیل ارگ خود شهرو بنا هـا و ملحقا ت بیرون شهـر که در آن علاو ه برساحا ت مسکونی‌و ساحا ت صنایع دستی بنا ها ی مذهبی خصوصاً بودایی و مقبره هاشامل بود .

٤ـ تغییرا ت و تحو لات بنیاد ی‌در زندگا نی اقتصاد ی و اجتما عی شهر ها .

در توسعهٔ اقتصاد نقش عمد ه‌داشته است زیرا صنایع شهر ی و مهار ت و تخصص در آن از لحا ظکمی و کیفی انکشا ف و توسعه می نمود .

علاو تا رول شهر ها بحیـــــث‌مرا کز اید یا لوجیکی بخا طر ی‌بالا ر فت که مرا کز بناها ی مذ هبی درشهر ها متمر کز گردیدند . باین طریق شهر ها مرا کز عمدهٔ زیـــربنا ی امپرا تور ی کوشانی راتشکیل میداد ند .

در امپرا تور ی کو شا نی بین‌قرن او ل قبل از میلاد وقر ن سوم میلاد ی در قسمت عمده آسیا ی‌مرکزی فعالیت های تو لید ی در سطح عالی انکشا ف خود رسید .در این امپرا توری در صنا یـــع مختلف بطور استثنا یی در جـــهٔ‌تخصص در سطح عالی بمشا هد ه میرسد .

مواد خام تعمیرا تی و صنا عتی‌اکثرا از منابع معد نی بدست میاید آهن ، مس ، سر ب ، قلعی و سایرسنگها و کلو خه های معد نی از کانها استخراج میگردید.

طلا از ذخایر و ریدی و پررك به‌دست می آید .برای بدست آورد ن لعل و لاجورد در کانهای بد خشان‌کار و فعالیت زیاد ی صور ت می گرفت . برای تزئین سر ستو نهـاو حاشیه ها از سنگ آهك استفاده بعمل میا ید که در یك کار خا نـهٔ‌خاصی تهیه میگردید .

ذخایر کلی گل وریگ با بهترین‌کفیت آن برای صنعت شیشه سازی وچینی ساز ی بکار میر فت ازعاج‌و چو ب هند ی استفاد ه زیاد ی بعمل می آمد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

از مطالعه فلزکاری دوره کوشانی بر میاید که مردم در پروسه استخراج و ذوب و ترکیب فلزات خیلی ماهر و مسلط بودند مهارت و تکنیکی که از طرف فلز کاران وزرگران بکار برده میشد خیلی تعجب آور مینما یدآنهاآشیای ظریف وزیورات نفیسی را بوجود آورده اند که زینت آاری‌موزیمهای امروز جهان گردیده است .

در قسمت کنده کاری وساختن مهر و نشان مینا کاری خاتم کاری تر صیع و رنگ آمیزی هنرمندان دوره کوشانی معجزه کرده اند در صنعت نساجی هم خیلی‌چیره دست بوده اند در ماه نوامبر ۱۹۷۹ گنجینه ایکه در اثر کاوشهای‌مشترك باستانشناسان افغانی و اتحاد شوروی از طلا تپه بدست‌آمده عبارت است از اشیای زیورات نفیس طلایی و تعداد آنها که تنهااز شش قبر بدست آمده به بیست هزار پارچه میرسد و بقول‌ویکتورسیر یانید یVikto-Sarianidi رئیس هیات باستانشناسی اتحاد شوروی در طلاتپه میگوید که «طلا تپه اگر از یك جهت اهمیت‌عظیم هنری وفرهنگی دارد ازجهت دیگر آن خلای بزرگ تاریخی راکه در مورد درك مرا حل زندگانی اجتماعی دوره کوشانی پیش رو ی‌موخان و دانشمندان افتاده بود پر میکنند .»

این گنجینه واقعا فصل جدید ی‌را در تاریخ هنر و تمدن کوشانیها باز نموده است .

۲ـ مسکوکات دورهٔ کوشانی :

مسکوکات دوره کوشانی‌امروز نه تنها از نواحی بدست آمده که یك وقت ضمیمه امپراتوری‌کوشانی بودند بلکه بیرون از این امپراتوری مثلا از نیم قاره هند وبعضی از نواحی آسیای مرکزی حتی از بعضی نواحی قاره های‌اروپا و افریقا نیز بدست آمده اند .

مهمتر از همه گنجینه از مسکوکات طلایی ویماکد فیزس کانیشکای اول هو و یشکا و واسواد یوای اول‌است که از شمال ایتوپیا (حبشه) بدست آمده است .

مسکوکات کوشانیها که‌از همچونقاط دور بدست آمده اند طبعا نتیجه تجارت و تبادلات وسیع این‌امپراتوری باجهان بوده است . نوع مسکوکات کوشانی اگر همه‌جانبه قضاوت شود واقعا یك

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مر حله جدید ی در انکشا ف وتکا مل هنر و تخنیك مسکو کا ت نیم قار ه هند و آسیا مر کز ی‌بشمار میرود .

۳ کتیبه های دورهٔ کو شا نی :

از آن جاییکه اسناد معتبر کتبی‌و تحریر ی از دور ه کوشا نی تاهنو ز بدست نیا مده فلهذاهمین کتیبه و مسکو کا ت زمامداران کوشانی است که از مطا لعه وتحقیق‌در آن وضع سیاسی مذ هبی و کلتور ی امپراتور ی کوشا نی قابل‌درك و شنا خت شده است قسمت زیادی از کتیبه های دور ه کوشانی‌که تاهنو ز بدست آمد ه اند اکثرا بزبانها ی هند ی میباشند و این‌همه به دو گرو پ عمده تقسیم می شو ند . آن که برسم الخطخروشتی‌و آن که برسم الخط بر همنی نوشته شده اند کتیبه های‌خرو شتی اکثرا بزبا ن گند هار ی نوشته شد ه اند که یك نوع ازپرا کر یت و لهجه های هند ی‌میانه بوده و اجداد زبانها ی دار دیگ‌امروز ی بشمار میرو ند . که در هند شمال غرب و افغا نستا ن‌شمال‌شرق بدا ن هنو ز تکلم میشود .

در کتیبه های باختر ی اکثرا الفبا ی یو نانی خصو صا حرو ف کلان بکار برده شده اند که اگرخرا ب شده باشند بو ضا حت خواند ه میشو ند ولی به نسبت

اینکه زبا ن باختر ی که هنو زطوریکه لازم است تعیین و مشخص نگردید ه و دانشمندا ن آنرا بکمك‌سایر زبانها ی ایرانی میا نه می خواندند تعبیر و تفسیر و معنی آن‌کمی مشکل بنظر میرسد کتیبه های خرو شتی دوره کو شا نی اکثرا ازباختر افغانی و با ختر شورو ی (از دلو زرین تپه ، قره تپه فاجان تپه)و حتی از چین بدست آمده اند .

کتیبه های که از حو ضه رو داندو س و معاو نین آن مثلا از ناحیه کابل هد ه پشاو ر، سوا ت ،گلگت‌و تا کسیلا بدست آمده اند خاصتا قابل ملا حظه پنداشته میشو ند .ولی دربین این همه کتیبه ها آنکه حایز اهمیت فراوان بوده و خیلی‌خو ب هم حفظ شده و سالم می باشد همانا کتیبه سرخ کو تل‌بغلان است که از طر ف هیا ت باستا ن شناسی فرانسه درافغانستا ن از زیر خاك بیرو ن‌آورده شده است .

٤ـ معمار ی دور ه کوشانی !

گر چه در معمار ی دور ه‌کوشانی‌خصو یت های محلی جدا تعقیب و مرا عا ت شده است ولی خصوصیت‌ها و آثار معمار ی هیلینستیك نیز در آن بو ضا حت بمشا هده می‌رسد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

از روی معیار های جهان باستان‌شهر ها ی کوشانی سا حه‌وسیعی داشته و گا هی هم خیلی کـلا ن‌بود ه اند . تمام سا حه شهـــــر توسط دیوار های مستحکم وض خیم‌ویك خند ق عمیق احاطه شده بود و معمو لا در آن یك ارگی موجو دمیبود .

دفاع شهر یکی از وظایف عمده‌دو لت بشمار میر فت . سا ختمان دفا عی کو شانیا ن یك شکـــــل‌بیشر فته و تکا مل یافتـــــه از سا ختما ن دفاعی زمانها ی یو نا نو باختر ی بشمار میرود . تعمیر چنین سیستم های بزرگ و جسیم دفاعی تنها یك دو لت مقتدر و متمرکـــز از عهد ه آن بر آمده میتوا نست واین مساعی و پشت کار انسا نهای زیاد (غالباً غلا مان)و مقـدار زیادمنابع و مواد تعمیرا تی را ایجا ب می کرد .

چون در عهد کوشانیها بزرگ‌تمام وسایل اید یا لو جیکـــــی و سیاسی متو جه آن شده بود کـــه‌مقا م و موقف سلطا ن و حیثیت و پر ستیج دود ما ن سلطنتی بیش‌از پیش بالا برده شود در نتیجه یك پدید ه جدید ی پا به عر صـــــهٔ و جود گذاشت که آن تقدیس و تنظیم دود ما ن سلطنتی بود .

۵ـ مجسمه ساز ی :

گر چه هنر مجسمه ساز ی دوره‌کوشانی منشا خود را از عنعنـــــهٔ دورهٔ یو نانو و باختر ی می گیردولی ذوق و نبوغ هنر مند کو شانی بو ضا حت در آن دید ه میشو د .این نکته خصو صا قابل یاد آور ی است که هنر مجسمه ساز ی‌دوره‌کوشانی قسمت زیادی از محتو ی مذ هبی خود رااز شکل جدید بودیزم‌می گیرد . نوا حی مختلـــــف امپراتور ی کوشانی هر کدا م سبك‌و مکتب خاصی خود را رشد داد ه که دربین همهٔ آنها مکا تب گندهارو ماتورا خیلی مهم پنداشته مـــی شود . ولی باآنهم این نا درست‌خواهد بود اگر هنر کوشانی غیر متجا نس پنداشته شود زیرا هنرمجسمه ساز ی عصر کوشا نی از یك و حد ت درو نی بر خور دار بوده‌و کرکتر خا ص خود را دارا ست از کاوشهای بـا ستا ن شنا سا ن‌اتحاد شورو ی بر میاید که هنـــر مجسمه ساز ی نخست از با خترآغاز نموده و بعدا بهر سو رفتـــه و توسعه و تکا مل یافته است . هنرمجسمه ساز ی در دور ه کوشانی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

از آن و قت شـگو فـا ن مـــی گردد و یك نوع ابتکار خا ص در آن بمشا هد ه میرسد که کانیشکا برای نخستین بار تمام قیود و شرا یط قبلی عنعنو ی را زیر پا گذاشته و به جرا ت تمام تصو یر بودا را در سکه خود ترسیم نمود .

در مورد هنر و تمدن کوشانیها باو جود تحقیقا ت و مطالعا ت زیادی که از طرف دانشمندا ن جهان درهر قسمت صور ت گرفته با آنهـــم یك تعداد مسایل و پرابلم ها ی عمده است ناخواند ه وحل ناشد ه باقی مانده است از آنجمله مثـــلاوضع اجتماعی ، اقتصاد ی دور ه کوشانی است . طور یکه شاید و باید بان آنقد ر پرداخته شده و روشنی کافی بر آن اندا خته نشده است از وضع زندگی توده ها ی وسیع مردم کمتر خبر داریم دراخیر بطور موخذ باید خـلا صه کنم که دور ه امپراتور ی کوشانی در تاریخ جهان نه تنها انیکه یـــك عصر و وحدت سیاسی و کلتور ی و ایـــن مرد ما ن شرق و خصو صا در کشور های آسیا ی مرکز ی پنداشته میشود بلکه این دور ه در رشـــد فر هنگی شر ق و همچنا ن د ر پروسه انکشا ف تکا مل تمد ن بشر بصورت کل یك مر حله دینا میـك و فعا ل وغنی و قابل وصفی بشمار رفته و زمینه را برای شگو فا نی فر هنگ انسانی در اعصار بعد ی فراهم نموده است .

در آنیجا یك نکته قابل یادآور ی است و آن اینکه وقتی سخن از هنر و تمدن دور ه کوشانی بمیان میایدذهن ما فورا دربار امپرا تور هـاو سلا طین و طبقا ت حا کمه و قشرهای ممتاز متو جه میگردد . ولـــی معمارا ن واقعی این تمد ن در خشا ن یعنی توده های وسیع مـــرد م ، کارگرا ن ، کسبه کارا ن ، بز گران هنر مندا ن ، روشنفکرا ن وبالاخره غلا مان وسایر زحمت کشان و قشرهای و مرد م ستم کشید ه رانباید فرا مو ش کنیم .

٦ــ مذهب کوشانیها :

بقو ل پرو فیسور بابه جان غفور «مذهب دور ه کوشانی یك پدید ه کم یاب و نادر است . سیستم های مختلف مذ هبی وفرقه های متعدد مذ هبی از قبیل بودیز م ، جینیز م شیوایزم و مذ هب زردشتی و غیره در قلمرو کوشانیـــها موجود بـــوده و سوا بق وریشه های متنو عی دارد . مردم امپرا تور ی کوشا نی با مذاهب و ادیا ن زیاد محلی و قبیلو ی و غالبا با مذهب مانی نیز آشنایـــی داشته از مو جو د یـــت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مذاهب مختلف وسیستم های فکر ی و انوا ع مکاتب فلسفی در چو کات یك ساز مان سیاسی وا حد ، براستی که در تاریخ جها ن یك پدید ه جدید و کم باب بوده است «و کوشانیا ن بدوی و کو چی در سر زمین ها ی مفتو حهٔ خود خود شانرا در بین یك چهار راه سیستم های مـذهبی هندو ایرا ن ویو نا ن وروم دریافتند از همین جهت بود که در کوشا ن شهر پرستش معبود آن مذا هـــب مختلف راانکشا ف داده انـــد . کوشا نیها به رسو م وعادا ت ومعتقدات و مذاهب ملیت هـــــا ی مختلف نظر به وسیع و تحمل بی پایا ن می نگر سیتند و درین مورد از هیچگونه تعصب و تبعیض وتنگ نظر ی کار نگر فتند . آنها نه کدام دینی را بوجود آوردا ند و نه هم کوشیدند کدام دینی را از بین ببرند بلکه همه را مورد احترا م وحمایت دو لت خود قرار داد ه بودند

در تهیه این مضمون از مقالات چاپ ناشده دانشمندا ن آتـــی استفاده بعمل آمده است .

1—Boris Stavisky Historical Background

2—B.A. Livinsky, 'Urban Setting And Industry".

3—G.A. Pugachenkova."Archtecture".

4—Ahmad Hassan Dani, "Sculpture".

5—B.N. Mukherjee, "Coins".

6—Gerod Fussman, "Inscriptions".

7—A.H. Habibi, "Religion".

8—Viktor I, Sarianidit Go-ld Ffom The Melting-Pot of Central Asia", Published In The Unesco "Courier". December 1979 (32nd Year).

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نویسنده : نیك سیر

کنشکا امپراتور ستر گ کوشانی

پیش از ینکه درین نوشته بشرح زندگی ووسعت امپرا توری کنشکا موسس خاندا ن دوم کو شانی بپردازیم ، لازم میافتد نگا هی هم به پیش منظر زندگی آن امپراتوری مقتدر بیا فگنیم .

طور یکه از مطالعا ت تاریخی برمیا ید سر سلسله امپرا طور ی کو شانی ها یو چی ها بوده اند ، که شاخه از اقوا م هندو ارو پا ی را تشکیل داده اند .

آنها مدتی درواری های کو تچه قره چار و توین هوانگ و کانسوا اقامت کرده و بعداً در اثر عوامل وزدو خورد ها ی جنگی مجبور شدند بطر ف فر غا نه و ما ورا النهر رحل اقامت افگندند ، که این زندگی شان بسا ل ۱۳۸ ق . م مصاد ف میشود .

در همین دوام چو ن دولت یو نانو با ختر ی آریانا متو جه پیشرو ی در هند بود ، و از طر فی باثر ورو د و فشار اسکا ی هاروبنا بودی میر فت ، یوچی ها بااستفاده از فرصت شمال هندو کش را زیر نظر گرفته و وارد باختر شدند ، وبا عبور از در یا ی آمو بزرگترین قبیله شان بنا م «کو ی شوانگ» یاد شد ، که بالاخر ه در طو ل تاریخ بعداً بنام کوشان یاد شدند .

مور خین درین زمینه امپراتوری کوشا ن را بدو سلسله بزر گ تقسیم می کنند ، که یکی سلسله «کد فیز س» میباشد که در حدو د (چهل میلادی تا یکصدوده میلادی) بسر برده اند و دیگر ی امپرا طوری و سلسله کنشکا است ، که درحدود سالها ی (۱۲۰ـم تا ۲۶۰ـم) پاد شا هی کرده اند .

* * *

اما در باره کنشکا که بگفتهٔ پیشتر موسس خاندا ن دوم کوشانی بود ، وروایا ت ،کتیبه ها،وا فسا نه ها مسکو کات در باره او سخن ها دارند ، وی را تا سر حد موجود ی افسانو ی پیش

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

برده اند قصه‌های بودایی کنشکارا به آشوکارپادشاه بزرگ «موریا» نز دیك میسازد ، تـــا جاییکـــــه یکی‌را بجای دیگر میگیرند.

کنشکا طور یکه از رو ی مسکوکات و کتیبه ها باز یافت شده ، نـا مشـــ عبا ر ت از کنشـــکا ، کنشکی ، کانیشکا بوده است و از روی بعضی سکه‌ها لقب‌او شاهو نـاشاهو کنشکی کو شا نـــــو» معلوم گردید ه ، که معنی آن «شاه شاهان کنشکا ی کو شانی» میباشد وبعضی روایات لقب اورا «شهزاده گندهارا» یاد کرده اند .

در بسیار ی جای ها تذ کررفته‌که کنشکا سو مین شخصی بود ه که بضرب سکه دست زده و لقب‌او بالای سکه ها یش «کو شانو» بوده است .

تنها نمود ی که ما را میتوا ندبه معر فی کنشکا رهنمو نی کند ، مجسمه بدو ن سر او ست . که ازمتهورا بدست آ مده ، واین مجسمه با داشتن نشا نه های جنگ آورانه‌او را مـو جو د ی دلیر و رزم جو معر فی می‌کند ، که صا حب فتوحاتی‌شایا ن در قلمرو خو یش بـــود ه است .

کنشکا و افسانه های بودا یی :در بار ه کنشکا ونیرو ی فـــو ق انسانی او و درعین حا ل ارتبا ط اوبادین بودایی ، افسانه های زیادی پرداخته آمده است ، چنانچه نام‌کنشکا دربعضی اسنادوکتب بودایی برده شده و حمایه او را ازین دین‌نشا ن مید هد .

در این مورد حتی عقید ه بر این‌است که کنشکا آشو کا ی دو م بود ه و از دین بودایی حما یـــت‌کرده است و در مورد هنر بودا یی او را حما یتگر مکتب مجسمـــــــه‌سا ز ی گند هـا را (۱) و متهورا معر فی کرده اند ، گو یا درین مواردزحمات زیادی کشیده است . اما در مورد پر هیز گار ی ووابسته بودن‌او بآئین بودا نکا ت دیگر ی هـــم آمده ، که بعضی او را در ردیف‌گنهکارا ن بودا یی شمرده اند .

بعضی را عقید ه بر آنست کـــه‌حمایت کنشکا از دین بو دا یـــــی وجهه سیاسی داشته که بدینوسیله بتوا ند تسلط خود راپراکنده ووسیع

---

(۱) گند هارا پایتخت و قلـــب امپراطور ی کوشانی بوده ، که بیشتر شا ها ن کوشانی درهر چارفصل در آن میز یسته اند که آنرا در حدود دره کابل معر فی کرد ه‌اند .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

سازد ، و این نظر مورد تایید زیادهم قرار گرفته است .

علما ی دینی بودایی مورد تو جه‌و حمایت کنشکا بوده ، و دردوران تسلط خویش برای بسط و توسعه‌این آئین توجه مزید کرده است ، که در روال آن بیشتر هنر مجسمه‌ساز ی بودا یی عصر کوشا نی از همین عصر شناخته میا ید .

بگفته هوا ن تسنگ زایر چینی‌تقریبا چار صد سال بعد از بودا امپرا طور گند هارادست به تشکیل چار مین شورا ی دین بودا یی در کشمیر زده است ، و درین شورا ازهر فر قه و مذ هبی برای رفـــع اختلا فـات شان دانشمندان فقیهی‌را دعو ت کرد ، که تعداد آن به چار صد ونودو نه ارهت (۲) میرسد .

رئیس شورای کشمیر یك فقیه‌شعبه «سروا ستیو دن» بود ، کـــه نامش «واسو میترا» یاد گر دیـده است . و چون او ارهت نبود نخست به جلسه شورا راه‌نیا فت ولی بعدا معجز ه یی رخ داد وایزدان‌اعلام کردند که او در آیند ه بودا خواهد شد .

تقر یبا پنجصد دانشمند در ین‌شورا تفسیر های برسه «پی‌تکه» نو شتند و کنشکا این تفسیر ها راروی تخته های مسی برید،ودرجعبه سنگی گذاشت و رو ی آن استوپه‌یی بنا کرد .

قدیمترین مآ خذ ی که از شورای کشمیر سخن‌را نده‌است ،زندگینامه «وا سو بندهو» به قلم «پره مارتهه» میباشد .

در بـاره ارزش تاریخی شورای کشمیر شك وجود دارد ، ونسبت دادن آن را به کنشکا یك پدید ه‌زاهدا نه وساختگی میدا نند ، که بدآن وسیله خواسته اند ، کنشکارابگو نه آشو کا معر فی دارند .

هوا ن تسنگ نظر بگفته ها ی‌فوق عقیده دارد که کنشکا بی‌اندازه به آئین بودا ی تعلق خاطر داشته‌و تا جای ممکن پارسا وزاهد بوده است ، چرا که سراسر کشمیر راو قف اتحاد رو حانیو ن بودا یی کرده و آنها را ازهر مسلکی کـــه بوده اند به همبستگی دعو ت نموده است .

بعضی مور خین و صاحبا نعقیـده از روی مطا ت سکـه هـا وسنگ نبشته هاوروایات وافسا نه‌ها باین عقیده اند که مذ هب رسمی

(۲) ارهت روح مجسم در عالـم‌نیروانا است که هنور در عا لـــم بشر ی بسر میبرد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کنشکا آئین بودایی بوده و در عین‌حال بارباب الانواع قدیم اوستایی باختر ی و الهه‌ها ی یو نانی نیز توجه داشته است .

نکته دیگر ی کـــه تعلق خا طر کنشکا را بدین بودا یی نشا ن می دهد ، نامه ایست که «ماتری سیتا» دانشمند بودایی بعنوا ن اونوشته است (۱)

البته این نا مه به جوا ب نا مه‌ایست که ضمن آن کنشکا از آن عالم بودا یی دعوت بعمل آورد ه تابیا ید و با او در بار ه دین بودا مذاکر ه کند ، ولی عالم مذکو ر باثرکبر سن نپذ یرفته ، و ضمن هما ن نا مه کنشکا راخطا ب کرده است که :

«حیوانا ت وحشی را شکار نکن وچنا ن زند گی کن که موا فق زندگی مردم خود باشی و ازریختن خو ن خود دار ی کن ، مشفق و مهربا ن باش، وچو ن مهتا ب خانواد ه کوشانی هستی باید عملی مانند مهتا ب داشته باشی» .

بعضی زایرین چینی ازاستو په‌ای یاد می کنند که کنشکا چارصد سال بعد از مرگ بودا در شهرپوروشاپورا «پیشاور امروزی» آباد نموده است که تاز مان البیرو نی که تقریبادر هزار میلادی میز یسته خا طر ه این ستو یه در حافظه ها بوده است.

هیوا ن تسنگ زیرا چینی مـی‌گو ید : وقتی که بودا در گند ها را بود ه پیشگو ی نمدوه است که چارصد سا ل پس از مرگ او پادشاهی ستو په ای آباد خواهد نمود کـــه نشا نه های از استخوا ن بودا در آن نگهدار ی شده باشد و درین مورد قصه ای هم پرداخته شـــده است که منسو ب بکنشکا است .

درینجا باید یاد آور ی کرد که وسعت شاهنشا هی کوشا نی در زما ن کنشکا بوسیعترین حدود خود بوده و از نقا طی چو ن متهورا ، تکسیلا ، پیشاو ر ، بگرا م وسر خ کو تل نام برده شده است ، که در حلقه از سلطنت اوشامل بوده ودوام بیشتر دور ه کوشانی را درین مناطق نشان مید هد .

از رو ی نظر یاتی که در بار ه زندگی کنشکا قایم گردید ه گفته میشود که او با ترا جـــان (۲) امپرا طور روم همزما ن بوده ، یعنی

(۱) ماتر ی سیتا کسی است که در زبا ن سانسکر ت اشعـــار ی دارد .

(۲) تراجا ن بین سالها ی ۹۸ و ۱۱۷ میلادی میز یسته است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بین اوا خر قر ن اول مسیحی واو اسط قرن دوم میلادی میز یسته است .

مستشرق معر و ف گر شمـــن‌فرانسو ی با در نظر داشـــــت کاو شها یش در بگرام طـــــی‌کنفرانسی در پاریس ، سنه وفات کنشکا راسا ل ١٤٤ میلاد ی تذ کرداده است ،ولی همر دیف با آن دانشمندا ن دیگر کنشکا را بـــا«مـارك او رال انتـوان» قیصر روم همز مان میدانند ، و میگو یند که‌نمایند گا ن سیاسی نیز بین شا ن مباد له شده است .

مسکو کا ت عهد کنشکا :

در دورا ن کنشکا انداز ه وتعدادسکه بسیار زیاد دیده میشود که معمو لا سکه ها ی آن عهد از مس‌و برنج ضر ب زده میشد ه و ضرب سکه از طلا هم به پیمانه وسیـــع‌وجود داشته است .

در مسکو کا ت دورا ن کنشکـا بیشتر از رسم الخط خرو شتی بعوض رسم الخط یو نانی کارگرفته‌میشد ، و نکته دیگری که نسبت بگذشته وجه تمایزی داشت، ثبـت‌انوا ع اشکال اربا ب الانواع یونانی اوستایی و هندی در روی سکـه هابود و این میر ساند که کنشکا به تما م ادیا ن و عقاید احترا م داشته‌و از یك وسعت نظر برخور داربود ه است .

مسکو کا ت دور ه کنشکا ازافغانستان ، پاکستا ن مو جود ه و اکثر قسمت های هندو ستا ن‌بدست آمد ه و این سکه ها عمو ما شکل مدور را دارد ، که باشکال واندا ز ه های مختلف پیدا شده است.

در سکه های طلا یی عهد کنشکامعمولا لقب‌های‌یونانی «بسلیان»درج گردیده است (١) که دربعضی ازآن ها اشکا ل «هلیو س» نشا ن داده شده است .

درسکه های مسی کنشکا شا ه‌بصورت ایستاد ه نشان داده شده و کلما ت یونانی چو ن باسیلیوس‌باسلیو ن در عقب سکه بچشم می خورد .

سکه های بر نجـی کنشکا نیزحالتی چنین‌راگویاست ، منتهابافرق اینکه نقش هلیوس و نانیا (٢) درعقب آن حك شده است .

---

(١) اینگو نه سکه ها در موزیم‌بریتانیا موجود است .

(٢) از جمله اربا ب الانواع‌یونانی‌یعنی رب النو ع آفتا ب میباشد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

طور یکه قبلا هم تذکر داده شد، کنشکا در ضر ب سکه ها ی خویش از خط خروشتی در اول کار مـــی‌گر فت ، ولی بعد ا آنرا کنـــــا ر گذاشت ورسم الخط یو نانی باارباب‌الانواع یونان را مورد نظر قرا ر داد. در تکسیلا در روی پوست‌در خت رسم الخط برهمنی بد ست آمده ، که‌نشو و نمای این خط رادر عهد کنشکا نشا ن مید هد .

همچنا ن درسکه ها ی دورا ن‌کنشکا کلمه شاه (Sha) هـــم تذکر داده شده ، چنا نچه لقب اودرروی بعضی سکه ها «شاها نوشاو کنشکی کوشانو »بوده که‌به معنی‌شا ها ن کنشکا ی کو شانی » می باشد .

مجسمه یی بدو ن سر کنشکا که از متهورا بدست آمده در رو ی بسیاری سکه‌های مشهور عهـــدکنشکا بخوبی نمایا ن است ، یعنی همانسا نیکه در تصو یر و مجسمه‌آن دیده میشود ، در رو ی سکه ها نیز هویدا ست .

باید گفت که‌چهره بودا دربعضی‌سکه های کنشکا دیده میشو د ، ولی در پهلو ی آن نمود ها ی دیگراربا ب الا نواع هند ی و یونانـی هم در بسیار ی سکه ها بچشم می‌خورد و این علاقه ذهنی کنشکا رابه دیگر ادیا ن میرساند ، ولی در زمان‌کنشکا تاثیر هیلینیزم بکلی از بین میرود ، و بشر ح رو ی سکه هااز یونانی به باختر ی تبدیل مـــی گردد ، وبدین سبب بعد ازکنشکااسناد کتبی بزبا ن یونانی کمتربنظر میخورد .

در سکه های طلایی کنشکـــــا بعضی او قا ت اشکا ل خداو ند آتش ،با دو بارا ن و غیر ه دید ه‌میشود و در سکه های کنشکـــــا بعضی موار دی دیده شده ، که‌هیکل بودا در آن پیدا بوده ، و در کنار آن جمله بود و (BODDA) نوشته شده است .

کنشکا در موارد اقتصاد ی ورودمسکو کا ت طلایی (رو می تراجا ن) را از آسیا ی مر کزی کا ست ، ودر عو ض سکه ها ی طلایی کوشانی در رو م وآسیا ی صغیر را یـــج‌گشت .

برای نخستین بار است که دردورهٔ کنشکا ، در حالیکه شاه زنده بوده است ، تصویر او را در روی‌سکه ها ضر ب زده ، و بدورصورت او هاله (نیمبو س) را نشا ن میداده‌اند ، وبا المقابل سکه های‌ساسانی ورو می از ین خصوصیت بر خوردارنبودند .

باید در ین جا افزود که ده‌سال‌او ل سلطه کنشکا در خشا ن‌ترین دوره کوشا نیست ، زیرا در ین‌زمان‌کنشکا (کشتراپا های غر بی) را

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تابع خود ساخت ،واز همین جهت برای زما نی سکه ها ی آن ها از چلند افتاد .

درینجا سخنی وجود دارد که اگرشرو ع زمامدار ی کنشکا (۲۷۸) میلادی گفته شود ، شبا هت سکه کوشانی باسکه ها ی رو م شر قی مطر ح بحث قرار میگیرد .

لویکا ن غزنه :

در زما ن امپرا طور ی کنشکا بسیار ی خانواده ها ی محلی ، حکمروا یی داشتند ، که هنو زشهرتی ونا می دارند ،واز آن جمله میتوا ن (لویکان غزنه) را نام‌برد. این خانواده در اواسط قرن دوم مسیحی تحت سلطنت کنشکا درغزنی بسر میبردند ، که بیشتربنام ((لویك)) یاد میشد ، که جمع آن((لویکان)) است .

سند معتبر ی که در باره لویکان‌غزنه معر فی میشود ، عبار ت از همان کتیبه ای است که به زبا ن‌تخاری (دری قدیم) نو شته شده (۱) و مکشو فه آتشکده نو شادسرخ‌کوتل بغلان میباشد ودر آن آمده است :

((مها دژبگ لنگ (بغلان) راشاه‌بزرگ کنشکا ساخت ، و لی چون آب آن خشك شد ، آتش مقد س‌معطل ماند ، و خدا پر ستا ن نوشاد

---

(۱) اصل این کتیبه فعلا درموزیم‌ملی کا بل موجود است ، که دارای ۲۵ سطر و حدود (۱۶۰) کلمه و(۹۴۷) حر ف میباشد و هشت‌سال بعد از فوت کنشکا نوشته شده‌است ، کتیبه مذکور در سال ۱۹۵۷ کشف گردید ، و تو سطاندره مار یك کتیبه شنا س معروف خوانده شد ، که البته خوا ند ن آن‌تکمیل نگردیده است . اندره ماریك نظر به یاد داشتهای هیوان تسنگ‌که تخار را بنا م (تو- هو- لو)یاد کرده ، ونو یسند گا ن دوره‌اسلامی‌وسایر نو یسندگا ن غر بی که شمال هندو کش را بنا م تخار ستا ن یادنموده‌اند ، زبا ن کتیبه سر خ‌کوتل را زبا ن (اتیوتخاری) نا م‌نهادند.

ولی بعد ها کتیبه شنا س دیگر بنا م هیننگ نظر اندره ما ریك رارد نموده و میگو ید که کتیبه سر خ‌کوتل طور یکه لازم است برر سی نگردیده ومطالعه نشده است ، وهنوز خیلی زود است تا نظر یه‌زبان شناسی رادر موردآن‌قایم‌نماییم،بناءذکر صریح زبا ن تخار ی برا ی کتیبه سر خ کوتل درینجا به نظرمن‌قابل دقت بیشتر است ، و آنرا باید برای روشن شد ن بیشتر به زما ن واگذاشت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

خوار شدند و بپرا کندند ، تا که در سال سی ویکم سلطنت ، هنگا م نیسا ن ماه (بهار) نو کو نزو کِ کنارنك فراخدا ی -(مقرر از طر ف شاهنشاه به بغلان آمد ، و لی که ازطر ف شاه فغفور لو یك بوسر ن شمیزو گر گ شاد روا ن فرینا رآب(کار دار آب رسا نی) است ، درین جا چاه کند ، و آب بر آورد و آنرا به تهدا ب سنگی قایم و خشت‌زیر کرد ....))

چون این کتیبه از معبد سر خ‌کوتل بدست آمده ،نشا ن مید هد که این معبد تو سط کنشکا ی‌بزرگ(۱۲۵- ۱۵۲م) پی ریزی شده ، و درسا ل (۱۶۰م) تر میم شده است‌وقرار نوشته این کتیبه ،اصـــلا معبد سر خ کو تل برای آتش‌پرستی‌بوده ، و این نشا ن مید هد که در عهد کنشکا (قرن دو م میلادی) آئین‌بودا یی و آتش پرستی هر دو در حدود کشمور ما وجود دا شـــــته‌است .

حدود قدر ت کنشکا :

در آثار وکتیبه ها ی که از اوترا پرادیش بدست آمده ، وهر بو طسال سوم حکمر وا یی کنشکا نشا ن‌داده‌شده ، موید اینست که و ی برهند شما لی و نوا حی شما ل غر ب هند، پاکستا ن وهمچنا ن افغا نســـتان تسلط داشته است .

کنشکا معمو لا از پیشـــــا و ر(پایتخت زمسا نی خود) بر تما م امپرا طور ی اش حکمرا نی میکرد،واز آنجا از شما ل افغا نستا ن تا شهر قهند ، واز کشمیر تا سند وشما ل مهارا شترا در جنو ب‌حراست مینمود (۱)

در بخش شر قی هندو ســتا ن‌کتیبه ها ی سا هت -ما هیت(بین ایالت گوندا وبیهار)،کو ســـا م یاکو شا مبی (در اله آباد) وسرنت (در وارناسی یا نبا ر س امروز)تسلط کنشکا را در آن منطقه نشان مید هد .

در مورد شمو لیت بهار واطرا ف‌آن در محدوده سلطه کنشکا نظـــر دانشمندا ن متفاو ت است ، وبعضی‌آنرا از حلقه امپرا طور ی کنشکـا بیرو ن میدانند ، با ین دلیل که‌امکان‌گسترش سنه کنشکا د ربـهار و نیپا ل نشا ن دهنده تو سعه حکم‌رانی کوشا نی ها در ین سرزمین

(۱) در مورد شا مل بود ن‌افغا نستا ن و کشمیر در امپرا طور ی کنشکا کتیبه مکشو فه سر خ‌کوتل‌ونوشته ها ی را جا تر نگینی شاهد موضو ع‌اند .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ها نمیبا شد ، از طر فی ازملاحظه‌سکه ها ی مکشو فه عصر کنشکااز بهار این چنین معلو م میشود کـــه‌شاید آنها تو سط مها جرین وزا ـ یرین ویا مها جر ت (لچوی ها) ازدیگر نقا ط بدین منطقه انتقا ل‌یافته باشد .

کنشکا بنیا ن گذار سلا له دو م‌کوشانی وقتیکه زما م امور رابدست گرفت ،سر حدا ت کوشا نی‌استحکام‌بخشید ، ودشمنا ن داخلی سرزمین (کی پین) را از بین برد ، وطوری‌معلوم میشود که در اوا سط امپرا ـ طور ی بیزا نس شر قی ، قدر ت‌کنشکا باو ج خود رسیده بود .

کنشکا مسیر تجار ت راه‌ابریشم‌را از بلخ یا بلهیکا (Balhika) باگذشتن از ار ی (areion) باکاتو مبلس (Akotombales) به بحیره سر خ وسیاه واسکند ریه‌مصر و از آنجا به رو م وصل‌نمود.

اودر سا ل دهم سلطنت خو یش‌نیم قاره هند را زیر تا ثیر گر فت ، چنانچه در کشمیر جا یی بـــنا م(کانشیکا پور) ودر کا پسپا شهر شاهی بگرا م ودر تکسیلا شهـــر بزرگ سیر کپ راآباد کرد .

در زما ن اقتدا ر کنشکا اجنا س‌تجار تی مثل عا ج ،ابر یشم ،لاجورد ومواد دیگر از طریق دشوار گزا ربامیان وشبر بسو ی اندو س(سند) واز آنجا به بحیره غر بی و رو م‌انتقا ل مییافت ،واز آن منطقـه در عوض ظرو ف شیشه یی و موادخام‌وارد میگردید .

قرار نظریه الفرد فوشه کنشکـالقب شاه گند ها ر ا را داشت ، و وسعت امپرا طور ی اش خار ج ازخاك آریا نا ی قد یم بـــوده .و در ودر منا طق شما ل غر بی هند تاحوزه رود گنگا ،و به طر ف جنو ب تاکو هها ی ((وند هیا)) و در غر ب‌پامیر تا سنکیا نگ (تر کســـا ن چینی) وحوزه رود تار م امتداد داشت‌هیوان تسنگ زایر چینی نوشته‌است که‌کنشکا در گند هارا حکمرا نی می‌کرد ، واز آنجا نفو ذ قوا یش تادور دست ها احسا س میشد ، اما آنچه‌از رو ی کتیبه واسناد دست داشته معلو م گردیده ، آنست که سلطه‌کنشکا در هند تا غاز ی پور سیده است .

باساس همین اسناد شهر پتـــاپوترا (پتنه حالیه) پایتخت امپرا ـ تور ی مور یا ی هند بد ست کنشکافتح شده ، و نو یسنده مشهـــور آن شهر (اسوه گهو شا) را که به‌زبان سانسگر ت مینو شت بدربار خویش فراخواند .

ازین معلو م میشود که کنشـــکاغر ب هند را تو سط حکمرا نـــا ن خویش ، که به زبا ن سا نسکر ت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

به القاب کشت رااپاها مها کشت‌راپا یاد مینمودند اداره میکرد . که در منابع هند ی آنها بنا م امـــــرا ی((اسکا یی)) یاد میشو ند .

کنشکا بعد از یك سلسله جنگ‌های پی هم پار ت ها ی غر بی را مطیع خود ساخته ، ودر راه وحد ت‌خا ك آریا ها ی قد یم کو شید ،و در طو ل ۲۳ سا ل حکمروا یی که‌باونسبت مید هند ، آوازه او تا کا شغر ویار کند و ختن رسید .

میا ن دو مر کز امپرا تـــور ی‌کنشکا یعنی کاپیسا (بگرام)وپشاور مسیری وجود داشت که‌آنرا را شاهی میگفتند ، و قسمتی از مسیر جنوبی راه ابر یشم بود .

تاریخ سلطه و جلو س کنشکا:در مورد سنه حکمرا نی کنشکا درین اوآخر جستجو ها ی زیاد صور ت‌گرفته زیرا تعیین واقعی تا ریـــخ حکمفر ما یی او میتواند کمك خوبی‌برای شنا سایی بهتر حدود امپرا- طور ی کوشا نی ها باشد ، و بدین‌منظور تا حا ل کنفرا نس ها ی‌زیادی انجا م یافته اس ت.

در باره سنه سلطنت وزند گی‌کنشکا عقا ید گو نا گو ن وجوددارد وفر ضیه ها ونظریا ت درین زمینه‌ارایه شده است ، که ازان جمله‌یکی فرضیه (بهاندر کر) است ، که‌توسطی،ف ـ زیمل ارا یه و جستجوشده است .

بهاندر کر در سا ل (۱۸۵۵)آغازدورۀ کنشکا را سا ل (۲۷۸) میدلای ارایه داده ، که منبع آنرا یکی‌دانستن(دورۀ نامعلو م) با عصر سا که‌ها (آغاز سا ل ۷۸) تشکیل مید هد ،که بدروا ن کنشکا معرو ف است .

این نظر یه موردتایید(گرشیمن)وخانمش (لو هیوزن دی لیو) واقع شده، که شرو ع‌دوره کنشکا راگرشمن (۱٤٤) میلاد ی و خا نمش‌سال (۷۸) میلادی میدانند .

اما فرضیه بهاندر کارآنقدرموردتایید وپشتیبانی عمو م نیست ، و در قبا ل آن عقا ید دیگر ی هـــــم‌وجود دارد ، ولی زیمل برای درست بودن این فر ضیه دلایلی‌راپیشکش‌میکند ، و میگو ید باید برا ی رد فرضیه بهاندر کر که آغا ز سلطه‌کنشکا را (۲۷۸) میلاد ی میگو ید ، مثل رد دیگر فرضیه هاباید شواهدمثبت وعینی آورده شود .

دانشمندا نی که در یـــن با ره‌تحقیق نموده اند ، جلو س او را از روی سکه های ز مان وی‌با مقایسه‌سکه های کوشانی سا ل هـــا ی (۲۸٦ـ..۲ میلادی) دا نسته اند ،وعده یی از رو ی کتیبه ها ی که‌به

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

خط خروشتی ویونانی نوشته‌شده ، عهد جلوس اورا بسالهای (۱۴۰- ۱۱۲) میلادی مربوط می‌دانند .

ولی فوسمن با در نظر داشت بررسی کتیبه های از دشت ناور غزنی که به خط خروشتی و یونانی‌کشف گردیده سنه جلوس کنشکا رابسال (۶۵) میلادی مربوط میداندهمچنان پروفیسور گوبل برسکه شناس معروف از روی مطالعه‌مسکوکات سنه جلوس او را (۲۸۸) میلادی تذکر داده است . بعضی محققین عقیده دارند که بعد از بین رفتن سوتر میگاس(سال ۷۰ میلادی) کنشکا زمامور را بدست گرفته است .

در کنگره شرق شناسی‌دوشنبه(پایتخت تاجکستان اتحاد شوروی) مستشرقین باین نظر توافق رای‌نمودند ، که کنشکا در حوالی (۱۴۴ - ۱۷۳ میلادی) در جنوب‌هندوکش (متهورا) واوحین تاسیای مرکزی حکومت میکرد. ب ، ن پوری که در باره جعبه تبرکات (مطابق سنه ۷۸ سا کها)تحقیقات نموده ، سنه شروع‌حکومت کنشکا را (۷۸-۷۹) م قبول‌نمود .

بادر نظر داشت حملات شاه‌ساسانی شاپور اول در وقت کجولاکد فیزس به سال (۲۴۱-۲۷۱م) سه تر مینوس ذیل درباره سنه جلوس کنشکا به چشم‌میخورد.

۱ -۲۲۴-۲۷۱ب = م (کتیبه‌کعبه زردشت) حملات شاپور اول ساسانی .

۲ - ۱۱۸- ۱۲۰.ب = م (کتیبه‌خروشتی گندهارا و متهورا)

۳ - ۷۹- ۷۸ب = م (مقایسه‌ازروی سنه سا که ها ۷۸ یا ۱۲۵ میلادی)

باید افزود که اینگونه تر منیوس‌ها و فرضیات نیازمند تحقیق و مطالعه بیشتر میباشد زیرا موضوع‌جلوس وتاریخ شروع زمامداری کنشکا مساله بحث انگیز بوده ، وهنوز هم ناتکمیل میباشد ، وبایستی وقت بیشتر بر آن صورت‌گیرد (۱)

---

(۱) تاریخ حکمرانی کنشکا اثریست که در کنفرانس ۱۹۶۰ لندن مطرح گردیده ،و توسط فرانس‌گرونی تدوین گردیده است ، و در کنفرانس مذکور مسئاله جلوس‌کنشکا مفصل مطرح بحث قرار گرفته است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

روز نفلد در کتا ب (هنر دوره کوشانی)در مورد عصر کنشکا چنین اظهار نظر می کند :

((نظر به فر ضیه (۳۷) خو یش معتقد م که عصر کنشکا در دو دهه اول قرن ، دو م میلادی آغا ز یافته بود، در حالیکه حل قطعی مسا له را انتظار میکشم ... » در آن کتا ب نیز تذکر رفته که کنشکا در سا ل بین (۱۱۰تا۱۱۵) میلادی بر تخت سلطنت جلو س نموده ، که این فر ضیه را((ناراین)) از یو نور ستی هند ی بنارس (به طور کاملا مستقل) تایید کرده است :

در آخر باید افزود که در یـــن زمینه یعنی مسئاله جلوس کنشکا فرضیه های زیاد دیگر ی نیز و جود دارد که درین نوشته نمی گنجد ،وبد ین لحاظ اکثر دانشمندا ن در شصت سا ل گذشته مشتا قا نه در انتظار شا هد غیر قا بل تر دید ند که از((کوشا ن شهر)) یاکدا م منطقه در جوار آن بدست آید ، و مطلب را ازچوکا ت شك وگما ن بیرو ن کشد.

فرهنگ و هنر عهد کنشکا : ـدر مورد این بخش از عهد امپرا ـ طور ی کوشا نی در صفحا ت پیشتراین نوشته سخن ها ی رفته است ، ودر ین جا به طور اختصار باید گفت که فر هنگ و هنر عهد کو شا نی که جزیی از فر هنگ د یر پـــای کوشا نیا ن میباشد ، فر هنگی است که خصو صیت زاتی این سرز مین را دارد اگر چه آمیخته ها ی آن با فرهنگ گر یکو بودیك وگر یکـــوباختر و غیره هم نمایا ن است .

از نقطه نظر هیکل ترا شـــی ومجسمه سا ز ی و کتیبه پر دا ز ی دوره کنشکا و سیعتـــر ین دور ه تاریخی کوشا نیا ن میبا شد ، کـه نمونه های بر جسته مجسمه ها ی بودا ، کتیبه ها ی معرو ف چو ن کتیبه سر خ کوتل ، و هیکل بـرجسته یی خود کنشکا که از متهورا بدست آمده ، ودیگر مثال هـــا ی مشخص درین دوره میتواند معر ف فرهنگ غنی این ساما ن در زمان کوشانیا ن و به خخصو ص عهـد کنشکا باشد .

ضرب واستعما ل وروا ج سکه های مسی وطلایی و مفرغی هم می تواند نمو نه جالب هنر این دوره باشد ، که امروز دستا و یز خو ب شنا سایی آن زمان است.

لباس وزیورا ت واستعما ل کارآمد ها ی زند گی که از عهد کوشا نیان وبه خصو ص کنشکا پیدا آمده است ، میتواند با تحقیق بیشتر فرهنگ پربار این سا ما ن را درآن عهد نمایا ن سازد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

همچنان کار برد رسم‌الخط ها ی‌گونا گو ن چو ن خروشتی ، یونانی برهمی ، وکلما ت تخار ی (در ی‌امروز) که در کتیبه ها ی معرو ف حك شده است ، مسئاله تفهیـــم‌ومکالمه وافاده بارز دورا ن کنشکا رابه خوبی هو یدا میگر داند ، که‌این هم بخشی از فر هنگ توانا ی آن دورا ن بشمار میرود .

ساختما ن معابد ، چو ن معبـــد(مها دژ نوشاد بغلان)که آثار آ ن در سر خ کوتل گویا ی فر هنگ‌و وابستگی عهد کنشکا را بامدنیت زردشتی نشا ن مید هد ، نیـــزموید این سخن است که در آن‌دوران وسعت عقاید نمایا ن بوده ، وفر هنگ وآزاد ی آنرا به مفهو م وسیع کلمه نشا ن مید هد .

آرت و هنر گند هارا که ازتغیرهنر هند ی ویو نا نی بشیوهٔ محلی آن در آمده ، هم میتواند نمو نه‌بارزهنر کوشا نی باشد . و هم وابستگی آنرا با فر هنگ بودا یی نشا ن‌دهدزیرا کنشکا هما نسا نیکه به‌عقاید وادیان واربا ب الانوا ع دیگر علاقه‌نشان میداد ، در بسط و گسترش تمد ن بودا یی وپرور ش آن سهـم‌بسزا یی گر فت ، که تشکیـــل شورا ی چار م بودا یی در کشمیراز مشخصا ت بارز آن میبا شد .

ساختما ن استو په ها ی معا بد،و یهاره ها ، سنگرا مه ها (سنگ هار مه های) عهد کوشا نی بـــه‌خصو ص دورا ن کنشکا که تاجلگه های هند هم پیشر فته ونمود کا مل‌آن معبد یا بتخانه پور و شا پـورا (پیشاور) میبا شد ، میتوا ند نما یانگر صنعت و هنر خو ب معمار ی در آن زما ن بشمار رود .

تمام کشفیا ت متنو ع وحفریا ت‌جدید ی که در تما م سا حـــا ت صور ت گرفته ، نشا ن دهنده هنروفر هنگ گند هارا میبا شد ، که این بخش ها ی فر هنگی طور یکه‌شاید وبا ید است در جه بند ی و تفریق وتشریح نگردیده است .

درین جا نکته یی رابا ید تذ کـرداد که تما م هنر و نمود ها ی‌هنری که در دیر ها و صو معه ها ی‌نواحی‌جلال آباد توسط بار تو لد کشـــف گردیده ، نظر یه نو ینی رابوجـودمیاورد ، که آرت و هنر سا حـــه جلال آباد نما یانگر هنر گندهاراست‌واین هنر با آر ت نوا حی شما ل باختر ی افغانستا ن تدا خل ونز دیکی بهم میرسا ند ، که باید درین مورد تعمق ومطالعه بیشتر صور ت‌گیرد ، زیرا درین‌زمینه نظر یا ت و فرضیه ها ی گونا گو ن دانشمندان‌وجود دارد ، ومطالعا ت به صور ت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پیگیر در مورد آر ت‌گند ها را وارتبا ط آن بادیگر انوا ع هنرها ی نواحی مختلف ادامه دارد .

نکاتی که بیشتر هنر گند هارارابا دیگر نمود ها ی فر هنگی جای ها ی دیگر نزد یك میسازد ،موادساختما ن ومعمار ی ، لبا س ها ی مختلف وزیورا ت میباشد ،و بیشتراز ین طر یق است که‌میتوان‌نزدیکی آرت ها ی گونا گو ن رابررسی‌کرد. نکته ی که در ین مورد هداتیگر راه پو یش فکر یست ، موضو عی‌است که در حدود قرن چار م‌گند- هارا یگا نه نا حیه عبور کار وا ن‌های‌تجار تی بوده ، وسر حد نزد یکی هنر ها ی مختلف محسو ب میشده‌است .

باید تذکر داد که هنرگند هارادر مفهو م خا ص خودساحه‌محدودی به نظر میخورد ، که به زما ن کو شانی ها نسبت داده میشود ، ولی به مفهو م وسیع کلمه سا حه بادورنمایی رادر بر میگیرد ، که تاحدود باختر شما لی یا (ایرتا م ،تر مز)کندز ودیگر نوا حی اطرا ف آنجا پراکنده میشود . همچنا ن یك‌بخش‌باارزش هنر گند هارا در مجسمه هده به نظر میخورد ، که در تمثا ل‌های بودا یی آنجا این هنرشگوفان نمایانگر فر هنگ ، بودا یـــی درگندهارا میباشد .

نیز د رسا ل (۱۹۳۷) به شکل‌اتفا قی یك اسو په بو دا یی درکندز توسط یکی از دستیارا ن پرو فیسورفو شه فرانسو ی کشف گر دید ، که در آن تکا مل هنر یو نا ن وبو دایی در سبك هنر گند هارا بـه خوبی به ملاحظه میرسد ، که ایـن‌موضوع روشنگر آنست که شیـوه هنر بودا یی ممکن از قسمت ها ی‌شرقی گند هارا بین دریا ها ی کنر واندس (سند) با فغا نستا ن راه‌یافته باشد ، ونیز تاثیرا ت هـنر رومن هااز طریق مسیر ابر یشـــم‌بالای هنر گند هارا افتاده ،وتجارت ونزدیکی اقوا م و ملل گونا گو ن ،باعث این مسئاله شده است .

هنر متهورا :

درمورد هنر متهورادرینجااین‌نکته‌رابه عنوا ن پیش تذکر باید یاد کرد، که در طو ل تقریبا یك قر ن‌حفریاتی‌که در نقا ط مختلف سا حه متهورا صور ت گرفته است، میتواند گویای‌حالات از زند گی دور ه کوشا نـی باشد ، زیرا مواد کو شا نی را به‌دسترس میگذارد .

درین میا ن گننگهم (ganangham در حفر یا تی که در تپه کو چـــك خاکر یز کانکا لی (Kankali)انجا م داده ، یك اندازه مواد رابه شمول کتیبه های از کنشکا ، هو یشکا ،واسو دیوا و نیز زنگـــك کلاینکه بر سر یك فیل پا یه تعبیه‌شده ، بدست آورده اســـت ، او

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

همچنا ن از هو ویشکا نا مبرده ونیز در مورد زندا ن همین تپه‌کوچك وهو ویشکا ، و یهارا و کندا ـسوکا گفته ها ی ارا یه میدارد .

باید در ین زمینه چنین گفته‌آیدکه در حفریا ت سا ل (۱۹۵٤ـ۵۵) که در متهورا صور ت گرفته ، بقا یا ی دوره سو م که نشا ن دهنده مرحله کوشا نیها میباشد ، آشکاراگردید که این بقایا شا مل دا نه‌های مهره یی کم بها ، سکه ها ی‌مربوط‌کوشا نی ، و تیکر ها ی از مجسمه های که از گل ساخته شده بود،میباشد .

همچنان پیکرهٔ بدو ن سر کنشکاکه معرو فیت زیاد داشته وحیثیت سمبو لیك رابخود گرفته است ،واز منطقه متهورا بدست آمده ، می تواند نقطه عطف این هنر یعنی‌هنرمتهورا در دوره کوشا نی هاگردد.

فهرست ما خذ

۱ ـ کنشکا ـ اثر کهزاد

۲ ـ مجله تحقیقا ت کوشا نـــی(شماره او ل سا ل او ل وشماره ویژه سیمینار بین المللی مطالعا ت‌کوشا نی ۱۳۵۷).

۳ ـ تاریخ خط و نوشته ها ی‌کهن‌اثر پوهاند حبیبی

٤ ـ افغانستان بعد از اســلا م‌اثر پو هاند حبیبی

۵ـ شمــاره هـــای اول و دو م‌سا ل دو م مجله کوشا نی

٦ ـ تاریخ امپرا طور ی کوشانی‌اثر نظر محمد عزیزی .

۷ ـ تاریخ افغانستا ن جلددو م‌ـاثر کهزاد

۸ ـ تاریخ مختصر افغا نستا ن‌اثر پو هاند حبیبی

۹ ـ هنر دوره کوشا نی ـ اثرروز نفلد تر جمه محتر م ســرو ر همایو ن

۱۰ ـ رساله سر خ کو تـــل

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نو یسنده : بها سکز چتو پادهیای
برگرداننده خلمی حیدری

شناخت اوزان سکه‌های کوشانی

ویما کدفیزس نخستین حکمروای خار جی می باشد که بعداز هخامنشی ها در هندسکه‌طلایی‌ضرب‌زده‌است. سکوکات طلا یی و یما کد فیز س با در نظر دا شت روا بط تجا رتی‌امپرا توری کو شا نی با روم صورت گرفته است . چون این روابـــط‌تجارتی بیشتر از طریق بحر صورت می گرفت رو ی همین اصل است که‌مسکو کات طلا یی رو می نسبت‌به شمال وشما لغر ب هند کنو نی‌درنوا حی جنو ب آن بیشتر یا فت می شود (۱). علت کمیا بی‌این مسکوکات‌را در شمال هند می توان در ایـن دو اصل خلاصه نمود :

نخست اینکه امتعه صادرا تی روم را اکثر موادی تشکیل میداد که در جنوب هند تهیه میشد یا بـــه‌عبارت دیگر تو لیدا ت جنوب هند سبب میشد تا مسکو کات طلا یـی‌روم سیل‌آسا باین امپرا توری‌سرازیر گردد .

دیگر اینکه بگمان غا لب شا هان‌کوشانی مسکو کات رو می‌را ذوب نموده و از آن مجدداً بنام‌خودسکه‌ضرب میزدند که البته وزن سکه های تازه بضرب رسیده‌معا دل اوری‌های رو می بود.

سر از یر شدن طلا ی رو می :

روابط تجارتی بین شرق وغرب:

روابط تجارتی امپراتوری کوشا نی باروم از زمان‌حکمروایی ا گستوس تائیرو باوج خود رسیده بود و این‌درست زما نی بود که روم باثر فتوحات آسیا یی اش بحیث یك قدرت‌جها نی تبارز نموده و بر راههای تجار تی شرق و غرب تسلط کامـل پیدا نموده بود ، عوا مل تجار تی هند و روم را می توان تقا ضا ی اشیای تجملی و مصا لحه جـــات امپرا تور ی کو شا نی تو سط طبقه‌ارسطو کرات رو می دا نست . در سال ۷۷ میلادی این تقا ضا برای‌امتعه شرق باوج خود رسیده بود(۲) چنانچه در یکی از منا بع رو مـــی‌چنین آمده است :

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

«در کمتر ین شمار ش ، کشورهای هند ، عربستا ن و سور یه سالا نه یکصد بلیو ن سیستر س‌از ما ا خذ مینما یند »* باین‌ترتیب میتوا ن چگونگی تقا ضای رو مـی‌ها را برای اشیا ی تجملی حدس‌زد نه تنها تقاضا برای اشیا ی تجملی‌تسبب ار تقا و ازدیاد روز افزو ن این تجار ت گردید بلکه کشف بادهای منظم مو سو می بحر هنـد نیز درین امر نقش عمده داشت بادهای مو سو می بحر هند نخستین بار در سا ل چهل و هفت میلاد ی‌توسط هیتپالوس (۱) ناخدای رومی کشف گردید (۳) این کشف تاز ه‌سبب شد تاکشتی‌حامل مال‌التجا ره به بندر موزلیر یس در ماله بـارلنگر اندازد . باین تر تیب شرایط سهل تجار تی و مصوو نیـت‌اموا ل مسا عد گردید . دیگر نه‌تنها کاروا ن های اموا ل تجار تی ازشر دز دا ن و چپاو لگـرا ن‌صحرا های عر ب نجا ت یافت ، بلکه خطرحملات دزدا ن دریا ئی نیز از بیـن رفت زیـرا درین راه کشتی هـا ازکنار سا حل حر کت میکرد حینکه اسکند ر یـه بحیـث هـا ز ا ربز ر گ تجا ر تـی بیـن شـر ق و غر ب تبارز نمود ، روا بط ومفا همه و مراود ه بین دو بند ر بحری یعنی بیری نیکا(۳) و ننگـه‌هور نر (جا ییکه خلیج فـا رس و خلیج عمان را بهم و صل میکند) بر قرار گر دید کشتی ها از ا یـن بنا در از طر یق سوا حل عر ب‌و فارس به هند میر فت . عـلاو ه بر آن را هما ی خشکه و کاروا ن‌رو نیز از هند به طر ف غر ب از طریق آسیا ی مر کز ی وسوا حل‌اکسو س تاکسپین و بحیر ه سیاه و جو د داشت ، همین را هما ازطریق فار س به آسیای کو چـك و حتی از طر یق خلیج فار س به‌رود فرا ت و دمشق (شام) بیت ـ المقد س و خاور میر سید . ولـی‌این را هما ی کاروا ن رو نسبت به را هما ی بحیر ی اهمیت کمتری‌داشت . یو نانی های مصر زیر نظر تا لمی به پیما نه وسیـع‌به تجا رت باهند پرداختند ، پیری پلوس (٤) جغرا فیه دا ن معروف‌مینگارد که تجار یو نانی از طریق بحر در ماه جولا ی از مصر بطر ف‌هند حر کت نموده و بعـد از چهل رو ز در موز یر لیس رسیدندآنها مد ت سه ماه را در ماله بـار سپر ی نمود ه و در ماه دسا مبریا جنور ی به باز گشت شان از موز یر لیس اقدا م نمودند .

---

* Secterc سسترس نا مسکه نقره ای رو م باستا ن است که چهار م حصه یك دینار مـی‌باشد . (مترجم)

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تا لمی و پیر ی پلو س هر دو در کتب جغرا فیه شان(یکصدوچهل میلادی) از تمام سوا حل بحر هنداز دها نه اندو س و گنگا یادآوری نمود ه و ضمنا نام یکتعداد شهر وبنادر ی را که از اهمیت و یژ ه تجار تی آنو قت بر خورد ار بو دذکر کرده اند که از جمله میتوا ن اینها را نام گر فت : (۵)سیراسترین یا سورا ت ، ار یا ك (Ariake) سوپارا (٦) موزیر لیس ،بکار(۷)ومیسولیا (۸) بری گازایابروج(۹)یکی از بازا ر های بزر گ تجار تـی سوا حل غر ب هند بشما ر مـی ر فت .بهمین تر تیب ما له با رمر کز بزرگ تجار ت فلفل (مرچ سیاه) و سیلو ن مر کز تجار تی بین چین ، خلیج فار س و بحیر ه احمر محسو ب میشد .

آنچه از امپرا تور ی کوشا نی به رو م و سایر کشور ها صاد ر میشد عبارت بو د از مصا لحه جات عطر یا ت ، سنگ های قیمتـی مروار ید ، ابرا یشم ، پنبه و تکه‌ها ی چیت و ململ ، موجود یت مسا یل مذ هبی و مراسم تدفین باشکو ه و مجلل در رو م آنو قت سبب میشد تا مواد معطر و خوشبو با نجا وارد شد ه و به پیما نه زیاد بمصر ف برسد ، پلنی ضمـن اشار ه باین مطلب یاد آو ر مـی شود که در روم بـرای مـرچ سیاه‌و ذنجبیـل تقـاضا ی زیاد وجـود داشت . قیمتی ترین سنگی که ازهند به رو م صادر میشد یا قو ت کبود بود . ابر یشم ، چیت وپنبه‌در روم به قیمت گز ا ف و بلنـد بفرو ش میرسید.در زما ن حکمرایی اور لیا ن ابر یشم هم وزن طـلا فرو ش و مباد له میگردیـد .تبر یو س مجبور شد قانو نی را وضع کند تا با ساس آن پوشید ن لباس ابر یشمی قد غن گردد او زمینـه را طوری مسا عـد سا خت تا این لباس بشکل ناشا یسته و نا پسند جلو ه گر گردد .

در پیر ی پلو س بحر اریتر یا، لستی یا فت شده است که درآن اشیا ی که از بناد ر مختلف هند بخار ج صادر میشد در ج گردید ه بو د باساس این لست احجـارقیمتی ، پنبه ، تکه های چیت ، ابر یشم ، عاج ، عطر یا ت ،عقیق رنگار نگ و ظرو ف چینی ازبروچ یابر یا گزا ، مرچ سیاه، مرواریدعاج ، سنگ های قیمتی ، الماس و ابر یشم خا لص از بار ك یانیل کو ند ه Barak—or nelkynda بخارج صاد ر میگردید این همه مواد جزتو لیدا ت جنو ب هند محسو ب میشد تکه ها ی چیت و ململ اکثردر مسو لی بنا م (nasuli Patam)

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

و منا طق همجوا ر آن تهیه میگردیداین عوا مل سبب میشد تاسکه های رو می به پیما نه بیشتر در جنو ب هند یافت شود ، تا شما ل آن .

اکثر مسکو کا ت رو می از ایا لت کامپانیا(۱۰)ومدورا(۱۱) شهریکه پایتخت سلطنتی پند یا ن بو دکشف گردیده است .

یکی از کشفیا ت بزرگ در یکی از مرا کز تجار تی قد یم این دو امپرا تور ی صور ت گر فت . این مرکز تجار تی باستانی در ناحیه ار یکا میدو (٤) واقع است که در خلیج بنگال بفا صله دو کیلومتر در جنو ب پاند یچیر ی مو قعیت دارد . این نا حیه بگما ن غالب همان بازا ر بزر گ تجار تی است که توسط تا لمی یاد داشت گردید ه بوده در اثر کاو شها ییکه درسال ۱۹٤۵ در یکی از سا حات کو چک این منطقه صور ت گر فت ، سی ویك پار چه تیکر رو می باشوا هد مهم در قشر آنها کشف گردید . البته پیش از آن نیز تعداد زیادی از ین نوع سفا ل ها و ظرو ف سفالی کشف گر دیده بو د از ین کشفیا ت باین نتیجه میرسیم که شرا ب و ظرو ف مختلف الشکل رو می درزمان آگستو س وتبریوس به دور ترین سا حل تجار تی رسیده بود .

دانشمند رابر ت سو یل (۱۲) با در نظر داشت مطا لعا تش رو ی یکتعداد سکه های رو می کشف شد ه از هند باین عقیده است که :

الف : در زمان مو جو د یت قبو نسلگر ی بین امپرا تور ی کوشا نی و رو م بمشکل میتوا ن از مو جودیت شوا هد تجار تی بین این دو کشو ر نا م برد .

ب : در زما ن اگستو س روا بط بین این دو کشور قایم گردید ه و این امر سبب شد تا اشیا ی هندی در نخستین قد م به آنکشو ر صادر شود روا بط تجار تی کوشا نی هابارو م در زمان حکمروا یی نیروباوج خود رسیده بود .

ج : از ین زما ن به بعد تا عصر

کارا کا لا(۱۳) یعنی سال ۲۱۷ م روابط تجارتی روبه نزول بو د.

و : در زما ن کارا کالا تجار ت بین دو امپرا تور ی تقر یبا به صور ت کا مل قطع گردید .

ه : بار دیگر روا بط تجار تی شا ن در زما ن امپراتورا ن بیزا نتین قدر ی جا ن گر فت وزنده شد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نظر یا ت داکتر سو یل مبنی بر اینکه تجار ت بین دوامپراتوری بعد از حکمروا یی کارا کالا (۲۴۷میلاد ی) رو به نزو ل رفت ، با در نظر داشت این مطا لب قابل اصلاح میباشد :

الف : کشف مسکو کـــا ت رو می از هند نشان مید هد که تجار ت رو می ها و کو شا نی هادست کم تا قر ن چار م میلاد ی ادامه داشته است (٦) که بایـــن ار تبا ط میتوا ن از کشف سکه های دیو کلیسا ن (١٤) از آله آبادوسکه های کونستانتین بزرگ از مدراس نام برد . که اولی مربو ط سا ل۲۳۸ ـ ۲۳۹ و دو می مربو ط سال ۳۳۷ میلادی میباشد .

ب : روا بط تجار تی فعا ل بین امپرا تور ی رو م و کوشا نی از طریق پا لمیرا و الکسا ندر یه تاقر ن سوم میلاد ی ادا مه داشت که این روا بط بین سالیا ن ۱۰۵ـ۲۷۳ م . بحد اعلا ی خود رسید ه بود . از جانب دیگر ج. ب پیراو لکس (۷) (G.B. Priaulx)بیان میدارد که در زمان حکمروا یـــی سیور یو س ۱۹٤ـ ۲۱۰ و پسرش کارا کالا (۲۱۱ ـ ۲۱۷ م .) وپسیید و انتو نینس ، روا بـــط تجار تی بین دو امپراتور ی باو ج خود رسید ه و الکسا ندر یه و پالمیر ا از شو کت و جلال ویژه ای بر خوردا ر بود .

گذار شا ت روابط تجار تی هند و رو م یا ا مپرا طوری کوشانی و روم که در بالا از آن مختصر ذکـــر کرد یم باسکه زنی طلایی کوشانی ها پیو ند ناگسستنی دارد . زیرا بگمان غا لب آغاز ، انکشا ف ونزو ل روابط این دو امپرا تور ی د رانکشا ف و سقوط سکه زنی طلا یی کو شانی ها بی تاثیر بوده نمـــی تواند . داشتن دانشی از پس منظر روابط تجار تی رو می هاو کوشانی ها لا بد ما را در قسمت مسا یل اوزا ن سکه های کوشا نی بو یژ ه مسکو کا ت طلا یی به روشنـــی خا صی قرار داده و در زمینه بررسی آن کمك شایا ن مینماید .

مقیاس وز ن در سکه هـــا ی طلا یی کوشانی :

امپرا تورا ن کو شانی ازویمالدفیز س به بعد یکتعداد زیاد سکه های طلایی ضر ب زد ند . سالهاپیش دانشمنـد کنگهم (۸) او سط وزن مبا لغ کا مل پار چه ها ی طلایی ویما کد فیز س ، کنشکا ،هوشیکا و وسو دیط را یکصدو بیست و سه نخود (۱۵) نشان داده بود.اوبعداز جمع آور ی یکصدو هفتاد و نه نمونه از سکه های شاها ن کو شا نی چنین نتیجه گیری نمود :

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

حد او سط (۱۹) دنیار و یما کـــدفیز س ۲۱ ـ ۱۲۲ نخود
حد او سط ۲۱ دنیار کنیشکـــا ۱۹ـ۱۲۲ نخود
حد اوسط (۱۸) دنیا رو وسو دیواهوشیکا ۱۶ حد اوسط ۲۱ د نیـار وسود یوا ۳ ـ ۱۲۳ نخود ۱۲۲ نخود کوچکترین ربع دنیا با یـــك چارم حصه یك دنیاری هر یك ازین‌حکمـر وایـا ن ۳۰٫۸ نخـود وزن داشت . باین تر تیب وزن مجموعی‌چار سکه ربع دنیار ی باز هـــم ۱۲۳٫۲ نخود میشود . سکه های‌طلا یی امپراتوران کو شانی را نظر به حد او سط وز ن آنها میتوا ن‌به این سه گروپ تقسیم یا تصنیف نمود :

الف :دودنیاری‌باوزن ۲٤٦٫٤نخود
ب : دنیار باو زن ۱۲۳٫۲ نخود
ج : ربع دینا ر باو زن ۳۰٫۸نخود

تفاو ت اوزا ن در بر خی از سکه‌های هر یك ازین صنف ها رانباید از نظر دور داشت چنانچه یکی ازسکه ها ی ربع دنیار ی (۹) و یماکد فیز س که در آن چهر ه ریش دارشاه باســه شا خــه و تبـر جنگ نقش شده است ۳۰٫۵ نخو د وزن‌دارد که این سکه یگانه نمو نه نوع خود میباشد . ربع دنیار ی ها ی‌کنیشکا (۱۰) دارا ی اوز ان مختلف میباشد . نو ع (انشو) آن ۲۹٫۷ و۳۰٫۷ نخود ـ نو ع (ماوو) ۳۱٫۰ نخو د ، نو ع میرا۳۰٫۱۱ نخودونوع(نانا)۳۱٫۰ و۲ ر ۳۱ نخو د(اولیشو ۳۰٫۵و۳۰٫۱ نخود ونوع(نارو) آن‌صرف.ر.۳۰ نخودوزن دارد،بهمیـــن تر تیب دربین د ینا ر ی هـــا ی‌هو شیکا (۱۱) نیز اختلا ف وز ن دید ه میشود ، چنانچه ربـــــع‌دینار ی نوع (اردکشو) آن ۳۰٫٦ نخود ، نــوع (ماوو) ۳۰٫۷ نخود ،نــوع میـــرا ۲۹٫۵ نخـــود ۲۷٫۰ نخود ، ۳۰٫۷ نخود ، ۲۹٫۵ نخود،۳۰٫۱ نخـــو د و ۲ ر ۳۰ نخـــود وزن داشته و وزن ربع دینار ی های‌نـو ع (نـا نـا) ۲۸٫۵ نخـــود نـــو ع (او ایشـو ـ نانا) ۳۰٫۸نخود ـ نوع (اونیا) ۳۰٫۲ نخو د نوع (فارو) ۳۳٫۳ نخود ، نو ع(سارا پو) ۳۰٫۵ نخود ، نـــو ع (سکندا کمار و بیـــــزا کو ی) ۳۱٫۳ نخود وزن دارد . همچنا ن سکه ها ی‌ربع دینار ی طلا یی وسود یوا(۱۲) نیز دارا ی اوزا ن مختلف بوده چنانچه وز ن هر دونوع (اوایشو) آن از ۳۰٫۰ تا ۳۰٫۷ نخود وزن دارد. باین تر تیب مـی‌بینیم که در ربع دینار ی های طلایی شاها ن کوشانی نیز اختلا ف وز ن دیده میشود چنانچه زیاد تر ین وز ن آنها ۳۰٫۸ نخود و کمترین‌وزن آنها بیست‌و هفت نخو د بوده

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

و ازین میا ن اکثر سکه ها ی ربـع‌دینار ی دارا ی وزن بیشتر از سی نخود میباشد .

ویما کد فیز س یکتعداد محدو دسکه ها ی دو دینار ی ضر ب زده است که با آنهم وز ن دوو دینارؤ های او از هم مغایرت دارد (۱۳) چنانچه دو دینار ی طلا یی نو ع(شاه در حالت نشسته بـــرو ی ابرو شیوا) ۲٤٤ر٤ نخـود و نوع«نیم تنه شاه بالای ابرو شیـــوا» ۲٤٥ر٤ و ۲٤٦ر۱ نخـو د و نـو ع«کله شاه دربین یك چو کـــــا ت وشمیوا» او ۲۳۷ر٦ نخود وزن داردکه با ینصور ت زیاد ترین وزن سکه ها ی دو دینار ی طلایی و یماکد فیز س ۲۳۷ر٦ نخود و کمتر ین آن ۲٤٦ر۱ نخود و وزن دینار ها ی‌و یما کد فیز س بین ۱۲۳ر۳ تـــا یکصدو نوزد ه نخود میباشد بهمین‌ترتیب کمترین وزن یك دینار ی کنیشکا ۱۰۹ر۲ نخود و بلند ترین‌وزن یك دیناری نوع بو دو)(۱٤) او ۱۲۳ر٤ نخود میباشد . دینار های‌هو شیکا از یکصدو بیست و پنج تا ۱۱۹ر۳ نخود وز ن داشته که وز ن‌سکه نوع (مها سینا (۱۵) او بـه یکصدو بیست‌و پنج نخود میرسید.

یك د ینار ی های وسو د یـوا۱۲٤ر۷ نخود تا ۱۲۲ر۳ نخو د وزن دارد . پس می بینیم که بلند ترین‌وزن یك دینار ی های شاهـــــا ن کوشانی یکصدو بیست‌و پنـــــج‌نخود و پایا نترین آن ۱۰۹ر۳ نخود بوده و حد اوسط وز ن یك دینار ی‌ها را میتوا ن یکصدو بیست‌و سه نخود تعیین نمود .

ارزش نسبی طلا و نقره :

حد او سط وزن دینار هـــا ی‌کو شا نی که مقیاس وزن سکه های طلا یی این عصر بشمار میر فت‌بمرا تب از حد او سط وزن سکه های تروی (۱٦)یکصدوسی نخودی‌مقیاس‌اتیك یو نانی ، کمتر بود .

درینجا سوا ل پیدا میشود که‌چرا در وزن سکه های طلا یـــــی اینوع اختلا ف وجود دارد ؟ بـرای‌پاسخ داد ن درست باین سوا ل یك اصل را باید در نظر داشت وآن عبار ت از تفاو ت ارزشها ی طلا و نقر ه (۱٦) در عصر کوشانی‌هاست زیرا وزن یك ، دو درهمی نقر ه ای درین دور ه هنوز هـــم نزدیك به یکصدو چهل و هشت نخود باقیمانده بود . طبق یکی ازروایات‌زینوفون (۱۷) مور خ‌یونانی در امپراتور ی هنما منشی پارســـ‌بیست‌سکه‌نقره‌ای دسیگلو(۱۸)معادل یك سکه طلایی (دار یك (۱۹) بودکه یکصدو سی نخود وزن داشت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

که هر گاه مخلوط آنرا نا دیده‌انگاریم تنا سب طلاو نقره در سکه های‌هنحا منشی (۱۳: ۱) سیز ده‌به نسبت یك میباشد در حالیکه نسبت سکه های طلا یی و نقره ای‌در یو نان معا صر هنحا منشی (۱٤ :۱) وبعد ها (۱۲ : ۱) بو د ه‌که در سا ل ۳۰٦ پس از میلاد این نسبت به ده ، یك (۱:۱۰) کاهش‌یافت . تفاو ت سکه ها ی طلایی و نقر ه‌ای در زمان‌اگستو س‌در روم نیز تفاو ت سکه ها ی طلایی و نقر ه (۱:۱۰) بود .

چنین تصور میشود که یو نانو باختر ی ها مانند شاها ن سابق یو نان و پارس شیو ه ار زش وتبادله یك سکه طلایی را بابیست سکه نقره ای حفظ نمودند. ستاتر (۲۰)دوازده او بلی در حدود یکصدو سی نخود وزن داشت . در حالیکه‌در هم شش اوبلی دارا ی شصت‌و پنج نخود وزن بود، هر گاه بیست‌معا د ل یك ستا تر با شد پس نسبت بین طلا و نقره ده ویك(۱۰ : ۱) میباشد . و باین ترتیب می‌بینیم که‌نقره علاقمندان‌بیشترداشته‌است ، که این علاقمند ی نه تنهادر قلمرو یو نانو باختر ی بلکه دردر امپراتور ی کوشانی نیز تعادل خود را حفظ نمود ه و سبب میشد تاتنا سب ارزش و تبادله طلا را در بدل نقر ه تا قر ن او ل میلاد ی‌به سطح پایانتری نگهدار د .

پیری پنس یکی ازمحققین‌اظهارمیدارد که در امپراتور ی کوشانی نقر ه به ذوق و علا قمند یی با تبادله میگردید از کتیبه شما ره دهم ناسیك (۲۲) چنین‌برمیاید‌که‌هفتادهزار کرشپانا (۲۳) درارزش معادل دو هزا ر ستور(۲٤) بو د که با ینتر تیب سی و پنج کرشپانا معادل یك‌سوور نا میگر دید هر گاه مافر ضیهٔ داکتر دا بها ندار کر (۲۵) مبنی‌براینکه کر شپانا نقر ه ای وسوورنای طلایی مرو جه بو می هند بوده و هرکدا م به ترتیب دارا ی وز ن سی‌و دو و هشتاد راتیز (۲٦) بوده‌اند،موردقبو ل قرار دهیم ، پس تناسب بین طلاو نقره ۳۵×۳۲ : ۸۰ که‌یك نسبت (۱:۱٤) رانشا ن میدهد که این اصل بر خلاف اظهارا ت‌پیر ی پلس میباشد ، زیرا موصوف عقیده دارد که در قر ن او ل میلادی نقر ه نسبت به طلا علاقمندا ن بیشتری داشت . ودر دنیای غر ب‌بر عکس آن . پس کرشپانا وسوور راکه‌در کتیبه‌ناسك‌ذکر گردیده‌است‌نباید مقیا س ذکر شده منا بع سمر یتی (۲۷) دانست‌بلکه مقیا سی‌شمرده میشود که در قرن‌دوم میلادی معمول بود و آنهم صرف برای سکه‌های نقره ای بهاپانا که در غرب‌هند بضرب میر سید .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بجز سکه های طلایی شا هـــان کوشا نی تاکنون هیچگونه سکه بومی یی بنام سودر نادر هندمعاصر بچشم نخورده است . از جانب دیگر سکه های نقره ای نهاپانا صرف ۳۵ نخودوزن دارد ، نه ۷۵ نخود یا بیشتر از آن همچنان سکه های طلایی کوشانی ها ۱٤۰ نخود وزن نداشته بلکه در حدود ۱۲٤ نخود وزن دارد که هرگاه این یك مقیا س مروج بوده باشد پس نسبت نقره وطلاده و یك (۱۰ :۱) می باشد و حتی ممکن کمتر از آن یعنی ((۹ :۱)). و آنهم درصورتیکه فیصدی مخلوط طلای مسکوکات عصر کوشانی را از نظر دور نداشتـــــه باشیم (۱۷)

در ین زمان نسبت نقره و طلادرفارس سیزده و یك (۱۳ :۱) بود. لذا طوریکه پیری پلس نیز اشاره نموده است تبادله طلاو نقره در امپرا توری کو شا نی سود مند واقع میشد .

چون پیش از کو شا نیان یکعده از شاهان یونانو باختری ما نند انتیما کوس انتیال کیداس نیاندرنیاندروا پولو دو تس به پیمانه زیادی سکه ضرب زده بودند و مسکو کا ت برای مردم این خطه وسیع کامـــلا شنا ختـه شده بود بنا در ز مـا ن کوشا نی ها نیز بگمان غالب نه تنها سکه هایشان ، منسوخ نگردیـــد بلکه دو باره تجدید نیز شد. البته سکه های طلایی رومی به پیما نـه وسیع در امپرا توری کو شا نی مجدد ضرب زده شد. و این آنعـده از مسکو کا تی بود که در اثر تجار ت ومعامله وارد امپرا تور ی کوشا نی شده بود ، ایشان می کوشیدند تا سکه زنی جدید طلا را با ارزش نقره موجود تعدیل نمایند . در آن زمان یك نیم در همی نقره ای تازه از ضرب بر آمده و استعمال نا شده صرف در حدود ۳۷ نخود وزن داشت وحد اوسط وزن یك دو در همی تازه از ضرب بر آمده نقره ای صر ف ۱٤۸ نخود بود . هر گاه ارزش سکه طلایی جدید برابر با ده دو در همی وچهل نیم در همی بوده باشد ارزش آن در نقره ۱٫٤۸ نخود بوده است وباین ترتیب می بینیم که وزن سکهٔ جدید طلا یی ۱۲۳٫۳ نخود می باشد. که این خود حد اوسط وزن سکه های طلایی کو شا نی می باشد (۱۸).

هر گاه سکه های طلایی کو شانی را با سکه های طلایی امپرا توران روم چون تبر یوس و نیرو مقایسه نماییم سکه های رومی از نقطه نظر وزن واندازه بر مسکو کات کو شا نـــی تاثیرات خاصی بجا گذاشته است (۱۹) . ولی دا نشمند کنیدی (۲۸) معتقد بود که سکه های کنشیکا از نقطه نظر مقیاس وزن تحت تاثیر مستقیم سکه های رومی نبوده است . به نظر او ارزش نسبی طلاو نقره یگیانه فکتور تعیین کننده در سکه سازی طلا یی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کوشانی محسوب می شود . مساله اینکه چرا از زمان اسکندر مقدونی به بعد ارزش طلا نسبت به نقره از یك دهم به یك دوازدهم بلند رفت، از طرف دانشمند کنیدی به صورت دقیق ومفصل ارزیابی گردیده است که در ینجا به ذکر مختصر آن اکتفامی نماییم .

زما نیکه اسکندرمروجه طلا و نقره رامعرفی نمود تنا سب بین این دو فلز کم بود . ولی طوریکه هیردوت بیان میداردر زمان او تناسب بین طلا ونقره سیزده یك بود. در ۴۰۰ پیش از میلاد این نسبت بـــه (۱۲ : ۱) پایین آمد ودر ۳۰۰ میلادی ایـــن نسبت به (۱۰: ۱) ده یك رسید.

اصلا معادن عمده طلا درآ سیا وافریقا موقعیت داشت واز جا نب دیگـــر طلا به صورت معمول در آسیا ومصر برای اهداف و مقا صد تجا ر تی مورد استفاده قرار می گرفت و طلا ازشهر های آسیا یی تحت تسلط یو نا نی ها بحیث وسیله تبادله به سر زمین یونان راه یافت . ولی در دیگـــر قیمت های ا روپا استعمال طلا تازمان اسکندر ناشناخته مانده بودتا اینکه باثر فتو حات رومی ها دریونان وقسمتی از آسیا در آغاز قرن دوم پیش از میلاد همه چیز تغییر یا فت بعد از جنگ مگنیشیا (شهر یست در غرب تر کیه) در ۱۹۰ پیش از میلاد رو می غرا ما ت جنگی را بالای سوریه قبولاندند . در ۱۸۹ پیش ازمیلاد مردمان ایتو لـــی ها (۲۹) «شهر یست در غرب یونان» یك سوم حصه غرامات شانرا طلا پر داختند. زیرا قادر به پر دا خت نقره نبودند. بعداز این جریان طلا ی آسیا به روم بدون تو قف ادامه پیدا کرد و مقادیر زیاد طلا در خزا نه های روم ذخیره شد. بهمین تر تیب شا هان، حکمر وایان و منتقد ین محلی اکثر کشور های آسیا یی نیز به پیما نه زیادی طلا اندو ختند . این همه سبب شد تادر قرن اول پیش از میلاد ارزش نسبی طلا از یك دهم (۱ : ۱۰) به یك دوازدهم (۱ : ۱۲) بلند رود. این نسبت تا دو صد سال دیگر به همین ترتیب باقیماند. این مقیا س ثا بت نگهداشته شده در ضرا بخا نه های روم از زمان ژول سزار تا زمـــان تراجان به نسبت یك یازده اعشاریه نود و یك (۹۱ر ر۱۱) باقیماند ولی حتی پیش از فتو حات آسیا یی روم علت دیگری نیز وجود داشت. تـــاارزش طلا راکمی بالا ببرد . فتوحات اسکندر سا حا تی را که سکه زنی طلا در آن رایج بود به پیما نه زیاد وسعت داد. سکه های طلایی سلو سید ها به صورت نسبی کم است. دیودوتس وایو تیدموس شاید یك اندازه از سایبر یا وآسیای مرکزی بدست آورده باشند . ولی بعدازمگنیشیا طلا عملا از سکـــه سازی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

باختری هاو شاهان هندو گریـــك ناپدید گردید . مینا ندر، معاصرین وجانشینان او جهت جلو گیری از کاهش دو در همی های نقره ای‌شان وزن آنها را از ۱۳٤٫٤ به ۱۳۸ نخود بالا بردند .ولی این امر برای آزمون طلا بسنده شمرده نمی شد .طلایی‌که در زمان کنشکا به تناسب نقره یك بردوازده (۱۲:۱) بلند رفت‌او به‌همین نرخ سکه های طلایی اش را ضرب زد .

به نظر کنیدی رابطه بین مقیا س‌وزن سکه های کنیشکا و اوری (۳۰) های رومی غیر مستقیم و بعید بـــه‌نظر میرسد (۲۰). سکه های طلا یی کنیشکا وژول سزارزاده‌سکه سازی‌طلایی مقدونی بود که وزن آنها از روی ارزش طلا در بازار تعیین شده‌بود. .

آنچه کنگهم در ین مورد نتیجه‌گیری می کند اینست که وزن سکه های اوری امپرا توری روم از زمان‌اگستوس تا نیرو باسکه های‌طلایی ویماکد فیزس و جا نشینان او بـی‌ارتباط مانده نمی تواند . این نظر بیشتر مورد تایید قرار می‌گیرد زیراسکه های رومی به آن پیما نه که‌در نواحی جنوب هند کشف گردیده درشمال هندو ستان بد ست نیا مـده است ، و این خود دستاویز یست‌برای اثبات ادعای‌ما .

رابطه بین مقیا س مسکو کـات‌طلایی کو شا نی و رو می :

مقیا س سکه های طلا یی رو می‌درز مان اگستو س‌ونیرو بدون شك تاثیرات چند بالای سکه های طلای‌کوشا نی از خود بجا گذاشته است چنا نچه این اصل راکنگهم ویکتعداددانشمندان دیگر نیز یاد آور شده اند، ولی به خاطر باید سپرد که‌سکه‌های طلای کوشانی از نقطه نـظـر وزن کاملا از اوری های رو می تقلیدنگردیده بود، زیرا اگر چنان می‌بود باید وزن سکه های کو شا نی همگام‌با تحولات وزن سکه های رو می در قرن اول و دو م میلادی‌تغییر وتحول‌میافت .ولی بر عکس مسکو کـا ت طلایی کوشا نی در ین دو قرن یعنی‌از زمان ویماکد فیزس تا جلو س وسود یواهیچگونه‌تحو لی ندید (۲۱)

شاهان بزرگ کو شا نی مسایل‌ومشکلات اقتصادی شانرا با تغییر آوردن جز یی در کیفیت طـــلا ی‌مسکو کات شان بمرور زمان حـــل نمودند . در حالیکه امپراتوران رومی‌کیفیت طلای مسکو کات شانرا ثا بت نگهد اشته ولی وزن سکه ها یشان‌رابه صورت روز افزو ن کـــــم کردند (۲۲) .

دانشمندس.ك.میتی (۳۱) (۳۲)بادر نظر داشت مطالعا تی که در زمینه انجام داده است معتقد است‌که کیفیت و چگو نگی طلای مسکو- کات حکمر وایان کو شا نی ناب‌بودن خود را بمرور از دست داده

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

است . موصوف برای اثبات ادعای خویش ثمره تجار بش را چنین بیان میدارد :

از بررسی چارسکه یك دنیاری ویماکدفیزس بر میاید که حد اوسط وزن هر دنیار او ۱ر۱۲۱ نخود است واز این میان وزن طلای خالص آن ۱۱۹ نخود می باشد . به عین شکل حد اوسط وزن یك دینار طلایی کنیشکا ٤٥ر۱۲۰ نخود بوده که وزن طلای خالص آن ٥ر۱۱۷ نخود می باشد . سکه های هویشکا را می توان بدو بخش تصنیف نمود. بخش اول که دارای حد اوسط وزن ٦ر۱۲۳ نخود بوده و طلای خالص آن ۳ر۱۱٥ نخود می باشد . بخش دوم دارای حد اوسط وزن ۷ر۱۱۹ نخود که وزن طلای ناب آن به ۷ر۱۱۰ نخود می رسد . این تجزیه و تحلیل محتویات طلای سکه های هویشکا چنین می رساند که در سلسله حکمروایان کوشانی دو هویشکا وجود داشته است . طوریکه دانشمند الف .ل. باشام نیز باین اصل اشاره نموده است (صفحات ۷۷ـ ۸٥ شماره سال ۱۹٥۷ بلوتن مکتب مطالعات شرقی) ولی سکه های هویشکا را از نقطه نظر ساختمان و دیزاین نمی توان بدو بخش یا گروپ تقسیم و تصنیف نمود . سکه های واسودیوا دارای وزن تقریبی ۸٥ر ۱۱۷ نخود بوده که وزن طلای خالص آن به ٥ر۱۰۲ نخود میرسد . با در نظر داشت بررسی های دقیق دانشمند میتی تغییر در فیصدی طلای دینار های کوشانی که تا زمان واسودیوا جزیی وناچیز بود، در زمان جانشینان وسودیوا بیشتر گردیده و به صورت روز افزون غش پیدا نمود.

یك بررسی کامل از اوری های رومی و سکه های طلای کوشانی نشان میدهد که هیچگونه مطابقت دقیق و درست بین این دو سکه زنی وجود ندارد ،حتی در زمانیکه نخستین سکه های طلایی کوشانی توسط ویماکدفیزس ضرب شد (۲٤) یگانه سکه اوری رومی که به وزن ۱۲۳ نخود یا ۸ گرام ضرب زده شده و مقیاس وزن سکه طلای ویماکد فیزس قرار گرفت مربوط اگستوس (۱۹ـ۱٤ پ . م) می باشد . اوری های مربوط سال .

٤٥ـ٤٤ و٤۳ تا ۳۷ پیش از میلاد با داشتنی وزن ۱ر۸ گرام ضرب زده میشد . و اوری های مربوط سالهای ۳٦ـ ۲۷ و ۲۷ـ ۱۹ پیش از میلاد به مقیاسی در حدود ۹ر۷ گرام به ضرب میرسید . اوری های مربوط به سال دوم پیش از میلاد تا ۱٤ میلادی نیز به عین مقیاس ضرب میشد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

حد اوسط وزن سکه های طلای تبریونس ، کلاودیو س و پیش از ریفورم نیرو به ترتیب ۸ر۷ و ۷ر۷و۶ر۷ گرام بود. این امر نشان‌میدهد که چگو نه وزن سکه های اوری به‌ترتیب کا هش میا فت . در اثـــر ریفورم نیرو در سال ٦٤میلادی وزن‌اوری ها ۳ر۰ گرام کم شد و بـــه مقیا س ۳ر۷ گرام ضرب زده می‌شددومتیا ن و نیروا کو شیدند تاوزن سکه های شانرا با مقیا س پیش‌ازریفورم مسا وی سازند . و لی این کوشش شان ثمر بخشی وا قـــع نشد . حکمروا یان د یگر روم سکه های طلای شا نرا به همان مقیا س۳ر۷ گرام بعداز ریفـــورم ضرب زدند (۲۵) .

چنین به نظر میرسد ک ه سکه‌های کو شا نی و رو می از طریق تجارت به سویه بین المللی و بـه‌پیمانه وسیع با هم تبادله گردیده باشدولی هیچگاه اتفاق‌نی افتاده‌است‌که این هر دوسکه دریك خطه ویژه پهلو به پهلوی هم به دوران افتاده‌باشد . سکه های رومی از سا حات مختلف امپرا توری کو شا نی چون‌بیهار ، بمبیی ، مدراس ،حیدرآباد مسیور ، پنجاب و سایر بخش هادرهند ، پاکستان و افغا نستان کشف گردیده است (۲٦)

تاریخ این سکه کشف شده از سا حات ذکر شده در بالا از قرن اول پیش از میلاد تا قرن چارم‌میلادی‌میرسد . ولی کاهش تدریجی وزن اوری های رومی طوریکه در بالا به‌آن اشاره شد ، ما را با ین نتیجه میرسا ند که تعین حد اوسط وزن‌سکه های کوشانی به پیروی‌از اوری های رومی نبوده است . در حا لیکه‌حد اوسط وزن دینار های کوشانی ۸گرام بود ولی از سکه های رومی‌از ۸گرام بمرور کاهش یا فته وتا ۳ر۷ گرام رسید . طور یکه گفتـه‌آمدیم ضرب سکه های طلا یی‌توسط حکمروایان کو شا نی بگمان بیشتر ناشی از صدور طلای رومی بـــه امپرا توری کو شانی‌از راه بارزگانی بوده است .وزن دینار های کوشانی بیشتر به خاطر ارزش نسبی طلاونقره در زمان ایشان ثابت نگهداشته شده بود .

اسم گذاری سکه :

دینار (۳۲) : در کتیبه های قدیم‌کلمه دینار یو س رو می را بشکل دینار یا دینار انیز یافته می‌توانیم‌این نام در کتیبه های عصر گوپتای هند نیز به چشم می خورد . چنانچه‌در کتیبه شانچی (٤٥٠ـ ٤٥١م.) همچنان در بخشی از منابع را جاترنگنی جاییکه به تورا مانا بحیـــث پادشاه هونا اشاره شده است.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

به همین تر تیب در منابع سمریتی (۳۳) دینارا مترادف سوورنا ذکر شده است . در کتیبه ها، سکه های طلایی گوپتا رادینارانبشنه‌اند. سکه های حکمروایان بعدی کو شا نی هاکه نمونه های خوب سکه های‌اولی گوپتا ها بود شاید به عین نام«دینار یادینارا» یا دشده باشد .

کو شان :

عده از محقیقین با ین عقیده اندکه یکی از نام های دیگر یکه دراسم گذاری سکه های عصر کو شا نی‌هارروج بوده ، کلمه کوشانا یا کوشان است که منبع خارجی دارد (۲۷).درکتیبه ناسیك آمده است که اوشابها داتاداماد کشتراپا نها پانا یکمقدار پول را زیر نام (کوشا نا مولا (۳٤) جهت ساختمان‌مسکن‌را هبین بودیعه‌گذاشت . به نظرس .ك چکر اورتی (کوشانا) ی ذکر شده در ینجا اشاره‌ایست به مسکو کات امپراتـــوران کوشانی لقب کنیشکا در سکه های‌طلایی او (شاهو نانو شا هو کنشکی کوشا نو) ذکر شده است در حالیکه‌درسکه های مسی‌او کلمه (کوشانو) حذف گردیده است .

ازاین اصل چنین بر میا ید که هدف از کلمه (کوشا نامولا) ذکـــر شده در کتیبه مذکور با ارزش یك(کوشانا) (۲۸) همان سکه هـــای طلایی کنیشکا بوده است . چنا نچه‌طلا معیار سکه زنی این امپراتوری بشمار میرفت . کلمه یا اصطـلاح (کوشانو) که از سکه های مسی حذف شده بود بر عکس در سکه‌های‌مسی خویشکا ووسودیوا دوباره به چشم می خورد . اصطلاح کوشانادراصل بحیث نام یك نژاد یا قبیله و طایفه بکار رفته است .

داکتر بهاندار کر (۲۹) بایـــن‌عقیده است که اصطلاح کوشا ناکه در کتیبه یاد شده بالا، بشکـــــل (کوشا نامولا) آمده است، نامیست از سکه های نقره ای نهاپانا که‌برای‌حکمروا یا پیشوای بزرگ‌خود کجولا کدفیزس ضرب زده است .

سوور نا (۳۵) :

دانشمند را پلنس معتقداست‌که‌کشاهارا تا نها پانا حکمروای او جین ومهاراستر‌ای غربی یکی ازنایب‌السطنه های کو شا نی بوده است، زیرا به نظر را پلسن یکی از کتیبه‌های ناسیك دارای مطا لب مهمـــی پیرامون ارزش تبادله بین کار شپانا(۳٦) وسوورنا به نسبت یکی وسی وپنج (۱: ۳۵) است، که این تناسب‌موافق به مروجه‌طلایی‌معاصر کوشانی ها می باشد که به صورت‌آشکـــارمقیاس آن اوری رومی بود (کتـــلاك

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مسکو کات اند هرا پلیت (۳۷) بـــه‌صورت مشخص گفته نمی توانم که سوورنامروجه طلایی کو شا نی هـا بود زیرا این اصطلاح مدت ها پیش از تسلط کو شا نیان در هند شناخته‌شده بود . حتی گوپتا ها سکه های طلای شانرا دینار می خواندند و این‌خود تقلید ی بود ، از کوشا نی های بعدی .

ناناکا- نا نك (۳۸) :

یکی از منا بع بنام یجنا والکیا-سمریتی (۳۹) به سکه ای اشاره‌می کند که نانا کانام داشته و درز مان‌کوشانی ها مرو ج بود . در بر خی ازسکه های طلایی کنیشکاالهه‌نقش‌شده باتن پوشیده توسط یك پارچه طوریکه کلمه نانانیز در همان رخ سکه به چشم میخورد. مفسر یجنا- والکیا سمر یتی بیان میدارد کـــه(ناناکا) به آن عده از سکه هـای گفته می شد که‌درآن الهه نانانقش‌گردیده بود. الهه‌نانا تا زمان واسو- ریوا در عقب سکه های حکمروا یان‌کو شا نی نقش می گردید .

کیدارا :

داکتر بها ندار کر (۳۰) با نقل‌بخشی از منا بع کاسیکا کارا بیان میدارد در آنجا از سه‌نوع «روپیه» فلزی نام گرفته شده ،دینار ،کیدارا وکرشپانا که ما در مورد دینار وکر شاپانا یاکر شپانا بیش‌ازین سخن گفتیم . داکتر بها ندار کر (کیدار)ذکر شده در ین منبع را با سکه های گیداری ها یا یو چی های کوچك‌و یا کیداری -کو شا نی‌ارتباط میدهد. به‌نظر او کیدارا نام سکه ها یست‌که مربوط دودمان کیداری می‌باشد.

وزن سکه های طلا ی کو شا نی بعداز وسودیوا نزدیك با مقیا س پو لی‌امپرا توری بکلی ثابت ماندولی‌طلای آن به صورت روز افزون‌کیفیت ناب بودن خود را از دست داده و غش دار شده رفت .

کمیا یی سکه‌های‌نقره ای،استفاده‌ازدوفلز :

در اوزان سکه های‌نقره‌ای دودمان‌کوشانی نیز چند اصلی به چشم‌می خورد . یگا نه سکه نقره ای ویما-کدفیزس که در (برتش موزیـــم) نگهداری شده است ۵ر۵۶ نخـــودوزن دارد کنگهم اظهار عقیده نموده است که این سکه به منظور رقابت‌با دینار یو س (۳۱) نقره ای رومی به‌ضرب رسیده‌است. دانشمندوایت‌هید بیشتر میل داردتا آنرا نخستین ویگانه نمو نه ضرب شده این صنف‌بداند (۳۲) سه عدد سکه نقره ای که مربوط شاهان گروپ کدفیزس می باشد توسط جان مارشال از تپه سیر کپ تاکیلا کشف گردیده است(۳۳) . که حداوسط وزن هر کدام‌از این سکه ها ۵ر۵۶ نخود می باشدکه باوزن ۵۸ نخود در هم هـــای

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

معیاری هندی خیلی نزد یك است. همچنین وزن ٥٦ر٥ نخود این سکه های نقره ای بمرا تب از وزن درهم‌های مقیا س اتیك که ٦٦ نخود می باشد پایا نتر است .

کو شا نیان در ضرب مسکو کات‌شان بیشتر از دو نوع فلز یعنی‌طلا ومس استفاده می نمودند . نقره به‌پیما نه کم در سکه زنی شان معمول بود یکی از جمله سکه های نقره‌ای کنیشکا که در عقب آن الهه اوایشو نقش شده است و مر بوطمو زیم کلکته می باشد بین سا لهـــــای ١٩٢٥ـ ١٩٢٦ در نشریـــه سروی باستا نشنا سی هندو ستان به‌نشر رسیده همچنان یکعدد سکه نقره‌ای هویشکا که در عقب آن الهه اوایشو ونانا نقش شده است و مر بـــوط انجمن مطا لعات آسیا یی‌بخش بمبئی می‌باشد درصفحه٣٤٨ شماره بیست‌وچارم نشریه . بخش بمبئی انجمـــن شا هی مطا لعا ت آسیا یـــی نشرگردیده به همین تر تیب‌سکه نقره‌یی دیگر هویشکا که در عقب آن الهه‌آفتاب نقش شده است در صفحه ١٣ شماره دوم نشریه انجمن سکـــــه‌شنا سی هند و ستان بـــه نشر رسیده است . بعد ها دوازده سکه‌نقره ای‌که مرموط ویما، کنیشکا و کنیشکو بود تو سط دانشمند التیکار(٤٠) نشر شد. مو صوف که ایـن سکه هارادر صفحات ٣٤ـ ٤٠ شماره‌دوم نشریه انجمن سکـه شنا سی هندوستان به نشر رسانید و عقیده‌داشت که تمام این سکه های نقره‌ای (باستثنای نمونه های مو جود دربرتش موزیم) به صورت جعلی‌قالب گیری گردیده است . ولی دو سکه‌نقره ای هو یشکا که دارای ٣٢نخود وزن می باشد و درعقب آنها الهه‌های‌او ایشوو نانا نقش شده بگمان غالب اصلی می باشد . این دو سکه توسط‌داکتر نارین در صفحه ١٠٠ شماره بیست ودوم نشر یه انجمن سکـه‌شنا سی هند وستا ن در سال ١٩٦٠ به نشر رسید.

مقیا س وزن سکه های مسی :

حکمروایان کو شا نی به ضرب‌سکه های مسی به پیما نه زیادو اوزان مختلف مبادرت ورزیدند. سکه‌های نوع (هیراقلس)کجولا کدفیزس از ٤٢ـ ١٣٠ نخود وزن داشت.

سکه های نوع «کله اگستوس» او ٤٦نخود و سکه های نوع (نرگاو و شتر) او از ٦٧ تا ١٦٧ نخود وزن‌داشت . سکه های نوع(شاه ایستاده بالای آتشکده و شیوا)ویماکد فیزس‌از٥٩ تا ٢٦٠ نخود وزن داشت.سکه های نو ع (میهیرا ی) کنیشکا از ٦٤تا١٢٨نخودونوع(ماوو) ٢٦٠نخود

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نوع (اتشو) از ٦٤ تا ٢٦٠ نخود-نوع (اواد (٤١) از ٦٥ تا ٢٦٠ نخود -نوع (نانا) از ٥ر٣٠ تا ١٣٠نخود و باردیگر از ١٣٠ تا ٢٠٠ نخود ونوع (اواشمیو) اواز٧٠تا١٣٠ نخو د بار دیگر از ١٣٠تا ٢٠٠ نخود وزن دا شت .سکه های نوع «میهرا» ی‌هویشکا دارای وزن ٢٦٠ نخود ونوع(ماوو).٢٦٠ نخو د نوع نانا نیز ٢٦٠نخود ونوع (هیرا -فلس) اواز١٧٠تا١٨٩نخود وبار دیگر از ١٨٩تا ٢٥٠ نخود و ز ن دا شت به‌همین تر تیب سکه های نوع (وسو) ی‌نگاشته شده به رسم الخط بر همی ، و سود یوا ٥ر٥٤ نخود -نوع (اوایشو) ١٣٠ نخودوسکه های نوع (اردکشو) او ١٢٠ نخود وزن داشت.

ازبررسی و مطا لعه سکه های مسی‌کوشا نی باین نتیجه می رسیم که این سکه ها از نقطه نظر حد او سطوزن به سه کتگوری‌تقسیم‌و تصنیف گردیده است :

الف : سکه‌هاییکه ٢٦٠ نخودوزن‌دارد.

ب : سکه هاییکه ١٣٠ نخود وزن‌دارد .

ج: سکه ها ییکه ٦٥ نخود وزن‌دارد .

اختلا ف وزن هر یك از ین بخش‌های سه گا نه را در بعضی موارد می توان عدم تو جه دقیق مقا مات‌ضرب کننده دانست .

پیش از فتو حات کو شا نیان‌درهند ، نوا حی پنجاب وپا کستا ن کنونی سکه سازی از نقره به‌کمترین‌مدت‌کیفیت‌بی‌غش‌بودن‌خودرا ازدست داده بود . مسکو کات نقره ای اکثر بایك فیصدی زیاد مخلوط از فلزات دیگر ضرب میشد . در اواخر حکمروایی هر ما یو تس و ازیس دوم (٣٤)جا ی چار در همی هـای‌نقره ناب را سکه هایی گرفته بود که دارای عین نفو س و دیزاین‌بوده‌ولی کیفیت نقره آن پایان بود و در آنها مس وسا یر فلزات مخلوط می‌شد .

پرو فیسور ویلیام مکداول(٣٥)ازین مطلب چنین نتیجه گیری می‌کند که سکه های مسی و سکه های‌غش‌دار این دوره جا نشینان مورو یی سکه های یك در همی و چار در همی‌نقره ای پیشین بودکه نما یندگی از سکه های قبلی می نمود و لی به‌شکل خراب آن که می توان از آنها بحیث «چار درهمی های مسی» نام‌برد .

نظر یه پرو فیسور مکداول را پیرامون مقیا س وزن سکه هـای مسی کو شا نیان باید به طور عمیق‌وبا جزئیات آن مورد مطا لعه قـرار طوریکه کوشا نیان ، بعداز اشغال‌کابل ، از مقیاس وزن و شکل‌عمومی سکه های مروج کابل در ضرب‌سکه‌ها پشان تقلید نمودند . پس سکه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

هایی را که زیر نام‌مشترك هرمایوس‌کجولا کد فیزس در کابل به ضرب رسا نیدند باید بحیث (چاردرهمی‌های مسی) شنا خت . ولی سکه‌های بزرگ مسی ویما کد فیز س کـــه ۲۶۰ نخود (۱۷گرام) وزن داشت‌و در بالا از آن سخن گفته آمدیم، بیك‌مقیا س وزن مختلف نسبت به سکه های چار در همی مسی هرمایو س‌واز یس دوم به ضرب میرسید.سکه های مسی یو چی ها در حقیقـــت‌جانشین موز و ئی چار در همی‌های نقره ای شاهان سلف شان یعنی‌یونانو باختری ها می باشد که به معیار اتیك به ضرب میرسید. یوچی‌ها بعد از آنکه سلطنت یونا نـــو باختری ها را در بلخ‌تصرف نمودنددر ضرب مسکو کات شان از درهم‌ها وچار درهمی های آنها تقلید نمودندکه نخست از نقره غش دار یا مخلوط سکه ضرب میزدند ودرمرا حل بعدی‌نقره را کنار گذاشتـــه و از مس استفاده می کردند (۳۶) . مسکوکات‌یوچی ها که بر خی از روی سکه های هیلیو کلس تقلیدگردیده بود، بمرورزمان تغییر شکل داد. ولی مقیاس وزن و نقوش پشت و روی آن‌بهمان‌حالت اصلی چار در همی های‌نقره یونا نو باختری ها با قیمانده وتغییر نخورد. از این جهت می توان آنها را (چار در همی های مسی) مقیا س‌اتیك دانست . سکه های ویماکد- فیزس که به سه سایز ، بزرگ ،متو سط و کوچك با مقیاس وزن‌اتیك به‌ضر ب میرسید بایدبه‌چار در همی‌دو درهمی و یك در همی تصنیـف گردد . از زمان حکمروا یی ویماکد فیزس تا وسود یوای اول وزن چار در همی های مسی‌بمرورزمان کاهش‌یافت .کنیشکا نیز وزن چار در همی های مسی اش را یك اندازه کا هش‌داد . ولی او در سری مسکو کات مسی اش به ضرب نیم در همی نیزمبادرت ورزید. هو یشکا در ضرب نخستین سکه های مسی‌اش بـــرعلاوه استفاده از مقیا س وزن سکه های چار در همی کنیشکا (۱۵ر۶گرام) سمبول های مسکو کـــات کنیشکا را نیز در سکه هـــا یش‌تقلید می نمود (*). ولی او درمراحل بعدی بتدریج وزن سکه های چاردر همی اش‌راکاهش‌داده و تا۱۲ر۱۱ گرام رسانید . که این چار درهمی‌های اخیراودارای‌یك‌سمبول جداگانه نیز می باشد (*). از نقطه نظر سکه‌شناسی سکه های مسی هویشکـــا شامل دو صنف مشخص کرو نو لوژیکی می گردد،که‌بشکلی ازاشکال نمایندگی از سکه زنـــی دو شاه‌مشخص می کند . ولی‌عدم موجودیت سکه یك شاه دیگر بین دو گروب‌سکه های هویشکا چنین میرساندکه بگمان غالب در زمان یك شاه یعنی‌هویشکا ، سکه زنی‌دو مرحله را پشت سر گذاشته است . سکه‌های‌مسی وسودیوا به یك مقیا س وزن

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نسبتا پایانتر یعنی ۹٫۱۰ گرام به‌ضرب رسیده است. ولی نه هویشکا ونه‌هم وسودیوا هیچکدام‌مانند ویما کدفیز س و کنیشکا به ضرب سکه های کسری مبادرت وزیده اند.

وی در سری مسکو کات آنهـــاسکه های زیادی با نو عیت و اوزان مختلف به چشم می خورد که بـــه‌پیما نه وسیع بشکل غیر رسمی‌کاپی شده است .

ارتباط تاریخی بین مسکو کـات‌کوشانی هاو مرو جه های پیشین کابل و باختر ، طوریکه توسط پرو فیسور مکداول ارزیا بـــی و نشر گردیده است مارا در روشنی ویژه‌قرار مید هد تابا ساس آن چنین نتیجه گیری نما ییم که چار درهمی‌های نقره ای پیشین نمونه خو بی برای ضرب سکه های بزرگ مسی‌ویماکد فیز س بوده است. چنانچه وزن این دو نیز یکی می باشد .

آنچه بیشتر از همه در ثا بـت‌نگهداشتن وعدم تـــعادل زیاد وزن مسکو کا ت کو شانی نقش داشت‌تناسك ارزی طلا و نقره بود .

شاید ارزش در آنو قت توسططلا تعین می گردید . چنا نچه این امراز زمان ویما کد فیز س به بعدمروج‌گردید و مورد قبول عامه واقع شد. کا هش تدریجی ارزش ذاتی‌طلا در سکه سازی ایشان و کا هش روز افزون وزن چار در همی های‌مسی کو شا نیان را باید نا شی از سیاست پو لی آنها دا نست که به‌منظور حل مسایل اقتصادی تنظیم می گردید .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پاورقی ها

۱ـ مقاله دانشمند رابرت سویل که زیر عنوان «کشف» سکه های رومی در هند » در نشر یه انجمن مطا لعات آسیا یی بریتانیه در سال ۱۹۰٤ به نشر رسیده است .

ـ تاریخ طبیعی جلد ۱۲ـ ٤۱(۱۸).

۳ـ فعل پنجاه و هفتم ، پیری پلس بحرار تیریا.

٤ـ صفحات ۱۲۹ـ ۱۷۸ کتاب «رومی ها انطرف سر حدات امپرا ـ توری شان» که توسط موریتمرویلر نو شته شده .

٥ـ مقا له دانشمند را برت سویل که زیر عنوان «کشف سکه های رومی در هند» در نشر یه انجمن مطالعات آسیایی بریتا نیه در سال ۱۹۰٤ بـه نشر رسیده است .

٦ـ شماره دوم سال ۱۹٤٦ بلوتن باستا نشناسی هند زیر نام «هند ـ باستان».

۷ـ سفر های اپو لو بنو س درهند و سفارت های هند در روم ص ۱۲۹.

۸ـ تاریخ یا وقا یع سکه شنا سی جلد نهم ، سلسله سوم ، ص ۲۹٦.

۹ـ سکه شماره سیزدهم صفحه ٤ نشریه «انواع سکه های طلایی کو ـ شانی های بزرگ » که توسط الف. هه .وود نو شته شده است .

۱۰ـ شماره های ٥ و ۳۲ـ ٤۰، صفحه ۱۱ـ۱۲ عین نشر یه که توسط الف . هه . وود نوشته شده است. ۱۱ـ صفحات ۳٤ـ۳٦ و ۱٤۳ـ ۱٤٦ شماره ٥ همان نشریه.

۱۲ـ صفحه ۳۹ شماره های ۱٦٥ و ۱٦٦ نشر یه فوق الذکر .

۱۳ـ صفحات ۱ـ۳ شماره اول و پنجم نشریه مذکور .

۱٤ـ پلیت های شماره پانزده ـ ۷ و بیست و شش ۸ـ کتاب «کتـــلاك سکه های اندو یستی در موزیـــــم بریتانیه » که توسط کننگهم نو شته شده است .

۱٥ـ پلیت شماره دوازده ـ ۸ کتلاك مسکو کات موزیم هند .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

١٦- صفحات ٨٣- ٨٧ کتـــاب«سکه های هند باستان » که توسط س. ك . چکر اور تی نو شته شده‌است . صفحات ١-٣ مقا له شماره دوم سال ١٩٤٠ نشریه انجمن‌سکه‌شناسی هند که تـوسط الف .س. التکار نو شته شده است.

١٧- صفحه ١٦ کتاب «سکه های‌قرون وسطی هند» که توسط‌کنگهم نوشته شده است .

١٨- صفحه ٢٩٥ جلدنهم سلسله‌سوم تاریخ یاوقایع سکه شناسی.

١٩- نشریه سال ١٩١٢ انجمن‌شاهی مطا لعات آسیا یی بریتا نیه از صفحه ٩٩٩ به بعد . :

٢٠ - نشریه سال ١٩١٢انجمن‌شاهی مطالعات آسیائی بر تا نیـه از ص ٩٩٩ به بعد .

٢١- صفحه ٢٩٦جلدنهم سلسله‌سوم تاریخ با وقایع سکه شناسی.

٢٢- مقا له زیر عنوان « مقیاس‌وزن سکه های کو شانی» از صفحه ٦٣- ٧٤ شماره بیست و دوم سال١٩٦٠ ، نشریه انجمن سکه شناسی هند توسط ویلیام مکداول نو شته‌شده است .

٢٣- صفحات ١٦٢- ١٦٤شماره‌بیستم سال ١٩٥٨- نشر یه انجمن سکه شناسی هند .

٢٤- صفحه ١٦٣ و صفحات‌بعدی‌شمـــاره بیست ودوم سال ١٩٦٠ نشریه انجمن سکه شنا سی هند.

٢٥- صفحه٦٣-٧٤ شماره بیست‌ودوم سال ١٩٦٠ ، نشریه انجمن سکه شناسی هند .

٢٦- شماره دوم بلو تن سروی‌باستا نشنا سی هند «هندباستان» سال ١٩٦٠ .

٢٧- صفحه ٧٣- مقاله‌ایکه توسط‌چکراورتی در شماره پانزدهم نشریه سه ماهه انجمن تاریخ هند ، به نشررسیده است .

٢٨- صفحه ٩٨- ١٠٠ مقا له‌ایکه‌زیر عنوان «کتیبه مغاره نا سیك»در نشر یه سکه شناسی هند باستان، به‌نشر رسیده است .

٢٩- صفحه٢٠٥، سری دوم‌لکچرهای کار مچیل .

٣٠ - صفحه ٢٠٥ ، سری دوم سری دوم لکچر های کار مچیل .

٣١- صفحه ٧٠ نشریه «وقایع‌یاتاریخ سکه شناسی هند» سال ١٨٩٢.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

۳۲- صفحات ۵۱و ۵۲ راپور های سروی باستنا نشنا سی هند سال ۱۹۱۲- ۱۹۱۳ .

۳۳- صفحه ۱٤۷ کتلاك موزیـــم پنجاب در لاهور - که جلد اول آن توسط ر.ب. وایت هیـــد در ۱۹۱٤ نشر شد .

۳٤- صفحه ۱٦۸ و صفحات بعدی مقاله ایکه زیر عنوان «نظریه جدید درمورد سکه های هند وگر یك، ساکه هاو ، پهلوها» که توسط دانشمند الف سیمو نتیا در شماره نهم شرق و غرب نشر شده است .

۳۵- صفحه ٦۹- ۷۰ شمـــاره بیست ودوم سال ۱۹٦۰ نشریـــه انجمن سکه شناسی هند .

۳٦- صفحه ۹۲ و صفحات بعدی کتاب «سکه های هندوسیتی وکوشانی »که توسط دا نشمند کننگهم نوشته شده است .

(*)- سمبول هویشکا در صفحه جداگانه ، در اخیر همین مقا له دیده شود .

(*) - انواع سمبول هویشکا، در صفحه جداگانه ، در اخیر همین مقاله دیده شود .

---

1. Hippalas.
2. Muziris.
3. Berenica
4. Periplus
5. Surastrene
6. Soupara
7. Bakan
8. Maisolia
9. Barygaza or Broach
10. Colmbator
11. Madura
12. Robertsewell
13. Caracalla
14. Diocletian
15. Grain
16. Tray
17. Xenophon
18. Siglos
19. Daric.
20. Stater
21. Periplus
22. Nasik .
23. Karshapana
24. Suvarna
25. D. R. Bhandarkar.
26. Ratis
27. Samriti
28. Kennedy
29. Aetolians.
30. Auri.
31. S. K. Maity
32. Dinara
33. Smriti.
34. Kushanamula
35. Suverna
36. Karshapana
37. Clxxxv.
38. Nanaka
Yajanavalkya-Smrti.
40. Altekar.
41. Qada

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نویسنده : پاولو دافینا

برگرداننده : امین حکیم

مهاجرت ساکا به درانجیانا

کار فعلی مارا مطالعه ابتکا ررئیس انستیتوت ایتالوی پرو ـ فیسور توچی که در سال ۱۹۶۱ مولف ((معلومات در باره منابع تاریخی در انجیانا)) است تشکیل میدهد .

مطالعاتی که توسط این مولف در جریان چند سال در ین زمینه صورت گرفته و نتایج آن طی یك مونوگراف تدوین گردیده است ، جنبه های بسیار مهم این منطقه راکه ، عبارت از (جنوب شرق ایران) یعنی سیستان ایران میباشد در بردارد . گرچه این منطقه امروز یك منظره سرد و ماپوس کننده ای را نشان میدهد، اما در زمانه های قدیم نظر به سیستم آبیاری محلی حاصل خیز وخوش آب و هوا بود ، که ازبقایای آن زمان امروز این موضوع ثابت می شود . زیرا آثاری ازمراکزروستایی آن هنوز هم موجود است ، که تمام آنها بعد از هجوم تیمور لنگ به خرابه ها تبدیل گردیده است . نام فعلی آن یعنی سیستان ، اگر زیر مطالعه گرفته شود معلوم می گردد که بعد ازتغیرات زیاد در ایران میانه یا وسطی بنام (ساکاستان) یاسیت ساکاس یاد شده است . و این همه وقایع که تاکنون رخداده موضوع این کتاب را می سازد .

به طور خاص ما در مورد حقایق عمده صحبت می نمایم که در ینجا به طور بسیار دقیق انتخاب شده که بعضا با همکاری دانشمندان متخصص مطالعه و رسیده گی می گردد. در قدم اول پژوهش های ((و ، و تارن)) که در حقیقت مطالعات معروف او نقطه چرخشی در راه تحقیق مسایل مربوط محسوب میشود ، مورد نظر می باشد . ماخذی که ارزش تاریخی واهمیت موضوع را نشان دهد درینجا بسیار کم دیده می شود که قبلا هم در ین زمینه بحث صورت گرفته است . ضمن توجه به حوزه علمند سفلی ، نام ایران وسطی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

که مو ضو ع فصل او ل را تشکیل‌مید هد برا ی او لین بار در نسخه های یو نا نی بنا م سا کا ستا ن‌یاد آور ی شده ، که از طر یـــق ((اسیدور)) از چارا کس ، در اثر ش استا تموی پاراکوی بمارسیده است .نظر به دلایل زبا ن شنا سی‌مولف اصطـلاح ((سکستا نا)) را که توسط یك عده از دا نشمندا ن‌گفته شده رد می نما ید ، که دربین آنهایکی هم خود ((تار ن))می‌باشد.

عنصر دو می مو ضو ع،درحقیقت‌غیر از اینکه از یك ما خذ پـــربار ایرانی مشتق‌گردیده‌باشدچیزدیگری‌نیست وبدو ن کلمه ((ستا نـا م)) کلمه دیگر ی نمی باشد بسیار ی‌ازاسنادو شواهد ایرا ن قدیم منشاء فر ضی در مورد ((ساکاستا ن))رابخود داشته ، که از جمله آن‌کتیبه شاپور او ل در نقش رستم میباشدمولف در مورد اشکا لی مختلـف این نا م جغرا فیا یی و نژاد ی که‌در منابع لاتین ویو نا نی آمـــده است بحث نموده و تحلیل هـــای‌دقیق رابا در نظر داشت حقا یـق تاریخی تاقر ن چار م قبل ازمیلادانجام داده‌است .

فصل بعد ی یعنی فصل‌دو م ،مربو ط می گردد به دوره معینی که در آن اسیدور چارا کس می زیست‌اصطلاح سا ل اخیر ، سال‌سی‌وشش قبل ا زمیلاد است : و این زما نیست‌که جنگ بین فارا تیس چا ر م و ترا ید تس دو م در گرفته بود .جنگی که ((اسیدور)) در ((استا تموی پاراکوی))بـــه آن اشـاره‌نموده است . تر مینو س ســـا ل ۷۷ میلادی سا لیست که در آن‌پلنی‌بزرگ به تحا توس تسلیم داده‌شد (تاریخ طبیعی) و از آن جهـــت(اسیدور) یکی از منابع میبا شد که درین مورد سخن رانده است . بـرخلاف عقیدهٔ تار ن مبنی بر اینکه نگا رشات نوشته ای اسید وربایـــدبه ربع او ل قر ن او ل پیش ازمیلاد ارتبا ط داشته باشد ، نو یسنده‌توضیحا تی را بر این تیزس مـــی می افزا ید که مطابق آن با یـــداسیدور چا را کس معا صر پلـنی باشد . این نتیجه را میتوا ن ازروی‌مطالب ونوشته ها ی نگار نده ها ی عصر پلنی که به سبك رو حی می‌نگاشتند نیك دریا فت.طور یکه به اسا س نقل قو ل اسیدور در یکی‌ازمنابع‌بنام ((مکروبیویی))به یکـی از ار تا بازو س ها که هفتمین جا نشین ((ترا یوس)) یا گیر نده تخت چارا کین بوده است اشاره شـــده‌است .

کشف اخیر چار در همی بنـا م‌ار تابا زو س که یك خزا نـــه از مسکو کا ت نقره ای میبا شد ،درنزدیك بسور ها کشف گردیده که

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

معلو ما ت جدید ی در مورد کرو نولوژی این سر زمین بدست داده‌است در عقب سکه ها نوشته شده‌سال ۲٦٤ مطابق عصر سیلو سا ید کـه چنین تصور می گردد که سکه‌مذکور مربوط به سلطنت چاراکین بوده و مطابق سا ل ٤۷-٤۸ قبل از میلادیا (٤۸-٤۹) میباشد . البته کله‌مقبول نقش شده در رو ی سکه نمایا نگرمرد هشتاد وشش ساله می باشد به اساس نظریه ((پی‌سیدمی‌لوشین)) او به حیث جا نشین ششم تیرو س قبو ل گر دیده است ، که ایـــن‌مشکل ج. لی رایدر را مجبو رساخت (شخص که سکه ای را در ۱۹۵۹ نشر نمود؟) تا رسا له علمی ، و . کارستد را در مورد اینکه ارتابازو س دو مر تبه به سلطنت رسیده‌بود قبو ل نما ید . برا ی بار او ل ،طبق کرو نو لو ژی لی رایدر ،بین سالها ی ٤۸-٤۹یا (٤۷-٤۸) و ٤۵-٤٦ قبل از میلاد میباشد وبار دوم چند دهه بعد از آن بو قو ع‌پیوست‌اما چند دهه بعدا . طبق‌نظرلی‌رایدر که ار تا با زو س بار دو م زما نی‌به‌سلطنت رسیده معنی آنست کـه کرستین هم توسط اتامبلیوس دوم(۱۷-۱۸قبل از میلاد - تـا ۷-۸ میلادی یا ۱٦-۱۷ پیش از میـلا دتا ۸-۹میلادی) ، یا بوا سطه‌ابنیر گول ،(۹- ۱۰تا ۱۲- ۱۲ میلادی‌یا.۱۰- ۱۱- یا ۱۳ - ۱٤ میلادی) واقعا به اشغا ل در آمده بود .

این نقطه درین مبحث نمایانگـرآنست که نویسنده یك سلسلـه ارزیا بی ها ی خـود را در بـــاره‌موضو ع که نتیجه گیر ی مقدما تی شخصی و ی را وانمود می سا زدتشریح می کند او اظهار می داردکه تاریخ این سکه بر طبق مبدا ء تا ریخی ساکا محا سبه نمی گردد،بلکه برطبق مبداء تاریخی ارا سا یـــدحسا ب می شود . در واقع ما تا - گزیریم به مسئاله تخت نشینی ازجانب تارتی ها که وی مشور تـا عصر تاریخی ارا ساید را بجـــا ی‌استعما ل منطقه و ی عصر سیلـو سید ی اشاره کرده بود واین مطلب چنا ن نمی باشد مرا جعه کنیم .

سا ل ۲٦٤ به اسا س محا سبه‌از روی عصر ارا ساید با ســـــال ۱۷-۱۸ میلا دی تطا بق می‌نمایـدمحاسبه گردیده است ، و اشا ره می کند به او لین جلو س از تا بازو س . در آینده دو مین اشغا ل تخت چا راکین از جانب ار تابازوس‌که این مطلب از جانب پی‌سیدو لـو شین اشاره گردیده در سا ل ۷٤میلادی یا کمی بعد تر از آن بوقو ع پیوسته است .

این مباحثه کرو نو لو ژیکی باتما م قرا ین تاریخی آن بدر ستی تطابق می کند . و از ین تو ضیحات‌نتایج باز هم قابل بحث این هـــا

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

خواهد بود : اگر تشر یحا ت مکروبیوپی که به ارتابا زوس ا ختصاص دارد با یاد داشت اسیدور توا فق‌داشته ، به صور ت بسیار وا ضح آخرین آن در عصر اگو ستین بـه‌وقو ع نه پیوسته باشد . طور یکه ارتابا زوس هنوز زنده بود و بـه‌سلطنت ادا مه می داد ، این یـاد داشت ها تا اولاد ه وی ادا مه‌داشت‌لذا این نتیجه بر می آید که‌اسیدور معا صر پلنی بزرگ بود نه معاصراگو ستو س به حیث یك منبـع مشابه ((استا تمو ی)) اسید ور ،نویسنده تار ن و روستو فور س رادر پذیرش قو ل یك سیا حرسمی‌پار تین که به تقلید یا تصحیح‌یك سیا ح سیلو سید ی که در آخرین‌تحلیل طرح خود را در مور هخـا منشی ها ریخته بودند می پذیرد .طبق نظر و، و ، تار ن ، در تکمیل بخشی از بررسی امپرا طور ی پارتیها بعضی یاد داشت ها ی علا وه علاوه کرده است تا تاریخ عصر وی‌را استخرا ج نما ید . نو یسنده با ای ن‌نظر یه موا فقت نمی کند وهم چنان با اینکه اسیدور معا صـر اگو ستو س است ، چنا نکه تار ن‌آنرا ابراز می کند موافق نمی‌باشد.

فصل سو م باارائه معلو ما تی‌درمورد اسیدور یا منبع آن که باسکا ستا ن نیز آشنا یی دارد تحت نا م‌پار ی تاکین که یك نا م از قبیـله میدین میباشد شرو ع می گردد .که‌این موضوع توسط ((ایر و د ت)) تاریخ نویس یو نانی نیز تائیـدشده‌است . سوا ل پیدا میشود که چرا بعضی از دانشمندا ن مثل و،وتار ن در گرفتن نا م ((پارا توکنی)) که منشاء آن د هنه سفلی میباشدتامل نموده اند ؟ازین سبب مو لف این را یاد آور می شود که هیـچ‌ضرور تی با ارتبا ط بین نا م‌جغرا فیایی (یاراتاکین) ونا م لاتیـن(پارا توکنی) موجود نیست . ایـن اشتقا ق اخیر تو سط ((آلتین)) غلط‌تلقی گردیده است . یك اشتقا ق معقو ل از هر دو نا م به اثبا ت می‌رساند که منشا ء ایرا نی آن ازکلمه ((پراتیاکا)) میباشد .

((مار کوار)) برای او لین بارچنین اشتقاقی را پیشنهاد نمود ، که خواص مشترك بین پارا تا کین‌و(پاراس) موجود است و همچـنان قسمت علیا ی آمو در یا و قسمت‌سفلای هلمند با هم منشا ء مشترك دارند . واین دریا ها توسط کانا ل‌های مختلف به یکدیگر ار تباط‌دارند مولف بدین لحا ظ نا م ذکر شـده‌جغرافیا یی را که هیچ ربطی به‌قبیله ((میدین)) ندارد تذکر داده است .موضو ع اشتقا قی دیگر ی که در

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

فصل او ل رو ی آن بحث شـده‌است ، ((تاتاکین)) میباشد که آن را ((تالمی))در درا نجیا نا آور ده‌اسـت . مو لف فر ضیه هـای مختلف را قبل از تشریح اشتقا ق‌که به ((تاتاکین)) برسد ارا ئـه نموده که می تواند یك رو پو شی‌از((پارا تاکین)) یا سکا ستا ن باشد.

فصل چهار م در مورد تاریـخ((آرایا)) ، در انجیانا و ارا کوز یا تخصیص داده شده است که ازعهدهنحا منشی ها تازما ن متیر اتیس اول میباشد ودر کتیبه ها ی بی ستون ، پرسیو پلیس و نقش رستم متذکره بنا م آرایا واز را نکاو ، هارایو تیس ثبت شده است . با در نظر داشت قسمت ها ی بعد ی آن، مولف این را اظهار نموده که در ایا م داریوش اقار ب اودر قسمت‌ها ی مختلف این دیار زند گی‌دا ـ شتند وهر کدا م آنها در ین ایا م توانستند که حکمروا یی ها ی مناطق مختلفه رابدست بگیر ند .

یك توسعه هارا یوا تیس بطرف‌شمال هندو کش قابل تعمق‌نیست پس ما باید کار توسعـه آنـرابه طر ف شر ق اجازه بد هیم ؟ و همچنا ن به طر ف هندو کش نیـزمجاز است . مو لف بدیـن لحاظ باین نتیجه میرسد که هارا یوا تیس‌از واد ی ار غندا ب به طر ف‌اندوس امتداد یافته وبه طر ف شمـا ل‌وشما ل شر ق توسط حکو مـت گندهارا محدود شده است . مثلی‌که قبلا این مو ضو ع تو سـط ((ولیوس))تذ کر داده شده‌است ،که لست (نو مینو ی) در ایرود تس، شرایط ا دار ی وسیاسی هخامنشی‌را در عهد ((از تـار کس)) اول منعکس می نماید . از طر ف دیگر(نو مینو ی)) که ایرود تس آن رابا ولایت یاستر ا پی اشتبا ه می‌نمایدولایت نبوده ،بلکه یك وا حداداری است که حدود آن به‌اساس‌استندردمالی نه ،بلکه به اساس استندرد جغرافیا یی گرو پ بند ی شـده‌است . به طور مثال ، مو ضو عی‌که از ((پکتیك)) اقتبا س شده است‌که‌در آن ((سا))،(نو میس) را یکـجا در سر زمین (ار منیا) با بحیره‌سیاه‌بهم پیو ست مینما ید .

منطقه پکتیك به حیث ولتا ی‌سندبه متشکل میتواند یك حکو مـت قفقا ز ارمنی را تشکیل دهد . دلایل‌خوبی برا ی قبو ل این مو ضـو ع موجود است که با لاخره تحـت‌قیاد ت داریوش او ل پکتیـك از قدر ت می افتد . البته هد ف عمده‌بالای ((سارا نگا یی)) متمر کزبوده ومرد م در انجیانا که نا م یونا نی‌آنها از فارسی قدیمی یعنی(زرانکا) از ورا یی اشکا ل . اکادا . یـا((الامتیك)) که این نا م مشتق‌شده است میباشد . زرانکا از پلنی و زرانکایی از . آریا نا و س گر فته‌شده

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

است ، که این یك نا م هما سی‌می‌باشد . این نامها تا دوره هـــا ی ((راو نتیس))، انو یا منی و کاسموگرافیا موجود بوده است . از طرف دیگر از قر ن چار م قبل‌از میلاد ،اهالی در انجیانا در یونا ن بنا م در نجینی یا در انکا یی مشهور اندکه‌این نا م برا ی بار او ل تو ســط ((استیا)) استعما ل شده است .این‌شکل شعر ی یا غنایی به عو ضـــ سرانگا یی (که تو سط اکثر مورخین‌معاصر اسکندر استعما ل شده‌است بکار گرفته شد .در بین سا یرچیزها مولفین از نظر داد ن در مورد اسکندر او ل خود دار ی مینما یند.در وا قع موضوعی که یـــرو دتس از تذکر ارا کو زیا خود دار ی‌نموده‌است (در بین قطعا ت فا رسی که بریو نا ن حمله کنند) نتیجه آن‌شده‌نمی تواند که اسکند ر یك شخص ضعیف بوده ، مسلیکه المو ستیدآن‌را بیا ن نموده است ، این مو ضوع نمی تواند یك حقیقت باشد بلکه‌یك‌درو غ محض است ، زیرا اصـــل سخن اینست که مرد م امپرا طوری‌اسکندر بعدا تماما متمرد گر دیده وامپرا طور ی آن تجز یه شد . درعهد داریو ش سو م حکو مت شرقی ایرا ن به پادشا هی بزرگی تبد یل‌شد . قسمکه قوای استرا پال بـــا ما سود نو یس ها جنگیده وگوا گاملارین در جنگ فاتح گشت . در ین متن مولف تغیرا تی را که درموردسیاست واداره اسکند ر به میا ن آمده بررسی و تحقیق نموده و می‌نویسد که : آرایا ودر انجیانا دریك حکو مت متحد بوده در حالیکه اراکوزیا از آن جدا بوده و با ((جدروسیا پیوسته است . سوا ل مربو ط به‌سر حدا ت حکمروا یی ((سا یریا)) نیز مورد بحث قرار گرفته است .همچنا ن یك معاهده بین سیلو س اول وچندرا گو تپا (سا ندرا کا توس) ومور یا که به این شخصـــ اخیر الذکر بعضی قسمت ها یی‌سرزمین شر قی سلطنت آنز ما ن وا- گذار شده است عقد گردیده‌است‌بادر نظر داشت وسعت سر زمـــین واگذار شده ، تعهدات زیـــا دی رابخود مربو ط می سازد . مو لـــف این مو ضو ع رادر یك اثر تحقیقی‌خویش ارائه نموده ویك به یك غیر مکفی بود ن آن را ثابت می‌سا زدهمچنا ن نادرستی مو ضو ع را از نگاه تاریخی نیز به اثبا ت می‌رساند‌باید افزود که ارا کوز یا شا مـــل سر زمین هایی واگذار شده چند راگو پتا نبوده و قسمیکه در کتا ب معرو ف به مگا ستیز نیز نو شته‌شده‌است . این سر زمین تا مد ت مدید ی آزاد بوده وبدو ن شـــك‌چندراگو تپا پارا پا میزاد را بدست آورده که‌این منطقه یست‌بین کنـــروسند که تحت قیاد ت حکـــمرا ن

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

هنحا منشی وپارا میزاد بوده وهردویاک هد ف داشتند . سر زمینی که تا سر اشیب کوه ها ی کنهر تاکابل وسعت داشت به حا ل خود شـــ نگهداشته شده بود که در آن زمان بدست یونا نی ها بود اطمینا ن کامل داریم که چند راگو پتا نتوا نست غیر از کند هارا دیگر قسمت هـا مانند گدر وسیا وارا کو زیا راتحت تسلط خود در آورد و حتی سرزمین ها ی مجاور آن را نیز نتوا نســت تحت حکمروا یی خویش در آور د و آ، سمت می افزا ید که حکمروایی وی در سراسر آرایا استقرار داشت وآرا یادر آن وقت مـــر بـــو ط ((سیرا یا)) می باشد . عـلا وه بر آ ن ایـــن مطلب تیز روشـــــن گردیده که انتیو کو ش ، نخست در آنجا شهر ی بنا م ((سوتـیـرا)) بنیاد گذاشت و شهر ها ی هراکلیا اکا یا وار تاگو نیا را نو ســـاز ی نمود .

درین فصل در باره و ضع سیاســی اقتصاد ی توضیحا ت به عمل آمده است که از آغا ز پیـــروز ی چندرا گو پتا و بندو سارا که روابط دوستانه یی را با شا ها ن یونا نی قایم داشتند، تاعصر آشـــو کـا ادامه داشت .

مولف آن کتیبه های آشو کارابه حیث سند در نظر گرفته است که درین او آخر کشف شده وروشنی تازه ای بروسعت حقیقی امپرا طوری آن زما ن می افگند . امپرا طور ی که پارا پا میزاد وارا کو زیاد رادربرمی گرفت درآینده دیده می شود که دست اندر کارا ن یونا نی آن زما ن یـا پادشاه در پارا پامیزاد یا اراکوزیا چنین عقیده داشتند که خدا یـا ن برابر Manu militari چیزی انجام نمید هند .

وخود را از لحا ظ اینکه حکمرا نان محلی شکلا از مو قف زیردستی او پیرور ی می کردند وبه فر ما نروی گوش می دادند خود را قا نـع می ساخت .رو ی این عقیده جهـت حفظ قدر تش آزا ی تبلیغا ت مذهبی رابر خود روا می داشت .

بعضی شوا هد ی وجود دارد که پارا پا میزاد از جمله قلمـــــرو ((اسفو گا سینـوز))نبو ده ، زیراکه حکمروا یی این سر زمین طوریکه دراثر (تار ن) و (مارشا ل) ذ کـرشده حکمرا ن قلمرو محدود ی بوده این مطلب از غیر آن است که درتیسس ((اکر مو ن)) اقا مه گردیده است . طبق این تیسس روا بـــطدوستانه ای مجددا بین هند وسیلو سید ی ها در سا ل ۲۰۶ قبل ازمیلاد به وقو ع پیوسته بود ، ودرآن همچنا ن آمده که در آخر تمـــا م نوا حی آریانا از جانب سیلوسیدی ها به چند راگو پتا واگذا رگردید.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مولف نظر یا ت خود را بااستفاده‌از وجود مرد م کو چی که آنها در ساحه جغرا فیا یی رولی عـــمده‌داشتند طر ح کرده است . ایـــن مردما ن بخشی از اها لی بیا با ن‌های بودند که بنا م ((پار نو ی)) و و((دایانا)) یاد میشدند .شرا یـــط‌بود و باش آنها تابع آزما یشـــ همیشگی که ار تبا ط به قدر ت‌های‌بزرگ آن عصر می گر فت می‌گردد تار ن در ین مورد نظر می دارد که‌متیرادتیس او ل قادر بر فتح بخش های باکتر یا و مید یا بدو ن کمـك‌سوارا ن نظا می ساکا نبود ، وتارن از مشخص سا ختن اینکه این ساکاها کی بودند ابا ور زیده است .

این نو یسنده اشاره می دارد که‌این‌ها آن ساکا ها ی بودند کـــــه ((پارا نیو ی پار تیوا)) با آنها درتضا د بودند ، که از آنها((دایانا)) جدا گردیده است . میترا و تیس‌با در یا فت ضمانت از جانب آنها تحقق فتو حا ت خو را جا مه عمل‌پوشید و همچنا ن این نو ع ضمانت از جانب دیانا ها ی مسکـو ن دربیابان های‌شر قی کسپین نیز بـه عمل آمد . اما دا یا به حیث‌اسلا ف‌پارتیها که در طرح تا رن آ مـــده بسا ل ١٥٥ قبل از میلاد از جا نب‌متیراد تیس او ل به حیث نظامیا ن در درانجیانا مستقر گر دیدند کـه‌بعد از آن این منطقه بنا م ساکا ـ ستا ن نامیده شد . واین‌مطلب‌مغایر آنچه که‌در گذشته آمده می باشد . علاوه بر مسا له حدود پیشر فت‌متیرا دتیس او ل در منا طق شرقی که تذکر یافته نویسنده سر حدا ت‌غربی امپرا طور ی و ی را نیـــز مشخص می سازد ، که این سر حدا ت ممکن شامل بوده با شد بر منیروپو تامیا و پار تیها که ازدجله‌تاکسپین را در بر می گیـرد و در شر ق این حدود تا حوزه ســـــندامتداد داشته است .

فصل پنجم به حادثا ت بسیا ردراماتیك ویك سلسله پیا مد ها ی اختصا ص می یابد که همه آن هادرطول قرو ن پیروز ی ها ی که با نام یوچی ها پیو ست بوده است .

طوریکه واضح است مهما جر ت این‌مردما ن دراثر بر خورد با نفو ذ مردما ن بیابا ن ها ی آسیا ی‌مرکزی‌صور ت گرفته بود ، کـــه از آن همچنا ن دو لت پا رتیها به زودی‌متحمل نتایج بعد ی آن گر دید . یوچی هادر اثر پیشرو ی خود بـامرد مانیکه سا (Seo) نامیده می شدند ؟

وجزیی از ین مهما جر ین بشمارمی رفتند در تما س شدند که درین نکته دلایلی که یاد آور کلمه سا کامیباشد وجود دارد . نو یسنده‌مها

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

جر ت (سا) رابه اسا س یك تحلیل صحیح از منابع چینا یی و یك سلسله تیوری های جدید ی که به صور ت یك نقطه نظر انتقادی دنبال ن وده است در ارتبا ط به این مو ضو ع مطرح میسازد . به این خصو ص و ی این طر ح را طور ی به اثبا ت می‌رساند که مطابق آن (سا) درجریان مهاجرت شما ن به طر ف جنوب از هندوکش گذشته مستقیما بسو ی هـــند ر هسپار شدند . همچنا ن طبق این طر ح آنها بر جانب جنو ب شر ق ایرا ن رو نهادند ،و یا آنها سیردریا را عبور نموده به جانب ختن و فر غانه رسیدند . تا ر ن این نظر یه را ارائه می کند که ((سا)) ها ایالت یونا نی فر غانه را تشکیـل دادند ودر آنجا به اقتدا ر رسید ند اما او در ین زمینه شوا هد کا فی ندارد . به اساس منابع چینا یی دست داشته ،یك قسمت از مرد م ((سا)) در سر زمین اصلی قد یمی شا ن باقی ماندند که آنها را با مهاجرت یوچی های بزرگ نشا ن مید هد. در حالیکه یك بخش دیگر از اینهـــا به جانب جنو ب مها جر ت کردندو در میا ن مرد م Chuan tu,shu le hsiu hsun مدغم شدند . شا ید در جریا ن آن عصر بعضی از مرد ما ن ((ســـا)) متدر جا به جانب جنو بی منتشـــر شده باشند که درین صور ت بحوزه آمو دریا رسیدند .

این مطلب نیز طبق نظر هوها ن شو خا طر نشا ن شده که به ترتیبی که kuei-se یا ساهای ( ) آمو برای مد تی تحـــت حکمروا یی Hsien (۱۳۳الی٦٦ میلادی) پادشاه یار کند در آمـــده بودند پس بدو ن شك مرد ما ن ،(سا) هما ن مرد ما نی اند که در شین هان شو آمدند ، ودر وا قـع هوهان شو آنهارا از نژاد (ساکا) بما معر فی می دارد که ذریعه بعضی نویسند گا ن کلاسیك استعما ل شده است ، یعنی اینها مرد ما ن بیابا ن هارا تشکیل می داده‌اند . مو لـــف هویت یو چـــی ها را همـــرا ه باتو چاری بخو بی دراثر خود تشخیص نموده که هر خواننده می توا نـــد مشخصا ت این دورا بخوبی در ك کند . و همچنان درین اثر ((پاشونی)) به پا سیا نی تعد یل گر دیده‌است که به وضاحت نشان میدهد این دو منشاء جدا گانه دا شته و نمـــی توا ن آنها را از یك نژاد دا نست رویهمر فته تکا مل بشر در عهـــد داریوش او ل به خوبی انعکا س داده شده‌است.

هر وقتیکه ممکن بوده نفو ســ در زما ن این امپرا طور ی شمـــار شده‌است که به این اسا س پلا ن های اساسی وارتبا طا ت تار یخی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نژاد ها ی مختلفه امپرا طور ی‌ها ی‌قدیم به صور ت جداگا نه تعریف وتوصیف شده است . به طور مثال‌اپا سیکا یی (اپاسیا) که در نیمه قرن سوم نزدیك دریا ی اکسو س‌متوطن شده سر حد باختـــر ی ـ غربی یك سر حد حا یل بین شرق‌وغر ب قرار گرفت که بعدا دراثـر غلبه ((گار کو ی)) به با ختر قبل‌از یو چی‌ها این سر ز مین فتـح گردید ، واستقلال آن اعلان شد .ولی به ارتبا ط آنها نشیب ها ی‌کوه هندوکش آماده بود وباش مرد م‌نبود‌ا ین‌نظر که تها جم یو چی با عـث شده که حکمروایی گر یکو با ختر برافتد براین استوار بود که جنگ های شدید ی بین دو گروه متخاصم‌در گرفته که در نتیجه آن جنبش شدید ی در سراسر گریکو با ختر صور ت پذیرفته است . جنبش‌های ((سکر وا و کی)) از جمله جنبش‌های مشهور آن سر زمین است که بنام جنبش ((پاسیا نی)) نیز یـادمی‌شود .

تاجاییکه بما معلو م است یـــك نهضت استقلال خوا هی در آنجـا باعث شد که تعداد زیاد ی مرد م به قتل برسند.به‌خاطر پرابلم مدا خلـه حکو مت ((مارنجنیا)) که‌خصو مت‌قبیلو ی داشت مو لف تحقیق‌جدیدی انجا م داده که باین ترتیب نتیجه‌کلی زیر بدست میاید :

خصو مت های قبیلو ی از دوره‌درانجنیا وپار تین که دشمن یکدیگر بودند بوجود آمده بود که به سبب‌آن آهسته آهسته بین دو قدر ت بزرگ آن زما ن یعنی((سکاراوکی))ودر انجییانا جنگی شدید درگرفت وحدود پادشا هی سکا راو کی قطعه‌قطعه گردید .

در متن این فصل شوا هد ی‌گویاونکا تی عمده به نظر می رسد مثلا: فر ضیه ا،م سیمو نتیا تا یید میکندکه ((ایرا)) سکه ها ی پار تینی را ضر ب زده است . ودر جا ی دیگر نوشته شده فرضیا تی که در سا ل های (۸۰و ۸۷) ارائه شده بود نمی‌تواند به صور ت مکمل عهد سکارا وکی را نشا ن دهد ، بلکه فقط می‌تواند گوشه ای از تاریخ آن زما ن‌را نشان بد هد :

به اساس نظرا ت پار تین که درعهد اسیدور می زیست امپرا طوری پارتین از جمله امپرا طور ی ها ی‌بزرگ قبل از میلاد بوده است ،که در آن زما ن ،تاریخ‌مسیر اصلی رابخود گرفته بوده است .فر ضیه‌های دانشمند رو می ((سکایتیا))قسمیکه‌اسیدور نیز ازآن پشتیبا نـــی‌ـــ نموده است این مطلب را روشـــن‌می سازد که هلمند ار تبا ط محکمی بین شر ق وغر ب داشته ودرقسمت‌علیاآن حکو مت ســکا ستا ن سر ـ زمین سکه ها ی طلایی ومر دا ن‌جنگی ، وجود داشته است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

صفحا ت اخیر این فصل ، بـاواقعا ت سالها ی اخیر حکو مت‌سکا راوکی‌ارتباط دارد . که درآن‌قدرت‌سیاسی بدست حکو مت و قت‌بوده است . نظر یا تی که در ین مور دتوسط دانشمندا ن داده شده مورد بحث عمیق قرار گرفته است . به‌خصو ص تردید نظر یه ((تار نس)) مبنی براینکه (کرانکو ن از نـــژادسوکا یا ستا می باشد نه ازپارتین) وترا گوس آن را رد نمود .

این واقعا ت از جمله حواد ث‌حادآن زما ن (۱۷۹الی ۸۲میلادی) بوده که مورد بحث دانشمندا ن قـــرا رگرفته است .

در فصل ششم مو ضو ع نسخه‌های ((بیستون)) که به داریو ش ختم می شود مورد تعمق و تحقیـــق‌قرار گرفته که در آن مبا رزه علیه ساکا س وسا کو نکارا نشا ن میدهد توماس اثبا ت غلطی این نظر را به عهده می گیرد که سا کا س درقسمت‌علیا ی هلمند جا ی گزین شده‌است.

فصل آخر ی یا هفتم یك سروی‌تاریخی وجغرا فیا یی از سر زمین آرایا است که مربو ط به عهد درانجیانا و ارا کو زیا یعنی نقطـــه شرو ع دوره اسیدور (استاتحو لی‌پار یکو ی پارا گرفها ی ۱۵ الـــی ۱۹) میبا شد . واین فصل‌هو یت Reductio—ad absurdum را در عهد تا رنس نیز ظا هرساخته‌وبه اسا س آن ((فرادا ـ پرو فتاسیا)) در غزنی حکمروا یی دا شته‌وبعد از آنها به سلطنت رسیـــده‌است .

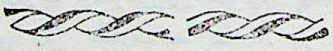

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نو یسنده : بلد یو کمار
بر گرداننده : عبدالظاهر یوسفزی

تجارت در عصر کوشانیها

نیم قاره هند در قرن اول و دوم میلادی تجارت همه‌جانبه را با کشور های خارجی مخصو صا باروم برقرار کرد که امپراتوری کو شا نی در گسترش این معاملات تجار تی سهم ارزنده داشت . ابریشم .پارچه های نخی ، چوب ، عطر یات ،گیا هـان حبو بات ، ادویه و شکر از جمله اقلام عمده صادراتی و طلا، نقره،مس شیشه ،و شراب اقلام عمده وارداتی بودند (۱) میزان تجار ت در ین عصر به نفع هند بود و همین باعث گردید که طلا به مقدار زیاد در کشور وارد گردد و سکه‌های طلایی توسط ویما- کدفیزس وجانشینان او، کنیشکا،هو یشکا واسودیوا بضرب رسد.

در نتیجه فتو حات امپرا توران کوشانی ، تسهیلات در زمینه معاملات تجارتی رونما گردید. قبلا در آسیا معا ملات تجار تی یك مسا له تصادفی ومربوط به بعضی حملات بود. که توسط بعضی از قبایل مهاجم صورت می گرفت . پارت ها کنترول و انسجام امور تجار تی را در مقابل پرداخت مقدار سهم معین توسط تاجران رومی و تر تیب و نیز بعضی استرا حتگاه ها برای تاجران تاسیس می نمودند ، اما بانهم قادر نبودند که قسمت های شرقی را نظارت نما یند . در اثر بوجود آمدن یـك قوه واحد در باختر ، وادی کابل، پنجاب ، وادی جمنا و قسمت های فوقانی وادی گنگا در تحت نظر کو شانی ها ،این امر را ممکن سا خت که تجارت منظم بین گنگا و فرات در جریان باشد . درسال ٦٣ میلادی بین پارت ها ورومن‌ها معا هده صلح عقد گردید که تقریبا برای مدت نیم قرن دوام نمود این معاهده برای مقاصد تجار تی خیلی ارزنده و مفید واقع گردید. کشف مو جود یت بادهای موسمی درسال ٤٨ میلادی توسط هاپلوس که قبلا مردم در مورد آن مفکوره مبهم داشتند باعث آن گردید، تا در عصر کو شا نیها تجارت ازطریق بحر بیشتر تقویه گردد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تجارت با روم :- در آن عصر، که دنیا پر از تجمل بودروم تقا ضای غیر قابل تخمین به‌هر نوع ازاشیای‌فیشنی شرقی را داشت. اشیای مذکور شا مل زیور ات ، ابریشم ، پار چه های نا زك و نفیس لبا س وعطر یات می گردید. یکی از مثال‌های چنین مصا ر فات بیجا را می توان در مرگ پو مپویا خا نم نیروکه در سا ٤٤ میلادی در گذشت ملاحظه نمود . عطر و خوشبو یهای‌دیگری که در جسد آن پا شیدند، معادل به تو لید عطریات و خوشبوی‌های یك ساله‌عربستان‌بود . واردات بیمورد اموال تجملی شرق به روم‌بدون در نظر داشت تو لید ات‌اشیای ضروری یکی از عوا مل عمده تنزیل‌وبی بها شدن پول مروج آنها بود هنگام تسلط اگو ستس (۲۷قبل المیلاد - ١٤ میلادی) نسبت طلا و نقره ۱ تا ۳ر۹بود و ارزش اریوس‌معادل ۲۵دیناری نقره یی گردید.در زمان حکمروا یی نیرو (٥٤ میلادی-٦٨ میلادی) در اثر مصا رفات بیجاو بیحد ، دینار س نقره یی از ۱- ٨٤تا ۱- ۹٦ پوند نقره یی و نیز ۲۰ فیصد مفروغ مس به‌آن اضا فه گردید . در سا لهای تسلط تراجان (۹۸- ۱۱۷ میلا دی) مس ۳۰ فیصددر سکه های نقره یی مذکور علاوه گرد یده وبالا خره در زمان ایکاباس(۲۱۸- ۲۲۲ میلادی) سکه های دینارس کاملا از مس بـه ضرب‌رسیدند و حتی سکه های طلا یـی اریوس کوچك شدند و همین سکه‌های طلایی یگانه وسیله تجارت بین روم و هند با قی ماند .

صادرات طلاایکه به پیما نه وسیع‌زنگ خطری برای روم بود. بـه ارتباط همین مو ضوع در سال ۲۲میلادی امپرا تور تابر یوس نامه به سنا نوشت و از سنا تقا ضا نمود«تاکی‌باین مصار فات بیجا ادامـه بدهیم ... وحتی گاهی برای ایـن‌مصارفات پو ل خو یش‌رابه دشمنان روم میپردازیم .»

پلنی سرازیر شدن مسکو کا ت‌رو می را بجا نب شرق به شدت محکوم نمود وی در یاد داشت های‌خویش چنین تذکر داده : پو لی را که روم به منظور در یا فتـن اموال‌تجملی به هند میپردازد مـعا دل ...ر...ر ٥٥٠ سیستر سس (۲۲ ملیون دالر) بوده است و اموال صد چند قیمتتر از نرخ او لی آن‌به فروش میرسد. بدو ن شك‌این رقم ارائه شده مبا لغه آمیز بـوده‌زیرا در جای دیگر او این رقم را اند کی بیشتر از ...ر٤٠٠٠ (یك میلیون سیستر سس) ارائه داشته است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

وارد شدن پول در هند ادامـــه داشت ، هنگا میکه نو یسنده پر- یپولس در بین ۸۷ ـ ۸۰ میلا دی ازهند دیدن نمود و در یا د داشت های خو یش نو شت که : سکه های طلایی و نقره(۲)دیناری در باریگازا با پول های محلی تبادله می گردید وی علاوه نمود در هم های یو نا نی که اسمای اپولو دوس(۳) ومینا ندر(٤)در آن نقش گردیده نیز در تبادلـه بودند مقدار زیاد سکه های طلایی دینار ی رومی که دا خل باریگازا می گرد ید ودر شمال هند سکه هـای مذکور دو باره توسطه شاهان کو- شانی به ضرب میرسید . این مساله بکلی واضح است که سکه هـــای طلایی رو می در شمال هند در تبادله بودند ، زیرا در اثر کاوش استوپه های وادی کابل ، پنجاب سکه های مذکور کشف گردیده است . کوشا- نیها وزن معیاری سکه های (ایرو س مساوی ۱۲٤ دانه یا ۳٤.ر ۸گرام) رومن را قبول نمودند .وزن متعادل سکه های طلایی کوشا نیها ۵۰ر۱۲۲ دانه است .

معا ملات تجار تی بین روم و هند بیشتر توسطه تاجران اسکندریه(۵) ویالمیرا (٦)صورت می گرفت. بعضی از تاجران هندی نیز در اسکندر یه به معا ملات تجار تی می پر داختند درین کریسو ستوم که در عهد ترا- جن زندگی می کرد می نو سد که درسکندریه تاجران ، رو می ، یونا نی پارسی نیز به معا ملات تجار تـــی مشغول بودند ، اما درین شهر پـر جمعیت از همه بیشتر تا جران هند به نظر میرسدند .

راه های زمینی :- بنا بر گفته سترابو ، اموال تجا رتی از لیوك کوم (۷) به پترا (۸) واز آنجا به رهنوکلر(ایهرش) وبعدا به جاها دیگر انتقال می گردید . قسمت بیشتر معا ملات تجار تی بین هند و کشور هـــای عربی از طریق بندر مایوس (۱۰)هرمس صورت می گر فت سترابودر یاد داشت های خویش تذکر میدهد که یکصد و بیست کشتی مشغول انتقال اموال تجار تی بین ما یوس هر مس و هند بودند .

کتیسفن (۱۱) در دجله بحیث یك مرکز تجار ت بین هند و امپرا توری روم واقع گردیده بودو تا فرات امتداد داشت وازین طریق یك راه به اکباتانا (۱۲) وهیکتورم(۱۳)پولیوس به سمت شرق ودیگری به انتی (۱٤) وچ، پالمیرا ، دمشق، ،غزه (۱۵)، تایری(۱٦) ، سا یدن (۱۷) و پترا امتداد داشت .

مهمتر ین راه تجارتی از انتی وچ به الکساندر وپو لیس ، شهر یـــا مرکز عمده اراکوزیا بود که توسطه ایز دور چیر کس در قرن اول قبل-

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

المیلاد در مورد نیز تذکری صورت گرفته بود . او از رها یشگاههاییکه توسط پار تی ها برای تاجران اعمار گردیده بود نیز یاد آوری نموده است راههای تجارتی که از انتی وچ شروع ودریای فرات را قطع و به امتداد زیو گما (۱۹) ادامه میا فت و بالاخره از آنجا به سیلیوشیا (۲۰) دجله منتهی میشد . فا صله بین زیو گما تا سیلیسو سیا ۱۷۱ سچوینی (۲۱) (۵۵۵۳/۴ میل) بود و از ین جارا هی به طرف اکبا تانا شهر تجار تی میدیا که دارای خزا ین و معبد بود امتداد داشت وبعدا راه مذکور به صورت مستقیم از طریق را هکا (۲۲) ،راه کسپین ، فراه والکساندرو پو لیس می گذشت . این راه توسطه پتیلمی نیز تشریح گردیده است وبنابر گزارش وی بعداز گذشتن از دریای فرات به هیراپولیس به سمت اکباتانا ودر وازه کسپین مستقیم بجا نب هیکا تو مپو لیس و از آنجا به شهر مرکزی هیر کا نیا، انتیخونیامارجیینا ، هیری (۲۳ و بکتریا (۲٤) امتداد پیدا می نمود و بالاخره راه مذکور به برج سنگی که مرکز بزرگ تجارت چین بود منتهی می گردید. بعضی از جغرا فیه دانان، برج سنگی وتاشکند امروزی را یکی میدانند، زیرا در لسان تر کمنی هر دو یك معنی میدهند . را ولن سن فکر می کرد که برج سنگی تا شکند نبوده بلکه تا شقر غان است ،(۲۵) زیرا شهر مذکور قلعه بزرگ داشت که دیوار های آن از سنگ عمار گردیده بود . تا شقر غان یا قلعه سنگی هر دو نیز یك معنی را ارائه میدارند. مشخص نمودن سا حه مذکور با تاشکند معقو لتر است . زیرا نظر به اظهار پتلمی مسا فرین بعداز گذشتن ازبکتریا (بلخ) فا صله طولانیتری را به سمت شما ل میپیمو دند تا با ین محل میرسیدند. و این محل جزاز تاشکند امروزی محل دیگر (تاشقرغان) بوده نمی تواند . عرض یا پهنای جغرافیا یی که در مورد برج سنگی تشریح گردیده نیز تایید کننده نظریه فوق می باشد. از برج سنگی یك راه به طرف کاسیانیز امتداد داشت ولی از کا شغر دو راه به جا نب چین امتداد میا فت ، یکی به سمت جنوبی حوزه ترایم و دیگر آن به امتداد شما ل (۲٦) که در سر راه شاخه جنوبی آن یارقند (سوچی) خوتن (هوتین ، نایاو تعداد دیگر ازمستعمرات مانند اندیر، دونگ (۲۷) لیك وتون هوانك واقع گردیده بودند . راه شمالی از اوج تورفن، کوچا، کراشار (ین کی) و تورفن (۲۸) می گذشت. شهر های متذکره مراکز مهم تجارتی آن عصر بشمار میرفت که بعد ها مراکز بزرگ مذهبی گردیدند. کشف بازمانده های سا ختما نها عصر کوشا نی ها تا یید کننده این نظر است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کاروانهای تجارتی که به‌شرق دور سفر می نمودند در سرراه شان محلات منا سبی را برای رفع‌خستگی خویش میا فتند بنا برگفته پتلمی مسا فرت از برج سنگی(تاشکند) تا مرکز مهم تجارتی سیرا از طریق ، راه شمالی هفت‌ماه رادر بر می گرفت.

بکتر یا (بلخ) یك منطقه مهم‌تجارتی ،آسیای شرقی بود. ازین محل یك راه به سمت مرا کندا(سمر قند)، برج سنگی (تاشکند)و چین امتداد داشت و دیگری به‌سمت‌شرق هند که مستقیم از اورتوس پاتا (کابل) پرو شا یرا، تکسیلا،مودورا (مهتورا)، پتلی پترا (پتنه). راه دیگری که به جانب سند امتدادداشت و هنوز قابل استفاده کاروانها قرار دارد ، عبارت از را هیست‌که از کندهار ، رام مبا سیا (۲۹) بار بار یکن گذشته‌وبه‌دها نه اندوس‌منتهی می‌گردد. از متهورا یك راه‌به سمت جنوب منشعب می گردید که‌به اوزین (اوجن)و بندر مهمی‌بایگازا (بروچ) امتدا پیدا می نمود.

مشکلات و راههای زمینی :-مسافرت از طریق‌آسیای مرکزی دارای موانع و مشکلات زیاد بود.مسافرین از کشور های دارای اقلیم های متفاوت آنها را عبور می‌نمودند بعضی از آنها حاصلخیز و بعضی آن جز بیابان بی آب و علف‌چیزی دیگری نداشتند . گاهی‌راهها توسط ریگ پوشیده میشد ، در آن‌صورت ،یگانه راه خوب راهی بودکه از طریق آن مسافران در شب بااستفاده از کمك ستاره ها سفر می توانستند .

گزارش کریتوس که توسط نو یسند گان بعدی مانند امینس مرسیلنیس نیز تایید گردیده است.بکتریا (بلخ) را چنین تعریف نموده است «طبیعت سرزمین‌بکتر یا متنوع‌است . یك محل دارای در ختان‌انبوه وتاکستانهای که انگور شرین ببارمی آورد. خاك آن حاصلخیز و آب فراوان دارد و در چنین خاك جواری‌بیشتر نمومی‌نماید و بدین ترتیب گله های حیوانات به صورت بهتر‌تربیه می گردد . محل وسیعتر دیگر را میتوان در بکتریا در یافت نمودکه خشك بدون آب و علف وخالی از سکنه است . در اثر وزش بادهای قوی ریگ ها از یك محل به محل دیگر انتقال می یابند ، که درنتیجه آن سلسله‌ازتپه های مصنوعی تشکل می نمایند ، اکثر را همهای‌کاروانرو را که قبلا مورد استفاده قرار می گرفت به کلی از بین می‌برد وکسانیکه قبلا ازین راهها سفر نموده اند ، مجبور بودند تا مانندملاجان با استفاده از ستاره رهنماها

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

در هنگام شب سفر نمایند مسا فرین سایه های شب را نسبت به روشنی زننده آفتاب بیشتر تر جیـــــح میدادند . نتیجه اینکه آنها قـــادر نبودند که راه خویش را در هنگام روز در یابند ، مگر آنکه مسیر راه آنهاقا بل دید باشد ... »

بنا بر گذارش پتلمی ، راه پیمایی مسا فران درجاده یامسیر بین برج سنگی (تاشکند) و چین در اثر بعضی طوفان های مد حش نا ممکن مـــی گردید ، علاوه بر مشکلات و موا نع طبیعی وجوی تاجران بابر خورد هاو حالات غیر معین سیا سی نیز مقابل می گردیدند . پارتی هااکثرا با رومی هادر جنگ بودند و هند در آواخرقرن اول میلادی هنگا میکه پر یپلس تحریر گردید در آن تذکر ی به عمل آمده که در اثر نزاع شدید بین شاـ هزاد گان پار تی سند پر چه پارچه شـــده و از هم مجـزا گرد ید که در نتیجه آن راه بار بار کن اهمیـــت خود را از د ست داد .

تجارت از طریق بحر :ـ تجارت از طریق بحر از بندر های بحر ی عربی ، خلیج فارس و امپرا توری روم به پیما نه وسیع صورت مـــی گرفت . چنا نچه هنگا میکه ستراابواز بندر مایو س هر مس دیدن نمود مشاهده کرد که یکصد و بیست کشتی انبا شته از اموال تجار تی آماده حرکت بجانب هندبودند تراجن همچنان کشتی های را در دها نه فرات ملاحظه نمود که آماده حرکت به آنسو بودند ؟

بنا بر تذ کرات پر یپلس او لین بندر در بحیره احمر که اموال تجارتی از آن به هند منتقل می گردید، بندرموزا (۲۹) بود که کشتی ها ازآنجا مستقیما به باریك زاحرکت مـــی نمودند . بعد از آن او کیلـز (۳۰) ولین (۳۱) بودند .لنگر گاه موزانسبت به دو دیگر بهتر بود. از ین جا کشتی ها بعد از گذشتـــن از دایسکویدا (۳۲) و فرنگ انسینس مستقیم به جانب هند حرکت مـــی نمودند . در دها نه فرات اپولوکس (۳۳) مو قعیت داشت که (چوب صندل ساچ، آنبوس وچوب سیاه را ازبار ـ یگا زا بدآنجا وارد می کردند . هندبندر گا همای زیادی برای صادرات تو لیدات مواد اضا فی خویش داشت بنا در مذکور در عصر کو شانی ها مخصو صا در عهدکنیشکا بیشترفعال بودند . را همباشیا شهری بود که شراب ، گندم ،برنج، خرما از سراسر کشور در آن ذخیره وازبندر اوریا (۳۳) صادر می گردید. از منا طق سا حلی پد لیوم را بد ست می آوردند . ماده مذکـــور سرش در ختی است که از آن ادویه مقوی طبی می سا ختند . در سند مارکیت یا شهر مهم تجار تی عبار ت بوداز

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بار بار یکوم (بار باریکون) که دردهنه دریای سنتوس (اندوس) واقع گردیده بود، اموال تجارتی از ین بندر به شهر بزرگ تجارتی میناگارا (٣٤) واز طریق دریا انتقال میافت. مقدار زیادی از پارچه های نازك کتان، یا قوت زرد ، مرجان ، ظروف شیشه یی قاب های نقره یی و طلایی ومقدار کمی شراب در ما کیـــت مذکور وارد می گردید . واز طرف دیگر اموال صادراتی که از شهر تجارتی مذکور به خارج صادرمی گردید عبارت بود نداز : کوستس بدیلیوم ، لیسیوم (٣٦) نرد (٣٧)، فیروزه ،لاجورد ، لباس نخی، تارهای ابریشم و نیل .

لباس زیاد نخی از مینا گارا بـه بار یگازا آورده میشد. در شرق اوزین (اوجن) موقعیت داشت ، قسمت (اوجن) موقعیت داشت ، قسمت زیاد اشیای ضروری از طریق بندر باریگازا بد آنجا منتقل می گردید. عقیق ،چیت هندی ، لباس قیمتی ولباس عادی نیز در جمله امـــوال تجارتی بشمار میرفتند . از طریق همین ناحیه و قسمت بالای آن سنبل هندی از راه پو لکیس (پو سکالویتی یا چهار صده فعلـــی) کسپا پیرین و کشمیر) پار یپانسین (هند وکش) کبو لیتك (وادی کابل) آورده میشد .

ابریشم خام ، تارابریشم و لباس ابریشمی از طریق را همهای زمینی از چین بـه بکتـر یـا آورده میشد. واردات شامل اقلام ذیل می گردید شراب ، مس ،حلبی ، سرب ، مرجان لباس نارك ، شبدر شیرین، سلفیت سرخ (برای ضد عفونی کـــردن) سنگ سرمه ،سکه های طلایی ونقره یی که مفاد بیشتر از تبادله آن ؛ سکه های مروج کشور میسر بودنیز در زمره واردات به حساب مـــــی آمدند .

بنا برتذکرات پلنی شکر نم قاره هند نظر به شکر کشور های غربی بیشتر مورد استفاده قرار می گرفت یونانی ها باراول متحیر شدند کـــه چطور از نیشکر ، شکر استراج می گردد ، ستر ابو از بیانیه نیرکوس نقل قول می کند که «نی های هندعسل رابدون زنبور در خود دارند.» الماس ، مروارید ، یا قوت بکود و دیگر سنگ های قیمتی هند ارزش زیاد داشتند .

خارج از حیطه امپراتوری کوشانی ها ، بعضی بنادر در جنوب نیم قاره هند نیز تجارت با کشورهای خارجی داشتند . آنها عبارت بودند از سوپا (٣٨)، کالینیا (٣٩) وموزا یرس (٤٠) که اخیرالذکر

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

آن خیلی مزد حم بود و گا هی موردحمله دزدان در یایی قرار می گرفت مقدار زیاد مرچ از ین بندر به‌خارج‌کشور صادر می گردید .

مشکلات در تجارت بحـــری :ـملاحان که مشغول انتقال امـــوال تجار تی با نیم قاره هند بودند. با مشکلات زیاد مقابل می گردیدند، آنها آگا هی کامل در مورد موسم بارند گی نیم قاره حاصل می نمودند وبا استفاده ازوزش‌بادهای ماه‌جولای‌کشتی های خویش رامستقیم وسریع می راندند، اما گا هی مسا فرت‌آنهادرین فصل دچار اشکال می گردید.

در سا حل هند خلیج ایرینن(رن،کچ) کم عمق بود و در اثر انتقال دو مدار ریك سا حل به خوبی دیده‌نمی شد و کشتی ها ییکه می خوا ستند میسر خـــویش را در پیش‌گیرند در اثر رو گردا نیدن مـــی شکستند و از بین میر فتند خلیج‌بارا کا (کچ) در اثر گرداب هادچار اشکال می گردید و گذشتن از آن‌به جانب بندر باریگازا مشکل مـــی گردید در چنین شرایط کشتی‌مذکورتوسط کشتی های بزرگ کش می گرد ید . درین جا جز ومد نیـــزبوقوع میپو ست و در هنگام دخول وخروج برای کشتی های ، آنهاییکه‌تجر به کا فی نداشتند و یااینکه بار اول در محل مذکور دا خل میشدندخیلی خطر ناك بود .

تاجران منفعت زیاد بد ست می‌آوردند و بعضی آنها آنقدر جریص بودند که به خاطر منفعت بیشتربکار های غیر مجاز مبادرت مـــی ورزیدند . اما گا هی کار های غیرقانونی و استفاده جو یی آنها مورد تفتیش قرار می گرفت . مثلا بعضی‌از استفاده جویان سرش های عادی راکه شبا هت به بدیلوم داشت بنام‌ماده مذکور به عین قیمت به‌فروش می رسانیدند . تقلب عطر یات‌خیلی‌امشکل بود زیرا اکثرا آنرا ذریعه‌بو، رنگ و سو ختن می شنا ختند.بنا بر گذارش پیلنی نرد در زمره رو- غنیات جای اول را داشت، تاجران‌متقلب روغنی را که از در خـــت پیسود و مزد بد ست می آمد بنام‌روغن نرد به فروش می رساندند.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پاو رقیها

۱ــ اشیای عا جی مربوط عصرکوشا نیان از پو مپی و ظروف‌شیشه یی رو می از قصر سلطنتی کو شا نیان ازبگرام بدست آمده است.

۲ــ دینار س ، سکه های نقره یی‌قدیم رومی می باشد .

۳ــ اپو لودو تس شاه هندوگریك‌که در قرن دوم قبل‌المیلاد در پنجاب حکمرانی می نمود و ی بعداز کشتن‌پدرش ایکر یتد س (۱۵٤ قبل‌المیلاد سلطنت را بد ست آورد .

٤ــ مینا ندر شاه هند و گریك‌که‌در قرن دوم قبل المیلاد سلطنت می نمود .

۵ــدر سا حل شمالی مصر واقع‌گردیده است .

٦ــ در سوریه مو قعیت دارد .

۷ــ بندر تجار تی یونا نو ، ر وکه در سا حل شرقی بحیره احمردر قسمت جنوب‌وجهه عربستان سعودی‌موقعیت دارد .

۸ــ پایتخت نباتین ها بود . که‌در وادی عرب . اردن‌مو قعیت دارد.

۹ــدر سا حل شمال‌مصر موقعیت‌دارد .

۱۰ــ بندر تجار تی یونا نو، رومی‌که‌در جناح غربی خلیج سیوز مقا بل تور مصر واقع گردیده است .

۱۱ــ در نزدیکی بغداد واقع‌گریده‌است .

۱۲ــ همدان فعلی ، در ایران.

۱۳ــ دامغان در ایران .

۱٤ــ انتیکا فعلی در جنـــــوب‌ترکیه .

۱۵ــ بندر تـــجار تی است درمصر .

۱٦ــ سایرا فعلی (بندریست درلبنان)

۱۷ــ بندر سعیده (درلبنان).

۱۸ــ کند هار (افغا نستان .

۱۹ــ شهر یو نا نی که در کناراست در یای فرات مقا بل بیریسك ترکیه واقع بود .

۲۰ــ شهر یونانی که مقا بـــل‌کستیفون عراق مو قعیت داشت .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

٢١- اسچو ینی معادل ٣¼ یك‌میل است .

٢٢- کوتلی است در کو هـهـای‌البرز. بنابر یاد داشت های‌مورخین مسا فرین این کو تل را در یك روزطی می نمودند .

٢٣- هرات (افغا نستان) .

٢٤- بلخ (افغا نستان).

٢٥- شهر یست در سینگیا نگ‌چین .

٢٦- جاده سومی که مستقیم ازکوبی می گذشت ، آنقدر مهـم نبود .

٢٧- محلات مذکور درسنیگیا نگ‌چین واقع گردیده بودند .

٢٨- واقع در سنیگیا نگ چین.

٢٩- مو چا فعلی ، بندریست درساحل یمن،

٣٠- بندریست‌درجنوب عربستان

٣١- بندریست در جنـوب‌عربستان.

٣٢- سکوترا فعلی ، جز یره‌است‌در بحر هند .

٣٣- شهر کوچك تجار تی بود دربندر جیدروسیا (بلو چستان ،پا- کستان غربی .)

٣٤- مینا گارا را با حیدر آباد(سند) امروزی می توان یکی دانست در یاد داشت های پتلمی بینا گاراذکر گردیده است .

٣٥- کوستس (سانسکـر ت-کوشتا) ریشه درختان بلند گـلاب مانند است که از آن عطر یات و خوشبو یها را استحصال می نمودند گاهی مرهم های طبی نیز از آن می‌سا ختند .

٣٦- بته است که از آن رنگ‌زردوادویه استحصال می نمودند .

٣٧- نبات خو شبوی است ، که‌در ساختن عطر یات و ادویـه از آن استفاده می نمودند .

٣٨- در نا حیه تانا نزد یك‌بمبئی‌مو قعیت دارد .

٣٩- کالین فعلی می باشد که درنزدیکی بمبی واقع گردیده است.

٤٠- کرنگنور فعلی ، بندریست‌در سا حل غربی هند .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

لیکونکی : م.م . سپا گنولی
ژباړو نکی : صدیق الله عتیـــق زوی

د کوشانی شاهانو په ایکنوګرافی

کښې د ګرز سمبو لیك مفهوم

زما د دی مقا لی موضو ع له‌تیسی‌دی ـ لوریا (۸) چه د «متور را هنرد کوشانی په عصر کښې »چه د مخه‌تردغه عنوان لاندی خـــپور شوی اخیستل شویدی . دغه کتاب ماته‌په۱۹٦۲ میلادی کال د روم د پوهنتون له خوا هدیه راکړی شوی .زه هیله‌کوم چه زما د زړه د کومی مننه‌پرو ـ فیسور. م.م بسا ګلی (۲) ته‌ورسوی . ځکه نو موږی پوه په دی کار کښې زماسره مرسته وکړه .اوزه یی په دی لاره کښې یی تشویق او تر غیب‌کړم .په دی هکله ماته یی‌په زړه پوری او باارزښته پیشنهاد ـ ونه کړی دی .

همدا رنګه مخکی له‌دی څخه چه‌دغه مضمون ولیکل شی او خپورشی زه پـه دی پریالی شـــوم چه دروز نفلید (۳) ډیر په زړه پوری کتاب چه د کوشا نیا نو د سلسلی د هنرپه‌هکله (٤) او لاس انجلس ۱۹٦۷ میلادی کال .) خپورشوی وه وکورم.

ددی مضمون لیکو نکی لیکی چی‌دروز نفلید د کتاب د لوستلو په وخت کښې زه په همدی شان یو مضمو ن‌یعنی «دګرز سمبو لیك ارزښت د کوشا نی شاهانو په مجسمو کښې‌خپور شوی وه (۱۷۹ نه تر ۱۸۱ پوری) مخا مخ شوم .

دلوی کنیشکا مجسمه دمات پـه‌کلی کښې چی متورا ته نژدی ده‌ددی پیړی په پیل کښې و موندل شوه‌چه د تاریخ او لر غو ن پوهانو له‌خوا په ښه ښه پیژندل شوی ، دغـــه‌دکنیشکا ولاړه مجسمه چه دکوشانی دعصر په کا لیو سمبال شوی ده‌په‌کین لاس کښې یی توره او په ښی لاس یی اوژد او در وند ګرزنیو لی‌چه‌په ډیر ما هرا نه ډول سمبال او جوړ شویدی (...)

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

وګل (٥) یو لرغون پیژند و نکی‌پوه په دی هکله لیکی که چیری موږ داسلحی استعمال په حقیقی تو ګه‌په بیړه د کنیشکا په لاس کښی وروستنی عنصر (ګرز) وڅیړواو داګرزد حقیقی وسلی نمونه و بولو یانو موږی ګرز د شا ها نو سمبول‌په تو ګه وګنل شی دی په خپله وایی دغه ګرز د حقیقی وسلی نمونه‌وه (١) په حقیقت کښی دواړه نظر یی د منلووړ دی او حتی پر ته لـــه‌مبا لغی څخه دغه فرضیی یو د بل پر ضد نه دی دغه ګرز چه‌کنیشکا په لاس کښی نیو لی د هغه تـــول جزئییات یاد داشت شویدی . پـــه‌بنکاره توګه د وسلی د بیاجو ړو نی او دهغه استعمال یوړ سمی اوتشر یفا تی خصو صیت در لود، له بلی خوا دغه د ګرز نمونه چه د کوشا نیانو په ډیر ولو یو سکو کښـــی موندل شوی د شا هی مجسمی سره‌ډیرو رته وا لی او اړیکی لری لکه چه دغه ګرز او د هغه نور عنصردشا ها نو د څیرو سره یو ځا ی‌د هر ملت او په هر عصر کښی داصلی‌سمبول په‌حیث بنودل شویدی ،یو-ازنی لاره چه موږ د ګرز سمبو لیك‌معنی له پلوه د هغه په معنی پوه‌شو هغه لاره ګرزتکامل اود کوشا نیانودډیر مهم شاها نو د مجسمو دا-یکنو ګرا فی څیړ نه او مطا لعه ده‌چه له بده مرغه دا کار تراوسه تر سره شوی دی .

همدار نګه دغه وسله دو یما کد-فیز س دمجسمو سره نژدی اړ یکی لری چه په دی سکه کښی بنوول شوی دی ددی د پاره چه مو ضوع په لنډ ډول تر څیړ نی لاندی ونیول‌شی موږ باید د کو شا نی کورنی دشا ها نو مجسمی په اووبر خـــوویشو تر څو هریوپه‌لنډ ډول تشریح او تفسیر شی .

لومړی :- د پاد شاه نیمه تنه مجسمه‌چه دوړ څخه راوتلی (٢) مخ‌یی‌بنی خوا ته تا و شوی د ګل یوه حلقه‌چه‌دبو په ډول تړل‌شوی د ویما کدفیز-س‌په غاړه کښی لیدل کیږی (٣)دهغه‌له اوژو څخـه داورلمبی راوتلی چی د بنی اوږی لمبی د قـد یفـی‌یاد یالان لاندی پت‌شوی دی.نوموړی شاه په بنی لاس کښی ګرزنیو لی‌چه د ګرز څو که پور ته خوا داوژی پر سریی رابنبی ده (...) پـــه دی‌تو ګه د دغه شاه وسله (ګرز) لږځه لنډه ده چه دغه ډول ګرزد هیراکلس‌دګرز سره ورته وا لی لری .

په دی سکه کښی د پا د شاه سرلوڅ‌بنودل شوی او ددی سکی جز-ئیات ډیر معمولی نه دی ډیر احتمال‌لری چه د دغی سکی جزییات داندو ګریك له مودل سره‌نژدی ور ته والی‌ولری .دغه نظر یه د کو شا نی شا-

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

هانو دکالیو او ویښتانو دکوچینی تزیینا تو له مخی تصد یق شوی څرنگه چه دغه ډول نمونی د گر-یگو باختری او اندو گر یك شاهانو په سکو کښی هم لید لی شوی دی(٤)د دغی مجسمی شکل دلیسیاس (٦) او لمړی سترا تو (۷) (٥) د مربع ډوله سکی شکل سره نژدی ور ته وا لی لری په دی سکو کښی دهیر اکلس نیمه څیره چه مخ یی ښی خوا ته تاو کړی دی حال داچه دهیر-اکلس گرز په خپل کین او ژه ایښی دی .

دگرزایښودل په اوژه باندی د هیر اکلس دا یکنو گرا فی د سبك یو عنصردی . ډیره سخته او ناممکنه ده چه دویماکد فیز س مجسمه درب-النوع د ټولو مجسمو څخه جلا کړو. په اغلب گمان سره که دغه مجسمی دارجد (۸) ریښه ولری نو ځکه دگرزایښودل په اوږه باندی دارجد دسبك یوه خاصه نمونه به وی. د گرزلیږدو ل یادول ایښودل پراوژه باندی دسیلیکوس سکو کښی لیدل شوی په همدی شان د دیمتر یو س (۹) بـه مسکو-کاتو کښی گرز داوژی پرسر لیدل شویدی . د نورو شاهانو سکی لکه دایتید یموس (۱۰) دوهم زویلس (۱۱) سوتر (۱۲) او تیوفلیس (۱۳) همدا رنگه د لیسیا س او سترا تودسکو نمونی ددیمتریوس دسکوله مخی اخیستل شویدی (٦) نه بلی خوا ددغه ډول دو سلی لیږدول په اوږه باندی دیوه شاه مجسمی ته دا سی شکل او بڼه ورکوی چه شاه ډیرد قدرت او نفود خاوندوه (۷) .

دو هم : د پا د شاه نیمه تنه اوڅیره چه دوریځ څخه را وتلی ده(۸) په سریی جنگی خو لی چه د خو لی په مخ کښی تاج او دگل کړی لیدل کیږی دغه دگل کړی کین پلو ته میلان پیدا کړی ، هغه په ښی لاس کښی گرزاو چت نیولی دی . کین لاس کښی یی تاج یایوه حلقه لیدل کیږی. داوژو څخه یی داور لمبی را وتلی دی (دریم شکل) د دغی سکی مجسمه دپخوانی مجسمی په پر تله ډیـره خرا به او بد شکله ده ځکه د سکی څیره مغشو شه ده او داسی معلو-میږی چه نو موړی سکه نا تما مه پاتی شوی . هغه شی چه ددغه پاد-شاه په کین لاس کښی بریښی دوایت هید (١٤) له خوا انکو شا (١٥) تشریح او تفسیر شوی، مگر پـه حقیقت کښی د یوه تا ج د کـړی په څیر معلو میږی . د دغه پاد شاه گرز دلومړی سکی د گرز سره پوره ورته والی لری چه د هیرا کلس د گرز په شان دی ، ځکه د گرز غوټی اوتنا-سب یی په یوه منظمه فا صله کښی جوړ شوی دی مگر دلومړی سکی گرز او وسله په حقیقی شکل او په

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ښه مهارت سره جوړ شوی وه، حال‌داچه دو همه سکه په ښه شکل نه‌ده جوړه شوی او امکان لری‌چه ناتکمیل پاتی شوی وی . ددی سکی ځینی

(۱) شکل ـ د کنیشکا مجسمه‌چه‌له‌متورا څخه لاس ته راغلی چه او س دمتورا دلر غون پیږند نی په موزیـم کښی اینښو دل شو یده .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

برخی مخ ته را وتلی او پو رته خواته کوږ شوی (۹)دغه‌سکه د مخصوصی جوړونی له امله د نورو سکوڅخه ډیر ژر پیژاندل کیږی.

دریم :ــ د پادشاه مجسمه چـه‌په یوه شکلی او نقش ، لرو نکی اروپایی‌ډوله‌خوکی باندی‌چه دځوکی‌خوکی پښی یی اوږدی دی ناست دی او د پادشاه پښی د تخت (۱۰)په‌کښتنی برخه کښی ایښودل شوی هغه د کوشا نی شا هانو کالـــی داغوستی پرسری د خو د یا جنگـی خولی دتاج سره ځای لیدل کیـږی‌چه کین خواته یی میلان پیدا کـړی د اور لمبی د اوژو څخه راوتلی دی.په پښی لاس کښی د تندر گـــــرز پورته نیولی دی او کین لاس یـــی‌په خپل ورانه ایښی دی . پښی خوا د پادشاهی تخت ته نژدی یو گرز چه‌سر یی لاندی خوا ته دی لیـــــدل کیږی (څلورم شکل) حقیقت دا ده‌چه گرز د پادشاه څنگ ته ایښـــوول شوی او مونږته دا مفکوره راپه کوته‌کوی چه ددغه گرز څخه دوسلی په تو گه استفاده کیده . په حقیقت‌کښی د دغه گرز لاستی ډیر ښه او صاف جوړ شوی چه‌د لاستی پای‌یی‌گردد ی د دغه گرز کړی د نورودو سکو د گرز سره ور ته وا لی لری.همدا رنگه باید وویل شی چه د دغه سکی د تندر گرز او د پاد شاه تخت‌دزیوس (۱۶) د تخت کشینا ستلوله مجسمی سره ډیری نژدی اړیـــکی‌لری .

څلورم :ــ د پادشاه‌نیمه تنـــــه‌مجسمه چه دوریځ څخه راوتلی (۱۱) په‌سریی د خود خولی او تاج لید ل‌کیږی خو لی یی د یوه‌دری سرلونکی غشی په واسطه ښکلی کړی شوی‌دی‌په پښی لاس کښی یی گرز او په کین لاس کښی یی فیل یا اوز گـــوړی(۱۲) نیو لی دی (پنځم شکل) .

په دی ځای کښی نو مو ړی وسله‌یوه په زړه پوری صحنه ښیی ، دغه گرز لږ څه لنډ نری او د کوچینی‌لرگی په شان دی چه د گرز د لاستی پای د یوی دایری په ډول جوړ شوی‌اود گرز پور تنی بر خه لوی او پلن دی چه د یوی نری لر گی په څیـرمعلو میږی . ددغی سکی د شکل او ډول څخه داسی څرگند یږی چه‌ددو همی او دریمی‌سکی‌څخه اخیستل شویدی دغه گرز د نور د سکود گرزدسکو څخه لږ څه تو پیر لری .په دی تو گه باید وویل شی چه د دغی‌سکی ځینی بر خی د ځینو گیاه‌سره نژدی ورته وا لی او شبا هت لری‌او موږ په فکر کښی اچوی چه دسکی تخنیکی جوړ و نه د هغه وخت دشاه‌سره نژدی اړیکی او نسبت لری چه دځیړنی په وخت کښی زه د هغه په‌معنی او مفهوم باندی پوه نشوم.په

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

هر حال امکان لری چه با ارزښته بدلون د لرګی او ګیا هی عنصـــر منیځ کښی وی په آخرنی مرحلـه کښی د شا هی کور نی سره اړیکی پیدا کوی (۱۳) .

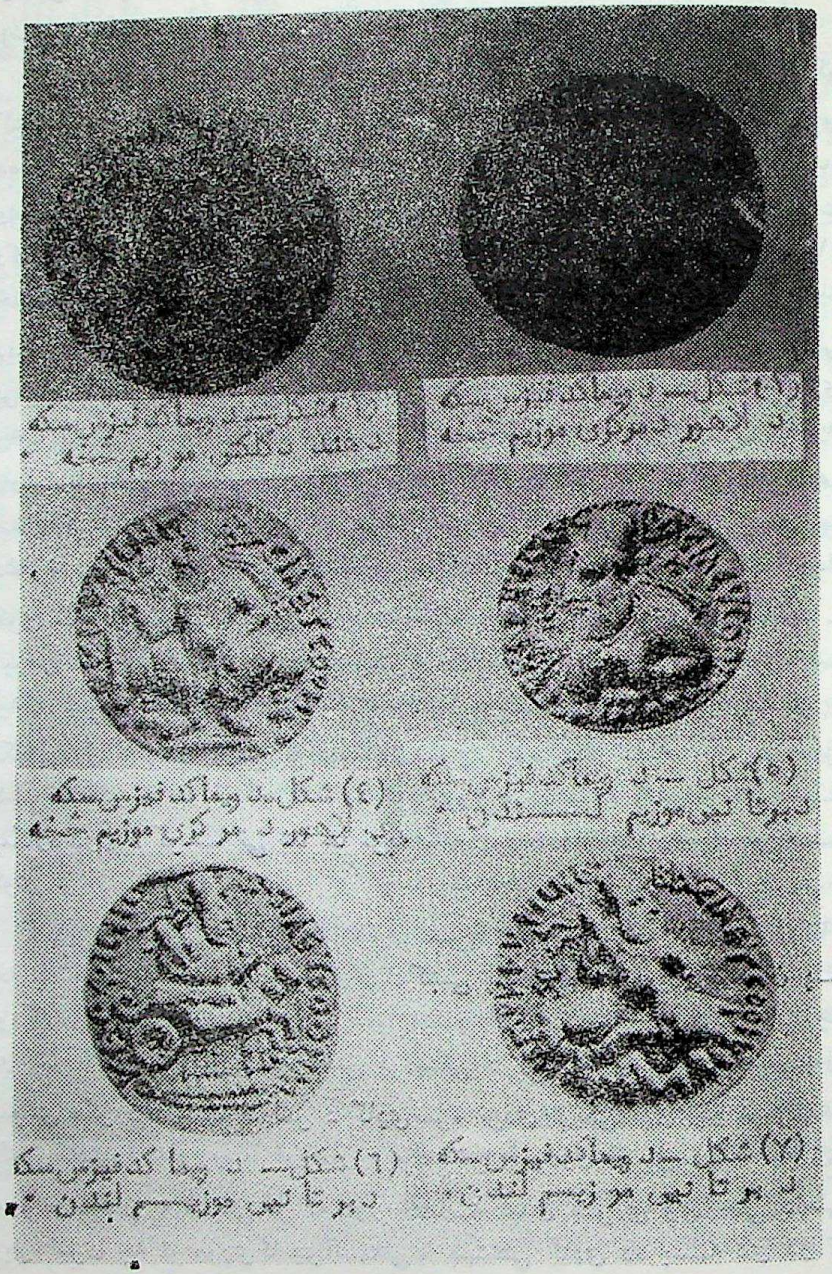

CC-0. Kamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پنځم :- د پا د شاه مجسمه چه په یوه ګاډی کښی ولاړدی (۱٤)دغه شاه جنګی تاج لرو نکی خو لی پـه سرکړی ،په ښی اوژه باندی یی ګرز، اینښی دی د پادشاه څنګ ته یو کو- چینی ګاډیوان ولاړ دی (۱۵)

دګاډی دآس څخه داسی معلو میږی چه ګاډی دوریځ پر سر حر کت کوی (شپږم شکل) .

که چیری موږ یو ځل د ما یوس(۱٦) (۱۷) سکی ووینو په دی سکو کښی پاد شاه په ګاډی کښی سپوږدی ده خپل ښی لاس په غشی اینښی ده چه ګاډی د دووآسو په واسطه اودګاډیوان په مر سته حرکت کوی.

دایکنو ګرا فی د پلوه په دی سکه کښی د پا دشاه تسلط او قدرت دګاډی په آسو باندی ښییی. چه همداهنر د لومړی متر یداتس (۱۷) (۱۸) څلورم انتیو کو س (۱۸) (۱۹) پـه سکو کښی لیدی شوی دی . یوه بله ډیره پخوانی او قدیمی سکه داندرا- ګوراس (۲۰)سکه ده چه د دی سکی پرشاه باندی څلور آس لرو نکـی ګاډی چه نو موږی آسو نه ښکرلری لیدل کیږی . د غه ګاډی دیوه لوی بر جسته شخصیت له خوا چی شاید پادشاه یا فاتح وی لیږدول کیږی. په دی ګاډی کښی یو جنګی سربازهم لیدل کیږی (۱۹) په شپږم نمبر سکه کښی یو څه ښی لید لی شوی چه دغه ښی ښیا نی دو یما کدفیزس سکه دا ندرا ګراس د سکی څخه جلا کوی څکه نو موږی سکی یو د بـــل سره پوره تو پیر لر ی دو یما کد - فیزس د د غی سکی په پور تنـــی برخه کښی یوه ښه دپادشاه په سر لیدل کیږی امکان لری چه هغه ښه دسا یوان (چتری) وی چه پوره او په مکمل ډول په سکه کښی نه ده ښودل شوی. یوه بله سکه چه په اصل کښی هندی ده او د کو شا نیا نوله نورو سکو سره مقایسه شی پـــه **ښکاره ډول د کو شا نی شا ها نو په** مکله پوره معلومات را په ګو تـــه کوی .

ګاډی او چتری دواج ا پیا (۲۱)دتشریفات صحنه را په یاد و ی (۲۰) چه د جشن د مرا سمو په وخـت **کښی پاد شاه دنړیوال حکمران پـه** تو ګه ټاکل کیده(۲۱) د دی مو ضوع ایکنو ګرا فی (څیره پیژند نه) چه دو یما کد فیزس په سکه کښی د سکی د مخ څیره د ګاډی فاتح بلل شو ی **مګر دغه سکه د لمر د ګاډی** سره نژدی اړیکی لری چه معمولادغه دلمر ګاډی دځلور و یا اووځارو یوله خوا لیږدول کیږی . که چیری د آسا نو سمان په حقیقی تو ګه دوریځ دپاسه لیدل شو ی وی حتی داسی ویل کیږی چه نو موږی ګا ډی آسمانی یا بهشتی ګاډی ده پـــه دی ډو ل

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

لر غون پوهان د دی ګاډی په هکله‌داسی نظر لری : نو موږی بهشتی ګاډی امکان لری چه د نړ یوا لی‌پاد شاه سمبول وی ، چه پادشاه خپله په آسمان کښی د دغی ګاډی‌په‌مرسته سفر کاوه ، په دی معنی ټوله نړی د ده د متصر فا تو څخه ګنپل کیده .

په دی سکه کښی پاد شاه په خپل‌یابهشتی ګاډی ده . په دی ډول بنی لاس کښی ګرز نیو لی او د خپل‌داوژی د پاسه یی اینبی دی د دغه ګرز سا ختما ن او شکل په پوز ټنی‌برخه کښی پیړ او پان دی حال داچه لاستی یی نری‌دی.دغه سکه د دوهمی‌اودریمی سکی سره ورته وا لی لری او له بلی خوا ، نوموړی ګرز دهیرـاکلس له ګرز سره نژدی او پوره شبا هت لری . دوسلی سا ختما ن‌وصیقل شوی نه دی .

شپږم :ـ دپادشاه مجسمه پـــه‌تخت باندی چه زنګنو نه یی قات کړی ناست دی (۲۲) په دی سکه‌کښی پاد شاه د کو شا نی شا ها نو په سبك کا لی اغو ستی ، چه دډیرلوی او دروند پر تو ګ او دلیمځی بوټان یی په پښو دی همدا رنګه داوژو څخه یی د اور لمبی را وتلی دی . سر یی‌بنبی خواته میلان پیدا کړی چه په سر یی جغه لرو نکی جنګی خو لی لیدل کیږی ، هغه په‌خپل بنی لاس کښی ګرز نیو لی چه په خپل اوژه باندی یی ګرز تکیه‌کړی دی او توره یی‌خپل څنګ ته اینبی چه په یوه ټوټه یا ټوکر کښی‌تاو شویدی (اوم شکل)

دغه ډول د پاد شاه مجسمه چه‌په څلور وزنګنو (چار زا نو) ناست دی موږ ته د ما یوس (۲۲) (۲۳) اوزیاتره دازس (۲۳) (۲٤)دسکو ډول راپه یاد وی. ډیره په زړه پوری‌ده‌چه پاد شاه په کین لاس کښی وسله نیو لی ا مکان‌لری‌دغه وسله‌به‌ګرزوی(۲۵) .اجازه را ګړی په پای کښی ولیکم چه دو یما کد فیز س دوسلی‌تصویر خا ص شکل لری په دی مفهوم چه دغه ګرز د هیرا کلس‌دګرز سره ورته وا لی نه لری ،څکه نوموړی ګرزلاستی(۱) غوټه‌نه لر ی‌پیړ وا لی یی سر ته پا یه یو شان دی. د غه ډو ل ګرز چه خاص شکل‌لری په ښکاره تو ګه د سلطنتی‌لکړی په شان ده چه دغه ډول د سلطنت‌لکړه د قدرت او نفو ذ سمبول وه،په هر حال پادشاه وسله په خپل بنی‌اوژه اینبی ده (۲٦) .

اوم: ـ په‌دی سکه کښی دپادشاه ولاړه مجسمه‌چه‌کین‌خواته ګـو ری پرسریی اوژده لوړه خولی سره دتاج لیدل کیږی (۲۷)، هغه یو اوژد نظامی کمیس او اوژد پر تـــوګ‌اغوستی ، خپل بنی لاس یی په‌یوه کو چینی مذبح (دخارویو دحلالولو ځای) باندی چه مقدس او پاك ځای دی اینبی دی د پاد شاه بنی خوا ته‌یو دری څو کی ، نیزه او یو ګرز

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

لیدل کیږی چه د ګـــرز سر کشته خوا ته اینبودل شوی دی (اتم شکل)
ددغه ګرز د لاستی څخـه داسی معلومیږی چه په ښه مهارت او سبك سره جوړ شوی ځکه د لاستی برخه یی دقبی په شان جوړه شوی ترڅو دعملیا تو په وخت کښی دلاس څخه ونه لویږی ، حال دا چه د ګرز لاندنی برخه دحلقی په څیر جوړه شوی ځکه دګرز پاتی بر خی ډیر ښه سمبال شوی چه په دی حالت کښی د غـه ګرز بی غو ټی جوړه شوی ځکه ځینی ګرز په سر کښی غوټی لری چـــه دعملیا تو په و خت کښی د جنګ د پاره ډیر موثر وی .

(۲۸) کله چه دو یما کد ځیز س دسکو ډول ولیدل شی دلنډی ځیږنی څخه وروسته د هغی سکی ګرز پـه آسا نه تو ګه پیژندل کیدای شی دا باید ووایم چه دویما کد ځیز س سکی په مختلفو ډو لونو جـو ړ ی شوی چه دا ینکو ګرا فی له پلوه په هغوی کی د انکشاف او ودی نښی نښا نی لیدل کیږی ، ټولی سکی چه پورته د هغو څخه یاد ونه وشوه د ځینو سکو ګرز د هیرا کلس ګرز سره نژدی اړیکی لری چه موږ دغـه نمو نه په لومړی لمبر سکه کښی لیدلی شو په دی سکو کښی د ګرز څو ډولو نه شته چه هر یو په جـلا توګه تفسیر شول چه د شپږم نمبر سکی ګرز سره په ځینو بر خو کښی ورته وا لی او شبا هت لری ، یو ګرز چه د هیرا کلس د ګرز په څیر جوړ شوی او د ګرز مخ صاف تراشل شوی چه د پا د شاه د مجسمی سره یو ځای په پنځم لمبر ګاډی کښی لیدل شوی دی . دو یما کد ځیز س دسکو مطا لعه د ابتدا څخه ځینی یاد و نی را په ګو ته کوی ، په دی سکو کښی د هندی سمبول څخـه استفاده شوی .

د کو شا نی شا هانو ایکنو ګرا فی ډیره په زړه پوری ده ، دهندی سمبول مثال سایوان (چتری) دی چا سایوان د هند د پخوا نیو شا هانو یونومیالی او مشهور سمبو ل و ، او بل مثال چه پادشاه په فیل باندی ناست دی او انکو شا (۲٤) یی په لاسو کښی نیو لی دی ، د کنیشکا په سکو کښی ګرز نه دی لیدل شوی موږ په دغو سکو کښی ایکنو ګرافیك بدلون لید لی شو. په هر صورت دهو شکا (۲۵) د سکو د مطا لعی په مرسته جو ته شوی چه د کنیشکا د مجسمی سره په جلا تو ګه وسله ښودل شوی چه د پخوا نی کوشانی شاها نو په ایکنو ګرا فی کښـــی وسله نه ده مو جوده . الف. کنشکم د هـــوشـــکا سکـــی په څلورو برخـو لکـــــه الف ، ب، ج، د (۲٦) ویشلی چه د هویشکا نیمه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ښودل شوی .ددغ و له ډلی څخه گرز یوازی د (۲۷) او (۲۸) سکو کښی لیدل شوی .

په هر حال د دغو عناصرو پیژندنه د نورو پو ها نو له خوا په ډله ایزه تو گه نه ده تا یید شوی.

د گارد نر (۲۹) په قول د دغو سکو گرز د جوار دوژی په‌شان جوړ شوی چه نو موړی سکه دانگلستان په موزیم کښی مو جوده‌ده او د ځینو

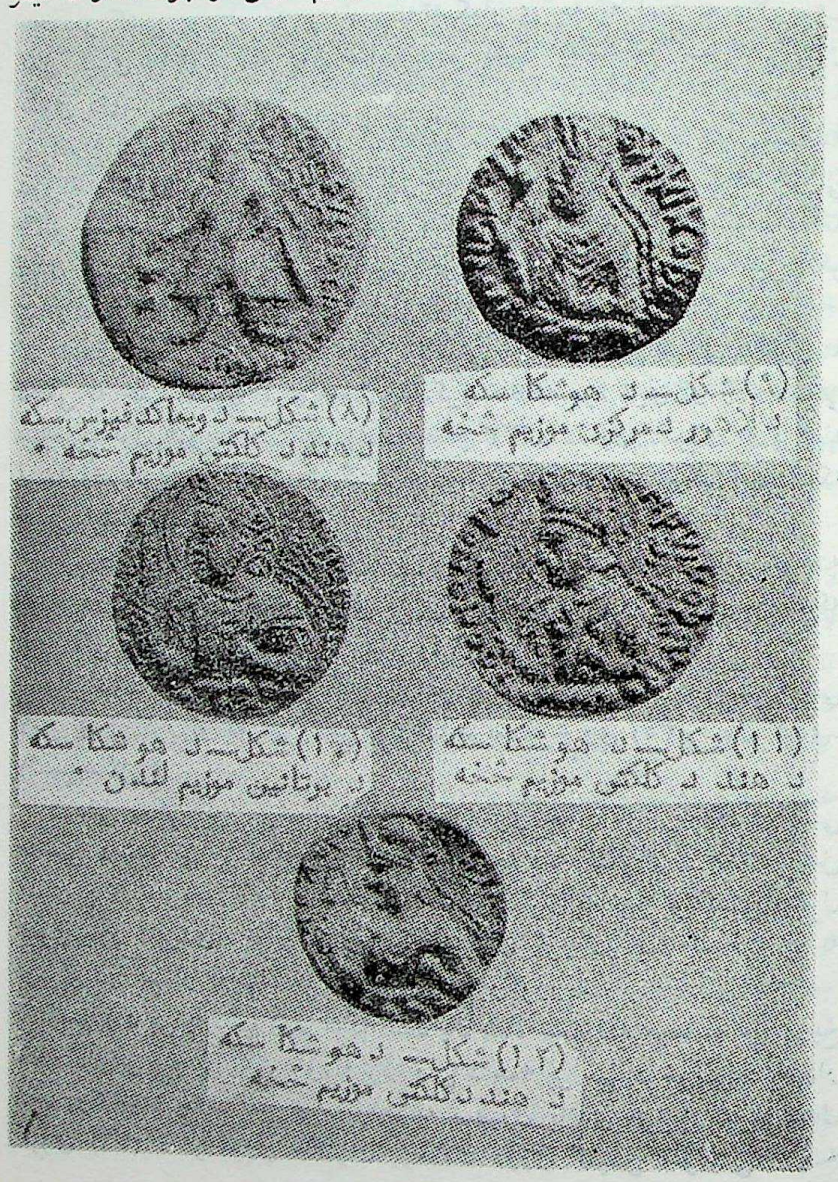

(۸) شکل ـ د ویماکد فیزس سکه د هند د کلکتی موزیم څخه

(۹) شکل ـ د هوشکا سکه د لاهور د مرکزی موزیم څخه

(۱۰) شکل ـ د هوشکا سکه د برتانیی موزیم لندن

(۱۱) شکل ـ د هوشکا سکه د هند د کلکتی موزیم څخه

(۱۲) شکل ـ د هوشکا سکه د هند د کلکتی موزیم څخه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تنه په دغو څلورو ډولو سکو کښې لرغون پوهانو له خوا د دغی سکی گرز د دوو جوارو دوړی په شان تثبیت شوی (۳۰) مگر په حقیقت کښی کولای شم ووایم چه د گرز پیژند نه په دغه سکه کښی یو لوی شی دی ، باید زیا ته کړم چه ځینی سکی یوشان تفسیر شوی نه دی، ځکه دیو پاد شاه سکی یو شان نه دی .

د نوموړی سکو څخه ځینو سکوزیان مو ند لی د گرز پیژند ل په دغو مجسمو کښی یوه لو یه بر خـــه تشکیلو ی چه په آسا نه ډول پیژ- ندل کیږی (۳۱) . دغه ډول عناصر دهو یشکا په سکو کښی هم لیدل شوی دی .

اتم (د ج) د سکـی ډول :- په دی سکه کښی د پا د شاه نیمه تنه دوریځ څخه را و تلی مخ یی کین خوا ته اړولی پرسر یی کرده خو لی دگلو یوه حلقه چه په یوی اوژی فیتی باندی تړل شوی د پاد شاه شا ته لیدل کیږی . پاد شاه یوه لوی کمیس اغو ستی چه په کین لاس کښی انکو شااو په بنی لاس کښی یی گرز نیولی دی (۳۲) (نهم شکل).

په دی سکه کښی گرز د هاون دلاستی په شان جوړ شوی د گرز تنه دهگی په څیر سمبال کړی شوی چادگرز تنه له یوه نری او ژده لاستی سره نښلول شویدی د گرز دغـــه شکل (۳۳) د نورو گرزو په پر تله لږ څه وده کړی چی دغه ډول گـــرزدویما کد فیزس په پنځم لمبر سکه کښی لید لی شو .

نهم د ب یا بی د سکی ډول :- په دی سکه کښی د پا دشاه نیمه تنه څیره دوریځ څخه را وتلی، خپل مخ یی کین خوا ته تا و کړی او یوه څوکه لرو نکی خو لی یی په سرا ینښی (۳٤).

پاد شاه خا مك د وزی کمیس اغو ستی دی . هغه په خپـل بنی لاس کښی گرز او په کین لاس کښی شاید یو څرخ وی (۳۵) لیدل کیږی. (لسم شکل)

د دغی سکی گرز نری او اوژد شکل لری چه د گرز په څنډو کښی منظمی د ندا نی یا کنگو ری لیدل کیږی چه دغه کنگوری د هغه تراشل شوی پلان سره سم کوم چه دهیر اکلس د گرز په نمو نو کښی لید ل شوی جوړ شویدی ، مو ږ کولای شو دغه ډول گرز دو یما کد فیزس په لومړی دو هم او دریم نمبر سکـــو کښی وگورو .

لسم (د بی یا د ب ډول سکه :- د پاد شاه نیمه تنه مجسمه چه وریځ څخه راوتلی مخ یی کین پلو ته گرز ولی د هغه پر سر د خو لی د خوداو تاج ډوله فیته چه د لمر او سپوږمی په سمبول باندی تزیین شوی لیدل کیږی (۳٦) . نو موړی حکمران یوخامك دوزی کمیس اغوستی، پـه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کین لاس کښی بیرغ نیو لی چه دغه بیرغ د یوی مر غی په واسطه پوښی شوی او هم یوه فیته پر بیرغ څړول شوی پاد شاه په ښی لاس کښی یو گرز نیو لی دی (یوو لسم شکل)

د گرز لاستی اوږد او نری دی .دغه گرز استوانه یی با ډ ی لری او دگرز پای مخرو طی شکل غوره کړی چه په عمو می تو گه د پا د شاه د سلطنتی ډنډی یامیلی سره ورته والی او شبا هت لری .

یوو لسم (سی یا ج ډوله سکه:ـ دپادشاه نیمه تنه چه له وریځخه را ـ وتلی کین خواته گوری پرسری یی گرده اومدوره خو لی د تاج سره یو ځای چه ډیر ښه گن تز یین شوی لیـــــد ل کیږی (۳۷) په اوږه باندی یی یالان پروت دی ، هغه په خپل کین لاس کښی بیرغ او په ښی لاس کښی گرز نیو لی دی (دو لسم شکل). ددغی سکی وسله په ظاهر کښی ساده شکل لری د گرز لاستی څرنگه چه پور ته تشریح شو استوا نه یی څیره لری دغه گـــــــــــرز د نـــــو رو گـــرزو څخه ضخیم اوپیړدی .دغه پخوا نی ډول گرز چه دبهار هو ت (۳۰) د گرز سره چه په بر جسته ډول جوړ شوی نژدی ورته وا لی لری لکه د تونډا (۳۱) ډول نمو نه چه شاد انتا جاتاکا (۳۲) اوسونوتارا (۳۳) (څوارلسم شکل) په کښی ښکاری په لاس کښی لیدل کیږی .

په دی ځای په څرگند ډول ډیر نژ دی تشابهه د هو شکا له وسلی او د بهار هو ت د گر زمینځ کښی شته هغه گرز چه د وشنو (۳٤) د ښی لاس په لاند نی بر خه کښی مو جودده نامتو او نو میا لی گرز دی چه له تا کیســـــ لا(د یا رلســـــــــم شکل) څخـــه مونـــد ل شـــوی ، پدی مجسمه کی دالهی سردگرتا (۳۵) دتاج په څیر تزیین او ښکلی شوی گرتا یا (قبه لرو نکی تاج) ته ویل کیږی . دغه رب النوع (وشنو) پـــه خپل څلور ولاسو کښی پد مه (۳٦) یاگل) گډه یعنی گرز (۳۷) شا نك (۳۸) (ظرف مقدس) او چکره (۳۹) (څرخ) نیو لی دی .

د نو موړی گرز و نو له ډلی څخه گاډاه (٤۰) داستوا نی شکل لری چه دگرز پور تنی خوا یی د یوی دایری په څیر او بهر نی پلو یی خوږا ډیر ښه ښکلی کړی شوی . د بنر جی په قول د گاډه ډول گرز د هغه گرز سره چه د شیوا په ښی لاس کښی او د ما یوس (٤۱) په ځینو سکو کښی لید لی شوی ارتباط او ورته والی لری ، همدا رنگه دغـــه ډول ډول وسله چه پور ته تشریح شودشیوارا کیشتا (٤۲) په مهر و چه له سر کپ (٤۳) څخه لاس ته را غلی ښودل شویدی په همدی شان نوموړی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

دگاډه ډول گرز د یفتلیانو د معبود دمهر سره یو شان دی (۳۸).

دغه پور تنی څو ډول گرز و نه‌چه‌دبنر جی له خوا مقا یسه شول د هغو له ډلی څخه دری‌ډول گرز دنوروگرز وپه پر تله وده کړی . د دغه‌گرز ارتباط دو شنودگاډه لرو نکی‌مجسمې سره چه له تاکسیلا څخه لاس ته را راغلی ده پوره ورته وا لی نه لری‌او شبا هت یی خورا لږ دی . په حقیقت کښی دغه ډول گرز د دغه‌پوه (بنرجی) له خوا زیا ته‌دیوه نومیالی اوقدیمی گرز سره چه نمو نه یی دمایوس په سکو کښی لیدل شوی یوشان دی د گرز ډول کره‌وی اوگرد دی .

د دی گرز د لاستی خوا ته ترڅو نږدی کیږو لاستی یی کوچینی کیږی او بر عکس د گرز پای زیات پیړ دی‌دیفتلیا نو د دوری د مهرو گرزنازك نفیس او خورا بنکلی دی حقیقـــت‌دادی چه د یفتلیا نو وسله ډیـره بنکلی او د هغه و خت په خا ص‌هنری سبك جوړشوی دی، په‌همدی شان د هویشکا گرز لکه‌چه‌د بهارهو ت او دو شنو په مجسمو کښی گرزو نه بنکلی بنوو ل شویدی‌څکه‌د دی وسلی باډی او بهر نی څنډی او نور ځایو نه تز ییین شوی او یوڅه نورگرزودندانه‌یا کنگوره لرونکی دی چه د کنگوری اندازه په مساوی‌ډول جوړ شوی .

مونږ کولای شوو وایو که چیری‌دگرز په ډولو کښی ور ته والی موجود وی کوم چه د بنر جی له خوا مخ‌کښی هغو ته اشاره وشوه زیاتره هغه گرز چه د یفتلیا نو د مهر گرزاو دو شنو په گاډه کښی د هوشکا له گرز سره نژدی اړیکی لری، همدارنگه تو ندا (٤٤) چه د بهار هو ت څخه لاس ته را غلی دی په دوولمړ–نیو نمو نو کښی وښودل شول، هغه گرز چه د ما یوس په سکه کښی‌لیدل شویدی د گرز وروستنی بدلون دی چه په بنکاره تو گه د هیرا کلس‌دگرز څخه اخیستل شوی. مثال اجه دهوشکا وسله او دوشنو گرز په هکله د څینو پوهانو خورا دا سی ویل شوی چه دغه گرز امکان‌لری هندی سبك وی‌او مثال یی په بنکاره تو گه د بهار هو ت گرز دی‌چه په بر جسته ډول بنودل شویدی.

هغه ډول گرز او نمو نه چه د هو شکا پاد شاه په سکو کښی‌لیدل شویدی په دری ډوله دی . د لمړی‌ډول شکل یی د هاون په څیر جوړ شویدی (۳۹)چه‌دغه گرز اوژدلاستی‌اوکو چینی،بنا یسته او خورا بنکلی جسامت لری (اتم شکل) .

په همدی شان یو بل ډول گرز چه‌دویما کد فیز س په سکـــه کښی بنودل شویدی په دی سکه کښی‌پاد شاه په گاډی کښی سپور بنیی دویما کد فیزس دغه گرز د نوروگرزو په پر تله وده کړی او په بنه شکل

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

جوړشویدی (شپږم شکل) . دو هم ډول گرز استوا نه یی شکل لری چه څنډی یی کو چینی او متنا سب افقی کنگری دندانی او نازك لاستی لر ی (نهم شکل) . امکان لری دغه دول گرز د دوهم ، دریم او څلورم نمبر سکو د گرز څخه اخیستل شوی وی دڅنډو منا سب او مخ ته وتلی برخی دهیرا کلس د گرز په شان جـــوړ شویدی . دا باید ولیکل شی هغه

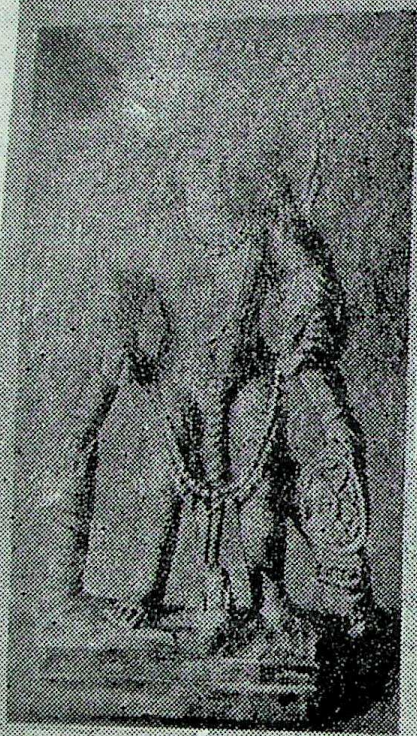

(۱۳) شکل ـ د وشنو مجسمه له تا کسیلا څخه

(۱۵) شکل ـ د شیوا مجسمه چه دنندی فوایی د پا ســه نا ســت دی .

(۱٤) شکل ـ شا دانتا جاتاکا . ډبرینه مجسمه د بهارهوت د ستوپی څخه د هند د کلکتی د موزیـــم څخه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نږدی ورته وا لی او اړیکی چه د دو هم ، څلورم او نهم نمبر سکود گرز د لاستی مینځ کښی شته چه‌دغه‌دگرز لاستی د یوه طرح شوی پلان له مخی تز یین او ښکلی کړی شوی‌دی . په حقیقت کښی هغه ډول‌گرز چه د هو شکا په سکه کښی ښودل‌شوی د سلطنتی امسا یا سلطنتی ډنډی سره ور ته وا لی لری چه‌دنوموړی پاد شاه په سکه کښی په ښکاره ډو ل ښو دل شوی‌او هم داډول گرز چه لږ څه وده او انکشاف موند لی دی د هغه نمو نه دویماکد- فیزس په شپږم لمبر سکه کښی لیدل کیږی ، په دی ځای ځینـــی مخصو ص شکلو نه شته چه د حلقی په شکل په یوه شی اینبو د لشوی‌دی . د دی سکو له ډلی څخه یـــو شمیر یی ښایی چه هغوی په اصل‌کښی هند ی وی .

وروسته له څیړ نی څخه هغه‌گرز چه د لوی کنیشکا په مجسمه کښی چه د متورا د مټ‌له‌کلی څخه دکیندلو چه‌وخت کښی لاس ته را غلی ده‌لیدل کیږی (لمړی تصویر) څرنگه چه موږ پخوا وویل دغه‌لوی‌پادشاه (کنیشکا) په‌خپل کین لاس کښی یوه توره او په ښی لاس کښی‌یولوی او اوژد گرز نیولی دی ،چه د گرز څوکه پر ځمکه اینبودل شوی دی . هغه وسله چـه په حقیقی بڼه جوړه شوی د لر گی‌وسله ده چه سوریی د لاستی څخه ترانجام پوری زیا تیږی ، د توری‌مخ په څو بر خو ویشل شوی چـه نوموړی ویشل شوی‌برخی‌په عمودی‌ډول د توری پورتنی خوا ته ځی. همدا رنگه د توری په باډی باندی‌پنځه افقی بندو نه شته‌چه دغه‌بندونه دوسپنی دی په دی تو گه عمودی‌کرښی او دو سپنی‌افقی بندو نه شته چه دغه بندو نه د وسپنی دی په‌دی‌تـــــو گه عمومی کـــــــر ښی او دو سپنی افقی بندو نه دوسلی‌دکلك وا لی او ټینگ وا لی له کبله جوړ شویدی ، د گرزباډ ی هغه برخه‌چه د دوو کرښومینځ‌کښی چه‌لاستی ته نژدی دی داستوا نی شکل‌لری. دغه گرز د دوهم او څلورم کرښو مینځ کښی‌ددی وسلی مخ په‌شپاړسو برخوویشل شوی او لاندنی برخه‌یی اته مخو نه لری (٤٠) چه د وسلی‌لاندنی او اخری کر ښی په گلا نو او هند سی شکلو نو باندی ښکلی کړی شوی او دوسلی په لاستی‌کښی دمکارا (٤٥)(دعجیب الخلقه څاروی) سرلیدل کیږی چه د متورا د هنری مکتب مخصو ص سبك دی (٤١ په‌ډیر گمان سره داسی څرگنده شوی چه د گرز څو که د وسپنی څخـــه‌جوړه شوی وی چه د مکا را سر د لر گی او وسپنی د اتصال په نقطه‌کښی اینبودل شویدی یا په بـــل عبارت د گرز د وروستی بر خی په پای کښـــی چه په څـو بر خـو ویشل شوی دی .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

د نو موړی ګرز و مقا یسه چه د کوشا نی شا ها نو په پوښنی ایکنو-
ګرا فی نه وه مو جود امکان لری موږ دغه ډول ګرز په هندی هنر او آرت
کښی سمد ستنی یاوروسته د هغه څخه چه د کنیشکا مجسمه جوړه شوه
موند لی شو . یوه وسله چه ډیر نژدی ور ته وا لی د کوشا نی شاهانو
دیوه لوی پادشاه وسلی سره لری ددغه وسلی شکل او تخنیك له نظره
چه د پاد شاه په کین لاس کښی دی. شاید هغه (دوارا پالا (٤٦) چه د ناګار
جو نیکو ندا (٤٧) د ستو پی دپاتی بر خی یوه بر جسته کار ی کښی
موند لی شوی ده لید لی شو (شپاړ-لسم شکل) چه د کو شا نی شاهانو
له وسلی سره ډیر نژدی ورته والی لری .. د دغه ګرز شکل په دی ډول
دی چه د ګرز بهر نی مخ په څوبرخوویشل شوی . دغه ویشل شوی برخی
ددووکر ښو په وا سطه احا طه شوی دغه ګرز په ښکاره تو ګه معلو میږی
چه د دوهم ځل د پاره د ښه ټینګیدو د پاره د فلز په مرسته دهند سی شکل
په شان جوړ شوی تر څو لیدو نکی ونه پو هیږی چه نو موړی ګرز ترمیم
شوی دی . همدا رنګه باید وویل شی چه د دی ګرز په لاند نی برخه
کښی د لو تو س ګل یاد نیلو فر په ګل ښکلی کړی شوی په حقیقت کښی
دغه ګل د ګرز د ښکلا د پاره نه دی بلکه د ګرز فلز ی بر خه د لرګی
برخی سره یو ځای کړی یا په بل عبارت ګل د ګرز باډی د لاستی د
یو ځای کو لو په خا طر جوړ کړی شویدی . د نوموړی ګرز وروستنی
دوه بندو نه د فلزی حلقو په مرسته ښکلی کړی شویدی .

په دی ځای کښی د کنیشکا په ګرز کښی ډیر ښکاره شباهت او ورته
والی لیدل شوی د دغی وسلی یوبل مثال دادی چه په همدی ډول ګرز په
یوه مجسمه کښی چه دهندله امراواتی (٤٨) (٤٢) څخه په بر جسته ډول
مو ند ل شویده لید لی شو. چه اوس دغه مجسمه دمدراس په دو لتـــی
موزیم کښی ایښودل شوی او د دی مجسمی تاریخ ۱۵۰ میلا دی کـــا ل
اټکل شویده د نوموړی ګرز په یوه بر خه کښی متا نګا جاتاکا (٤٩) اود
ګرز په بله خوا کښی دری کوچینی او لنډی څیری لیدل شوی چه یو له
دی دری تنو څخه یو ګرز یی په لاس کښی نیو لی دی چه خورا ګو چینی
ګرز دی ، همدا رنګه دا ګرز د پخوانی ګرز په شان د فلزی حلقو په مرسته
تزیین او ښکلی شوی تر څو دماتیدو څخه وژغورل شی .

په همدی شان دغه ډول ګرز چه په بر جسته شکل د هند له ناګار جو-
نیکو ندا څخه لاس ته را غلی دی او اوس د فرانسی د ګیمی په موزیـم
کښی دلیدلو د پاره ایښودل شو ی چه د جنګ صحنه تمثیلوی (٤٣).
یوه بله بر جسته کار ی مجسمه چه دا هم له ناګار جونیکو ندا (٤٤)

Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

څخه د کیند نو په وخت کښې موندل شوی دا هم د جنګ صحنه تمثیلوی ددی ګرز تاریخ هم د دریمی میلادی پیړی په حدود و کښې اټکل شویده په دی مجسمه کښې ګرز د مخصوص فلز په مرسته کلك ټړل شوی چه دغه حلقه په ډول ډول شکلو لیدل شویدی . یوبل ګرز چه د هیراکلس دګرز په څیر دی چه د یو کوچینی او نازك فلزی کرښې په واسطه احاطه شوی. همدا ډول ګرز د شیوا د څلورلاسی په مجسمه کښې ښودل شوی چه د ځندی (۵۰) غوایی پر سر ناست دی ځینی لر غو ن پوهان د ډیرو څیړ نو څخه دا سی نظر لری چـــه دغه ګرز د کو شا نی دور وستی دوری پوری اړه لری (٤٥) (پنځلسم شکل).

دغه ډول ګرز ډیره موده د هندی په آرت او هنر کښې معمول وه چه موږ د دوارا پالا (۵۱) په څیر دغـه ډول وسله چه په بر جسته تو ګه ښـــــو د ل شـــوی لید لی شو. نوموړی مجسمه د یوه مقد س ځای په دروازه کښې چه جنو بی هند دکومو دین (۵۲) په تیږه کښې کیندل شوی لاس ته را غلی .

نوموړی مجسمه چه په بر جسته تو ګه کار شوی د پالاوا (۵۳) سبك دی دغه مجسمه ډیره سپکه ده په دی مجسمه کښې لاس د ګرز پرسر اینبودل شوی او د هغه په مټ باندی دکبرا مار زخم لید ل کیږی داولسم شکل) په دی ګرز کښې د لاستی یوه برخه چه د حلقی په واسطه احاطه شوی دغه ګرز په اصل کښې د لرګی څخه جوړ شوی، د ګرز بهر نی خواپه کوچنی لشمو کر ښو باندی ښکلی شوی . ډیره په زړه پوری ده چه دلته موږ د ګرز یاد وسلـــی څوکه په ښکاره تو ګه لیدلی شوچه په بر جسته ډول په دی مجسمه کښې ښودل شوی د نو موړی ګرز حلقی دوسپنی څخه جوړه شوی . دغه ډول ایکنو ګرا فی نه یوازی د هندوستان په حدود او ټغور کښې محدود پا تی شو بلکه د هند د لو یـــی قار ی دګاونډ یو هیواد و او نور و لیـری هیوادو ته هم خپور شو چه دا ډول ایکنو ګرا فی د کو شا نی شا هانو په ګرز کښې مو ند لی شو (٤٦).

که چیر ی مو ږ په ژوړه تو ګه د کو شا نی شا ها نو پادشا هانو مجسمی وو ینو دا سی نتیجه اخلو چه ثابت او دایمی اړیکی د ګرز او پادشاه مینځ کښی شته ، دغه ډول وسلی موږ په مختلفو ډولو نـــو موند لی شو او ښیی چه څر نګه کوشا نیا نو هغه پیشنهاد و نه او نظر یات چه دا یکنو ګرا فیك پـه هکله له هر ځای او هر هیواد څخه راټول کړی او ټولو ته یی یو شان ښه ور کړه ، احتمال لری چه دغه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شکلو نه نه یوازی په عمومی تو گه دښودنی یا ظاهری شکل د پاره جوړ شوی بلکه په عمومی مفهوم نو موږی مجسمی او گرز و نه د ډول ډول اید یا لوڅی او مذهبی عقا ید وله مخی چه په هغه وخت کښی د هغه وخت شاهانو د رلودل جوړ کړی شول او هغه ته یی حقیقی شکل ورکړ، اوس موږ باید له حقیقت څخه ستر گی پټی نه کړ وچه د هیرا کلس گرز ډیر عمومیت لری ، مگر د هیراکلس دگرز ظاهری شکل ډیر خراب او بد شکله جوړ شوی ، حال وا چه دویما- کدفیز س د مجسموگرز و نه ډیر ښه ښکلی جوړ شوی په بیړه دو یماکد- فیزس ددو ری هغه لوی او اوژد گرز چه ښه ښکلی، دیوه بااستعداداستادله خوا جوړ شوی دی . همدا رنگه د کنیشکا د مجسمی گرز چه ډیـــر ښکلی نقش از تزیین شوی او بالاخره هغه سلطنتی لکړه یا سلطنتی ډنډه چه د هو شکا پاد شاه په سکه کښی په ښه ښکلی ډول جوړه شویده د یادو نی وړ ده .

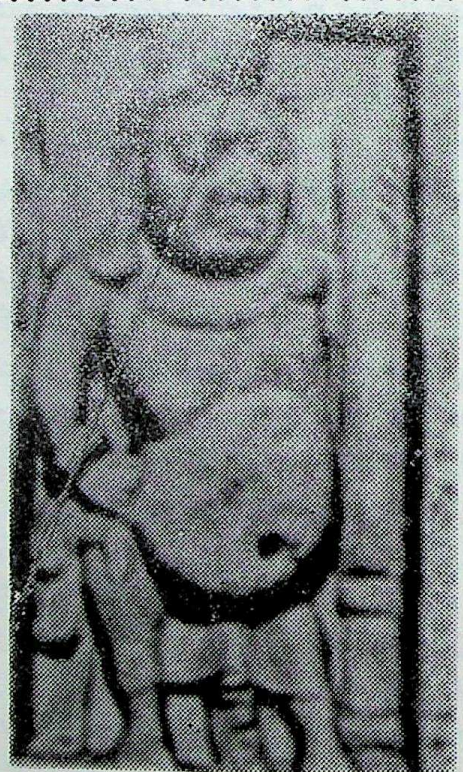

(۱۶) شکل - دیوه کوچینی اولنډ سړی مجسمه دنا گار جو نیکو نداد ستوپی څخی لاس ته راغلی دنـوی دیلی ملی موزیم .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

هغه ګرز چه د کنیشکا په مجسمه‌اود هو شکا په سکو کښی په مختلفو شکلو نو بنودل شوی او د ګرز د ربښتینی نمو نی مودل چه په هغه وخت کښی استعمال یی معمول وه، حتی د هغه وخت ګرز د تزیینـــی شیا نو په مرسته‌دو مره بنکلی‌جوړ ـ یدل چه نا بلده سړی د دی ګرز په لیدو سره داسی فکر کاوه چـــه نوموړی ګرز اصلی نه دی بلکه‌هغه تشر یفا تی او رسمی ګرز دی .دا باید هم ووایو هغه ګرز چه د هوشکا په مسکو کاتو کښی د ارباب الانواع‌یاد هیرا کلس او شیوا (٤٧) پـــه مجسمه کښی لیدل شوی دی دا ډول‌ګرز و نه په مختلفو شکلو نو دی چه دپادشا هانو په لاسو کښی لیـدل‌شویدی . د دغه ډول آثار و جوړو نه په قطعی تو ګه په‌مذهبی ایکنوګرافی‌کښی لیدل شوی .

د شاهی کور ینو په‌مجسمو کښی‌دوسلو ډول او شکل ورو ، ورو د وخت د ضرورت په اساس بدلون‌ومونـد ځکه د وسلی ځینی عنا صر دشا هانو د مجسمو له ربښتینی‌ژوندسره ارتباط او اړیکی در لودی نوپه دی اساس دو سلو شکل ډیر ژر بدلون ومونـد . په‌اغلب‌او قوی‌احتمال سره ګرز شکل د ویما کد فیزس‌دمجسمی له ګرز څخه یا د هیراکلس دایکنو ګرا فی څخه اخیستل شو ی‌وی . په هر حال وروسته ځینـــی عنا صر چه د ګرز د نیمګړ تیا باعث‌شوی وه تهیه شول چه دغه نیمګړ ـ تیاو ی له مینځه ولاړی او وسلی په‌بنه شکل وده وکړه . د پادشاها نو مجسمی چه په دی وخت کښی جوړی‌شوی وی د هندی مذهبی ایکنوګرافی سره نژدی اړیکی او ورته وا لـــی‌لری .

نوموړی اطلا عات او سوابق چه‌موږ په امتحا نی ډول د ځینو کو ـ شانی پاد شا ها نو له هغو مجسمو‌څخه چه ګرز لری لاس ته راوړی‌دی اوددی څخه هم باید ستر ګی پټی‌نه‌کړو چه دوسلو یاد ګرز و پـــه سمبو لیك ارزښت او د هغه اړیکی‌دنورو وسلو سره له یاده و نه‌باسو. په‌دی مقا له کښی موږ د یوه وازځخه زیات یادو نه وکړه چه لمړی د کوشانی شا ها نو په مسکو کا تو کښی د ګرز نمو نی پر ته له مبالغی او بی له شك څخه د هیرا کلس له‌ایکنوګرا فی سره نژدی ارتباط لری له‌بلی خوا د یو نا نی شاها نو په‌مسکو کاتو کښی د رب النوع د مجسمو ډول ، د هغو کو شا نـــی‌شاهانو د مجسمو سره عقید وی او میرا ثی اړیکی لری کوم چه د یونانی‌شاهانو د کو شا نی په قلمرو کښی پر مختیا او فتو حا تو ته پر اختیاحکومت کړی وه او هغوی خپـــل وړکړه ، دغه کورنی عقیده یا روا یت‌دلو ی اسکندر له افسا نو ی مجسمو سره اړیکی پیدا کو ی څرنګه چه‌موږ پوهیږ و دغه‌وروستنی مجسمه‌یونانی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

الاصل دی چه د زیوس (٥٤) لـــه دوری سره سمون خوری او مستقیما دهیرا کلس سره چه دارګیف هیر اکلاید (٥٥) د اولادی څـــخه دی ارتباط لر ی چه موږ نمو نه یی په هغو سکو کښی چه د هـیرا کلس څیره لری لید لی شو (٤٨) په دی ډول په یو نان کښی رب النوع د شاهی د کورنی محافظ او ساتندوی وه په بیړه دایتید یما ید س دپار- شا هی په وخت کښی رب النوع دهغه کورنی د تخت او سلطنت سا- تندوی وه (٤٩) . نو مـــوږی شاه (ایتید یما ید س) خپل اصل او نسب د مقدو نی (٥٦) فاتـح سره بو لی هغه خپل سلطنت ده ته ورکړ چـه هغه د لوی اسکندر او هیرا کلس پاد شا هی ته دوام ورکړ او په هند باندی یی حکومت و کړ .

همدا رنګه د یوه رب النوع مجسمه په یوه سکه کښی لید لی شوی چـه شاید هغه د هر ما یـــو س (٥٠) پـــا د شـا ه څـــو ی چه وروسته د هر مایوس د مرګ څخه پیدا شوی او هغه د یو نا نی شاهانو وروستی پاد شاه په کا بل کښی وه په دی سکه کښی د کجولاکد فیزس نوم لیدل شویدی دغه سکه یو ځل بیا د پا دشا ه او رب النوع مینځ کښی نژدی اړیکی موږ ته ثابتوی او په ښکاره تو ګه د نو موږی سکی له مخی د کو شا نیا نو پاد شا دهی په دی سیمه کښی ځینی قانونی اسناد راپه ګوته کوی . هیرا کلس یونا- نیا نو ته دو مره د اهمیت وړ دی چه حتی هغوی ده ته د سلطنـــتی رب النوع نوم ورکړی وه، د دغه رب النوع نوم په عمومی تو ګه یا په نړیوا له تو ګه خپره شوی نه ده ځکه هیرا کلس درب النو ع په تو ګه تر اوسه مو زمحدود او لږ ایکنوګرافی کښی لید لی چه له بده مر غه تر او سه دو یما- کد فیز س د مسکو کا تو د ګرزډول په مفصل او مشرح ډول تفسیر شوی نه دی داجوته ده چه مجسمی د رب- النوع په اکنوګرا فی کښی لوی کوشا نیا نو شاهان ځانته جذب او مجذوب کړ ی چـه پـــه المړی نمبر سکه کښی ثابته شوی ده، خپله کنیشکا د هند فا تح وه ځکه هغـه خپل بری په هند باندی د رب النوع پر ستش بو لی ، په هر حال اجازه را کړی و لیکم چه د هیرا کلس د مجسمو هنر تا ثیر په مکمل ډول په هغه سکو کښی چه ولیدل شول له مینځه تللی دی ، یوازی د هغه ګرز په خپل اصلی شکل د سمبو لیك عنصر او د مذهبی ارزښت له پلوه دا هیمت وړ ده . دا خبره موږ ته دا خبره را په ګو ته کوی چه پاد شاه خپله مجسمه د پهلوان یا قهرمـان هیرا کلس سره په هغه وخت کښی یوشان ګانه مګر له بده مرغه موږ دغه ډول شبا هت او یو وا لی د هیرا- کلس په اینکو ګرا فی کښی نه دی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

موند لی او په دی هکله اسناد لږدی‌دا په دی دلیل هغه گرز چـــه‌د هیرا کلس یا لوی کنیشکا په لاس‌کښی نیو لی په جا مع او مشرح ډول نه دی تشریح شوی تر څودغه‌گرز د لر غو ن پو هانو له خـــوا تفسیر نه شی موږ ته جو ته معلومات‌نه را په گو ته کو ی نو په دی توګه په څینو لر غو نی آثارو کښی څینی‌نیمګړتیا و ی شته .

پو رتنی اصل ډیر زیات شبا هت‌او اړیکی د دوهم کد فیز س لـــه مجسمو سره لری په بیړه د هغه‌له‌دری څو کی لرو نکی گرز سره چه نو مو ړی گرز د جنگـــی تبر سره‌نښلول شوی چه د شیوا مخصو ص حا لت اوسبك ته نسبت ور کړی‌شو یدی (۵۱) اجازه را کړی یوځل بیا د ویما کد فیز س د سکو بله‌بر خه یعنی د سکو شاه له نظره‌تیر کړو چه د سکو پر شاه د رب النوع‌مجسمه ښیی دا حقیقت دی چه په‌دی سکو کښی در ب النوع اړیـــکی‌پادشاه سره په ښکاره ډول ثابتوی (۵۲)، او دځینو لرغو ن پوهانو له‌خوا د ویما کد فیز س د سکی یـه شاه باندی یوه څیره شته داسی نظر ور کوی چه‌دسکی څیره د شیوا رب‌النوع څیره ده چه دا نظر د نورولرغون پوهانو له خوا نه دی تایید شوی . یو بل حقیقت هم با ید لـه‌یاده و نه با سو خپله د کو شا نی شاهانو د شیوا رب النوع پرستش‌یی‌کاوه کله چه کو شا نی شا ها نو د گندهار اپه سیمه او د هند پـــه‌قلمرو باندی بری وموند هغوی د شیوا دین او مذهب ومانه ، ځکه‌موږ د پو شکا لاوا تی (۵۷) شیوا د دین او مذهب تاثیر د کو شا نـی‌شا ها نو په دین کښی وینو چـــه د کوشا نیا نو په کلا سیك منا بعو کښی د یوه رب‌النوع نوم ذکـــر شویدی (۵۳)

څرنګه چه پو هیږو د شیوا پـه‌ایکنو گرا فی کښی د گرز شته والی دکوشانیا نو د دوری څخه مخ کښی‌مو جود وه ، په دی هکله موږ د لوستو نکو پام د ما یو س په یوه‌سکه او د شیوا را کشیتا په مه ر کښی چه د شیوا په شان‌گرز لیدل شوی دی را گرز وو. څرنګه چه پخوا وویل‌شول هغه رب‌ـالنوع چه په لاس کښی یی گـــرز نیو لی ا حتمال لری چه هغه بـــه‌شیوا وی (۵۴) .

یو بل موثق او مستند سند چه‌درب النوع له مجسمی سره ارتبا ط لری د کنیشکا او هو شکا پادشاه‌په لاسو کښی لید ل کیږی هغـه انکوش(۵۸)یافیل‌ـوزګوړی دی(۵۵). طبیعی وه چه پخوا هر دین مروج او معمول وه د هغه و خت حکمرواسمد ستی ددین د خپر یدوپه برخه کښی ډیر زیار ویست خپله شاه‌هم‌هغه دین مانه، وروسته د علمـــی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

څیړ نو څخه ثابته او جو ته شوه چا دشیوا پر ستنش دو یما کد فیز س له خوا و مثل شو، که چیری دشیوا دمجسمی تاثیر او تشکل د کو شا - نیا نو د کورنی په اینکو گرا فی کښی وڅیړ وپه قطعی ډول دویما کد فیزس دسکو په څیرو کښی د شیوا د دوری تاثیر لید لی شو، دا هم باید لـــه یاده و نه باسو چه په خپله د شیوا ایکنو گرا فی په هغه و خت کښی خا ص شکل در لود وروسته دغـه کر کتر او یا خا ص شکل د کوشا- نیانو په مسکو کا تو کښی په ښکار تو گه وښودل شو. پا تی مسکو کات یا نور اسناد به وروسته تشریح او تفسیر شی تر څو هغه د لیل او علت چه د پاد شاه مجسمی د رب- النوع له مجسمو سره نژدی اړیکی لری معلو م او جو ته شی یا په بل عبارت په هغه و خت کښی خلکو د څه شی پر ستنش کاوه یاد هغو دیز څه شی وه او د کو شا نیا نو د دوری د خلکو نظر او اند یشه د دیز په هکله له نوموړی آثارو او اسنادو سره څه اړیکی در لودی ، له بد مرغه موږ نشو کولای د کو شا نی

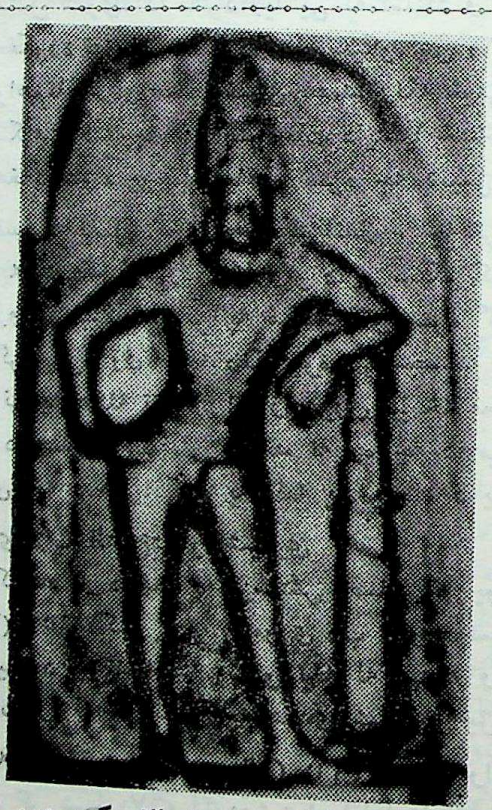

(۱۷) شکل -دوا را پالا- کومودین

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شاها نو د دوری ایکنو گرا فی پـا علمی ډول تشریح او تفسیر کړو تر څو د شیوا له ایکنو گرا فی سره مقا یسه نشی .

څرنگه چه مخ کښی موږ اشاره وکو له هغه گرز چه شیوا ته نسبت ورکړ شویدی د ویما کد فیز س د سلطنت څخه پخوا معمو ل وه ، همدا رنگه نو موږی گرز د پاد شاه پـا مجسمو کښی هم لیدل شوی چـه دهیرا کلس د مجسمی له څیر و ازهندی رب النوع سره ارتباط لـری یا په بل عبارت ډیر احتمال لری چا دهیرا کلس مجسمی د کو شا نیا نو د کورنی یاد شیوادمجسمی جوړونی په اینکو گرافی باندی تاثیر کړی وی. دغه نظریه یو ځل بیا په ښکاره ډول دهیرا کلس او شیوا څیره پیژندنی له ستو نځو سره مخا مخ کوی اویو ډول کړ کیچ مینځ ته را والی نوموږی نظر یه دا لف کننگهیم (۵۹) (۵۶). له خوا ورکړ شویده چه وروسته دا نظر یه د کیندی (۶۰) له خوا (۵۷) هم تا ییدشوی ده ، یو ډله پوهان وایی چه د کو شا نی د شا ها نو مجسمه جوړو نی څیری له آریایی منا بعو څخه اخیستل شوی، دا نظر دآریا یی له اسناد و څخه نقل قول شویدی (۵۸) دا مفکوره او نظر ددیو دورس سیکو لس (۶۱) او سترابو (۵۹) (۶۲) له خواهم تایید اوتصدیق شوی ،همدا رنگه ځینی تاریخ پوهان وایی مقد و نی سکندر کله چه خپل فتو حات دایشیا ختیځو سیمو تـه پراختیا ور کړه هغه دهند د پوه قبیله یاقوم سره چه شیبی (۶۳) (۶۰) نومیده د هیرا کلس د نسل څخه ویی پیژاندل ، چه تر هغه وخته د هیراکلس نسل په هـند کښی د څارویو د پو ستکو کا لی اغو ستل حتی هغوی د څارو یو ښکار د گرز په مرسته تر سره کاوه ځکه دوی تل د ځان سره گرز ول. همدا رنگه یوه بله مجسمه چه دهیراکلس او شیواد پیژ ند نی په هکله تر یوی اندازه پوری لږ څه معلو ما ت را په گو ته کوی هغه د هندی رب النوع پیژند نه وه چه دارب النوع میگا ستینس (۶۴) دی چه د هیرا کلس په نامه یاد یده ، د یو نا نی سفیر له خوا په قول نو مو ږی رب النوع دسوراشینوی دهغه پر ستش کیده او د هغه د پرستش اصلی ځا یو نه متـورااو کلیسو بورا (۶۱) (۶۵) کښی وه، دنوموږی رب النوع مجسمه تر یوه حده دهیراکلس او شیوا د پیژند نـــی ستو نځه له مینځه وړی او یو څه څر گنده معلو مات را په گو ته کوی په همدی شان یو بل پیشنهاد چه نوموږی ستو نځه حل کوی د لاسز (۶۲) (۶۶) هغه پخوا نی نظریه وه چه نو موږی پوه کر شنا (۶۷) لکه دوشنوا واتارا (۶۸) په حیث پیژندلی وه لکه میگا ستینس هیرا کـلس څرنگه چه نوی او په زړه پـوری

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

معلومات د. الف .ـ د الکو یست(٦٩) (٦٣) له خوا را ټول شویدی وایی چه هندی‌رب‌النوع د هیراکلس‌نوم ایندرا ته ورکړشوچه دغه‌پوزتنی مطلب دیوه بل لر غو ن پوه له خواچه هغه الف برت (٧٠) نو میږی‌هم تایید او تصدیق شویدی .

دغه وروستنی پیژ ند نه چه ډیرصحیح او موثق دی له ډیر و معتبرو منا بعو لکه یونا نی لاتین اودسا نسکر یت څخه اخیستل شویدی،چه په ښه منا سب او رو ښا نه تو گه‌هغه امکانات را په گو ته کوی کوم چه په هغه کښی د هیرا کلس او شیوا اړیکی په پرا خه ښه موجود دی . په هر قیمت چه وی دا بایدولیکل شی چه دغه ډول پیژندنه‌حتی که دهغه پیژند نی ډول په صحیح‌شکل ثابت شی شاید د هغو اړیکو په هکله معلو مات محدو دنه‌وی ځکه‌دشیوا او هیرا کلس په هکله یو څه اسناد شته چه وروسته د ځینولر غون پوهانو له خوا په‌دی برخه کښی ځینی څیړ نی وشی اودا لو یه‌ستو نځه به حل شی.له‌یوی‌خوا د نومو ړی پیژندنی په هکله درست اسناد پـه‌لاس کښی‌نشته او له بلی خوا یو ثابت او معین خصوصیت په بیړه دکوشانیا نو په دوره کښی مینځ ته راغلی ،دغه خصوصیت زمون دمذهب‌په بر خه کښی لید لی شو ، د نو ـ مو ړی خصو صیتو ځینی بر خی دنورو مذاهبو له خصو صیتو سره یو ځای تر کیب شویدی په بیړه‌دغه‌عناصر د نورو ډول ار باب الانواع سره چه‌د فلسفی تفکر له پلوه یوبل سره اړیکی لری‌په‌دی تو گه‌ویلی شم امکان لری چه د ویما کد فیزس‌په مسکو کا تو کښی د هیرا کلس او شیوا د مجسمو مینځ کښی ډیر نژدی ارتباط مو جود وی. لنډه داچه په دی مجسمو کښی د ایکنو گرا فی‌تاثیر او نفوذ امکانات مو جود دی، اجازه را کړی په دی هکله ووایم‌چه د هند ی رب‌النوعو مجسمی چه ددوهم کد فیز س په‌سکو کښی چه‌د مجسمی داندام د جوړو نی ډول ښودل شویدی او همدا رنگه په دی‌سکو کښی هغه مجسمه چه دپرانگ پو ست یی اغو ستی دی او د غه پو ـ ستکی د لاس د پا سه پروت دی‌په غوښه تو گه دغه ډول مجسمه دهیر ـ اکلس دولاړی مجسمی په شان دی چه اندو یو نا نی په سکـــو کښی‌ښودل شوی دی (٦٤) په دی مفهوم چه د ویما کد فیز س په سکو کښی‌درب‌النوع ولاړه مجسمه یا دمجسمی دجوړونی ډول داندو یو نا نی دسکواو د هیرا کلس دولاړی مجسمو له مخی اخیستل شوید ی .

هغه اړیکی او ار تباط چه دهیراکلس دمجسمی اودویماکدفیزس د سکو په شا او دمرګ د رب النوع‌په مجسمه کښی مو جود دی لید لی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شو چه د کننگهم له خوا تا ییداؤ تصدیق شویدی ، د مرګ رب النوع دسیتیا نو له خوا کیبلیزس (۷۱) یاسپا لیزس (۷۲) په نا مه هم یې دیده چه دهیرا کلس سره یو شان ګنل شوی (٦٥) . په دی دلیل چه د نوموړی رب النوع څیره چه د ویما کد فیز س په سکو کښی له ګرز سره یو ځای ښودل شوی دغه څیره د هیرا کلس له څیری سره یو شان ور ته وا لی لری ، موږ باید ووایو هغه اړ یکی چه د دووزب النوع مینځ کښی لیدی او دپوها نو له خوا د هغوی دا ړیکو په هکله ژوری چیړ نی شوی اوو به شی ، نو موړی ارتباط د مکمل شباهت اوورته والی له کبله نه دی شوی، حتی په هغوی کښی تر اوسه دایکنو ګرا فی او خصو صیت اختلاف او تو پیر په ښکاره ښه پاتی ده لکه شیوا له خپل غوایی او دری څو کی لرو نکی ګرز سره لیدل کیږی په غوڅه تو ګه ویلی شم چه دغه دوه عنصر (غوای او ګرز) په شیوا پوری اړه لری حال داچه دغه ښه ددوهم کد فیز س په مسکو کې تو کښی نه ده لیدل شوی . وروسته د ډیرو څیر نو څخه چه د ځینو تاریخ پوهانو له خوا په دی هکله شو ی داسی څرګند و نی کو ی څکه موږ مخ کښی اشاره وکو له حقیقت داده چه دغه ډول وسله د کو شا نیا نو د دوری څخه ړو مبی مو جود وه حال دا چه دغه وسله د کو شانیا نو په عصر کښی نه وه اختراع شوی په هر حال د نوموړ یو عنصر و غیا بت او نشتوا لی ددوهم دویما کد فیز س په سکو کښی موږ ته اجازه را کو ی ووایو چه ددغورب النو عو څخه دیوه رب النوع یعنی د شیوا دری سر لرو نکی ګرز ډیر اهمیت لری . په هر حال موږ ولیده هغه ګرز چه د پادشاه په لاس کښی لیدل شوی په غو څه او ښکاره تو ګه و یلی شم چه د هیرا کلس د ګرز څخه اخیستل شویدی .

په هر حال موږ کو لای شو خپل بحث د دی مو ضو ع په هکله په همدی ځای کښی پای ته ورسوو، حتی که چیری د ویما کد فیز س سکی موږ ته په ښکاره او واضح ښه ځینی هغه اسناد او مدارك چه د هیرا کلس او شیوا د مجسمو مینځ کښی څه اړیکی شته را په ګو ته کړی ، امکان لر ی دنو موړی اړیکو یوه بر خه د کو شا نی شا ها نود ایکنو ګرا فی په تشکل کښی مهم رول ولری، لکه د کوشانی ،شاهانو ګرز د هیرا کلس د مجسمی ګرز سره نژدی ارتباط اوورته وا لی لری نه دهندی رب النوع سره . په دی مفهوم د کو شا نی د شاها نو ګرز د هیرا کلس د مجسمی ګرز څخه اخیستل شوی ، نه دهندی د رب النوع ګرز څخه په عین و خت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کښی د پا دشاها نو د ځیرو دنمونو تاثیر او نفوذ پر ته د گرز ډورته‌والی ځخه په ځو محدود حا لتو کښی لیدل کیږی .

حتی د گرز د نمونی ډول موږدکنیشکا او زیاتره د هو شکا پـــه مجسمو کښی لید لی شو. دغه دوه‌دکوشانی شاها نو سکی موږ تـــه ډول ډول رب النوع را پیږنی چـــه‌هیرا کلس او شیوا هم په دی ډله کښی دی ځکه نو موږی‌ارباب الانواع‌ډیر مهم رول او ارزښت د رلود حتی هیرا کلس او شیوا د کو شا نی‌دعصر په لمړی پړاو کښی د هغوی ډیر عالی ، با ارزښته او ممتاز ارباب‌الانواع وه د کو شا نی وروستی‌ډلی شاها نو بودا یی دین او مذهب‌غوره کړ.

تو لی پور تنی نظر یی موږ تـه‌داسی لار ښو نه کوی هغه وسلی چه د کو شا نی شا ها نو په مجسمو کښی لید لی شوی حتی په خپله د مجسمو گرزو نه‌دځوارخو نو له پلوه‌درب النوع له مجسمو سره اړیکی لری ، زیاتره دا یکنو گرا فی لـــه‌نقطی نظره د هیرا کلس د گرزسره ارتباط او ورته والی لری چه شایددډیرپخوا و ختو ځخه یعنی دکوشا- نیا نو د را مینځ ته کید و ځخـــه‌مخکښی د هیرا کلس، ایکنو گرافی مو جود وه وروسته د کو شا نـــی‌کو رنی دهیرا کلس‌اوشیوا د ایکنو- گرافی ځخه استفاده وکړه .

دا هم د یاد ونی خبره ده چه‌د ایرانی په نړی کښی گرز د لمر د سمبول ارزښت لر ی چه د ایران‌په ځینو اسناد و کښی په دی هکله لکینی شویدی ، دا هم لیکل شوی‌چه د لمر وسله میتـــرا (۷۳) سره یو شان بلل شوی ځکه خپله میترا‌په‌خپل لاس‌کښی یو ډول گرز نیولی چه‌هغه گرز سل غوټی او سل ځوکی‌لر ی چه دغه گرز د بر نج ځخه جوړ شوی دی اوحتی ځینی پوهان‌دنو-موږی گرز په هکله داسی نظرلری چی‌گرز د سرو زرو او برنج ځخـــه‌جوړشوی دی چه‌دنوروسلو په پرتله یوه قوی وسله‌گڼل شوی په حقیقت‌کښی د پیرو ز ی او بریالیتوب‌وسله هم گڼل شویده).

څر نگه چه په زندا و ستا کښی(٦٦) را غلی دی د ایرا نی په اسنادو کښی د گرز په هکله لیکلی شوی چه‌گرز د لمر د سمبول ارزښت لری کله چه گرز د پا د شاه وسله وه پا دی گرز باندی زمری وژنی ښودل شویده (٦٧) همدا رنگه گرز د نوی‌کال د نوروز د میلی په مرا سمـو کښی د پا دشاه وسله ښودل شویده(٦٨) او هم په مذهبی مراسمو کښی کله چه پاد شاه دغه گرز د یـــوه‌افسا نوی شخصیت یعنی فریدون تراتیانا (٧٤) قهرمان نښه ښود لشوی چه نو موږی قهرمان او پهلوان

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

دافسا نو ی شیطان‌او بنامار (اژدها)دازی‌داکا(۷۵)(٦۹) وژونکی‌وه،دځینو افسا نو او روا یا تو له مخی داسی‌قصه کوی چه یو عجیب الخلقه لوی حیوان او به بندی کړی وی وروسته‌دهغه د مرګ څخه بندی شوی او به خوشی شوی چه په هغه کال په‌ایران‌کښی سخته وچ کا لی را غلی وه نومورې ی خو شی او به د ایران وچی‌ځمکی یی خړو به اوسمسوری کړی

دغه مذهبی مرا سم د یوه مقد سروداه د پادشاه او د بنامار د بنځو ترمینځ پای ته ورسیده چه وروسته‌هیر وز گا موس (۷٦) د حا صـل خیزی او سمسور تیا قهرما ن وبلل‌شو (۷۰) .

په همدی شان یو بشپړ مذهبی‌مراسم د هند و ستان په نیمه وچه کښی تر سره شو څرنگه چه ریگ‌ویدا کښی را غلی دی په هغه و خت دیوه پاد شاه دنده وه تر څو دهندپه نیمه وچه کښی د یوه ګټور او سود مند باران د هند د حـــاصل‌خیز ی‌د پا ره برابر کړی، له بلی خوا د بنا مار د وژل کیدو افسا نو او روات په هند کښی معروف دی‌چه دوید یك‌په‌افسا نوکښی په دی هکله اشاره شویده لکه داندرا (۷۷) اصلی کیسه چه هغه لوی غر د خپـــل‌مخصو ص واجره (۷۸) په مرسته‌دوه توتی کړ (۷۱) او هم‌اندرا (۷۹)ورته‌شیطان وو اژه ځکه دغه شیطا ن اوبو ته بند اچو لی وه د هغه په وژل‌کیدوسره داندرا له خوا داو بو بند والوت او به په کا نا لو او (۸۰) ویا لوکښی‌دځمکو د خړو بید و د پاره جـاری شوی . دوید یك په ما یتو لو جی یاد افسا نو په تاریخ کښی‌د (اندرا)ددی پیښی په هکله داسی‌لیکل شوی کله چه د هندپه نیمه‌وچه کښی او به کمی شوی‌اندرا نو موړی‌شیطان وواژه‌پخوا ویا لی او کانالونه موجود نه وه تر څواو به په ویا لوکښی د ځمکو و خړوبید و د پاره جاری شی هدای سمدستی د تندر(۷۲)ـ یا صا عقی په وا سطه ویالی او کا نالو نه وکینل او به په ویالوکښی روا نی شوی په هغه کال خلکو دخپلو ځمکو څخه د خړو بید و له‌کبله ډیر ښه حاصل وا خیست .

همدا رنگه په دی هکله د ایران‌په مذهبی مراسمو کښی بناماروژل کیدل هرکال‌تر سره کیده ، د بناماروژل کیدل یاد گاری ار زښت نه درـ لود یوازی په مذهبی مراسمو کښی‌چه هر کال تر سره کیده د بنامار وژل کیدل حتمی وه ، مگر په دی‌باندی باید هم پوه شو، کله کلـه په مذهبی‌مراسمو کښی کوډی(جادو) کیدی په دی معنی د یوه شی خلقت دشیطان په واسطه تهدید کیده‌تعادل‌او موازنه له مینځه‌ته، نو ځکه دموا ـزنی د سا تلو د پاره په دغومراسمو کښی کوډی کیدی وران شوی تعادل

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

یی د کوډو په مرسته بیا جوړیده. همدا رنګه باید وویل شی چه ګرز هغه وسله وه چه د پاد شا هانو له خوا په مذهبی او تشریفا تی مراسمو کښی لږ دول کیده په همدی شان ګرز د شاها نو د تشریفا تی، مراسمو او کار سمبول وه . جیمز(۸۱) لیکی : چه د بابل مذهبی مراسم «دطبیعت او مذهب نو ی کول وه ...

او هم د یوه منظم او عا لی قانون دبیا مینځ ته را وستل وه » (۷۳).

همدارنګه ګرز د پارتیانو مو سو لیم (۸۲) په نیسا (۸۳) کښی د دوه آسمانی غښو مینځ کښی د سپوڑ می ترځنګ ښودل شویدی چه وروستنی ګرزهم د دووغښو مینځ کښی لیدل شوی په اصل کښی دلته ګرز او سپوڑمی د لمر او سپوڑمی سمبول دی (۷٤) .

په هند و ستان کښی ګرز یاګاډه(۸٤) د نو میالی وشنو (۸۵) یوخاص او نامتو وسله وه چه وشنو ته نسبت ورکړی شوی ، هلته د لمر رب النوع وه چه دو شنو او لمر عبادت دهو-شکا په یوه سکه کښی ښودل شوی دی دلته دو شنو څیره دری سره اوځلور لاسو نه لری. په حقیقت کښی دغه مجسمه دو شنو او شیوا دګډی څیری نښه د ه چه د بنر جی له خوا تفسیر اوتشریح شویده (۷۵)څرنګه چه په همدی شان دیوه رب-النوع ګډه او یو ځای شوی څیره چه دو شنواو شیوا له یو ځای شوی څیری سره نژدی ورته وا لی لری دکندهارا په یوه مجسمه کښی چه د تری مور تی (۸۷)حا لت ښیی موندل شوی (۷٦). په همدی ډول د یعتلیانو په یوه مهر کښی چه در .ګرشمن(۷۷) (۸۸) له خوا تر جمه شوی دی په دی مهر کښی دمهرو (۸۹) ،وشنو(۹۰) او شیوا (۹۱) نومو نه لوستل شویدی . ز ومو ړ ی اسنادمور ته دایکنو ګرا فی هغه ورته وا لی اوشبا-هت را په ګو ته کوی کوم چه د هو-شکا دګرز نمو نه چه په یوولسم لمبر سکه او دولسم لمبر شکل اودوشنو په دیار لسم نمبر مجسمه کښی چه له تا کسیلا څخه مو ند لشویده او دغه دواړه ګرز په یوه ډول جوړ شویدی په هر حال دغه ډول وسلی دایرانی او هندی وسلو سره له رب النوع سره ورته وا لی ورته وا لی لری مګر یوازی د لمر نه لری ،

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

همدا رنگه د کتو نین (۹۲) لـاسبك سره شبا هت لری نو موږی سبك یو نا نی سبك دی او هم دهغه رب النوع له مجسموسره چه ددواړو نږی و عده‌ورکـو ی اړیکی‌لری‌همدارنگه په یوه سکه کښی هیراکلس دوه ځل ښودل شویدی د لر غون‌پوهانو لخوا د دی سکی پـــــه هکله څـــــر گند و نـــــی او څیړ نی نه دی شوی چه آیا دسکی پر مخ د هیرا کلس څیره د ضرب‌وهلو په وخت کښی دوه ځل ضرب وهل شوی یاد اکار د ده یاد کوم‌پادشاه په امر د هیرا کلس دوه‌څیری څنگ پر څنگ ضرب و هـــــل شوی .

په همدی شان دغه ډول دمیترا(۹۳) دوه څیری په یوه سکه کښی لیدل شویدی دغه څیری څنگ پـه‌څنگ د یو بل څخه جلا ضرب وهل شوی چه یوه څیره یی د عدا لـــت‌کنترول کوو نکی او بله څیره یی‌دا هورا مزدا (۹٤) د خلقت څارنه کوی‌ځکه هغه دبدی سره په جگړه کښی دی هغه دیوه مړی روح ته انتظارباسی چه مړی د چینوا ت (۹۵) د پله د پاسه د را شن (۹٦) وسراوشا(۹۷) (۷۸) سره یو ځای د عدا لت او قضاوت انتظار با سی . په هرحال وروستنی رب النوع سراو شا دایران له ډیرو نو میا لـــی رب ـالنوع څخه دی (۷۹). نومـــــوړی ایرانی رب النوع یو گرز لری چه‌هغه په دی گرز باندی شیطان ته‌ماته ورکړی‌چه‌دی شیطان داهورا مزدا خلقت ته ضرر رساوه سرا و شاه رب النوع په خپل گرز سره شیطان ته سخته ما ته ورکړی او اهـــورا مزدایی د هغه د بدی او شرارت څخه وژغوره (۸۰) په هر حال دا هورا مزدا په ځینو مذهبی مرا سموکښی ښودلی دی چه د هغه اصلی مقصد د بدی او مجا زا تو لیری کو ل (۸۱) دی او غواړی د هغه پر ځای عدالت مینځ ته را ولی، د سراوشاه نوم څخه داسی څرگندیږی چه د سراو شا کلمه او نوم د پهلوی‌سروش (۹۸) یعنی مجازات څخـه اخیسل شویدی (۸۲) . دیوه ډل‌پو هانو له خوا د دغه رب النوع په‌هکله داسی ویل‌شوی‌چه‌سراوشادلیونیا نورب النوع وه (۸۳) .

همدا رنگه گرز د هندی یا ما۹۹)په مجسمه کښی چه هغه د مړینی رب النوع دی لیدل شوی ، په‌حقیقت‌کښی هغه گرز د لر گی گرز دی‌چه دډنده (۱۰۰) په نامه هم یادیږی (۸٤). یوه بله مجسمه‌چه‌په برجسته ډول کار شویدی‌له‌چیداءبارام (۱۰۱) څخه موندل ،شوی په دی هکله راو (۱۰۲) لیکی. پـه‌نوموړی مجسمه کښی ډنډه یاد لرگی گرز چه د هغه څخه د وسلی په‌صفت‌استفاده کید له کله چه گرز اختراع شود لر گی ډنډی پر ځای د گـــرزځخه استفاده وشوه(۸۵)یوازی ددغی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نبنی نمونه د کمند سره یو ځای لیدل شوی ددی نبنی له مخ ی کننگهم دا سی وایی چ ه (۱۰۳) مجسمه د کو شا نی په سکو کنبی دهندی د مړینی رب النوع یا ما (دنداد هرا (۱۰٤) یعنی هغه څوك چه گرز لیږدوی (سره ارتباط او شباهت لری (۸٦) .

پور تنی هغه افسا نوی زوا یات او نظر یات چه تر اوسه په دی هکله راټول کړی . شویدی نبیی چه گرز دلمر او کتونین (۱۰۵) د ارباب الا- نواع دایرانی اوهندی له اسنادو سره اړیکی لری، لکه چه د لمر وسله د جگړی له نقطی نظره ډیر داهمیت وړده ځکه د هغوی جگړه دبدی اوشر ارت له مینځه وړل دی چه د یوی منظمی ټولنی سا تنه ده او په نتیجه کنبی د عا لی هدف د عدالت او انصاف ټینگول دی. باتا سالی (۱۰٦) لیکی : چه د وشنو په ټو لو مجسمو کنبی گرز د هغه سمبول او نښه ده «ابدی قانون او پایداره مجازات، اوددغه ټولو بدی او شرا رت نتیجه ماته ده ...) همدا رنگه د شا ستری په قول چه دوشنو په هکله یی ځینی څرنی کړی دی لیکی: وشنو تل د هغی وسلی په لته کنبی وه چه هغه وسله د بد ی او شرارت له مینځه وړلو د پاره استفاده ورڅخه وکری (۸۷) په همدی شان دلته د یـوه یونانی رب النوع نبه صفت او نښه شته . له بلی خوا چه دغه صفت دهغه د اخلاق او معنوی سمبول څخه نما یندگی کوی لکه چه دغه صفت دمجازا تو وسیله او د عدالت گرنتی او ضما نت کول دی . ما نو (۱۰۸) په غوڅه تو گه نظر لری چه پادشاه دشهادت او قضا وت په مراسمـو کنبی د یاما هندی رب النوع حضور ضرور گانه په دی معنی چه پادشاه دشهادت او قضاوت په وخت کنبی په یاما رب النوع باندی قسم کاوه (۸۸) . مونږ کولای شو ووایو چه دغه وسله ډیر نژدی ارتباط د قضاوت له مفکوری سره لری لکه داخلاقی ،معنوی اوهستی نړی دستور اواوا مروسره اړیکی لری .

څرنگه چه پخوا مونږ اشاره وکوله چه ډنډه (۱۰۸) د هندی په ایکنو- گرا فی کنبی په عمومی تو گه د لر-گیر د گرز مفهوم لری ،چه دغه د لرگیو گرز داوسنی بر قی ډنډی په څیر جوړ یدل . بنر جی (۱۰۹) گاډه او ډنډه د نمو نو په هکله دا سی لیکی: چه ددغو د ووسلو مینځ د جوړونی له کبله کوم تو پیر نشته اوددغو دوو وسلو نمو نی د هندی په سکو او مهر و کنبی لیدل شویدی (۸۹) .

یو بل لر غون پوه چه دکشتر (۱۱۰) (۹۰) . نو میږی ډنډه داسی تشریح کوی . ډنډه د لر گیو څخه دیوه قوی گرز په شان چه په سر

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کښی یی وسپنه ایښودل شوی وه ځکه وسپنه د جګړی په وخت کښی ډیر مؤثر وی، د کنیشکادګرز یوازی یوعنصر یی په یاد نشم راوړلی مګر دکنیشکا د ګرز نور مثا لو نه د دی متن په لمړی بر خه کښی وځیړل شول.

(اولسم شکل) .م. ما لمن (۱۱۱) اواګنی پورا نا (۱۱۲) د ډنډه پـــه هکله داسی وا یی چه د ډنډی ځخه دیوی د فاعی وسیلی په شان استفاده کیده او له بلی خوا ګرز او د لرګیو ډنډی شکل په مختلفو ډولو او نمونو سره ښودل شوی چه په اصل کښی ټول وسلی یو شان دی (۹۱) . دلته ځینی پوهان وایی ډنډه او ګرز دواړه وسلی یو شان بولی. ج ګوندا (۱۱۳) وایی چه دلر ګیو ډنډه په عمومـــی تو ګه د قدرت او پا کی سمبول وه. همدا رنګه د لرګیو ډنډه یا ګرز په هند کښی د شا هی کورنی د قضا یی قدرت علامه او نښه وه او په لنډه توګه دلرګیو ګرز یا ډنډه د قدرت او مجا زا تو نمونه وه (۹۲) .

همدا رنګه د ډنډی او میلـــــی اصطلاح چه د مجا زا تو آله د هندی سیا سی فلاسفو خاص تصور او نظر بلل شوی دی (۹۳) . همدا رنګه په ارتا شاسترا (۱۱٤) و مها بهارا تا (۱۱۵) کښی داسی لیکلی شویدی چه داندانیتی (۱۱٦) د مجا زا تو هنر ګنل شویدی ، او په بل ځای کښی ډنډه معنی د سپلین دی چه ډولومو جودا تو د تامین او امنیت دپاره ضروری ګڼل شویدی چه یوازی دعقل او اخلا قی دسپلین له لیاری لاس ته را تلی شی او بایددخشونت تندی او ظلم له لیاری خپور او تحمیل نه شی پر ته دضعف له لیا ری (۹٤) همدا ډول باید وویل شی چه په هغه وخت کښی د وخت پاد شاه خپل ځان سره ډنډه د ر لوده چه د شا هی قدرت سمبول بلل شوی وه ، مخصوصـا دا قتدار او اختیار په وخت کښی په دی ډنډه مجرم او ګناهکار مجازات کیده ، همدا رنګه ګریاسوترا (۱۱۷) په دی هکله داسی وایی چه ډنډه د قدرت سمبول وه نو ځکه د مجازاتو له کلمی او مفکوری سره نژدی اړیکی پیدا کوی (۹۵).

په دی ډول دومره باید اضا فه شی چه د پورتنی متن او مبا حثـی ځخه داسی څرګند یږی چه دغـــه مو ضوع په ښکاره تو ګه د قضاوت عدالت او د حکومت له سیا ست سره نږدی ارتباط لری .

همدا رنګه امکان لری ډنډه د کوشانی دیوه عالی رتبه او رسمی مامور چه د کو شا نی په یوه ایالت کښی وظیفه درلوده هغه مهادانداناـ یاکا (۱۱۸) نومیده شاید د ده له نوم سره ارتباط او اړیکی ولری . موږ

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نشو کولای د دی شخصیت په‌هکله حقیقی مراسم تر سره کړ و مگر دا پیگرافیك (لیکل شوی اسناد) لـه‌مخی ځینی شواهد په دی بر خه‌کښی چه ډیر د اهمیت وړ دی را په گو ته‌کوی ، تاریخی آثار او تاریخی یاد- گار د هغو خلکو په افتخار جوړ اودرول شوی چه هغوی ډیر نومیا لی شخصیتو نه او نا متو پاد شا هان‌وه چه د هغوی شاهکار په‌ډیر لیکونو کښی ښودل شویدی (۹٦) نوموړی‌یادونی په ډبر لیك د مجسمی پـر پایه او په ستنو باندی د کو شا نی‌دعصر څخه نما یندگی کوی ، له‌بده مر غه د دغی مجسمی یوازی پښی‌اودلمڅی (نمد) بوټان‌پاتی دی دډبرلیك دمتن څخه داسی څر گنده شوی چه‌په دی ډبر لیك کښی د یوه شخصیت نوم چه هغه اولانا (۱۱۹) نو میږی‌لیدل شوی چه دغه شخصیت (ماهاد داندانایا کا) سره‌مرسته کو له (۹۷) په‌همدی شان نو موړی نوم په یوه بله کتیبه کښی چه تاریخ یی (۷٤)میلا دی کال د کنیشکاعصر دی اټکل شوی چه په اغلب گمان سره دوا-سودیوا (۹۸). د سلطنت په دوره کښی جوړه شوی ، که چیری موږد(مهاداندانا یاکا) ځینی اسنادو څیړو د هغه نوم نه یوازی د کو شا نی‌په‌ډبر لیکو نو کښی لیکل شوی‌بلکه دهغه نوم داشوا کوش (۱۲۰) اودگوپتا د عصر په ډبر لیکونو کښی لیدل شویدی مگر له بده مر غه دغه‌اسناد ډیر روښانه نه دی او پـــه ښکاره ډول یی د کوم شخصیت په‌هکله حکم نه دی شوی د اسنادو لـه مخی داسی څرگندیږی‌چه‌دهغه وخت‌شاه داندانایاکا ته د لښکر قوماندانی ورکړ شوی وه د ده په هکله نوری‌څرگندو نی نه دی شوی .

دایو عمومی نظر دی چه د(ماهاد-اندانا یاکا) لقب د پوزی لوړ مقام بلل کیږی . لودرز (۱۲۱) نوموړی‌نوم او اصطلاح (عمو می جنرال) تر جمه کړی (۹۹) او فلیت دغه نوم(دپوزی قوا لوی جنـرال) «۱۰۰» ترجمه کړی دی ، په همدی شان‌یوبل پوه پرنسیپ (۱۲۲) پور تنی‌نوم یی د «مجازاتو آمر » بللی دی (۱۰۱)دغه پورتنی د پو ها نو نظر یات او څرگند و نی ډیر د اهمیت وړ اوباارزښته دی ، وروسته له څیړ نو ډنډا د کلمی څخه داسی نتیجه اخلوچه ډنډه اصلا مجازات‌او میله د(مجـ- زاتو آله) بلل شوی همدا رنگه موږته د یوه بل پوزی قوماندان ماهـا سینا پاتی (۱۲۳) نوم را په یادیږی.

داشوا کو ش د پاد شا ها نو په‌ډیر لیکو نو کښی دیوه شخصیت‌نوم لیکل شویدی چه هغه په دی ډیرلیکو نو کښی په لاندنی نو مونو بلکه ماها داندانا یاکا، ما ها سینا پاتی‌او ماها پرا تی ها را (۱۰۲) یادیده او هغه په ښکاره تو گه په ډول‌ډول‌پوستوکښی کار کړی دی. د ماها-

CC-0. Jangamwadi Math Collection. Digitized by eGangotri Digital Preservation Foundation, Chandigarh
Acc no 6077

پراتی هارا نوم لکه (لوی‌چمبرلین)معنی شوی مگر دوه پاتی نومونـــه (پوزی قوماندان) تر جمه شویدی.او دا ډیره عجیبه ده چه په عیـــن پوست او مقام‌کښی یوه قوماندان‌په‌مختلفو نومونو په یوه وخت کښی کار کړی دی . په دی ډول شایدد(ماها داندانا یاکا) وظیفه او کار له ځوار خو نو د ماها سینا پا تی له‌کارسره تو پیر لری . که چیری موږد ډنډه معنی نښه وځیږ و داسی نتیجه‌اخلو چه نو موږی نوم او لقب د عدالت لوی قدرت څرګند وی .

شیوارام مور تی (۱۲٤) لیکی‌چه حتی په اوسنی وخت په محکمو کښی قاضیا نو یو ګرز په خپل مخ‌کښی اینبی وی چه د هغو د کاراو وظیفی سمبول بلل شویدی (۱۰۳)په‌هر حال څرنګه چه موږ ولیدل داسی څرګنده شوی چه ډنډه د ګرز پرځای‌استعمالیده چه دماها داندانا یا کا د قدرت سمبول ګڼل شویدی . هـغه‌ګرز چه د کنیشکا او د نورو کوشانی شاهانو له خوا په لاس کښی نیولی‌دی په غالب ګمان سره د هغوی د مامورینو او په محکمو کښی د قاـضیا نو رسمی نښه او سمبول وه او په بل عبارت د کو شا نی د شاهانو پـــه محکو کښی ډنډه په رسمی‌ډول دقضا یی قدرت سمبول او خا صه‌نښه بلل شوی وه .

هغه نظر یات او روا یات چـــه دلته د لر غو ن پو ها نو له خوا راـ ډول شوی دی نبیی‌چه دغه وسله‌ډیر نژدی اړیکی او ورته وا یی‌د کوشانی شاها نو له مجسمو سره‌لری او دپاد شاهی ډیره با ارزښت سمبو لیك عنصر ګڼل شویدی پـه‌مجمو عی ډول د مجسمو ګرزو نـــه نبیی په پیل کښی د ویما کد فیزس‌د مجسمو څخه دا سی څرګند یږی چه په روښانه تو ګه دویما کد فیزس‌دمجسمو د ګرزډو ل د هیرا کلس‌د ګرز په سر کښی د غوټی لرو نکی‌ګرز په څیر دی البته ډیر ژرد ګرز جوړ ول د کنیشکا په مجسمه او دهو شکا په سکو کښی لیاره وهونده چه د ګرز جوړو نه په مختلفو ډولونوداصلی وسلی په تو ګه استعمال شوه .

په هر حال که په پیل کښی د هیرا کلس ایکنو ګرا فی د شا ها نو دګرز جوړ و نی په ډول او شکل‌باندی ژور نفوذ او تاثیر دغوټی څخه په مکمل ډول څرګنده شوی چه د کو شا نی شاهانو د ګـــرز ډول د هیرا کلس د ګرز د مخی څخه جوړشوی د ی او وروسته دغه وسلی‌د پادشا هانوپه‌مجسمو کښی مخصوص‌معنی پیدا کړی ، په دی مفهوم چـه هر پاد شاه ته د غه وسله خا صه‌او جلا معنی د ر لوده حتی د ګرز ځینی ډولو نه د رب النوع له‌ځینوګرز سره ورته وا لی در لود، له‌بلی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

خوا دو یما کد فیزس په سکوکښی گرز چه دایکنو گرا فی اړیکو لـــه پاوه چه پخوا هغه ته اشاره وشوه،مجسمی په یوه ډول کښی چه د کوشا نی شا ها نو یو با ارزښته مجسمه ده ښود ل شوی چه پخپله دغه ډول مجسمه د مذهبی جنبش له نظره مذهبی اړیکی لری چه شکل یی دایدیالو ژیکی له پاوه ډیر خاص معنی لری. په پای کښی په لنډ ډول ویلی شم چه گرز دلته د پاد شاه د کار او وظیفی سمبول دی او هم په بـــل عبارت د نړ یوا لی پاد شا هی نښه ده چه شوا هد یی موږ د دوهم کد-فیز س په مجسمو کښی او هم د هغه د کور نی د پا تی کسا نو په اسناد و کښی لید ل شو. له بلی خوا د ډول ، ډول نظر یا تو له مخی چه د هندی او ایرانی منا بعو او پوهانو له خوا څرگندشوی ، مـــوږ داسی نتیجه اخلو چه دغه وسله د طبیعت فلسفی سمبول دی . او هم په دی ډول نظر ورکړی شوی چه دلمر له رب النوع سره ورته والی لری .په بل عبارت گرز د نړی یـو مطمئن آله ده .

په عین و خت کښی گرزد کتو نین (۱۲۵) یونا نی رب النوع سرته نسبت ورکړ شوی یا په بل عبارت کتو نین او د لمر ارباب الانواع د هیر اکلس او میترا د عدا لت او مجازا تو او سزا سمبول دی د نړی کنترول او گر نتی کوی. دغه اړیکی یا هغه تصور چه عدا لت او دبدی مجا زات د ډنډه د جوړونی سره په روښا نه ډول ارتباط لری ، گرزپـه هند کښی د پاد شاه د وظیفی سره اړیکی پیدا کوی چه هغه «دامتیاز اتو او عالی قدرت او وظیفی مسوو لیت لری .»

ډنډه او د هغه سمبو لیك معنی دماها دانډانایا کا له کار سره اړیکی لری ځکه چه هغه د عدا لت د قدرت عالی سمبول نمو نه بلل شویدی.د تولود غو پور تنی عناصر و له مخی داسی ښکار ی چه د کوشا نـــی شهزادگا نو مجسمو گرز د کار او وظیفی یو ضروری او با ارزښتـــه سمبول دی .

د کنیشکا د مجسمی د گرز پـه پور تنی برخه کښی د مکا را یـــاد یوه عجیب الخلقه حیوا ن سر ښودل شوی چه نو مو ړی د حیوان سر د گرزد تزیین دپاره نه دی جوړ شوی پایه ځینو ځایو کښی مکارا د ډار سمبول په تو گه پیژاند ل شوی،مگر بر خلاف د ډار سمبول نه دی او ځانته جلا او ځانگری صحیح معنی لری ،چه د گرز سره اړیکی او ارتباط پیدا کوی ، اجازه را کړی په داگه ووایم چه مکارا (۱۲۶) دوا سو دیوا وشنو (۱۰۴) له پر ستش سره ډیر نژدی اړیکی لری . د لمر رب النوع

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

همدا رنګه دوارونا (۱۲۷) دلیږدولووسیله یاځرخ داسی تعریف شویدی ،دمجازاتو او سزا بادار د سلطنتی عصایا ګرز د پا دشا ه پر سر کلک نیولی دی «ګوندا (۱۲۸) په قول چه مکارا (داهر ما، لوی ارباب اوآقایان درتا (۱۲۹) نومیالی ساتو نکی دی... داوامرو ور کوونکی ، د قا نـــون حکمروا چه د هغه په امر سره سین طغیان کوی او سپوڑمی د ده په امر راوزی) (۱۰۵) .

په نتیجه کښی موږ کولای شوپه ډاګه او غوښه تو ګه ووایو چه ګرز دټولو نظریا تو سره سره د نړی او اخلاقی او امر و د سا تنی او څارنی سمبول وه ، د عدا لت او قضاوت له نقطی نـظره د ګرز د پادشاه له لوړ او عالی وظایفو څخه شمیر ل کیده .دکو شا نی شهزاد ګانو د ګرز مفهوم او تصور د ایرانی له اسناد و څخه اخیستل شوی او وروسته پر اختیا ورکړی شو، په دی دلیل چه دهندی سبک څـخه ځینی عنا صر پکښی اضا فه شول او ګرز ته یيی خاص شکل ورکړ،دی ډول ګرز څرنګه چه تصور یی هم نه کیده ژر تر ژره یی پرا ختیاو مونده.

اجازه را کړی ولیکم چه د ګـــرز **استعمال یوازی دشاها نورسمی نښه** او علامه وه چه د ګرز استعمال د شاهانو له خوا ډیر اوژد عمـــــر لری ...

۱۳۰- ۱۰۶ دکنشیکا د مجسمـــی دګرز او وسلی په هکله لیکی د غه ګرز د هغه ګرز په شان دی چه په رسمی ډول د افغا نستان د امیرشاه شجاع له خوا د پا دشا هی په دوره کښی مروج وه دغه نظر یه د الفنستون (۱۳۱) (۱۰۷) له خوا تا یید شوی د همدی مو لف یا لیکو نکی په قول هغه یوه اوژده خو لی په د سره ټوکر څخه جوړه شوی او خو لی په یوه تور مخمل باندی ښکلی شوی وه همدا رنګه په خپل مخ کښی ګرزاو بوه توره نیو لی ده .

په پای کښی ډډیروخت په درلودلوسره دکوشانیانو امپرا طوری دشاه شجاع د ژوند د دوری څخه جلاکوی په غوښه او روښا نه تو ګه ویلی شم چه د شاه شجاع اود کنیشکا پاد شاه د ګرز مینځ کښی هیڅ ډول اړیکی نشته ، مګر النفستون وا یی اجازه راکړی په حقیقی تو ګه باید ووایم چه د ګرز و استعمالید ل یوازی دشاهانو او شهزاد ګا نو د پادشا هی سمبول وه، پاد شاهان د ګرز پـــه درلود لو سره دخوشبختی او نیکمرغی احساس کاوه څکه داسی فکر یـی کاوه چه د ګرز په در لود لو دوی کولای شی خپل سلطنت او قلمرووساتی .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پاورقی

۱ـج .و گل (J.Vogel) : دلرغون پیژندنی کیدنی په متهو را کښنی ASIAR ۱۹۱۱ـ ۱۹۱۲ـ۱۹۱۵ـ میلادی کال ۱۲۳ مخ .

۲ـوی .الف سمت (V.A. Smith)دسکو کلکسیون د هند د کلکتی په موزیم کښی اکسفورد ۱۹۰۶میلادی کال ۸٦ مخ. همدا رنگه د دی کار په هکله به وروسته IMC ته‌مراجعه‌وشی . دغه دی سکه چه تر جمـــه شوی وریځ د غره‌شا ته لید ل شوی. رگوبل R.Goble فرانکفورت ۱۹۵۷میلادی کال ۱۸۱ مخ .

۳ـ د بو Bow د پاسه یوه‌غوټه چه د چلیپا په څیرترل شوی چه‌په څینو رسمی او تشریفا تـــی‌محا فلو کښی د نکتا یی پر ځای ترل کیږی د سکی د څیری په غاړه‌کښی یی څوړند کړی دی چه نمونه یی موږ د کجو لاکد فیز س په‌مسکو کاتو کښی لیدلی شو. پ. گاردنر P.Gardner لیکی: د یونا نی اوسیتی شاهانو سکی په باختر او هند کښی چه اوس د بر طانیی په‌موزیم کښی د ښود نی لپاره اینبودل شوی لندن ۱۸۹٦ میلا دی کال دوهم‌او دریم ټوك د دی کار په هکله دی BMC ته مرا جعه وشی . د یوه‌پادشاه په همدی شان څیره د پارتی شاهانو په مجسمو کښی چه ډیرمعمول او مشهور دی لید لی شو. اجازه را کړی په غوښه او په ډاګه‌توګه د ګوند افیرز Gonda phares او ابداګاس (Abdagases) مخصوصوسکو ته اشاره وکړم (Ortagnes) یاد اور تـا کا نس (Ibid,pl. xxII, 11, and pl, xxII,1) او، سانا بارز (Sanabares) (Ibid, pl, xxIII 9,10,12) په مسکو کا تو کښی‌دا ډول دبو غوټه په ښه ښکلی او عالی ډول چه د هغه و خت دجوړونی خاص سبك وه جوړ شویدي .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

٤ـ دویما کد فیز س یوه بله‌سکه‌چه په مخصو ص سبك او بنکلی شکل جوړ شوی په دی سکه کښی هغه د خولی څخه څوفیتی لاندی خوا ته څړید لی دی. نـــــوموړی‌فیتو ته باد موجدار شکل ورکړی چه‌د فیتو څنډ وداوژی خوا ته میلان‌پیدا کړی دی . دغه ډول تاج شاید دښود نی مخصو ص شکل دی چـه‌فیتی لری چه دغه ډول تاج موږد لیسیاس Lycias او هیپو سلتراتو س (Hippostratos) په مسکو کا تو کښی لید لی شو دمثال په تو گه ر . ب وایت هیـــد (R.B. Whitchead) وایی ، چه دتاج‌دغه ډول فیتی موږدسکو په‌کلکسیون کښی چه دپنجاب ـ لاهور او لندن‌په موږ یمو نو کښی د ښود نی د دپاره ایښودل شوی لیدلی شو۱۹۱٤میلادی کال لمړی ټوك ٦١٠ (Pl.III, 150and pl, xIII 610) د دی کار د ثبوت د پاره کولای شو PMC ته مراجعه‌وکړو‌همدارنگه الف . ن. لاهیری پـــه همدی شان د تاج فیتی داندو گریك‌په سکو چه اوس په کلکتی په موزیم کښی مو جود دی ۱۹٦٥ ـمیلا دی‌کال ۱۲۲ ـاو ۱۲۳ مخو نه .

IMC. pl. III.6 and pl. Iv. 13.

5-PMC, pl. III, 157 and pl.v. 366.67

٦ـ د نور دگرز مثا لو نه چه په‌اوژه باندی لیږدول کیږی الـــــف. کننگهم A.cunningham

وایی (د کوشا نیا نو د سلسلی یاد لوی یو تی Great. yue ti د مسکو ـ کاتو دو لسم نمبر فصل ۱۸۹۲ـمیلادی کال دریم او څلورم ټـوك. همدا ر نگه در . ب وا یت هیتR.B. Whitchead**څینی** لیکنی د اندو ـ گریك د مسکو کاتو او م لمبر فصل۱۹٤۷ ـمیلا دی کال دوهم ټوك اتم مخ .

۷ـ یوه سکه‌چه په مجمو عی ډول‌تفسیر او تشریح شوی ښیی چه‌د سکی پاد شاه په خپل سر یو تاج‌ایښی دی . نو موړی پاد شاه یـــو ډول کا لي چه د څادر په شان دی‌اغو ستي دغه څادر د ښي خوا دښي

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

دلاس لاندی تیر شوی‌او د کین اوږی‌دپا سه اچول شوی چه د قدیم او پخوا نی یونا نی کالیو په څیر دی، همدا ر نگه یو کو چنی گرزد ښـی اوژی د پاسه د لیږدید لو پـــــه‌حال کښی لیدل کیږی
(BMC, pl. xxv, 8,)

۸ـ (PMC, pl. xvII,33)

۹ـ همدا رنگه یو مخصو ص ډول‌گرز چه له څواړ خو څخه دهیرا ـ کلس له گرز سره ورته وا لی لری‌چه موږ دغه د گرز مخصو ص ډول ددوهم ایتد یمو س autidemos II په سکه کښی لیدلی شو
(PMC, Pli 27)

۱۰ـ PMC, pl, xvII,31

۱۱ـ PMC, pl, xxv,9

۱۲ـ

په دی سکه کښی لیدل کیږی‌چه‌پاد شاه په ډیر دلاوری اوزړه ورتیا په یوه فیل نا ست دی چه ددی‌سکی‌څیره دویما کد فیز س هغه سکه‌را په یاد و ی‌چه پاد شاه په‌دی سکه‌کښی په فیل باندی سپور شوید ی (ر.ب. وا یت هید) داندو گریك‌دریمه برخه د سکو یوو لسم فصل (۱۹۵۰ میلا دی کال. په دی سکه کښی پاد شاه یو گرز د ښی اوژی دپاسه ایښی دی چه د گرز ډول مغشوش او د نه پیژند لو وړ دی. دغه ډول گرز د ویما کد فیز س په‌ایکنو گرا فی کښی نادر او کمیا به ده . یوازی د هو شکا په سکو کښی‌ده . دغه ډول گرز موند لی شو
(PMC, pl, xII, 19, BMC, pl, xvII12) الف کنگهم‌د کوشا نی شا ها نو یاد لوی‌یوتی

Great yue-ti د سکو په هکله لیکی‌څیړو نکی کولای شی لاندنی ماخذ ته مرا جعه وکړی .
(Coins of the Kushanas, or Great yue-ti xII, Num, Chap. 1892. pl, vIII, 15)

۱۳ـ گرز او دونی پاڼه ویماکد فیزس ته نسبت وړ کـــړی شوی داسی تعبیر شوی چه‌نوموړی پادشاه‌دونی دژوند ساتند وی او ما لك‌دی دلته دونی ډول نه دی لیکل شوی‌چه د لیکو نکی منظور د مقدسی‌ونی څخه دی یاد کوی بلی ونی ،لیکونکی‌داسی لیکی : دا بابل د خلکو له‌قول

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

څخه دونی دغه پاڼه په ټوله نژدی څنیځ کښی مروج او معمول وه او ددی پاڼی احترام کیده څرنګه چه دځینو شا ها نو په سکو کښی ښودل شوی چه پاد شاه په خپل لاس کښی دغه ډول پاڼه نیو لی ده . وایـــدن گرین (Widen grean) خپل کتاب کښی (پاد شاه او ژوند و نه) تـــر عنوان لاندی لیکل شوی پـــه دی هکله رڼا اچول شویده او پا سالا Uppasala ۱۹۵۱ میلا دی کال در یم شکل .

۱۴- (PMC, pl, xxxII, 13, PMC, pl, xx, 3)

۱۵- د گاڼی چلو و نکی حضور په ځینو سکو کښی د هـ.هـ.. ویلسن Wilson H.H. له خوا د افغا نستان د مسکو کا تو او لر غو نی آثارو په هکله ځینی لیکینی کړی وی. لندن ۱۸۴۱ میلادی کال ۳۵۵ مخ همدا رنګه دکنګهم لیکنی په Op.cit.p.47.

۱۶- الف . کننګهم (A.Gunningham) دساکا د سکو لسم فصل ۱۸۹۰ میلادی کال، اوهم کال ، او هم و. و. تارن W.W.Tarn یونا نیان په باختر او هند کښی. کا مبرج لندن ۱۹۵۱ میلادی کال -۲۲۱ مخ.

۱۷- و.ر وت (W.Wroth) دپار تیا نو د سکو کلکسیون او د یونا نی د سکو کلکسیون د برتانیا په موزیم کښی لندن ۱۹۰۳ میلادی کال Pl. II. 8 همدا ډول اجازه راکړی چه در گوبل R.Gobl دلیکنو څخه چه درو من او کوشا نی سکو په هکله یی کړیدی یادو نـــه وکړم. د هند د ټولنی د مسکو کا تو مجله ۱۹۶۰ میلادی کال ۱۸۱ ،۱و ۱۸۲ مخو نه په دی مجـــله کښی لیکل شوی چه دویما کد فیز س سکی ددومی دسکو دمو دل له مخی جـوړشوی چه د گو بل له خوا لیکـــل شویدی

۱۸- Ebableon. les Rais de syrie, Paris, 1890 p.72. nos 556-558.

۱۹- BMC, pl, I.I.

۲۰- ج . گوندا J. Gonda دپخوا نی وشنو نیزم ځینی څیری په سکو باندی ۱۹۵۴ میلا دی کال ۵۰ مخ . همدا رنګه د پخوا نی هندی شاهان دمذهب او دین له پلوه څخه دوام څل د پاره چاپ شوی دریم او

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

څلورم فصل۱۹٦٦میلادی کال ۱۸٤-او ۱۸۷ مخو نه . په همدی شان-
دپ. و. کن P.V. Kane لیکنه ددهارماشاسترا (Dharmasastra) **تاریـــخ**
دوهم ټوك ۱۹٤۱ میلادی کال ۱۲۰٦مخ، پو نه هند و ستان .

۲۱- ستا پاتا بر همنا - Satapata Brahmana, 9.3.9.4, 9. 8,

۲۲- BMC, pl. xxv, 7, PMC, pl xx,ii.

۲۳- IMC, pl, vIII.4. PMC, pl.x.31

د ر . ب . وایت هیدداندو گریك دسکو په هکله لیکنی لمړی پار ت
دمسکو کاتوشلم فصل ۱۹٤۰میلادی کال ۱۱٤- ۱و ۱۱۵ مخو نه .

۲٤- PMC, pl, xI, 195. BMC, pl. xIx, 1.

۲۵- وایت هید وایی چه پادشاه یوه یوه وسله په لاس کښی نیولی وه
امکان لری دغه وسله توره یا گرزوی . همدا رنگه گار د نر(Gardner)
نظر لری چه دغه وسله بی له شکه
توره ده نه گرز تارن Tarn هم دگاردنر نظریه تاییده وی .

۲٦- په همدی شان گرز د پادشاه دښی اوژی د پاسه لیدل کیږی په
دووسکو کښی د پاد شاه نیمه تنه چه داوژی دپاسه یـی څادریا یالان
پروت دی او په سریی جغه لرونکی تاج لیدل کیږی . الف کنگهم د
کوشا نیا نو د سکو په هکله لیکی: په دوو حا لتو کښی اوژده او نری
وسله چه په څو که کښی یی غوټه لیدل شوی، په دی سکو کښی پادشاه
گرز په لاس کښی نیو لی او دلاس یوه گوته د گرز د لاستی څخه تـــا
وشویده.

۲۷- IMC, pl. xI,7

۲۸- په همدی ډول یوه سکه چه پاد شاه ولاړ دی او په عین صفت او
نسبت چه دوایت هید له خواترجمه شویده PMC, p. 184, pl. xvII, 36
په دی حالت کښی گرزد شکـــــل له نقطی نظره ډیر اوژد دبریښی او
په سر کښی غوټه لری .

۲۹- الف . کننگهم(دکوشا نیانودعصر سکی) ۹۸ مخ.

۳۰- BMC, pl. xxvIII,9 الف. کننگهم(دکو شانیا نو د عصر
مسکوکات)

۹۸- همدا رنگه و -۱-سمـت V.A. Smith IMC.P. 74. note.I)

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ر.ب وایت هید (PMC, p. 194. ff) دگرز د ترجمی په هکله یو د بل‌سره توافق لری .

۳۱- یوه سکه چه د C په څیر دی (PMC, pl. xvIII,117) په دی سکه کښی پاد شاه په خپل لاس کښی یو شی نیو لی دی ، وایـــت هید وا یی امکان لری دغه شی یوه‌میله دی چه د پاد شاهانو له خوا په رسمی او تشریفا تی مرا سمو کښی‌دقدرت د سمبول په ډول شمیر ل کیده یا امکان لری دغه عنصر به‌پانه‌وی . همدا رنگه د دی سکی د عنصر په هکله د ځینو لر غو ن پوهانو له‌خوا داسی نظر ورکړ شویدی دغه‌شی امکان لری یو وسپنیز گرز وی چه‌زیاته بر خه یی له مینځه تللی ده.

۳۲- PMC, pl. xxv, 135

۳۳- د هو شکا بله‌سکه (IMC, pl. xII, 10)

چه‌په همدی ډول گرز په کښی لیدل‌شو ی مگر د دی سکی‌نمو نه اوسبك په‌اتم نمبر سکه‌کښی‌تشریح‌شوی دگرز لاستی اوڅ ددی چه‌دگرز باډی لاندی خوا ته کو چینی کیږی. دغه‌دوه سکی یوشان دی یوازی د سکو شکل دځیری مخ او بروت لږ **توپیرلـــری** . **اجـــازه را کـــړی** ولیکم چه هغو ی دغه شان ډول،ډول‌سکی جوړی کړی چه د هوشکا له **مجسمی سره توپیر لری‌نو په دی**توگه نو موړی سکه د هوشکا نه‌ده.

۳٤- (Pmc. PI. xx)

۳۵- میله یا ډنډه چه په سرکښی‌یی لانچانا (Lanchana) یاسمبول لیدل شوی امکان لری دغه سمبول‌دځاروی څیره یا د بل شی څیره وی دهو شکا په سکو کښی په مجمو عی‌ډول کله کله څیری په ډیر مشکلاتو سره پیژاندل کیږی حال دا چه‌د گوپتا په سکو کښی څیره پیژند نه ساده او آسا نه ده د گوپتا دعصر دسکو څیره د گرودا (Garuda) په مجسمو یا څیرو او یا په مختلفو سمبول سمبال شوی چه جلامعنی لری احا طه شوی .

۳٦ - PMC, pl, xII,15

۳۷- PMC, pl, xx lx

۳۸- ر.ن. بنر جی R.N. Banrjea دهند وایکنو گرافی اوده اوپراختیا کلکته ۱۹۵٦میلادی‌کال او٤۰۲نمونه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

۳۹- cof. note, 29

۴۰- J.ph. vogel, op.cit. p. 123

۴۱- of. O. viennat د مکارا تیپولوژی او کرو نو لو جی
A. A, I, 1954, 3. pp. 193. 98

سترن Stern یو لر غون پوه (دبگرام عاج او لر غون څیړنی او لټو نی په بگرام کښی فرانسوی لرغون پیژند ونکی په افغا نستان کښی (دافا (DAFA) پاریس ۱۹۵۴ میلادی کال ۱۹ نه تر ۵۴ مخو نه .

۴۲- شیو پرام مور تی (Sivaramamurti) دامراوا تی مجسمی د مدرا س په دو لتی موزیم کښی ، د مدراس ددولتی موزیم خپرو نی ۹۵۶ میلاد ی کال ۲۲۴ مخ .

۴۳- دگیمی موزیم پاریس ۶۹-۱۷۰ نمبر اثر .

۴۴- د ناگار جونیکو ندا (Nagarjunikonda) موزیم په هند کښی ۱۸ نمبر اثر.

۴۵- R.N. Banerjea. op. cit. pp. 468,469 pl. xxxIv. figno. I.

۴۶- د یوه معبد سا تو نکی په جنو بی چاندنی کالا سا ن (مرکزی جاوا) کښی یومار ، یوه توره او یوگرز لری ، چه د گرز بهر نی خوایی په څومخوو یشل شوی ده او په مکمل ډول ښکلی شوی همدا رنگه خپله گرز په څو نریوفلزی یاوسپنیزوکر ښو ښکلی شوی . په همدی شان لیکل شوی چه دگرز څو که جوهر داره وسپنه ده دغه گرز په اغلب گمان سره په اتمه میلادی پیړی پوری اړه لری . الف .ج. پر نت کمپرز A.J. Barnet Kempers د پخوا نی اندو نیزیا هنر. کامبرج لندن ۱۹۵۹ میلادی کال ۳۱ مخ.

یو بل گرز چه څو مخو نه لری په دغه گرز کښی دوشنو څیره د فشار په واسطه جوړه شویده دغه گرز د تجیبوجا (Tjibuaja) په لویدیځ جاوا کښی دپالاوا (Palava) په سبک جوړه شوی چه اوس دجا گاز تا په موزیم کښی ساتل شویده .

۴۷-

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

۴۸ـ په هند کښی د ځینو لرغون‌پوهانو له خوا نوی نظر یی د پان هلنیك Panhellenic د سلسلی د موندل شوی سکو په هکله ور کړی شوی. د نو موړی سکو پر مخ دیوه‌پهلوان یا قهرمان سر او د هیراکلس له ځیری سره یو ځای لیدل‌شوی او د سکو پر شا زیوس ایتوفوروس ناست دی .

ځینی له دغه سکو څخه سیلو کوس ضرب وهلی ، کله چه دی‌والی وه د سیلو کوس په مسکو کا تـــوکښی د لوی سکندر نوم‌اوځیره لیدل شویده .ځکه ویل شوی چه هراکلس‌دپان هلنیك له سلسلی سره اړیکی لری پاریس ۱۹۵۶میلادی‌کال (۱۲۶ـاو۱۲۸ مخو نه .

۴۹ـ الوچ. لی. پیج Allouch-Le-page لیکی: د زیوس مجسمه دایو تیدیموا‌واو کرا تید س سره یوشان دی هیر اکلس چه د زیوس د کورنی‌ساتند وی وه . (op. cit, p. 94)

همدا رنګه داندو گریك په سکـــوکښی د هیرا کلس ځیره لیـــدل شوی .

۵۰ـ Bmc. pl, xxv. 1.2, Imc. p. 33 pl. vI. 14.PMC, pl. xxvII, 8.

۵۱ـ M.TH. DE.Mallmam. Lesensigne ments iconographiques. del.l. Agni-puara paris, 1963. p.250.

۵۲ـ داشوارا Isvara اوما‌ـهشوارا Mahisvara Isvara نومو نه د ویما کد فیز س په ځینو سکو کښی‌لیدل شویدی .
(IMC, p.68. 1.4.6.p.69.7. PMC.p. 183,31)

۵۳ـ E.J. Rapson. CHI.I.1922. p. 557. W.W. Tarn. cit.pp 135. 403-A. Foucher. L. Art. Gre-cobauddique du. gandahara. paris 1905. 22. II. p. 519.L. DE. La.vallee poussin. L. Indeaux temple des. Maurgas et. des Barbares.Grecs seythes. parthes. et yue, tchi, paris, 1930. p. 312. M. TH.Allouche. LE. page. op cit, p. 135.

۵۴ـ R.N. Banerjea, op.cit, pp. 119-121and M. TH.DE. Mallmann. op cit. p. 250.

تارن وا یی چه‌دشیوا ځیره د سکو پرمخ دکو شانیا نو د عصر څخه مخ کښی نه وه ظاهر شوی .ج. کنیدی J. Kennedy په قول هیڅ ثبوت دشیوا او د هغه ګرز مینځ کښی چه‌لمړی میلادی پیړی څخه مخ کښی ضرب وهلی شوی اړیکی شته .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

۵۵ـ انکو شا ankusa دشیوایوه خاصه نښه ده چه د کنیشکا او هوشکا په سکو کښی شته

IMC. pl. xI.9. PMC. pl. xvII. 65.r.n. Banerjea. op. cit. p.121.

۵۶ـ الف . کننگهم د قدیم هند سکی له پخوا نی وخت څخه تراومی میلادی پیړی پوری لندن ۱۸۹۱ میلادی کال اوم او اتم مخ نه .

۵۷ـج. کنیدی دغه مفکوره او نظریه تر او سه هم د ځینو پوهانو او دا نشمندا نو له خوا تا ییید شوی. R.N.Banerjea. op.cit, pp.449. 450.

۵۸ـ Indika. 5.12

۵۹ـ Diodorus. xvII. 96.2. stra-bo, xv.8

۶۰ـ د شیبیی sibi قوم او خلك تر اوسه په رو نبانه تو گه نه دی پیژاندل شوی .

W.W. Tarn. op.cit.p. 170

تارن په دی مفکوره ده چه د شیبی قوم په لاند نی پنجاب کښی ژوند کاوه اسکندر د یر غل په وخت کښی هند ته له دی قوم سره سخته جگړه وکړه ، کله چه خپله سکندر د دی قوم مینځ کښی دهیر- اکلس نسل و پیژ ندل د جنـــگ څخه یی سمد ستی لاس واخیست د شیبی قوم په همدی سیمه کښی دیوه بل بیر ته پاتی قوم سره ژوند کاوه . د یو نا نی تاریخ لیکو نکو دپاره ډیره سخته خبره وه چه دغه قوم وپیژ نی او بر عکس د یو دوروس Diodorus د دی قوم په هکله وایی چه دوی په یوه نښه نښکلی اونبایسته نښار کښی ژوند کاوه .

۶۱ـ ARRIANUS. Ind. vIII. 8.4-9 12.

۶۲ـ لاسن Lassen وا یی چه کرشنا دوشنو داواتارا Avatara په تو گه پیژنی د لاسن دغه نظر د الف . برت A.Barth له خوا هم منل شوی Les. religions. de. Inde, anclncyclopedia desc-ience Religieuses.

چه د ـ ج وود J. Word له خوا تر جمه شوی څلورم ټوك لندن ۱۹۰۶ میلادی کال ۱۶۸ مخ او .و. روبـــن (W. Roben) په مرسته استا نبول ۱۹۴۳ میلا دی کال ۲۷۸ مخ .

۶۳ـ الف . دا لگو ست (A. Dahlquist) میگا ستنس او هندی مذاهب. او پاسالا ۱۹۶۲ میلا دی کال .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

٦٤ـ دغه شبا هت او ورته والی ددیمتر یو س په سکو کښی روښانه دی (IMC,pl.I,9. 10) او همدا رنګه د اتید یمو س په ځینو سکو کښی (PMC, pl. I. 27)

٦٥ـالف . کنګهم . د تو چاری کوشانیا نو یاد یو تی سکی ۱۸۸۹ میلادی کال ۲۹۷ او ۲۹۹ مخو نه، همدا لیکو نکی یعنی کننګهم په غوښه تو ګه وایی چه کجو لا کد فیز س په خپله د خپل اجداد او نیکو دیـــن څخه چه هغه د مرینی رب النوع وه پرستش کاوه ، دغه رب النوع لـه ګرز سره چه یو نا نیان یی د هیرا کلس او هند یا ن یی یاما اوشیوا سره یو شان پیژنی د کوشانیا نوسکی .

٦٦ـ ج. دار مستیتر J.Darmesteter زند او ستا دو هم ټوک او همدا ـ The sirozahs Yast and Nyayis (Sacred book of the East xxIII, oxford1883, p.144 Mihisrs yast. 96.

٦٧ـ الف . پاپ A.pope دفارسی هنر سروی لندن او نیو یارک ۱۹۳۸ میلادی کال ۷۳۰ مخ دو هم فصل.

٦٨ـ ج. وایدن ګرین G.Widengrean د ایران پاد شاهی دمذاهبو د تاریخ څیـــړ نه ۱۹۵۲ میلادی کال ۲۵۲ او ۳۵۳ مخو نه .

٦٩ـ په او ستا کښی د شیطان یاد د یو نوم ذکر شوی همدا رنګه د شیطان نوم د پهلوی په متو نو کښی راغلی څکه پهلوی یو وخت داهرمنی ډیر بانفوذ قدرت وه چه خلك یی زورول یاپه بل عبارت دا هورا مزدا دریمه بر خه پیروان یی زورول. ل ګری L. Gray « د ایرانی دین اساسات، دختیځ پیژند نی انستیتوت مجله بمبی ۱۹۲۹ میلادی کال ۱۰٦ مخ.

۷۰ـ G. Widen grean. loc. cit

۷۱ـ وجره د هندی په ایکنوګرافی کښی د ګرز د شکل څخه اخیستل شوی، په دی هکله د ر.ن. بنر جی لیکنی وکتل شی له بلی خوا د (اندرا) دوسلی پیژندل امکان لری چه د ګرز په شان دی د ډیر و پو ها نو له خوا تایید شویدی .

۷۲ـ الف . الف مکدو نـــــل A.A. Macdonell دوید یك د ارباب الانواع تاریخ سترا سبورګ ۱۹٤۷ میلادی کال ۵۹ مخ . دغه افسا نه موږ ته د سرخ کو تل مشهور او نومیالی کتیبه را په یادو ی نو موږی ډبرلیك

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کنیشکا د اعتبار وړ بو لی ځکه‌هغه له‌پیر وستو نځو سره سره خپل معبد ته نوی کیندل شوی کانا لونو کښی او به را وستی‌چه‌پخوا یی اوبه نه‌در لودی. همدا رنګه .

H.Hambach, Die. Kaniska, Inschrift von surkh kotal wiesbaden 1960.

له بلی خوا و . هینګ W. Hennig دباختر د کتیبو په هکله لیکی:

Bsoas. xxIII, 1960. pp. 47.55.

او هم ج- م- کیفر د ر سرخ کوتل دډبر لیك پیژندل‌په‌افغا نستان کښی څوارلسم فصل ۱۹۶۰ میلا دی‌کال له اول نه تر ۵۰ مخو نه .

۷۳- ه . جمیز E. James افسا نی او مذهبی عبادت په پخوانی او قدیمی نژدی ختیځ کښی لندن ۱۹۵۸ میلادی‌کال۱۵۳-او ٥٤ مخونه

۷٤- A.U.pope. op.cit. I. p. 444

۷۵- R.N. Banerjea. op.cit. pp.123125

۷٦- ASIAR, 1913, 1914, p. 276.ff.pl. LxxIIa

۷۷- R. Ghirshman "les chioites, Haftalies" M. DAFA. 13. LeCaire. 1948. fig 65.

۷۸- Yast, x. 103. grand Bu-ndahisn, and, Tahmuras Dinsharji Anklesaria Bombay,1908, xxvI, 17. Dina-i- Mainog-i xrat, trans,l. by and. W. west (Sacred books. of the and ast, xIv) II,p. 124. of.L. H. Gray op.cit. p. 107.

۷۹- R. Ghirshman. Bichapw, Vol. II. Les. Mosaiques Sassanides paris 1956. pp. 125.-26J. Dumezil "vinsu et les Maruts" J.A. CCxLI, 1953. p.16

د دی کتاب اصلی متن د سراوشا Sraosa او د یو ولسم یشـــت Yast په افتخار لیکل شوی (of. L. H.) Gray, op. cit, p. 106.

۸۰- Yasna. LvII, 16. 18.3. 33. 14.15

۸۱- Yasna. xLIII.12

۸۲- R. Ghrishman, Bichapur. cit.p. 126

۸۳- دغه کار او وظیفه د پهلوی‌رب النوع ته نسبت ورکړی شوی چه د پهلوی په متو نو کښی دهغه‌نوم ذکر شوی دی (L.H. Gray. op.cit. pp. 107.108)

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

۸٤- Brhatsamhita, 57. 58. Agnipurana, 51,14. 56.

۸۵- ت . الف . ج راو (هندی ایکنو گرا فی اجزا او عناصر) څلورم ټوک مدراس ۱۹۱٤ ـ ۱۹۱٦ میلا دی کال لمړی شکل .
20. 96-28 of.M.TH. DE. Mallmann, op.cit,pp. 128129.

۸٦- الف . کننگهم د تخار ی سکی) ۲۹۹ مخ .

۸۷- ن.ك . باتا سا لی N.K. Bhattasali دبو دیزم ایکنو گرا فی او بر همنی مجسمه جوړ و نی د داکا په موزیم کښی دا که ۱۹۲۹ میلادی کال ۷۸ مخ.

۸۸- گوندا Gonda (دهنـدپخوا نی سلطنت او شا ها ن ...) ۲۹ مخ.

۸۹- الف . دا کگو ست A.Dahlqu دډنډه کلمه یی گرز تر جمه کړی دی .

۹۰- ر.ر. د کنیشکا R.R. Dikshitar (جنگ په قدیم هند کښی مدراس) بمبی ، کلکته ، لندن ۱۹٤٤- میلادی کال ۱۰۸ مخ.

۹۱- M.TH. DE. Mallmann. op.cit. p. 24. note 18. p. 245

۹۲- J. Gonda. op. cit. p. 22.

۹۳- ر. شاما شا ستری R. Shamashastri په کوتلیا ، آرتا ستراابنگلور ۱۹۱۵ میلادی کال ۱۳۱مخ کښی لیکی چه دډنډه کلمه په ارتا شا ستراکښی دمیلی یا ډنډی اصلی معنی په شان معنی شویده ۱۹٤۵- میلا دی کال ٤۵ مخ.

۹٤- و ، پ. ورما V.P. Varma دهند سیا سی عقا ید او میتا فزیك دهلی ۱۹۵۹ میلا دی کال ۱۸۱ مخ .

۹۵- Ibid. P. 79

۹٦- اچ. لودرز H. Luders یو لست د بر همنی ډبر لیکو نـــو څخه د تاریخی دوری نه پخوا تر ٤۰۰ میلا دی کال پوری پر ته دا شوکاد ډبر لیکو نو څخه کلکته ۱۹۱۲ میلادی کال .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

۹۷- یوازی د ماها د ندانا یاکا Mahadandanayaka د نوم دلوستلودپاره دلودرز Luders لیکنو ته چه‌داوه بر همی ډیر لیکو نه‌دمتهورا او دهغه له نژدی ځایو څخه په هکله‌لیکل شوی مرا جعه و شی ۱۹۳۷ او ۱۹۳۸ میلادی کال ۲۰۶ او ۲۰۷ مخو نه .

۹۸- اچ. لو درز (د برهمی ډبر-لیکو نو لست او هم دری پخوا نی او قدیمی بر همی کتیبی ۱۹۰۷ او۱۹۰۸ میلادی کـال ۲۴۱ او ۲۴۶ مخو نه همدا رنگه‌دمتهوراډیرلیکونه او ځینی هغه اسناد چه تر اوسه‌نه نه دی خپاره شوی دك. ل. جا نرت K.L. Janert له خـــوا ۱۹۶۱ میلا دی کال ۶۷ مخ.

۹۹-اچ . لو درز (او دبر همنـــی‌ډبر لیکو نه) ۲۰۶ او ۲۰۷ مخونه.

۱۰۰- فلیت F. Fleet دپخوانی‌یا قدیمی گوپتا پاد شا هانو ډبر-لیکو نه او د هغو جا نشینان کلکته۱۸۸۸ میلادی کال ۱۶ مخ .

۱۰۱- پر لسپ Prinsep ځینی‌نظر یی چه د فلیت له خوا ورکړی شویدی .

۱۰۲- وکل Vogel دپراکریت‌ډبر لیك دیوه بودا یی لر غو نی‌ځای له (تاگار جو نیگو ندا) څخه Nagarjunikonda موندل‌شویده ۱۹۲۹م‌کال ۱۶-او ۱۷ مخونه .

۱۰۳ - ج. شیورام مور تـــی C.Sivaramamurti د بارا بو دور Barabudar ستوپه پاریس ۱۹۶۱ م کال ۲۴ مخ.

۱۰۴- R.N. Banerjea op.cit.p. 131

۱۰۵- J. Jonda, op. cit.pp. 20-28

۱۰۶- J.Ph. vogd, op. cit, p. 123note, I

۱۰۷- الفنستن Elphinstone ۹۳ مخ .

اهمیت لندن دوم ټوك ۱۸۴۲- م کال‌دکابل د پاد شا ها نو د سلطنت

د دی‌مضمون‌په‌ژب اړو لو کښی‌له‌لاندنی ماخذ څخه استفاده شویده.

ختیځ او لو ید یځ .

داز مینو دری میا شتنی خپرو نه.

نوی سلسله او لسم ټوك .

دریم او څلورم نمبر سپتمبـــر اواکتو بر .

۱۹۶۷ میلا دی کال .

له ۲۴۸ نه تر ۲۶۷ مخو پوری.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پاورقی اصطلا حا ت لاتین

1. Tesi-di-Laurea
2. Praf. M. Bussagli
3. J. M. Rosenfield
4. Berkeley
5. Vogel
6. Lysias
7. Strato-I
8. Argead
9. Demetrius
10. Eatidemus
11. Zoilus II
12. Soter
13. Theolhidus
14. White head.
15. Ankusa
16. Zeus
17. mauses
18. Mithridates I
19. Antiochus
20. Andragoras
21. Vajapeya
22. Maues
23. Azes.
24. Ankusa
25. Haviska.
26. A, B. C, D
27. B. C.
28. O.
29. Gardner
30. Bharhut
31. Tonda
32. Saddanta-Jataka
33 Sonuttara.
34. Visna
35. Kirita
36. Padma
37. Gada
38. Sankha
39 Sakra
40 Gada
41 Manes
42 Sivaraksita
43. Sirkap
44. Tonda
45. Makara
46. Dvarapala
47. Nagearjunikonda
48. Amravti
49. Matangajtaka
50. Nandi
51. Dvarapala
52. Kumudian
53. Palava
54. Zues
55. Argive Heraclids
56. Macedonian
57 Puskalavat
58. Ankusa
59. A. Cunningham
60. Kennedy
61. Diodorus Siculus
62. Strabo
63. Sibi
64. Megasthenes
65. Cliesobora .
66. Lassen
67. Krisna
68. Avatara
69. A Dahlquist
70. A. Barth
71. Gebeleizes
72. Sapalaises
73. Mithra
74 Faridun Thraoeetaona
75. Azi-Dahaka
76. Hieros Games
77. Andra
78. Vajra
79. Vrta
80. Mythology
81. James
82. Parthain mausoleum
83. Nisa
84. Gada

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

85. Visnu
86. Banerjea.
87. Trmimurti.
88. R. Ghirshman.
89 Mihiro
90. Visnu
91. Siva
92. Chthonian
93. Mithra
94. Ahwamazda
95. Cinuat
96. Posn
97. Sraosa
98. Sros
99. Yama
100. Danda
101. Chidumburam
102. Pao
103. Ohpo
104. Danda dhara
105. Chthorian
106. Bhattasati
107. Manu
108. Danda
109. Banerjea
110. Diksitan
111. M. Mallemann
112. Agni Pwara
113. J. Gonda
114. Arthasatra
115. Mahabharata
116. Dandaniti
117. Grhyasutra
118. Mahadandanayaka
119. Ulana
120. Isvakus
121. Luders
122. Prinsep
123. Mahasenapati
124. Sivaramaurti
125. Chthonian
126. Makara
127. Varuna
128. Gonda
129. Rta
130. Vogel
131. Elphinstone.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پیوسته به گذشته

ز - گاوشگر

سکه‌شناسی

نامها و برخی از اصطلاحات

MIL

- سکه برونزی‌فلسطنی که از ۱۹۲۷ - ۱۹٤٦ ضرب زده می‌شد .

MINT MARK - این اصطلاح به آن سمبول هاو نبشته های روی مسکو کات گفته می شود که بیانگرمحل یا تاریخ ضرب سکه باشد.ولی اکنون سر آغاز نبشته یك سکه رابنام علامت نخستین یا (۱)و بخش دیگر نبشته یا سا یر علا مات نقش‌شده را در سکه بنام منت مارك (۲) یاد می نما یند .

MISCAL -اصطلاح مروج دری‌است بنام مثقال یـا متقال نیز یاد می شود و بخشی از وزن‌یاواحد وزن‌می باشد . در تر کستان چینی‌گاهی مثقال را بنام مث (۳) نیز یاد نموده‌اند .

MODULE -اندازه سکه را بنام مودل یاد می کنند .

MOHAR نامیست که برای شیوه‌ضرب سکه در نیپال معمول ومروج بود .

MOHUR که صورت دقیق تر تلفظ آن مهر (٤) می باشدسکه طلا ئیست که نخستین بار توسط اکبر امپراتورمغو لی هند به ضرب رسید وتـا زمان کمپنی هند شر قی دوام داشت‌وبالاخره در ۱۸۹۹ از رواج افتاد .

MONEY OF ACCOUNT عبا ر ت از اصطلا ح مـی باشـد کـه جهـت تشر یـح بعضـی ازمعیار ها که اصلا به صورت سکه‌یا نوت کاغذی ضرب و نشر نمی‌شودبکار میرود و می توان بطور مثال‌از

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

(۵) بحیث یك ارزش یا کانتو (٦) پرتگالی که معادل هزار اسکوداس (۷) مـــی با شـــد و یـــا لك (Lac) هندی که معادل یکصد هزار رو پیه هندی می باشد نام برد و اصطلاح لك در افغا نستان نیز را یج مـــی باشد .

NISAR

ـ به آنعده از سکه‌هایی گفته می شود که برای اهداف نما یشی در هند و فارس ضرب‌زده میشد .

NUMMUS

ـ اصطلاح لاتینی است برای جنس یا نوع پول .

OBVERS

ـ رخ یا طرف مهم و بـــااهمیت سکه ، روی سکه. در تحقیقات اخیر یکه بالای سکه های یو نانی صورت می گیرد چنین معمول است که رخ طرف مهر سندان سکه را بحیث روی سکه و رخ طرف منگنه راپشت یاعقب سکه می نا مند.

OCTADRACHM

ـسکه هشت در همی است ، که بهترین نمو نه های نقره ای آن سکه های مقدون (۸) ،تراس (۹) (۱) وفینو شیا Phoenicia (۲) می باشد . نمو نه های طلا یی آنرا در سکه ضرب تالمی در مصر مـــی توان یا فت .

PADMA TANKA

ـ یکی از انواع سکه‌های طلا یی جنوب هندو ستان می باشد که تاریخ آن مشخص نیست. سکه مذکور قدری مقعر بوده و یك گل نیلو فردر آن نقش گردیده است

PAGODA

ـ سکه طلایی کوچك جنوب هند که نسبتا کروی شکل بوده ویك الهه هندی در آن نقش می شداین نوع سکه ها توسط کمپنی هند شرقی نیز به ضرب می رسیـد .

فرانسوی ها اینوع سکه را پوند یچیری (Pondicherry) وآلمانی ها برای (۱۰) ضرب می زدند ، البته سکه های هر یك از ین مناطق دارای علایم و مشخصات ویژه‌ای می باشند.

PAHLEVI ـبخش جدید ارزش است برای سکه های طلا یی پارس که نخستین باردرسال ۱۹۲۷ میلادی به‌ضرب رسیدند.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

PATACA

- سکه نقره ای برازیلی می‌باشد که ۳۲۰ ریس (۱۱) ارزش دارد .

PENTADRACHM

-سکه طـــلا ی یونانی با ارزش پنج در هم که توسط تالمی اول بین سا لهای ۳۲۳- ۲۸٤ پیش از میلاد و تا لمی دوم بیـــن سا لهای ۲۸٤-۲٤۷ .

پیش از میلاد وتالمی سوم بیـن۲٤٦- ۲۲۱ پیش از میلاد در مصر ضرب میشد .

PIERCED - سکه که دروسط دارای یك سوراخ می باشد،چه این سورا خ به صورت تزیینی باشدو چه بمنظور آویختن .

PISTOLE - سکه طلای که اکثر در بعضی از ایالات سویس به ضرب میرسید و این نوع سکه‌ها در نواحی شمال آلمان نیز ضرب زده مـــی شد .

PISTOLE -سکه‌طلا یی سکاتلنداست که در ۱۷۰۱م . توسط ویلیام دوم ضرب زده شد. وزن آن بصورت تخمینی معادل گونیا (۱۲) می‌باشد.

این سکه روی طلا ضرب زده می‌شد و طلای که برای ضرب زدن آن به مصرف میرسید از یکـــی از مستعمرات بریتانیا در بحیره کارابین که‌بنام دارین (۱۳) یاد می گردید. تهیه میشد . چون طلای بدست آمده از آن منطقه توسط کشتی یی بنام«طلوع آفتاب» بربریتا نیه نقل‌داده می شد بنا در قسمت پایا نی نیم‌تنه شاه که در ین سکه نقش میشد آفتاب طلوع کرده از سطح بحر را نیز نقش می نمودند .

PLATED MONEY

- نام‌و اصطلاحیست‌برای آنعده از مسکو کات رو می‌که یکپار چه کو چك نقره را بروی‌یك‌پارچه فلز نسبتا بزرگتر دیگر قرار داده ضرب میزدند اینوع سکه ها درقرن اول پیشس از میلاد ضرب زده می شدوضرب آن‌تازما نی‌ریفورم‌اگستوس‌یعنی سال ۱۵ پیش از میلاد اد امـه داشت .

PLATED MONEY

- سکه های مسی‌مربع ومستطیل شکل سویدنی که به پیمانه زیاد به ضرب رسید. ایـن‌سکه ها بحیث پول ضروری در قرن

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

هفده و هژده ،زما نیکه قلت نقره درسویدن محسوس بود ، ضرب زده می شد .

PLATINUM – از این فلز به‌صورت منظم تنها در ضرب سکه‌های سه ، شش و دوازده روبلی اتحادشوروی بین سالهای ۱۸۲۸– ۱۸۴۵ استفاده بعمل می آمد . یکتعدادبیست فرانکی ها و هشتاد ریا لی های فرانسه نیز از ین فلز به ضرب‌میرسید که اغلب زر اندود بوده و قسما نیمه رسمی محسوب مـــــی‌گردیدند .

Potin فلزی است که ازنقره مس جست‌ترکیب گردیده است .
این اصطلاح اکثر برای فلز چاردرهمی های اسکندریه‌و بعضا برای سکه های کار تاژ نیز بکار می رود.

PROCLAMATION PIECEC

–این نام به‌آن سری از مسکو کات یا مدال‌هایی داده شده است که به منظور جلوس‌یا کسب قدرت و اقتدار یك حکمروا بحیث سلطان ضرب و نشر مـــی‌گردید . اینوع سکه ها در سری مسکو کات هسپا نیه و امریکا ی لاتین دیده می شود .

PULS – سکه مسی افغا نستان‌که نخستین بار در ۱۹۲۶ ضرب‌زده شد.

RAMA TANKA –سکه یا مدال‌طلای پیا له ما نند بود که‌شاید در جنوب هند بحیث‌پول‌معبد مـــــورداستفاده قرار می گرفت .

RENAISSANCE MEDALS

– نامیست عمومی‌برای مدال های‌قرن ۱۵و ۱۶ ایتا لیا

REVERSE پشت یا عقب‌سکه.

RIL – این نام‌که باشکال ریال(۱۴) نیز آمده است نام سکه های نقره ای مرا کش ، ایران ، عربستان‌سعودی و زنزیبار می باشد .

RING MONEY – یکنوع سکه های‌قدیمی بر یتانیه و آیرلند که اکثر از طلا بوده و بشکل‌حلقه‌یاکره به‌ضرب‌میرسید .

ROUBLE – سکه نقره ای اتحادشوروی که نخستین بار در ۱۷۰۴ توسط پتر کبیر ضرب زده شد.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

RUPPE ـسکه نقره ای هندی‌بود که در زمان سلا طین دهلی ضرب شد و بعدا در سراسر هندو ستان‌معمول و مروج گشت .

SCUDO – نامیست ایتا لوی که برای کرون (۱۵) یا ایکو های نقره ای گفته می شود .

SCYPHATE ـاصطلا حیست برای سکه های پیاله مانندی چون بیزانتین .

SEDE VACANTE – اصطلا حیست که‌با سکه زنی کششی (۱۶) ارتباط می‌گیرد . ضرب این نوع‌سکه زمانی‌صورت‌می‌گرفت که‌می‌خواستند خلای پو لی بین مرگ یك حکمروا را تـــازمان بقدرت رسیدن یاتعیین‌جانشین او پر کند Semuncia نصـف یـك‌انکیا (۱۷) یـك سکـــه بر و نزی روم قـد یـم محسو ب مـی شـود که معادل دوازده از (۱۸) مـــی باشد .

SERRATED COINS

– این اصطلاح برای تشریح یکنوع سکه های مخصوص عصر جمهوری روم بکار میرود کـه‌لبه های آنها بشکل دنـــدانه اره می باشد .

SHAHI – سکه نقره ای افغا نستان بود که نخستین‌بار در ۱۹۲۶ ضرب شد .

SHEKEL– مقیا س وزن یهودی هاهمچنان سکه زیراین نام توسط ما- کابایو س (۱۹) بین سا لهای۱۴۳-۱۳۶پیش از میلاد ضرب میشد.این نام یعنی در شیوه سکه زنی‌سیدن نیز مروج بود .

SHO – سکه تبتی است کـــه‌بین سالهای ۱۹۰۹- ۱۹۴۸ ابتدا از نقره و بعداً از مس ضر ب مـــی‌شد .

SHU ـسکه مستطیل‌شکل نقره ای جاپان .

SICCA RUPEE– سکه نقره ای‌بنگال که بین سالهای۱۷۷۳-۱۸۱۸ توسط

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کمپنی هند شر قی ضرب میشد،ولی تاریخ آن همیشه (۱۲۰۲ A.H.) وسال سلطنتی ۱۹ را نشان میداد. نام آنرا بصورت مختصر سکه (۲۰) یاد می نمودند .

SIGLOS ـ سکه نقره‌ای قدیمی پارس می باشد که از ۵۲۱ تا ۴۰۰ پیش از میلاد ضرب می شد.

SILVER ـ فلز یست که از دیرزمان تاکنون جهت‌ساختن مسکوکات در کشور های مختلف جهان مورداستفاده قرار گرفته است .

STAR PAGODA ـ نامیست که به پگودا (۲۱) مدارس کمپنی هندشرقی داده شده است . در عقب آن یـك‌ستاره با پنج نوك نقش گردیـــده است .

STATER یك نوع مبلغ یونانی‌که اصلا از نقره بوده سکه یونانی نقره یی و معادل دو در هم می‌باشدکه پسانتر هابحیث واحد ضرب‌سکه طلا محسوب شد .

STERLING ـ اصطلا حیست که‌به آنعده مسکو کات گفته می شود که بی غش بوده و دارای ارزش‌معینی‌باشد . پینی (۲۲) انگلیسی قبلا از این صفت بر خوردار گشته بود.

SYCEE SILVER ـ نام شیمش های‌نقره ای خـا لص چین کـــه دارای شکل بو ت بوده و در دا خل آن‌کشور رواج داشت.

SYMBOLE ـ نشان یا علامتی است‌که نشاند هنده آن نوع یا دسته‌از سکه ها یی بوده که‌برای اهداف‌مختلف از قبیل نشاندادن سا حه رواج ،سمبول دو لتی یك کشوریـا بعضا برای پر کردن خلا ی پشت‌یا روی سکه به کار میرفت .

TAHEGAN مبلغ نقره ای ارمنی‌در قرن ۱۲ م

PALARI ـ واحد پول نقره‌ای ابی سینیا (۲۳) (۳) که در زمان مینلیك دوم (۲۴) (۱۸۹۴ـ ۱۹۰۴)معمول بود .

TANGA ـ نام رو پیه نقره ای‌تبت از ۱۷۵۰ ـ ۱۹۵۰ م .

TETARTEMORION

ـسکه یونا نی که‌یك چارم حصه یك اوبل می باشد.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

TERRITORIAL GOLD

ـ نام آنعده ازمسکوکات طلا یی می باشد که بین سالهای ۱۸٤۹ـ ۱۸٦۰ به صورت خصو صی در ایالات متحده امریکا ضرب زده میشد .

TETRADRACHM ـ سکه نقره ای یونان که معادل چار در هم مـــی باشد .

TICAL ـ واحد مروجه نقره ای سیام (۲۵) است که در اصل شکل کروی داشته و بنام پول مرمی مانند یاد می شد اما در ۱۸٦۱ سکه های معمو لی دیگر جا نشین آن گردید.

TILLA ـ سکه طلایی است که در کا شغر تر کستان به ضرب میرسد و ایـن نوع سکـه در افغا نستان و خوارزم نیز وجودداشت.

TIN ـ فلز یست که به ندرت در ضرب سکه مورد استفاده قرار گرفته است . در سری مسکو کات انگلیستان جهت ضرب بعضی از سکه های چار لس دوم ویلیام جمیس دوم و ماری از یـــن فلز استفاده بعمل آمده است . این فلز به پیما نه بیشتر در سکـه سازی مستعمرات هالند چون جاوا ، سو ماترا، سیلون وغیره مورد استفاده قرار می گرفت.

TINGLE DANGLE MONEY

ـنام دیگر یست از مسکو کات بدی پل مانند چین.

TOKENS ـاین نام به آنعده از مسکو کا تی اطلاق می گیرد که با ارزش بلند تراز پیما نه فلز آن رواج داشت ، اینوع مسکو کـــات معمولا توسط تجار یا اشخاص رسمی زمانی به ضرب میرسد که سکه سازی یك کشور ضرورت روزانه را کفایت نمی کرد .

TOLA ـ وزن هندی ، معادل مهر (۲٦) است . نام مذکور تا این اواخر در سکه ها مورد استعمال قرار نمی گرفت . تا اینکه اینوع پار چه های کوچك با قدرت و تسلط دولت به ضرب رسید تا اهداف عرضه داشت رامرفوع سازد .

TOMAN ـسکه طلا یـی پارس .

TOMBAC

ـ مخلو طی است از ۸۸ فیصد مس و ۱۲ فیصد قلعی که در

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

سالهای ۱۹۴۲ -۱۹۴۳ برای ضرب پنج سنت های کانادایی از آن استفاده میشد .

TOLLED - اصطلاحیست که برای تشریح یا نشان دادن سطح سکه یا علامات و نقوش روی آن به کار میرود و از آن چنین استنباط می شود که توسط ابزار کنده کاری در روی سکه نقش های ویژه ای بوجود آمده است .

TOUCHPIECE - سکه طلا یی که در وسط دارای یك سوراخ نسبتا بزرگ بود وتوسط شاه یا حکمروا به بعضی از جهت وشفا یا بی شان داده می شد.(بویژه کسانیکه تکلیف خنازیر داشتند) . هدیه این نوع سکه ها از طرف شاه توسط روحانیون صورت می گرفت . سکه های ازاین نوع توسط چار لزدوم وجمیس دوم به ضرب رسیده بود .

TOURNIOS - نامیست عمومی برای آنعده ازمسکوکاتی که در شهر تورز (۲۷) (٤) به ضرب میرسید. نوعیت هر یك از ین سکه ها در آنجا مشخص بود .

TRESSURE - بخشی از تزئینا تی که در روی یکتعداد زیاد سکه ها ، باوجود مشخص بودن نو عیت آنها دیده می شود .

TUGRIK - سکه نقره‌ای منگولیا که در ۱۹۲۵ ضرب شد .

TYPE - مشخصات و ویژه گی های (چهره - علامت و اشیای دیگر) که در یك سکه یا مدال دیده می‌شود .

UNCIRCULATED - اصطلاحیست که بیشتر در امریکای شمالی معمول می‌باشد و آنعده از سکه ها گفته می‌شود که تازه از ضرب بر آمده باشد ولی در دوران نیفتاده باشد .

uniface - اصطلاحیست برای آنعده از سکه ها ییکه صرف در یك طرف ضرب خورده و دارای نقش یك رخه می باشد .

Vierer - سکه نقره ای مروج در امپراتوری مقدس روم و آلمان غرب از اواسط قرن پانزدهم میلادی .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

VOTIVE COINS ـ نام آنعده ازسکه های رومی که توسط حکمروا نذ ر داده می‌شد . همچنان ایـــن اصطلاح برای تشریح یکتعداد سکه های دیگر ی که در کلیسا هاومعابدتوزیع می گردید نیز استعمال مـــی شد .

WHAN ـ واحدارزش پولی کوریاکه مقارن ین (۲۸) جاپانی می باشد.

WIDOW'S MITE

ـ نامیست که از (۲۹)مشتق شده و اشاره فر ضی است به لیپتون یونا نی .

WILLOW TREE COINS

ـسکه نقره ای قدیمی‌که برای مستعمره ما سا چو ست (یکی از ایالات شمالشر قی اضلاع‌متحده امریکا واقع در سوا حـــل اتلانتیك) در ۱۶۵۲ ضرب زده شدواز لحاظ نو عیت آن باین نام مسمی شده است . این سکه ها معا صرسکه های نام‌نهاد درخت انناس(۳۰) وبلوط (۳۱) می باشد .

WON ـ واحد ارزش پو لـــی کور یاست از ۱۹۰۶ با ینسو .

WOODS COINAGE

نام آن سکه های‌آیرلند است که بین سا لهای ۱۹۲۲ ۱۹۲۴ توسط ویلیام وو (۳۲) دیزاین‌شده بود . این سکه ها که در عقب آنها کلمه هبرینا (۳۳) درج شده‌بودباندازه زیاد در آیرلند شهرت نیافت تاینکه به مستعمره های امریکا یی‌آیرلندفرستاده شد .

XERAPHIM ـ سکه نقـــره ای‌پرتگال که از قرن شانزد هم به بعد برای مستملکات‌هندی‌آن کشوربویژه‌گوا (۳۴) دیو (۳۵) ضرب می شد که سپس بحیث یك واحد ارزش طلا یی پدیدا ر گشت .

XU ـ سکه المو نیمی که بـــه‌مقیا س (۲۰ (xu) در ۱۹۲۴ در ویتنام (هند و چین) بـــــه ضرب‌رسید .

YANG ـ واحد نقره ای پیشین‌کوریا که نخستین بار در ۱۹۲۴ در مسکو کات مورد استفاده قـــــرارگرفت .

YEN ـ واحد ارزش پو لی درجاپان معا صر که نخستین با در ۱۸۷۰ در زمان تسلط مو تسو هیتو(۳۶) به ضرب رسید .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

YUZLIK – بزرگترین سکه نقره‌ای ترکیه می باشد .

ZLOTY – سکه نقره ای پولند که نخستین بار توسط اگستوس سوم بین‌سالهای ۱۷۳۳– ۱۷۶۳ ضرب زده شد .این نام در ضرب سکه های اتحاد شوروی برای پولند در قرن نزده نیز به چشم‌می‌خورد. نام‌زولاتی از ۱۹۲٤ به بعـــد در سکه سازی معاصر جمهوریت پولند نیز رایج گردید.

ZODIACAL COINS

– نامیست که به سری دوازده مهر (۳۷) طلایی داده شده است که توسط جهانگیر امپرا تور مغول بین سالهای ۱٦۰۵– ۱٦۲۷ م ضرب شده و هر یك از ین‌سکه های دوازده گانه دارای یکی‌از علایم . منطقة البروج یا (۳۸) بود. سکه های نقره ای از این نوع نیـز ضرب شده ولی علامت منطقة البروج‌در سطح آنها به صورت مکمل دیده نمی شود .

– پایان –

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پاور قی

۱- تراس : یکی از ساحات باستانی نوا حی شرقی بالکان یـا بالقان می باشد که بعد ها جزء یکی از ولایات روم گردید. مو قعیـت کنونی آن بین کشور های بلغاریا، ترکیه و یو نان می باشد . اخیرا تراس بـدو بخش شرقی و غر بی تقسیم گردید که تراس غربی مربوط یونان و شرقی مربوط تر کیه مـی باشد .

۲- Phoenicia فینوشیا: یکی از شهر های باستا نی است که بین اسرائیل ، سوریه و لبنـان مو قعیت دارد .

۳- Abyssinia ابی‌سینیـا: نام پیشین ایتو پیا یا حبشه مـی باشد .

٤- Tours تورز : شهر- یست در غرب فرانسه .

1. (Initial Mark)
2. Mint mark.
3. Mace.
4. Muhr.
5. (guinea)
6 Conto
7. (1000=ascudos)
8. Macedon.
9. Thrace.
10 Negapatnam,
11. reis.
12 guinea.
13. Darien.
14. Ryal, Riyal.
15. Crown.
16. ecclesiastical.
17. uncia.
18. as.
19 Maccabaeus.
20. sicca.
21. Pagoda.
22 Penny.
23. Abyssinia.
24. Menlik. II
25. Siam.
26 Mohar.
27. Tours.
28. Yen.
29. New Testament.
30 Pine-Tree.
31. Oak-tree.
32 William wood.
33 Hrbernia.
34 Goa.
35 Diu.
36 Mutsuhito.
37 Mohurs.
38 Zodiac.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نویسنده : داکتر بایج نات‌پوری

بر گرداننده : حمیدالله صدیقی

کتاب‌شناسی کوشانی

بخش دوم

تاریخ سیاسی حکمروایان کدفیزس

مواد اولیه

کتیبه شناسی

(۱) کتیبه به اصطلاح تخت باهی مربوط سال ۱۳۰

مأخذ :

کنگهم ۱۰ :

AI ، II ، صفحه ۲۴۲ ، JRAS ، VII ، ۱۸۷۵ ، صفحه ۳۷۶ ff مکرر ، ASI ، V ، صفحه ۵۸ ، ۵۸ .

سینارت ، ای :

JA ، X ، III ، ۱۹۴۵ ، صفحه ۴۵۷ ff .

ستین کنو :

FI ، XVIII ، صفحه ۲۶۱ ff ، SBAW ، ۱۹۱۶ ، صفحه ۸۰۰ ff ، CII ، II (i) ، صفحه ۵۷ ff و فهرست شماره ۶۶ ، ن ، ج ، ماجومدار .

سنه :

Maharayasa Guduvharasa (e) ۲۰،۴،۴،۱ Smvatsara ti-satimae 1،100،1،1،1 vesakhasa masasa divasa

شرح : تیغه مذهبی است به Balasami بالاسامی (Balasvamin) به افتخار شهزاده کاپا (Erjhuna Kapasa) در زمان سلطنت مهاراگو دوهارا در سال بیست و ششم

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

سال ۱۰۳ ، در روز اول ماه Vaisakha .

یاد داشت : Erjhunakapa ایرجهونا کاپا باکجولا کد فیزس یکی میباشد

(۲) کتیبه پنجتار سال ۱۲۲

مأخذ :

کنگهم : JASB ، XVIII ، ۱۸۵٤ ، صفحه ۷۰۵ ؛ XXXII ، ۱۸٦۳ صفحه ۱٤۱ ؛ ASI ، مکرر ، V ، ۱۸۷۵ صفحه ٦۱ ff .

داوسون ، ا ، ج : JRAS ، XX ، ۱۸٦۳ ، صفحه ۲۳۳ و ۲٦۳ و ۲٦۵ ff .

توماس ، ا : JRAS سلسله جدید ، IX ، ۱۸۷۷ ، صفحه ۹ .

برنسپ ، جی ؛ مقاله ، I ، ۱۸۵۸ ، صفحه ۱٦۵ .

سمت ، و ، ا ؛ JASB ، LXII ، I ، ۱۸۹۳ ، صفحه ۸۵ ، JRSB ، ۱۹۳۰ .

سینارت ، ای : JA ، XV ، ۱۸۹۵ ، صفحه ۱۳۰ ، ۱۸۹۹ ، صفحه ۵۳۵ .

بوهلر ، جورج ؛ اکادمی ، ۱۸۹٦ ، نمبر ۱۲۵۲ ، صفحه ۳٦۸ ؛ WZKM ، X ، صفحه ۱۷۳ .

بنرجی ، ر ، ر : IA ، XXXVII ، ۱۹۰۸ ، صفحه ۳۱ و ٤٤ .

فلیت ، ج ، ف : JRAS ، ۱۹۱۳ ، صفحه ۱۰۱۰ ، ff ؛ ۱۹۰٤ صفحه ۳۷۲ .

بارون ، ا ، ونستیل هولستین : JRAS ، ۱۹۱٤ ، صفحه ۸۱ ، ۷۵۸ ff .

ستین کنو : SBAW ، ۱۹۱٤ ، صفحه ۸۰۲ ff ؛ EI ، XIV صفحه ۳۱٤ ؛ CII ، II (i) ، صفحه ٦۷ ff .

ماجومدار ، ن ، ج : فهرست شماره ٤۷ .

تاریخ : Sam 1, 100, 20, 11 Sravanas massasa di pradhama (Maha-rayasa) Gusana raja (m1)

شرح : حکمروا یعنی Gusana-Kusana گوشانا ـ کوشانا با کجولا کد فیزس یکی امده و تصور شده که کوشانا نام اولین حکمروا بوده است (cf ، کوشانا پورای کتیبه مات ، EI ، XIX ، صفحه ۹٦ ff) . اصطلاح Gusanavasa Samvardhaka کوشانا واسا سامورد هاکا ، در کتیبه [illegible] لای شاه کنشکا در سال ۱۸ نیز ثبت گردیده است .

(۳) کتیبه لوحه نقره یی تاکسیلا سال ۱۳٦ .

مأخذ :

مارشال ، ج : JRAS ، ۱۹۱٤ ff ، ۱۹۱۵ ، صفحه ۱۸۱ ff ، ASI ، مکرر ۱۳ ـ ۱۹۱۲ ، صفحه ۱۸۹ ff ، رهنمای تاکسیلا ، چاپ دوم ، ۱۹۲۱ ، صفحه ۵۲۰ ، ff .

بویر ، م : JA ، XI ، V ، ۱۹۱۵ ، صفحه ۲۸۱ ff .

ستین کنو : SBAW ، ۱۹۱٦ ، صفحه ۸۰۳ ، ff ، EI ، XIV ، صفحه ۲۸٤ ff ، AO ، III صفحه ۷۵ ff ؛ CII (۱) صفحه ۷۰ ff .

توماس ، ج ، و ؛ JRAS ، ۱۹۱٤ ، صفحه ۹۸۷ ff ، ۱۹۱۵ ؛ صفحه ، ۱۰۰ ff .

فلیت ، ج ، ف : JRAS ، ۱۹۱٤ صفحه ۹۹۲ ff ، ۱۹۱۵ ، صفحه ۳۱٤ ff .

بهاندارکار ، د ، ر ؛ IA ، XLV ، ۱۹۱٤ ، صفحه ۱۷۰ ff .

وولنر ، ا ؛ JRAS ، ۱۹۱٤ ، صفحه ۵۷۹ ff .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

د ۰ پ ۰ گدا : JRAS ، ۱۹۲۰ ، صفحه ۳۱۹ ff
ا چ ۰ ک ۰ دیب : JRAS ، ۱۹۲۲ ، صفحه ۳۷ ff ۰
پسن ، ا ۰ ج : CHI ، صفحه ۵۸۱ ff ۰
لودر ، اچ Deustsch Literatuzeitung ، ۱۹۲۴ ، صفحه ۱۸۶۰ ۰
ماجومدار ۰ ن ۰ ج : فهرست شماره ۷۲ ۰

سنسه :
Sam 1, 100, 20, 10, 4, 11, ayasa adasa
masasa divasa 10, 4, 1 is a divasa ------ macharajasa
rajatrajasa devaputra khusanasa.

شرح : بنیاد گذاری یادگاری را اشاره میکند که از طرف اوساکا ، در معبد کوچک بودیزا توای واقع در تاکسیلا ، جهت استدعای سلامتی شاه بزرگ شاه شاهان Dharmarajaika پسر آسان کوشانا صورت گرفته بود ۰

یادداشت : دانشمندان کلمه Ayasa را به اشکال مختلف تفسیر کرده اند ۰ مارشال این کلمه را حالت مضاف الیه Azes تعبیر کرده است (cit . op) و این نظر مورد قبول گدا ، وستین کوتنیز قرار گرفته است (cit . op) ۰ فلیت این کلمه را به معنی Asya پذیرفته (JRAS ، ۱۹۱۰ صفحه ۵۳۱ ff) وی قبل از ابراز این نظر بها ن نموده بود که Ayasa شکلی از Asada اسادها یعنی نام ماه میباشد (JRAS ، ۱۹۱۴ ، صفحه ۹۲۲) ۰ به اساس نظریه دب این اصطلاح مبین نام (Amanta) لما نتاست (IHQ ، XIV ، صفحه ۴۱۱) .

همچنان باید یادآوری نمایم که در این کتیبه نام حکمروا کجولا کد فیزس آمده ، در صورتیکه هردوی این نوشته ها وهاویشکا نام حکمروا ماهاراجا (maharaja ۱۲۲) میباشد و یا سه عنوان پرشکوه مها را جا ، را جا تراجا ، دیوه پوترا (۱۳۶) ، با وما کد فیزس که وی با ثوفتح هندشهرت حاصل و عنوان امپراتور را در سکه ها یش علاوه نموده ، دران به ملاحظه میرسد ۰

(۴) کتیبه صفحه صی کالوان سال ۱۳۴ ۰

مأخذ :
ستین کنو : JRAS ، ۱۹۳۲ ، صفحه ۹۴۹ ، ۹۶۵ ۰
مارشال ، ج : (تاکسیلا) ، I ، صفحه ۳۲۷ ۰

سنسه :
Samvatsaraye 1, 100, 20, 10, 4 ajasa
Sravanasa masasa divase trevise 20, 11.

شرح : در این کتیبه نام حکمروا تذکار نیافته و صرف یادگاری را شرح میدهد که طبق ان گلدها یعنی که یک زن زایر بودائی را به منا سبت پذیرش سراوا ستی وادیا ، جهت نایل شدن به نیروانا در استوپه زیبا رنگاه قرار دا د ۰

یادداشت : اهمیت بخصوص این کتیبه در اشاره ۰ اینه ajasa sravana اجاساراوانا و تذکار اضافی سراوانا سنه شت شده ۱۳۶ در کتیبه تاکسیلا که Asadha و Ayasa را شرح میدهد ، تذکار اضافی دران Asadha معنی میدهد ۰
تعداد زیادی از دانشمندان گوشیده اند تا شروع سال اولی عصر قد بحیرا که این دو کتیبه در ان تحریر یافته

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تثبیت نمایند . وان وجک سال ۸۸ قبل از میلاد را افارز ان عصر به اصطلاح قدیم دانسته است (AO ، III ، صفحه ۷۹ ff) ، درصورتیکه د . ربها ندار کارسال ٦٦ قبل از میلاد را دراین خصوص پیشنهاد کرده (IC ، VII) . ستین کنو قبلاً سالی راکه وان وجک پیشنهاد کرده بود منحیث نتیجه پذیرفته است . (CII ، II (۱) ، صفحه XC) اما وی بعدا با تشریح مارشال از این زمینه موافقه مینماید که برحسب ان این عصر با Azes ازیس ارتباط میگیرد و حاوی کدام اشاره به ماهای که قبلاً تذکار یافت نمیباشد (JIH ، ۱۹۳۳ ، صفحه ٤) .

طبق نظر لوهوزین ـ د ـ لیوی نبودن هیچگونه عنوان سلطنتی با ضمیمه نام ازیس در واقع امر حالت کاملاً استثنائی بشمار میرود . کلمه ayasa شکل سانسکریت aryasa است و این نکته طرق حل این مطلب را که بنرجی شاستردر (JBORS ، XIII (۱۹۳۷) صفحات ۲٦۱ ـ ۲٦۸) بدان اشاره نموده و راجع به ان میگوید: Asadha اسادهاو Sravana سرا وا نادر فقره های متعددی شرح یافته است، و نقل از ابهد ها نا ـ را جندرا نشان میدهد که این دو ماه واقعاً دال بر وجود Arya میباشد (عصر ستی صفحه ۱۳) .

کتیبه خالاتسی سال ۱۸۷ .

مأخذ :

۱ . اچ . فرانک : ZDMG ، ٦۱ ، ۱۹۰۷ ، صفحه ۵۹۲ ff ؛ An . ASI . تکرار ۱۹۰۹ ـ ۱۰ ، صفحه ۱۵٤ ، اثار باستانشناسی تبت هندی ۱۹۱٤ ، صفحه ۹۴ .

ستین کنو : AO ، V ، صفحه ۱۳۱ ff ؛ CII ، جلد ۱۱ (۱) صفحه ۷۹ ff .

ن ـ ج : ماجومدار ، فهرست نمبر ۲۵ .

سنه :

Sam 1. 100, 20, 20, 20, 4, 1, 1, 1

Maharajasa Uvima Kavthisasa

یاد داشت : ستین کنو نام حکمروائی را که در این کتیبه از ان یاد اوری گردیده با ویما کد فیزس یکی میدانند . وی کوشیده تا کلمه Kauthisa کاوتیسا را با کلمه چینائی Kao-chen کوچن یا Kau-chien کاوچین همانند توجیه نماید .

سه سطر اخیر این کتیبه بحیث سنه ان از جانب ریسن (CII ، II ، (۱) ، صفحه ، ۸۰) قابل تردید وانمود گردیده است .

کتیبه تاکسیلا بروی ظروف نقره یی سال ۱۹۱ .

ماخذ :

کنوستین : CII (۱) ، صفحه ۸۱ ff .

سنه :

Sa 1 100 20 20 20 20 10 1 maharaja
(bhr)(ta Ma)(gula) 5a putrasa Jihonikasa
Chukhsasa Ksatrapasa.

شرح : سال ۱۹۱ (در جریان سلطنت) جیونیکا Jihonika کشاترا پای Chukhsa چوخسا ، پسر مانیگولا ، برادر شاه بزرگ .

یادداشت : ستین کنو در این مورد نظری را ارائه میدارد که مها را جای که در این کتیبه ازان تذکار بعمل امده ممکن است ویما کد فیزس باشد و جیهونیکا با زیونیزس که در مسکوکات امده ممکن است درصورت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

فیابت پسرش جانشین وی ساکدفیز می گردید ۰ طبق نظر ستین کنو بعد از فوت ویما کدفیز بس تجزیه قدرت کوشانی ها بصورت بسیار واضح مانند اینکه بعد از فوت میگ به خورد بست ورگ داد ۰ بتصرف بعد از کوه برادر زاده هایش که در توخارستان بودند کوشانی های هند توانستند ، امپراتوری کوشانی ها را به شکل تازه ئ بروز دهند و در این زمان بود که قدرت انها بسیار افزایش یافت (CII ، II ، (۱) ، صفحه ۸۲)

منبع چینائی ؛

Hou Han-Shu سا لنامه های خا نواده متاء خر هان ، تا لیف فان یی (این اثر منبعی است که تقریباً از ان نام برده شده) ۹۰ . ۱۱۸ طبق ان پا یتخت سر زمین یوچی های بزرگ در شهر لا نشی قرار دا شت ، این شهر در — غرب از An-hsi (پارتیا) به فا صله ۴۹ روز پیاده روی و در شرق بفا صله ۶،۵۳۶ لی از اقا متگاه گورنر جنرال و از لویا نك Loyang بفا صله ۶۰۳۰۷۰ لی وا قع بود ۰

ما دا میکه یوچی ها توسط هیونگ نو ها از سر زمین اصلی شان بیجا گردیدند ، انها رو به تا هیا Ta-hsia نموده وبدا نجا وارد شد ند و ان سر زمین را به پنج هی هو Hsi-hou (یوبغو) که عبارت بود نداز Hisu mi هیتونی Tu-mi شوانگ می Shuang mi ، کوی شوا نگ Kuei Shuang ، هی تون Hi-tun و تومی تقسیم نمود ند ۰ تقریبا صد سال بعدیا بیشتر ازان رئیس یوبغوی کوی شوا نگ که Ch-iu-Chiu Ch-uch نام دا شت بر چهار یوبغوی دیگر حمله ور گردیده انها رامطیع گردا نید و خود حیثیت پاد شاه انها را اختیار کرد که قلمروش نیز کوی شوا نگ نا میده میشد ۰ این شاه An-hsi و سر زمین Kao-fo را اشغال کرد و بعدا Chi-pin و Pu-ta را نیز فتح کرد و در نتیجه تمام این سر زمین ها را بتصرف اورد ۰ وی به عمر بیشتر از هشتا د سال فوت نمود و پسرش ین کاوچن Yen-Kao-Chen جا نشین وی گردید ۰ ین کاوچن در زمان اقتدارش تین چو Tien-Chu (هند) را مرتصرف شد و یکی از جنرال های خویش را جهت اداره انجا گما شت ۰ ازان به بعد یوچی ها به ثروت و نیروی بیشتری دست یا فتند ۰ شاه انها در بسیاری از سر زمین های غربی بنام پاد شاه کوی شوا نگ مشهور گردید ، اما ((هان)) به اسا سنامه قدیمی انها ، ایشا نرا بنام یوچی بزرگ یاد میکردند ۰

زور چر ؛ تفسیر بخشی از مقا لات را جع به ـــــــ کشکا ، صفحه ۳۶۷ ۰

این منبع که مهم شمرده میشود معلوماتی پیرا مون تأ سیس سلطنت کوی شوا نگ (کوشان) چهار یبغو یا ایا لات قبیلوی دیگر ، استحکام و توسعه انهاکه در نتیجه فتوحات قلمروهای متمدنی صورت گرفته ارا یه میدارد ۰

همچنان در این منبع توضیح شده که حکمروای اول این قبیله برای مدت دوا مداری حکمروا ئی کرد و در سن کهولت و به عمر هشتاد سالگی وفات نمود ۰ عمروی با فعالیت ها امیخته بود ، کیپه ۰ و بلا ارتباط وی را بحیث شهزاده یا در بار گودوفا رس Guduvhara — Gandophernes در سال ۴۳ ثبت کرده است ۰ او در یک دوره ۱۹ سال حیثیت حکمران با قدرتی را دارا بود (کیپه ۰ بختیار ۱۲۲) اما در صورتیکه وی با حکمروای کوشا نی که در کپیسه تا کسیلا (۱۳۶) ازان نا میرده شده یکی دا نسته شود وی خصوصا در ۱۴ سال بعدی پا دشاه بلند مقا می بشما رمیرفت ۰ ارتباط وی با اخرین شاه یونا نی هرما یوس وسکونگی این ارتباط از روی سکه ها بیش توضیح شده می تواند ۰

کجولا کد فیزس ؛ Chiu-Chiu-Chuch یکی تصور شده ۰ سکه های ازکجولا کد فیزس بدست امده که احتمال یکی بودن انها را میرساند ۰ پسر و جا نشین وی ین کاوچن با فتح هندوستان و گما شتن جنرا لسی جهت اداره انجا مختصر بود و این مطلب دال بر چگونگی روا بط وی با ساکاتراپا های هند شده میتواند ۰

تا ریخ ان با صرتا ریخی ساکا تطابق مینماید ۰ ین کاوچن ، ویما کد فیزس بصورت نا معلوم وفات کرد و سکن پسرش زیونیزس Zeionises که با جیهونیکای Jihonika ثبت شده در کپیسه ۰ ظرف فتره ئی تا کسیلا مربوط سال ۱۹۱ یکی میبا شد جا نشین او گردید ۰ دوره ۰ حکمروا ئی وی مدت کوتا هی را در بر دا شت ۰

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کتیبه های او اخلافش تاریخی را ثبت کرده که مبدأ آن «عصر جدید» از تاریخ به قدرت رسیدن کنشکا آغاز گردیده بود .

کتاب شناسی مربوط به تشخیص قلمرو ها :

طبق اثر هرت (((داستان گماشته نظامی چینائی ، چانگ کین)) ، JRAS ، ۳۷ صفحه ۸۷ ، ff)
انسی بصورت کامل و از لحاظ زبانشناسی با Antioch انتیوچ مطابقت دارد ، همچنان کلمه انسی ، انتیوچ (مرو) یا به (هجای An-sik) ، Arsok ارسوک است . این مطلب در (یونانیها ، صفحه ۲۸۱ . ن) از جانب ترن توضیح گردیده است . وی در این مورد اشاره میکند که تمام سرزمین هائیکه در گذارش متذکره از نها نامبرده شده نام مردم است و دلیلی جهت اقامه اینکه اینگونه کلمات در بعضی حالات برای نام شاهان بکار برده شده باشد در میان نیست . بخصوص طوریکه در این گذارش دیده میشود از قدرت پارت ها چیزی یاد آوری نشده . نزد پانکو ، انسی اصلاً انتیوچ ـ مرو Antioch-Meru بود ، و پارتیا معنی اشتقاقی آن بشمار میرفت .

طوریکه ملاحظه میشود ، کی پن Ki-pin از جانب رپسن در (CHI ، I ، صفحه ۵۶۷) شرح یافته طبق آن این اصطلاح توسط نویسندگان چینائی به مفاهیم مختلف بکار رفته است ، اما در حالت بیجا شدن ساکها از سرزمین اصلی شان ، این اصطلاح بصورت بسیار طبیعی کاپیسا Kapisa (کافرستان Kafiristan) معنی میدهد .

در این گذارش اشاره ٔ راجع به عدم همراهی کدام شخصیت مهم ساکها در عزیمت پادشاه شان به سوی کی پن وجود ندارد .

ستین کنو توضیحات چاوانی را در مورد یکی بودن کی پن با کشمیر که از عصر هان تا اخیر عصر وی Wei شمالی معمول بود وهم مطلبی را که در عصر تانگ کی پن ، با مناطق شمالی سرچشمه دریای کابل یا کافرستان کنونی یکی دانسته شده بود نقل میکند . وی همچنان با فرانک در مورد اینکه چینائی ها راجع به موقعیت وحدود این سرزمین مذکوره واضحی نداشتند هم عقیده است .

کجولاکد فیزس و هرمایوس :

توضیح رابطه کجولاکد فیزس با دربار گندوفارنس ، خواندن کلمه Erjhunakapa و ارائه تشریحات پیرامون آن که از جانب ستین کنو صورت گرفته مشکل است . در تشریحات کنو آمده که کجولاکد فیزس در اخیر ضربه ٔ بر گندوفارنس ایپراتور پارت وارد ساخت و کابل (کائوفو) آن ناحیه ٔ را که از آن سکه های پاکوروس یا ابداگاسس بازیافت نگردیده بدست آورد ، وی علاوتاً توضیح میدارد که در میان گنجینه ٔ مسکوکات کشف شده از لای آثار باقیمانده سیرکلپ که توسط مارشال کشف گردید ، سکه های گندوفارنس ، پاکورس و کجولاکد فیزس نیز شامل میباشد و این مطلب بیانگر آنست که حکمران کوشانی تاکسیلا را از جانشینان ضعیف پاکورس بدست آورده بود (پوری ، op . cit ، صفحه ۱۶) .

دانشمندان ارتباط بین کجولاکد فیزس و هرمایوس را بگونه های مختلف توجیه کرده اند .

ترن سکه های هرمایوس و کجولاکد فیزس را وسیعاً مورد مطالعه قرار داده است (op . cit ، ضمیمه ۱۷ صفحه ۳ ، ۵ ff) وی از مطالعات خود در این زمینه به نتیجه ٔ میرسد که کجولاکد فیزس جد ، یا وگامیوس کوشانی که وی با یکی از خویشاوندان هرمایوس ازدواج نمود و پاو و پامیزاد را فتح کرد ، و قانونی بودن خود را بحیث حکمران آنجاکه با ساس روابط میراثی صورت گرفت اعلام نمود (صفحه ۵۵۷ ،)

دانشمندان مختلف بیان داشته اند که مقارن عصری که کابل در تصرف پهلو ها بود بین هرمایوس و کجولاکد فیزس خلای زمانی بی وجود دارد (توماس ، ف . و و ، JRAS ، ۱۹۰۶ ، صفحه ۱۹۴ ن ، رپسن ای ، جی ،

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

CHI ، I صفحات ۲ـ ۵۶۱ ، نراین ۱ ۰ ک ، ایند وگریکس ، صفحه ۱۵۹ ، ترن ، op ، cit ، ستین کنو ، CII ، II (۱) ، P ، IXiii) ۰ پوری اشاره میکند که رابطهٔ هرمایوس وکجولاکدفیزس رابطه خویشاوندی نبود و هم این احتمال در میان نیست که کجولاکدفیزس فورا جانشین هرمایوس گردیده باشد (پوری ، op ، cit ، صفحه ۱۷) بخوفر ، یکی بودن ، ین ـ مو ـ فو Yen-mo-fo را با هرمایوس رد نموده اشاره میکند که هرمایوس تا دهه دوم قرن اول میلادی به حکمروائی خویش ادامه داده است (JRAS ، ۱۹۴۷ ، صفحه ۲۴) ۰ نراین تصور میکند که هرمایوس در سالهای اول حکمروائی خویش شمال هندوکش را به نفع یوچی ها یا احتمالاً به اجداد کجولا از دست داد ۰ زمانیکه کجولا حوزه کابل را از پهلوها بدست آورد سکه هایی از نوع هیراکلیوس که قبلا این گونه سکه ها از جانب شاهان پهلوها انتخاب شده بود ضرب نمود (اندوگریکس ، صفحه ، ۱۶۰) تیوری پیشین ریسن که به اساس آن هرمایوس و کجولا با هم ارتباط داشتند و دومی جانشین اولی گردید ، از جانب ون ، لو هوزین ـ دی ـ لیو که وی کجولا را در قرن اول پ . م قرار میدهد تائید شده است (عصر سیتی ها ، صفحه ۳۶۴) مطلب مربوط به اینکه نوع سکه های هرمایوس که از آن نام برده شد از جانب سپالریس تقلید گردیده بود و بدون تردید شامل نوع سکه های کجولا که وی تا حوالی سالهای ۵۰ ـ ۵۵ میلادی حکمروائی کرد میشوند ، توسط م ، ج پائی تشریح گردیده است ۰

تأثیرات روم در سکه های کجولاکدفیزس :

کجولا در سکه مشهور خود نیم تنه امپراتور روم را نقر کرده (کتلوگ وایت هید ، PI ، XVIII ، ۲۴) هویت این امپراتور نزد دانشمندان موضوع مورد مناقشه است ، دانشمندان همچنان راجع باینکه این نوع سکه ها از روی سکه های اگوستوس اقتباس شده مشاجره دارند ، اما آلان در این باره حدس میزند که این نیم تنه ها ممکن است کلادیوس باشد (نراین این مطلب را تائید میکند ، op ، cit ، صفحه ۱۶۰ ، ن ، V). بوشمن توضیح میکند که سکه های کجولا دارای تشابه برجستهٔ با بعضی از دینار های اگوستوس میباشد ۰ ولی سکه های کلادیوس در هر دو روی که دارای تشابه نزدیک با سکه های کجولا ست ، قدیمی تر اند ۰ ناممکن نیست تا در این خصوص گفته شود که ضرابان کجولا عناصر بیش از یک نوع را در ضرب سکه ها با هم ترکیب کرده بودند (BSOAS ، XVI ، ۱۹۵۳ ، صفحه ۸۹) ۰

کجولا و کجولا کاراکدفیزس :

تشابه نام کجولا گفاسا و کجولا کاراکپاسا در عین سکه ها نزد دانشمندان تردیدی را بوجود آورده است ۰ ریسن آنرا چنین توجیه نموده که آنها نام های مختلف اند ، کجولا کاراکدفیزس احتمالاً در قلمرو پوشکالاواتی جانشین ساتراپ زیونیزس گردید و شاید معاصر ویماکدفیزس بوده باشد (CHI ، I ، صفحه ۵۸۲ ، مسکوکات هندی ، صفحه ۱۷) ۰ ستین کنو بر نظریات مبنی بر اینکه وی با ملاحظهٔ سکه هایش که در انها عنوان امپراتور را بکار برده ، واضح میشود که خودش حکمروای زیر دستی بود و سالنامه های چینائی صرف از دو کوشانی با موقف امپراتوری سخن میگویند اعتراض می نماید (CII ، II ، (۱) ، صفحه IXX) بناءً کارا که در روی یکی از سکه های بازیافت شده ، از سیرکاب که مربوط کدفیزس اول است (... جولا کارا دهراماتی ـ ASI ، An ، Rep ، ۱۳ـ ۱۹۱۲ ، صفحه ۵۲ ، نمبر ۴۹) با نیم تنه هرمایوس که در پشت ان سکه به ملاحظه میرسد حاوی اهمیت چندانی نیست ۰

کارا Kara احتمال میرود عین کلمهٔ مانند Kala بصورت مخفف بحیث نام اولی کوشاناسینا Kusana-sena باشد (Inscr ، نمبر های ۱۳۶ ، ۱۹۳ ، ۱۹۸ gusura Kushana sena در نمبر ۳۲۰) ۰ این عنوان در موضوع سایر سکه ها دیده نمیشود (NC ، ۳ ، سلسله XII ، ۱۸۹۲ ، صفحه ۶۵) ، مارشال تصور میکند که اگر Kara معادل Kala باشد ((شهزاده)) معنی میدهد ، که استعمال این کلمه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

در سالهای بعدی در ترکستان معمول بود، که در این صورت مؤید آن خواهد گردید که ویماکد فیزس بحیث شهزاده در زمان حیات پدرش این سکه ها را منتشر میساخت (ماکسیلا، I، صفحه ۶۸).

ویماکد فیزس:

هوهانشوسا لنامه خانوادهٔ اخیر هان اشاره بدین مطلب دارد که ین کاو چن Yen-Kao-Chen (ویماکد فیزس) دوباره هندوستان را فتح کرد و جنرالی را جهت اداره آن منطقه تعیین نمود.

وان لو هوزن ـ دی ـ لیویه استناد ذخیرهٔ مسکوکات کشف شده از سیر کاپ که شامل سکه های گندوفارنس، پاکوروس و کجولا کد فیزس میباشد طوری تصور مینماید که چون متصرفات کجولا در شرق هند از دست رفته بود، ویماکد فیزس انرا دوباره فتح نمود (مصر سیتی، صفحات ۷۶ـ ۳۷۵).

طبق نظر ستین کنو، به اساس آن یادداشت های چینائی که به ویماکد فیزس اختصاص دارد چنین واضح میگردد که این فتوحات ویماتوسعه بیشتر امپراتوری پدرش بود نه فتح دوباره مناطق از دست رفته که در مورد آن شواهدی در دست نیست (CII، II، (۱)، صفحه Ixvii)، وی علاوتا اشاره میکند که در زمره شرح پیرامون قلمرو هایکه در هوهان امده، شرحی از قلمرواندوس نیز به ملاحظه میرسد و در آن تین چو Tien Chu نیز شین تو Shen-tu نامیده شده که به سند و قلعه نظامی قدیم مربوط به امپراتوری ساک ها در هند نیز اشاره را حاوی میباشد (ibid، صفحه Ixii) دانشمندان زیادی این مطلب را طرح نموده اند که اگر از موضوع متذکره تفسیر بیطرفانه بعمل آید، نتیجه چنین خواهد بود که اسناد موجود، دال بر فتح دوباره ساک هاست که در Kalakacharya Kathanaka یادداشت گردیده است.

جهت بدست آوردن معلومات بیشتر در این باره به آثار ذیل مراجعه شود:

جاکوبی: Das Kalakacharya Kathanaka، ZDMG، ۳۴، صفحه ۲۷۴، بهوداجی، ((تاخت و تاز سیتی ها در هند و تاریخ Kalakacharya، JBBRAS، IX، ۱۸۷۲، صفحه ۱۳۹، جاسوان، JBORS، XVI، ۱۹۳۰، صفحه ۱۳۳ ff، رای چودهوری، جلد، واکراما، اوجاین ۱۹۴۸، صفحه ۴۸۳ ff.

ویماکد فیزس وساکاکشاتراپاها:

طبق گفتهٔ رپسن، قدیمترین کشاتراپاهای غربی بهوماکا Bhumaka ونهاپانا Nahapana بودند. با وجود آنکه استعمال رسم الخط خروشتی در قلمرو شان مورد استعمال عامه نبود ولی باز هم در نوشته های روی سکه های شان بملاحظه میرسد و این ها کشاتراپا های کوشانی ها بودند (کتلاک رپسن، P، CV) این مطلب از جانب ستین کنو نیز مورد تائید قرار گرفته است، CII، II، (i)، صفحه IXX.

د. ر. بهاندارکار، در این باره در (IA، ۱۹۱۸ صفحه ۶۹) اشاره نموده، که طبق آن کلمه کوشانی در یادداشت مربوط به نهاپانا در (EI، VIII، صفحه ۸۲) با کلمه کوشاناسا Kushanasa که در کتیبه لوحه نقره ئی تاکسیلا از آن تذکار بعمل امده یکی میباشد و نهاپانا اولاً نائب السلطنه کجولاکد فیزس و بعدا نایب السلطنه ویماکد فیزس بود. ستین کنو در این باره چنین اشاره نموده که Sandanes. سندانیس متذکره از جانب پریپلوس با چن تین Chen-tan که لیوی آنرا بیان داشته یکی خواهد بود. سینگچاو ـ شاگرد کوما راجیوا بر علاوه آن یوچی وانگ Yueh-chi-Wang پادشاه یا شهزاده یوچی را بجای آن قرار میدهد که این شاه یا شهزاده ممکن است ویماکد فیزس بوده باشد (IHQ، صفحه ۱۵۰).

پیرامون نظراتی که باعث بروز فرضیه در خصوص وجود سندانایس، نهاپاناس، کستاناو کنشکا میگردد،

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ف . وو ، توماس توضیح میدارد که دلیلی بر وابستگی ویماکد فیزس با هند شرقی یا عصر ساکا وجود ندارد — (NIA ، VII ، نمبر های ۴ و ۶ صفحات ۸۶—۸۵) . پوری در این باره اشاره میکند که Ysamotika-Bhumaka اولین کشاترا پایی بود که بعد از فتح دوباره ویماکد فیزس مقرر شد . علاوتا این مطلب که Chastana ونهاپانا متعهد وفاداری به شاهی از کوشانی ها به احتمال زیاد ویماکد فیزس بودند مشابه به نظریات فوق در زمینه میباشد .

ویماکد فیزس و سوتر میگاس :

حسب نظر ریسن سکه های سوتر میگاس که آنها به پیمانه زیادی از پنجاب — گندهار ، نواحی کابل و همچنان متهوارا در شرق (کنگهم ، NC ، X ، ۱۸۹۰ ، صفحه ۱۱۵ ff) بازیافت گردیده ، سمبولی را که شامل مشخصات ویماکد فیزس میباشد نشان میدهد . تردید اینکه زمانی این سکه ها به او مربوط بوده باشد کار مشکل است (مسکوکات هندی . صفحه ۱۶ .) . فراوانی بازیافت چنین مسکوکات و وسعت ساحه را که احتوا کرده و این ساحه از پشاور تا متهورا امتداد داشت ، بیانگر دوام سلطنت و قدرت بزرگ این حکمروا بشمار میرود ، (وایت هید PMG . صفحه ۱۶۵) وی بر علاوه توضیح میدارد که این مسکوکات توسط چندین حکمروا ضرب شده و تنوع آنها بیانگر محلاتیست که حکمروایان ضرب کننده آن ها تابع حکمروای واحدی بوده اند . حروف Vi که در روی بعضی از ین سکه ها بملاحظه میرسد اشاره ضمنی را وانمود می سازد که بر حرف اول نام تیولداران اقامه گردیده است (ستین کنو ، CII ، I ، صفحه Ixix .) . طبق نظر مارشال ، بین ویماکد فیزس و کنشکا فاصله زمانی یی وجود داشت که در این خصوص مطلبی قابل تصور است که طبق آن ، سکه های سوتر میگاس هر دو دوره را بصورت کامل یعنی دوره پادشاهی ویماکد فیزس و کنشکا و یا بخشی از ین بعد زمانی را در بر میگیرد . سکه های حاوی حروف Vi عموما نشان میدهد که ضرب و نشر آنها در جریان سلطنت ویما صورت گرفته بود (ASI ، An ، Rep ، ۱۳—۱۹۱۲ ، صفحه ۸) .

مارشال در این باره توضیحات بیشتری را علاوه نموده بیان میدارد که ویماکد فیزس به زودی بعد از تسخیر تاکسیلا در Sirsukh شهری اعمار کرد که تعداد زیادی از مردم در انجا بصورت عادی نقل مکان نمودند .

در این جا میتوان از سکه های سوتر میگاس با وجود کم یابی آنها در منطقه سیر کاپ که بیشتر از دو نوع (نوع نیم تنه شاه و شاه سوار بر اسپ) نمیباشد منحیث شواهدی در زمینه یاد آوری نمایم .

به اساس هوشانشو ، سوتر میگاس از جانب ویماکد فیزس جهت اداره این ایالت جدید هندی اش تعین گردیده بود ، (تاکسیلا ، I ، صفحات ۶۹—۶۸) . باخوفر سوتر میگاس را با ویما یکی میداند (OZ ، IV ، ۲۸—۱۹۲۷ ، صفحه ۲۱ ff) . در صورتیکه ون لوهوزین — دی — لیو در مورد روابط بین این هر دو با نظر ستین کنو موافق است و اکیداً اشاره میکند که در برابر نظریه کنو دلیل بیشتری در میان نیست (عصر سیتی ، صفحه ۳۷۶) همچنان هویت سوتر میگاس و روابط وی با ویماکد فیزس موضوع مقاله را احتوا میکند که توسط ب . ن . پوری نوشته شده است (IC ، IX ، صفحه ۱۰۷ ff) .

جیهونیکا — زیونیزس :

بین عصر زمامداری ویماکد فیزس و کنشکا خلای زمانی یی به ملاحظه میرسد که در این خلا به احتمال قوی جیهونیکا حکمران تاکسیلا (سال ۱۹۱) قرار میگیرد ، همچنان سکه های از وی نیز بازیافت گردیده است .

وان لوهوزین — دی — لیو در ین خصوص اشاره میدارد که ویماکد فیزس چون بدون وصیت فوت نمود ، جیهونیکا — زیونیزس که نواسه وی بود جانشین او شد (عصر سیتی صفحه ۳۷۷) . ستین کنو جیهونیکا را حکمروایی میداند که بعد از فوت ویماکد فیزس مشابه رویدادی که بعد از وفات موگا بوقوع پیوست وارد صحنه گردید ، اما وی موفقیت اندکی را نایل گردید (CII ، II ، (i) صفحه Ixix) .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ریسن او را بحیث حکمران پوشکلاواتی که بعدا جانشین کجولا کدفیزس گردید وانمود میسازد. طبق گفته وی او ممکن است معاصر ویماکدفیزس بوده باشد (CHI ، 1 ، صفحه ۵۸۲).

ر. ب وایت هید، وی را متعلق به پارتی ها و مربوط به خانواده گندوفارنس میداند (PMC ، ۱، صفحه ۹۵). ترن در این زمینه میگوید که وی نواسه وساتراپ گندوفارنس پارتی بود (AD ۱۹۰ تا ۴۵ مجموعا) سکه های وی ثروت آن شهر را که بدون تردید پوشکلاواتی خواهد بود وانمود میسازد. وی علاوتا اشاره میدارد که این حکمروا دارای حیثیت نیمه مستقلی بود (یونانی ها ، صفحه ۳۵۳). پوری در این باره پیشنهاد کرده که بین ویماکدفیزس و کنشکا خلای زمانی به فاصله ممکنه یک دهه یا بیشتر از آن وجود داشت، در جریان این خلا کشاتراپا های متعهد وفاداری به ویماکدفیزس خواهان آزادی خویش گردیدند که جیهونیکا یا زیونیزس یکی از آنها بشمار میرفت. بعد زمانی بین ویماکدفیزس و کنشکا طبق نظر مارشال دو دهه یا کمی بیشتر از آن است. نظر به بعضی ملحوظات دیگر، تغییرات وارده در نوشته، زبان و طرح سکه های دو حکمروای دیگر کوشانی نیز دال بر این واقعیت است (JRAS ، ۱۹۴۷ ، صفحه ۳۲). مارشال در اثر خود تحت عنوان تاکسیلا، توضیح میدارد که زیونیزس — جیهونیکا از گندوفارنس نه تنها اجازه حفظ دارایی و ملکیت خود را دریافت، بلکه در بدست آوردن امتیازی که اجدادش Liaka و Kharastes نیز مدعی آن بودند یعنی بدست آوردن امتیاز ضرب سکه تلاش ورزید (I ، صفحات ۶۲—۶۱).

مبدأ تاریخی و مدارک کتبی کدفیزس:

مبدا تاریخی که به استناد اثار کتبی این حکمروایان به سه ماه مربوط میگردد توسط دانشمندان مختلفی تفسیر گردیده است. کلمه ayasa ، ajasa — adyasa که در کتیبه ۱۳۶ تاکسیلا آمده تصور میشود که پاسخی بر چگونگی مبدأ تاریخی میباشد. این کلمه که به Azes پیوست نشده (مضاف الیه حکمران) بوده و یا طبق نظر مارشال (ASI ، An ، Rep ، ۱۹۱۲—۱۹۱۳ صفحات ۲۵—۲۳ ؛ JRAS ، ۱۹۱۴ ، صفحات ۹۸۶—۹۷۳) مبین نام ماه اضافی میباشد (فلیت ، JRAS ، ۱۹۱۴ ، صفحات ۹۹۹—۹۹۲ ؛ بویر ، JA ۱۹۱۵ ، صفحات ۲۹۸—۲۸۱ ، بندارکار. د. ر. و همچنان ب. ن پوری (IC ، VII ، I ، ff) ر. پ چاندا وستین کنو تیسس مارشال را در زمینه پذیرفته اند (JRAS ، ۱۹۲۰ صفحه ۳۱۹ ff ؛ JRAS ، ۱۹۳۲ ، صفحه ۹۴۸ ff) طبق نظر فلیت، بار دیگر این کلمه با asya ارتباط یافته است (JRAS ، ۱۹۱۵ ، صفحه ۵۱۳ ff). اچ ، ک ، د ب پیشنهاد میکند که این اصطلاح دلالت کننده ماه amanta میباشد (IHQ ، XIV ، صفحه ۴۱۱ ff). با اشاره به ماه اضافی Asadha در ۱۳۶ وماه اضافی Sravana در ۱۳۴ ، دانشمندان را در حل و دریافت سال اول عصر قدیم بر اساس محاسبات استرونومی رهنمایی میکند. ستین کنو به کمک وان وجک به چنین نتیجه میرسد که سال اول این مبدأ تاریخی از سال ۸۴ قبل از میلاد شروع گردیده است (AO ، III ، صفحه ۷۹ ff). مارشال مبدأ تاریخی Vikrama را به Azes نسبت میدهد (JRAS ، ۱۹۱۴ ، صفحه ۹۷۳). این نظریه مورد تائید رپسن قرار گرفته است (CHI ، I صفحه ۵۸۱ ff) ون لوهوزین — دی. لیو، آغاز عصر قدیمی را در سال ۱۲۹ قبل از میلاد تعیین میکند (عصر سیتی ، صفحه ۳۳). بهاندارکار انرا در سال ۶۶ قبل از میلاد (op ، cit) و دیگران انرا در سال ۵۸ قبل از میلاد میدانند. ستین کنو، در این باره نظرات خویش را چندین مرتبه تغییر داده است. وی در تحلیل نهایی خود اشاره میکند که مبدأ تاریخی پارتها از سال ۲۴۵ قبل از میلاد آغاز می یابد که ان بحیث یک مبدأ تاریخی خارجی بداخل هند راه یافت و این مبدأ در کتیبه های مجسمه های بودائی، لوریان Loryan تنگی Tangai هستانگر Hastanagar

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

وسکا را دری Skarah Dheri و دیگر کتیبه های خروشتی بکار رفت .
India Antiqua – Vogel Festschrift ، صفحه ۱۹۳ ff) .

مأخذ بیشتر – بصورت عمومی :
جا سوال . ک . پ : ((وسایل تاریخ Saka-Satavahana)) JBORS ، XIV ، صفحات ۳۱۶–۲۲۷ ؛ XVIII ، صفحات ۱۶–۷ .
تشریحات پیرامون مقدمهٔ تاریخی ستین کنو راجع به کتیبه های خروشتی به استناد کتیبه های اشوکا CII ، II (۱) . نویسنده این مقاله درباره تاریخ شروع این دو مبدأ یعنی مبدأ ساکا Saka مبدأ تاریخی سال ۷۸ میلاد سنوات فتوحات ساک های قدیمی و مبدأ تاریخی انها ، تاریخ چینائی مربوط به تاریخ – حکمروایان کوشانی ، کجولاکد فیزس ، ویماکد فیزس ، Sodasa ، Patika ، Nahapana ، Gautamiputra که به مبدأ تاریخی Vikrama مربوط میگردد ، ملیت کوشانی ها ، پروبلم های مربوط Andhra-Satavahana ، Satakarni بحث میکند .

جا یا سوال ، ک . پ :
((مجسمهٔ ویماکد فیزس و کرونولوژی کوشانی ها)) JBORS ، VI ، ۱۲ ، ff .
نویسنده مجسمه Kusanaputra کوشا پوترا را با مجسمه ویماکد فیزس یکی میداند و تصور میکند که کوشانا نام شخص کجولاکد فیزس میباشد . توضیحات وی که کتیبه سال ۶ مبدأ تاریخی کنشکا را یاد اور میشود با دلایل موجود در توجیه تشابه صورت ها طبق نظر ون لوهوزین – وی – لیوو (عصر سیتی صفحه (۳۸۰) غیر قابل پذیرش است .

ستین کنو :
((بعضی حقایق جدید درباره مبدا های تاریخی کتیبه های خروشتی)) AO ، V ، صفحات ۳۸–۲۸)
نویسنده راجع به سنه کتیبه سنگی Shahdaur (Hazara dist) بحث میکند و به دنبال – تذکار بعضی از کتیبه های خروشتی دیگر استنباط میکند که سر اغاز مبداء تاریخی کنشکا بعد از تاریخ کتیبهٔ دیوائی بود (۲۴ مارچ ، ۱۱۶ میلادی) که واقعا در ناحیه پشاور نیروی کنشکا خود را قوی احساس نموده بود بکار میرفت .

ستین کنو :
((یادداشت هایی درباره کرونولوژی اندو – سیتی)) ، (JIH ، XII ، صفحه ۱۴۶) نویسنده در این مقاله نظرات قبلی خود را تردید میکند و امکانات موجودیت ارتباط بین سنوات کتیبه تخت باهی و بعضی کتیبه های بعدی از قبیل کتیبه تاکسیلا بروی صفحهٔ نقره ئی را با مبدأ قدیمی تاریخی ساکا تشریح میکند ، و هر نوع اتحاد و ارتباط بین کجولاکد فیزس و هرماوس را رد مینماید . طبق نظر ستین کنو انها از همدیگر بسیار بعید واقع بودند ، علاوتا طبق نظر لیوی کد فیزس احتمالا (استان کاپیسا ، کاؤفو) را فتح کرد که در این صورت ان نام یا لقب را انتخاب نمود (صفحه ۳۰) . ستین کنو همچنان نتیجه میگیرد که کجولاکد فیزس متصرفات خود را در سراسر امپراتوری – یوچی توسعه داد و ازان به بعد در واقع او پادشاه یوچی گردید . و سکه هایی را با القاب عالی ضرب زد .
ستین کنو علاوتاً سال ۱۵ میلادی را سال تولد کجولاکد فیزس میداند ، (صفحه ۳۲) ، طبق نظر وی ، مبدأ تاریخی ساکا مصادف است با عصر فتح دوباره که احتمالا در زمان حیات پدرش که وی تا سال ۱۲۵ میلادی حیات داشت انجام داده بود (صفحه ۳۷) .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ستین کنو :

((داکتر بنرجی درباره‌ٔ کوشانی ها)) ، IHQ ، XIV ، (أ) ، ۱۹۳۸ صفحات ۱۵۲ ـ ۱۳۷) .

نویسنده در این پاسخ خود به مقاله‌ٔ داکتر بنرجی ساستری در باره موضوع متذکره که در JBROS ، XXIII ، صفحات ۱۱۳ و XXIII صفحه ۱۹۹ به نشر رسیده ، توضیح کرده که مبدأ نهاپانا ـ Nahapana ساکا نبوده بلکه هندی بوده و تاریخ آن قدیمتر از مبدأ تاریخی Vikrama و مبدأ تاریخی ۷۸ میلادی ساکا که توسط کنشکا تعیین شده بود میباشد . ستین کنو اشاره میکند که بهوماکا Bhumaka و نهاپانا نائب السلطنه های ویماکد فیزس بودند نه حکمرانان مستقل . وی علاوتاً پیشنهاد میکند که دلیل کافی یی برای پیش بینی اینکه کنشکا عصر جدیدی را معمول ساخته بود وجود ندارد . سنه گذاری کتیبه های وی در جریان پادشاهی اش روش سنه گذاری ترکستان چینی را که مطابقت با قرن اول مبدأ تاریخی ما می نماید برگزیده بود .

گووندپایی :

((کرونولوژی ، ساک ها ، پهلوها و کوشانی ها)) JIH ، XVI ، صفحات ۴۲ ـ ۳۱۰ .

این مقاله‌ٔ جامع تاریخ سه خانواده را دنبال میکند و نظم سنه گذاری جانشینان بعد از ماویس را تشریح می نماید . نویسنده در کتیبه‌ٔ تاکسیلا ماکاس را بجای کلمه موکاس میخواند و آنرا بحیث ماه اضافی اشاره میکند که باین صورت به نتیجه میرسد که مبدأ تاریخی قدیم ساکا از سال ۱۵۴ ـ ۱۵۵ قبل از میلاد آغاز گردیده است . این مبدأ تاریخی هیچگاه در هند بروز نکرده ، بلکه توسط اولین تهاجم ساکا در آنجا آورده شد و در هر دو بخش هند که تحت نفوذ آنها در آمد معمول گردید . وی همچنان اشاره میکند که ممکن است دو مبدأ تاریخی و یا کدام مبدأ تاریخی از ساکا وجود داشت که حد اقل یکی ان در هند بوجود امده بود .

پوری . ب . ن :

((سنوات شاهان کد فیزس و روابط انها با ساکا کشاتراپا های هند غربی)) ، JIH ، XX ، ۱۹۴۱ ، صفحات ۲۷۵۶ ـ ۲۸۷ .

نویسنده روابط بین سلسله اندوپارتی Vonones ، کجولا وویماکد فیزس (۱۲۴ ـ ۱۷۸ میلادی) ، Chastana کشاتراپای متهورا ، بهوماکا کشاتراپای کاتیاوار و نهاپانا کشاتراپای Nasik بحث میکند و توضیح میدارد که ویماکد فیزس اساس گذار مبدأ تاریخی ۷۸ میلادی ساکا بود .

ساستری ، آ ، بنرجی :

((ساکا ها و کوشانی ها در قرن اول و دوم)) IHQ ، XXIII ، صفحه ۱۹۷ .

نویسنده توضیح میدارد که مسیر های را که دو بخش کوشانی های پوچی دنبال کردند در تشخیص منشاء و ظهور مبلد أ تاریخی سال ۷۸ میلادی ساکا حائز اهمیت اولی است . خطی را که کجولا کد فیزس به امتداد معابر شمال غربی تا پنجاب بعد از اشغال تاهیا پیموده بود در دوره کیون وو Kien - Wu (۵۵ ـ ۲۵ میلادی) صورت گرفت . ویماکد فیزس تین چو (هندوستان) را فتح کرد و رئیسی برای اداره انجا تعین کرد . کنشکا به سمت جنوبی از طریق Chen-t'an و Larike (Lata) و Ariaka (Surastra-Malava .) گذشت و این فتوحات او را در ان نواحی گواهی میدهد .

و هم درباره اینکه ساکا که جانشین سلسله مالاوا در سال ۷۸ میلادی گردیده بود توضیحاتی ارائه میدارد . طبق نظر نویسنده خانواده کد فیزس مرکز خود را در بدخشان تعین کرده بود . کجولا کد فیزس به اساس سنه ساکا از ۵۰ تا ۴۵ میلادی حکمروایی کرد و ویماکد فیزس از (۷۰ ـ ۵۰) ، که بعد از یک فاصله کوتاه زمانی کنشکا در ۷۸ میلادی به تخت سلطنت نشست .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بنرجی . ر . د :

((عصر سیتی در تاریخ هند)) IA ، XXXVII ، ۱۹۰۸ صفحات ۷۵ـ۲۵ . نویسنده بعد از اشاره به تاریخ سال غرب هند بدنبال عزیمت سکندر کبیر در سال ۳۲۶ پ م تاریخ شمال غرب هند ، افغانستان و برخورد بین نیرو های اندوگریک و هند را توضیح مینماید . تعداد زیاد سنگ نبشته ها و سکه هایی از این عصر را که مربوط به سالهای بین ۱۶۵ و ۳۰۸ پ م میشوند هم در متن و هم در ضمیمه این مقاله امده است . طبق این اثر ـ مطالعه ، کوشانی ها و کتیبه های مربوط به آنها چنین نتایجی را بار می آورد ، بعضی از این کتیبه ها که بصورت جداگانه ذکری از آنها بعمل آمده ، شکل قدیمی مربوط به دورهٔ پیشینی را وانمود می سازد که بسیاری از آنها شامل متون بودائی اند . عدم موجودیت اشکال قدیمی در متون جنی خصوصیات کامل خطوط شکسته را نشان میدهد . در این اثر کتیبه های خروشتی نیز مورد رسیدگی قرار گرفته و نویسنده همچنان توضیح میدارد که ملاحظات کتیبه شناس در این مورد به نتیجهٔ دست می یابد که آغاز سلطنت کنشکا در قرن اول میلادی بوقوع پیوسته بود و تاریخ کوشانی ها در این دوره همراه با خلاصهٔ درباره کتیبه های جدید خروشتی موزیم لاهور بیان شده و نیز فهرست کتیبه های حاوی سنهٔ به خروشتی با جدول زمانی دورهٔ سیتی ها توضیح گردیده است .

بنرجی . ر . د :

((نهاپانا و مبدأ تاریخی ساکا)) JRAS ، ۱۹۱۷ صفحات ۲۸۹ ـ ۲۷۳ .

نویسنده توضیح میکند که کتیبه های نواسهٔ ناهاپانا اوشاوادات ، در ناسیکا و کارلی و نوشته های وزیر وی در جونار دارای سنهٔ میباشد که از سنه های که در کتیبه ها و سکه های چاشتانا و اخلاف وی بکار میرفت اختلاف دارد . این مبدأ تاریخی قدیمی بوده نه مبدأ سال ۷۸ میلادی ساکا . این سنه ها سالهای بر سر اقتدار آمدن ناهاپانا ست که ممکن ، هم در قرن اول پ م و هم در اوایل قرن اول میلادی بوقوع پیوسته بود . نظریه که ناهاپانا عصر تاریخی ساکا را اساس گرفته بود بایست واقعی پنداشته نشود . زیرا وی صرفاً یک حکمران ایالتی بود نه حکمران مستقل .

بشمن . ا . ن :

((مطالعهٔ تازه یی از عصر ساکا ـ کوشان))

BSOAS ، XV ، ۱ ، ۱۹۵۳ صفحات ۹۷ ـ ۸۰ .

در بازگوئی اثر پروفیسور جی ، ای ، ون لوهوزین ـ دی ـ لیوو پیرامون عصر سیتی ، نویسنده روی مطالعهٔ عصر سیتی را که فرضیه های مربوط به پروبلم های مختلف وابسته به ان را در بر میگیرد بحث میکند . این پروبلم ها شامل مباحث پیرامون ساک های پیشین یوچی ها ، ساک ها در مبدأ ریخی Deccan و Vikram ، کرونولوژی ساکا ـ پارتیا ، شاهان کدفیزس ، کنشکا و اخلاف وی و هنرگند ها را و متهورا می گردد . طبق نظر بازگوکننده ، کرونولوژی ارائه شده در متن و خلاصهٔ وسیع کتاب به احتمال هر کدام آنها بصورت قانع کننده یی معرفی گردیده است .

دکشت . س . ک :

((مسألهٔ کوشانی ها و منشأ Vikrama Samvat))

ABORI ، XXXIII ، صفحات ۱۷۰ـ۱۱۴ ؛ XXXIV صفحات ۱۱۲ـ ۷۰ ؛ XXXVII صفحات ۵۴ـ۲۷ ؛ XXXVIII صفحات ۱۱۴ـ۹۳ .

نویسنده در این مقالهٔ طویلی که چندین بار در سالنامه ها به نشر رسیده ، منشأ اصلی Vikrama Samvat را که توسط آن سنهٔ کلیه کتیبه های خروشتی شمال غرب هند از لحاظ تاریخ معین شده ، مورد بررسی قرار میدهد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

در این اثر منشاء مبدأ تاریخی کوشانی ها با اشاره به نفوذ ادیان هندی بالای جانشینان کنشکا ، سکه های طلائی کوشانی ها قبل از کنشکا ، کنشکا بحیث جانشین ویما کد فیزس ، با زیافت استوپه اهن پوش و اشاره ضمنی از ان ، تئوری حذف صد صد ، روایات چینائی ها در باره نیرو هندی کنشکا ، منابع چینائی و تبتی درباره کوشانیها ، مورد رسیدگی قرار گرفته است . کرونولوژی که توسط نویسنده ارائه شده ، کنشکا را در سال ۱۴۴ میلادی و پایان سلسله کوشانیها را بعد از کنشکای دوم تقریبا در سال ۳۰۰ میلادی تعین میکند .

گیرشمن ، د :

((پروبلم کرونولوژی کوشانی ها))

CHM ، III ، نمبر ۳ ، ۱۹۵۷ صفحات ۷۲۲ ــ ۶۸۹ .

در این اثر پروبلم کرونولوژی کوشانی ها به استناد حفریات باستانشناسی در بگرام و مناطق دیگر توسط نویسنده مورد بررسی قرار گرفته است . نویسنده توضیح میدارد که کوشانی ها چنانکه در مسکوکات ایشان سیما های خدایان ایرانی پیدا ست از منشاء ایرانی بود ند .

بعد از ارزیابی تئوری مبداء تاریخی ساکا و توسط کنشکا نویسنده سال ۱۴۴ میلادی را بحیث سال اول این مبدأ تاریخی کوشانی ها توجیه می نماید . وی این نظر خود را با اشاره به حوادث مربوط به شکست کوشانی ها توسط اشاپور و آتش سوزی شهر بگرام در سال ۲۴۲ میلادی تقویه می نماید . در این اثر اخیرین امپراتور ــ واسودیوا به Po-t'iao نسبت داده شده است . در این اثر بیلیوگرافی مفیدی را که در زمینه شامل مقالات منتشره در شوروی را میگردد نیز گنجانیده شده است .

توماس ، ف ، وو :

NIA ، ((Tung-ti, Pán-Chi کنشکا ، Nahapana ، Sandanes و ترکستان چین))

VII ، صفحات ۱۰۰ ــ ۷۹ .

این مقاله به بخشهای متعددی تقسیم شده است . بخش اول ان به تشخیص هویت Sandanes در پیریپلوس Periplus ــ که نامبرده استاد Kallien (Kalyan) گردیده ارتباط میگیرد . سندانیس ممکن است با Candana یکی باشد که طبق نظر لیوی لقبی بود که توسط کنشکای اول بکار رفت . در بخش دوم وی از سنه های Chastana ، Nahapana ، Gaulamiputra – Satakarni با ساس ملاحظات کتیبه شناسی بحث میکند . بخش سوم بحثی است که درباره Pán-Chi ، Tung-Li اختصاص یافته و در ان امده که Tung-Li با Madhyadesa یکی است ، در حالیکه بحث درباره Pán-Chi بسیار محدود میباشد . سال اول فتح Madhyadesa بواسطه کنشکا تا طح نیست که قبل از سال ۱۰۹ میلادی واقع شده باشد . بخش دیگر ان از مسأله هند غربی ، جنوبی و کوشانی ها بحث میکند . نویسنده توضیح میدارد که مبارزه Rudradamans علیه Andhras با پشتیبانی کنشکا بحیث زمینه وی برای افتاده بود و متصرفات ساک ها بحیث مانع همیشگی بین نیرو های کوشانی ها و Deccan قرار داشت . در جنوب هند شواهدی از متصرفات کوشانی ها وجود ندارد . نویسنده در بحث راجع به کوشانی ها و ترکستان چینی ، به گروگان های چینایی که توسط کنشکا نگهداری میشد ند و هیوان تسانگ در باره انها گذارش میدهد نظر می اندازد و اشاره میکند که انها چینایی های اصلی نبود ند بلکه انها بدولت های بطور مثال از قبیل ختن یا کاشغر یا دولتی از ترکستان چین متعلق میشد ند و یا ممکن انها مهاجرین یا تبعید شدگان بود ند تا گروگان ها . بخش اخیر ان در باره کنشکا بحیث دیوه پوترا اختصاص می یابد . نویسنده در اخیر نظر ستین کنورا راجع به سنه ویما کد فیزس ، فتوحات وی در هند غربی و ارتباط ان با مرداد تاریخی ساکا بحیث بنیان گذاران ، مورد تردید قرار میدهد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

وریا لانکارا . جایا چندرا :
((سنهٔ کنشکا)) JBORS ، XV ، صفحات ۶۳ ـ ۴۷ .
نویسنده مادامیکه درباره سنه کنشکا بحث میکند ، ارتباط بین شاهان کوشانی و کشاترا پا های غربی بی تحت اثر ویماکدفیزس و کنشکا را نیز دنبال میکند . وی موقف ازاد و مقتدری را به Rudradaman که بر سر اقتدار امدن وی ممکن بعد از ۱۰۰ میلادی بوقوع پیوسته بود توجیه میکند ، و همچنان درباره مطالبی که فامیل کشاترا پا Chastana پرورده خانواده کدفیزسی های بزرگ بود و Rudradaman بعد از انکه توسط رعایایش بحیث پادشاه انتخاب شد استقلال خویش را مطالبه کرد بحثی را دنبال مینماید . وی باستین کنو درباره اینکه حکمروائی ویماکدفیزس ممکن در حوالی ۷۸ میلادی آغاز گردیده بود موافقت نشان میدهد .

بخوفر . بود وینگ :
((درباره یونانی ها و ساک ها در هند))
JAOS ، ۴۱ ، ۱۹۱۴ ، صفحات ۲۵۰ ـ ۲۳ ، pl 2 .
در این مقاله جامع نویسنده هنر هلستیک ، پارتی و گند ها را در شمال غرب هند ، سکه شناسی ، کتیبه شناسی و بالاخره مسایل متعدد مربوط به ساک ها و یونانی ها را در باختر و هند مورد رسیدگی قرار میدهد . نویسنده توضیح میکند که مبدأ تاریخی ۵۸ پ م توسط ازس شروع گردید ، شهر با شکوه سیر کلپ توسط پارتی ها اعمار شد و توسط کجولا کدفیزس در بین سال های ۶۴ و ۷۶ میلادی تاراج گردید .

بهاندارکار ، د ، ر :
((سلسله ونونیس Vonones ، هند و پارتی))
IC ، VII (۲) صفحات ۱۴۲ ـ ۱۳۳ .
طبق نظر نویسنده مبدأ تاریخی قدیم را ونونیس اغاز نمود نه ویکراما و نه ساکها در سال ۶۶ پ م . وی همچنان سلسله جانشینی های هند پارتی را مشخص میسازد . وی همچنان نظری ارائه میکند که سال ۷۸ مبدأ تاریخی ساک ها را ویماکدفیزس اغاز نمود . در حالیکه مبدأ تاریخی کنشکا سال ۱۲۸ بود و احتمالا مبدأ دیگری یعنی سال ۲۴۳ میلادی توسط کوشانی های بعدی که کوشانا پوترا نامیده میشدند شروع گردیده بود .

کنشکا و اخلافش :

کنشکای یوچی کوچک :
آثار تبتی : لی یول گی Li-Yul-gyi :
طبق این اثر وجایا کارتی ، ختن پسر وجایا سیمها و ، لو ـ رگیاس ـ پا دختر پادشاه Ga-hjag شاه کنیکا و شاه غوزان را در لشکرکشی بسوی هند همراهی کرد که با ثر ان شهر سوکید (ساکیتا) منهدم گردید .
راکهل . : ، زندگی بودا صفحه ۲۴۰ .
توماس ، ف ، وو : IA ، XXXII ، ۱۹۰۳ صفحه ۳۴۹ .
۲ . ترجمه چینائی کوما را لاتا ـ کلپا ناماندتیکا .
درخانواده کیوشا شاهی بود که Chen ـ t'an ـ Kia ـ ni ـ cha نامیده میشد . وی Tung T'ien ـ Chu (طبق گفته هوبرولیوی در هند شرقی واقع بود) را فتح نمود و در کشورش صلح را تأمین کرد خوشبختی وی به اکمال رسید و سرانجام جانب قلمروش رهسپار شد .
لودر : " Bruchstuch der Kalpanamanditika das Kumaralata " لیپزیک . ۱۹۲۶ .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

لیوی : JA ، CCXI ، ۱۹۲۷ ، صفحه ۴۹۵ ff .
ستین کنو : CII ، (۱) ، صفحه ، lxxv .
طبق نظر لیوی (op ، ct) Chen-t'an عبارت از Candana میباشد . در صورتیکه اس . سی . د س . دس انرا یک علامه یا نشان قدیمی ختن تصور میکند . JASB ، lv (۱)، ۱۸۸۶، صفحه ۱۹۳)
ستین کنو با فلیت در مورد اینکه کنشکا به طایفه جداگانه ، فرقه یا خانواده بر سر اقتدار قبیله کوشانی تعلق داشت موافقه میکند . طبق نظر ستین کنو بار دیگر ، اگر کرشکا از ختن امده باشد پس ما باید با یارون ، ا ، دی ، ستیل هوستین موافقه کنیم که کنشکا به یوچی های بزرگ (Ta) نه بلکه به یوچی های کوچک (Sia) متعلق بود (CII ، II (i) ، صفحه lxxvi ؛ JRAS ، ۱۹۰۳ ، صفحه ۳۳۴ ؛ هولستین ، SBAW ، ۱۹۱۴ ، صفحه ۶۴۳ ؛ فلیت ، JRAS ، ۱۹۱۴ ، صفحه ۲۹)
۳ . Ma-ming-pu-sa-Chuan ترجمه اسوا غوشا ؛ قبل از سال ۴۱۲ به زبان چینائی ترجمه گردید .
این اثر به شوق اشواگبوشا ، کنشکا بحیث پادشاه Siao-Yuch-chi اشاره میکند . در شرح قلمرو یوچی ها در ان عصر ، وی شو Wei-Shu ، یا پور وشا پورا بحیث پایتخت انها اشاره میکند (ستین کنو ، op ، cit ، صفحه ، lxxvi)
پ . سی . بگچی در برابر این توضیحات اشاره میکند که دلیلی در میان نیست تا به اساس ان تصور شود که کنشکا یوچی کوچک بود ، یوچی های کوچک در واقع تساوی موقف خود را در میان قبایل بار بار های جنوب شرقی چین از دست داده بودند . چنانکه یوچی های بزرگ در برابر تخارها . علاوه بر این حقایق یوچی های کوچک تماسی با تاهیا (تخارا) و یا باکوی شوانگ (کوشانی ها) نداشتند (هند و اسیای مرکزی صفحه ۱۳۱) .
II ـ فتوحات کنشکا و توسعه امپراتوری وی :
۱ ـ کتیبه ها . در فهرست دیده شود .
۲ ـ سکه ها ـ نقاط دریافت سکه ها بصورت جداگانه یاد داشت گردیده است .
۳ ـ منابع ادبی :
کالهانا : راجا ترانجینی ، I ، ۱۶۸ (منتشره ، ا . ستین ور . س . پاندیت با ترجمه انگلیسی) .
طبق این اثر در این سرزمین سه پادشاه بود هوشکا ، جوشکا و کنشکا که وی بعداً سه شهری را اعمار کرد این کنشکا توسط دانشمندان طوری تصور شده که پادشاه بعدی به عین نام خواهد بود . (CII ، II (i) ، صفحه lxxx) .
سرید هارما ـ پتیکا . نیدا ناسوترا (در ۴۷۲ میلادی به چینائی ترجمه گردید) :
این اثر به شکست شاه پوتالی پوترا و مطالبه غراماتی که در نتیجه ان به پذیرش اسوا غوشا ، کچکول بودا . . . موافقه گردید اشاره می نماید . (JA ، IX ، viii ، ۱۸۹۶ ، صفحات ۴۷۵ ff ؛ JA ، XXXII ، ۱۹۰۳ صفحه ۳۸۷) .

مبدأ تاریخی کنشکا :

تذکار یک ببلیوگرافی درباره این موضوع بیجا نخواهد بود . کنگهم اولین کسی بود که درباره این موضوع پیچید ، همچنان نظرات خود را همواره تغییر داده است . وی بطور مثال ازلای تئوری مبدأ تاریخی وکراما (ASR ، II ، صفحه ۶۸) ، مبدا تاریخی سلوسید هاکه وی اخیرا انرا در ۸۰ میلادی قرار میدهد (کتاب مبدأ های تاریخی هند صفحه ۴۲) مرور نموده است . نظر وی اولاً توسط فرانکتائید گردیده است :

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

Beitrage aus Chinesichen Quellan Zur Kenntnis der Turkvolker und er Skythen Zentralasians, Abhandlungen Kon Preuss Akad. d. Wissenschaften, Berlin, 1904, Phit, List. Abhandl. I. p. 99.

Bruchstucke budhistrscher Draman, Kon Preuss Turfan-Expedition en Kleiner Sanskert Texte, Heft. I, Berlin 1911, p. 11.

سیلوین لیوی سال ۰ ب م را بحیث سر آغاز مبدأ تاریخی کشکا نشان داده است ۰
(JA, Nov. - Des 1896), (Mai - Juin 1896)، صفحات ۶۲، ۶۶، ۸۲؛ و همچنان
(Notes sur la Indo-Scythes) ۰

طبق نظر بویر دست یابی کشکا به سلطنت بعد از سال ۹۰ میلادی بوقوع پیوسته بود، (۱۹۰۰ ۰
"Le epoque de Kanişk" JA, Mai-Juin 1900) ۰ ر ۰ ج ۰ و د ۰ ر ۰ بها ندارکار ایرا در سال ۲۷۸
میلادی میداند (JBBRAS ۱۹۰۰) ۰ د ۰ ر بها ندارکار ۰ بعدا نظر سابق خود را درباره این موضوع
ارائه نموده و سال ۱۲۸ میلادی را بحیث سال اولی مبدأ تاریخی کشکا پیشنهاد کرده است (IC، VII،
صفحه ۱۴۰ n.) ۰

فرکوسن و اولد نبرگ، نظر داده اند که کشکا بنیانگذار مبدأ تاریخی ساکا یعنی سلسله ۷۸ میلادی
بود ۰ (درباره Saka Samvat و مبدأ تاریخی گوپتا، JRAS سلسله جدید، XII، ۱۸۸۰،
صفحات ۲۸۵ ـ ۲۵۹؛ "Uber die Datierung der altern indischen Munz und Inschriftreihen" Zeitschrift für Numismatik, VIII, 1881, p. 288-329, IA, X, 213).

این موضوع طبق نظر سنت در مرکز بحثهای از مباحثات اساسی در این باره قرار دارد و بصورت عمومی توسط نویسندگان انگلیسی و نویسندگان معتبر هندی از قبیل (رای چودری، PHAI (چاپ سوم)، صفحه ۳۲۱) مورد بررسی قرار گرفته است ۰ این ها اساس زمانی را برای تاریخ هند بعد موریا و گوپتا، ارائه میکند ۰ (JRAS، ۱۹۰۳، صفحه ۳) ۰

بحث کامل درباره این موضوع در JRAS، ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ گذارش یافته است ۰

مباحثه دیگری را جمع به این موضوع توسط دانشکده مطالعات اسیائی افریقائی، لندن نیز براه انداخت که جریانات آن بصورت کتابی تحت عنوان مقالات درباره "سنه کشکا" مرتبه "پروفیسور ا ۰ ل ۰ باشم" و ای، جی ۰ هویل در سال ۱۹۶۸، به چاپ رسید ۰ تئوری مبدأ تاریخی بیکرا ما توسط فلیت و کیدی مطرح گردیده است (JRAS، ۱۹۱۳ صفحه ۹۵ ff؛ ۱۹۱۲ صفحه ۶۶۵ ff؛ ۱۹۱۳، صفحه ۳۶۹ ff؛ ۶۶۴ ff، ۹۲۰ ff) این نظریه از جانب د ۰ ن ۰ مکرجی (IC، I، صفحه ۴۷۷) مورد پشتیبانی قرار گرفته است ۰ د ۰ ن مکرجی بحث خود را بر اساس معلومات ستاره شناسی که بواسطه "پ"، س ۰ سین گوپتا نیز بکار رفته بود قرار داده است ۰ همچنان اخیرا الد کراشاره میکند که عصر کشکا از ۲۵ دسمبر سال ۷۹ میلادی یا از سال دوم مبدأ تاریخی ساکا آغاز گردید و این مطلب تمام حالاتی را که از سنه های ارائه شده در کتیبه های خروشتی دسته "B ستین کنو (IC، VII، ۴۱ ـ ۱۹۴۰ صفحات ۶۲ ـ ۴۵۱) تبارز میکند، پاسخ میگوید ۰

طبق نظر پ ۰ ن، پیری معلومات ستاره شناسی روش ناکافی بیرای اساس گذاری هر نوع تئوری است که سال اولی را گذارش میدهد ۰ (IC، VII، ۴۱ ـ ۱۹۴۰، صفحه ۴۹۲ ـ ۴۹۰) این مطلب که مبدا تاریخ وکراما Vikrama در سال ۵۰ میلادی برحسب Sodas در عوض ((سال ۷۲)) در متهورا مورد استعمال قرار داشت قبلا زنگ سروال گشته بود.

مبدأ تاریخی بیکرا ما در متهورا حد اقل از سال ۱۰ تا قرن سوم میلادی مورد استعمال بود (IHC. Proc، کلکته

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

۱۹۳۹-۴۰ ختنی-۵۷۲-۵۰۴) ستین کونیکن وان و بحث او لاً سال ۱۳۴ را بحساب اول مبدأ تاریخی کشکا تشریح کرد (IHQ ، II ، صفحه ۱۸۰) ، اما بعداً آنرا به ۲۹۰/۱۲۸ تغییر داد . او اشاره میکند که آتراوان وو بحث چنین را نموده کرده بود (AO ، III ، صفحه ۸۳ ff ؛ V ، ۱۶۸ صفحه ۱۶۸ ff) . اگر ما ازآن قطعاً محاسبه نمائیم نتیجه چنین میشود که شماره های ۳۲۴۰ برای کتیبه زیداو ۳۲۹۰ برای Und Inscription میباشد (XCiii, CII ، ص (d) II) .

ا ج . سی گوش سال ۸۹ میلادی را از روی کتیبه زیداک مبدأ تاریخی کشکا را بیان میخاید تعین میکند . طبق گفته وی این مبدأ تاریخی از سال ۷۸ یا ۷۹ میلادی آغاز گردیده بود (IHQ ، IV ، ۱۹۲۸ ، صفحه ۷۶۴) .

مبدأ تاریخی ساکا توسط دانشمندان شرقی و غربی مورد تائید قرار گرفته است و بعلم و گرافی شی جامعی درین زمینه در آثار ذیل ارائه گردیده است .

Poussain's L Inde aux temps des Mauryas et des Barbares Grecs, Scythes, Parthes et Yue-tchi, p. 343 ff.
H. Deydier, Contribution d't'etude de art du Gandhāra, Paris, 1950.

و همچنان در اثر دیگر وی تحت عنوان .

'La date de Kaniṣka - l'art du Gandhara et la Chronologie du Nord - quest de l' Inde (JA, CCXXXIX, 1951, pp. 133-152)

و همچنان در اثر گیرشمن تحت عنوان ، Le probleme de la Chronologie de Kouchans' Cahiers d' Histoire Mondiale, Journal of world History, III, n.3, 1958, p.689 ff

نشریه تاریخ جهانی ، III ، نمبر ۳ ، ۱۹۵۷ ، صفحه ۶۸۹ ff) . او براظهار میدارد که کشکا در حوالی قرن اول میلادی موافق بود ولی وی بعداً تغییری در نظر خود وارد آورد و سال کشکا را بوسیله مبدأ تاریخی ساکاهایان داشت (JRAS ، XII ، ۱۸۸۰ ، صفحات ۲۵۹ - ۲۸۵) . اولد نبورگ اولاً وی موافقت نمود ، اما بعداً بوهلر ادعا نمود که تخت نشینی کشکا را در سال ۹۰ میلادی قرار میدهد تائید کرده است . از جمله دانشمندان هندی ، ار . دی . بنرجی در مقاله اش را جع به ((صر سیتی در تاریخ هند)) ، IA ، جلد ۳۷ ، ۱۹۰۸ صفحات ۲۵ - ۷۵ جلوس کشکا را در سال ۷۸ میلادی اشاره کرده است .

در کفرانس لندن که در سال ۱۹۱۳ را جع به سنه کشکا برگزار شده بود شرق شناسان در نظریات شان به صراحت از هم جدا شدند . علاوه بر انها ئیکه از تئوری مبدأ تاریخی وکرا ماجانب داری میکردند ، دسته قوی از دانشمندان ، تئوری مبدأ تاریخی ساکا رامورد پشتیبانی قرار دادند . کول وادل در (JRAS ، ۱۹۱۳ صفحات ۹۴۵ - ۹۵۹) اشاره کرده که معلوم میشود کشکا به عصر بزرگی مربوط می شدکه در آن شرق اسیا بحیث پیش در امد بود بزم به چین واقع شده بود . این مسأله همچنان به او کمک نموده تا کشکا را در قرن اول میلادی در حوالی آغاز مبدأ تاریخی ساکا قرار دهد . لانگ ورث دا ماسدر (JRAS ، ۱۹۱۳ صفحات ۹۵۳ - ۹۶۵) موقف فیر التزا می ئی را در این باره همزمان با مقاله ف . وو . توماس در آن از مباحثات را جع به تئوری سال ۷۸ میلادی دفاع را آغاز کرده بود اختیار کرد (JRAS ، ۱۹۱۳ صفحه ۶۳۲) . بیسن نیز این نظریه رامورد پشتیبانی قرار داد (CHI ، I ، صفحه ۵۸۵) . درگفته های این پروفیسور تقید کامل رج آمده که ((سنه های امده در سکه ها و کتیبه های کشا ترا پا های سوراشترا و ما لوا که به ساتراپاهای غربی معروف اند از سالهای اول سلطنت کشکا درسال ۷۸ میلادی آغاز گردیده است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

استعمال بعدی این سنه یعنی استعمال دوامداران توسط شهزاده گان ساکا هند غربی صورت گرفت که مبدأ تاریخی این سنه را بصورت بسیار مؤثر مغشوش میگرداند، و این مطلب باندازه زیادی دانشمندان معاصر را در تلاش های شان برای روشن ساختن مبدأ تاریخی مجهول سنه کنشکا گیج ساخته است)).

در حلقه دانشمندان هندی اچ. سی، گوش و اچ. سی. ری چودری تئوری سال ۷۸ را برای مبدأ تاریخی کنشکا مورد پشتیبانی قرار میدهند. پروفیسور اولی اشاره میکند که سنه بعدی یعنی سال ۱۲۵ میلادی و یا بعد تر ان برای تسلط کنشکا ناممکن است. همچنان دیده میشود که واسشکا در کتیبه سانچی سال ۲۸ عصر کنشکا تذکار یافته است که در ان زمان رودرادامان در حوالی ۱۵۰ میلادی به حکمرانی در ان بخش کشور معروف است.

((سنه کنشکا))، IHQ، IV، ۱۹۲۸، صفحات ۷۶۰، ۷۵۴ همچنان، ۱۹۲۹ صفحات ۴۹-۸۰).

ری چودری نظریه دانشمندان مختلفی را در این زمینه جمع بندی نموده و در نتیجه انها به دفاع از نظریه مبدأ تاریخی ساکا موافقت نمود (PHIA، چاپ سوم، (۱۹۳۱) صفحه ۳۲۱ ff). پروفیسور لوهوزین دی، لیو سال ۷۹ میلادی را بحیث نقطه افاز مبدأ تاریخی کنشکا اشاره میکند و توجیه خود را تا حدی قابل تبصره ادامه میدهد. وان ویچک سال ۷۹ را بحیث یکی از سه امکانات در مورد سر افاز مبدأ تاریخی کنشکا طرح کرد (وان ویچک، ((مبدأ های تاریخی در کتیبه های خروشتی هند))، AO، III، صفحه ۷۸؛ ((عصر سیتی)) صفحه ۳۸۱ - ۸۲). وان لوهوزین در بعضی از نوشته های قبلی خود اشاره کرده که کنشکا بعد از سال ۷۱ و قبل از سال ۸۶ میلادی بر تخت سلطنت جلوس نمود (op. cit، صفحه ۶۴) در یکی از مقالات اخیر تحت عنوان جینولوژی و کرونولوژی کوشانی ها، ب. ن مکرجی جلوس کنشکا را نیز در سال ۷۸ میلادی قرار میدهد.

اخیرا عده از طرفداران ان تئوری مبدأ تاریخی کنشکا که انرا به قرن دوم قرار میدهند تبارز کرده اند. و. آ. سمت اولین کسی بود که این نظریه را در یک مقاله جامعی راجع به ((عصر کوشانی ها یا اندوسیتی در تاریخ هند))؛ (JRAS، ۱۹۰۳، صفحات، ۱ - ۶۴) مطرح ساخت. وی بعد از مراجعه به سه تئوری موجوده در زمینه کرونولوژی کوشانی ها سنه های را بحیث سال جلوس سلطنت وی که بین سال های ۵۷ پ م تا ۲۷۸ میلادی یعنی یک دوره که ۳۳۵ سال را در بر میگیرد پیشنهاد میکند. این طرح وی سرگیج کننده احساس گردیده است نویسنده مقاله خود را به بخش های جداگانه تقسیم کرده از قبیل: مقدمه - نظریات ناموافق - لست کتیبه ها - عصر Laukika - مؤرخین چینائی - شواهد کتیبه شناسی و سکه شناسی، هنر اندو - رومن، نیو بودیزم، همزمانی تاریخ هند و کشور های خارجی، و همچنان جدول تقارن زمانی عصر کوشانی ها که در اخیر ان جلوس کنشکا را در ان قرار داده (C، ۱۲۵ میلادی. همانجا صفحه ۶۱).

جان مارشال که دوره دو دهه حفریات را در تاکسیلا رهبری نمود در جریان حفریات این منطقه تاریخی وی با ساس شواهد ستراتوگرافیک امکانات آنرا که کنشکا بنیان گذار مبدأ تاریخی سال ۵۸ میلادی بود و سلسله خانواده وی را که قبلا بجای انها کدفیزس ها قرار داشت استنباط کرد. ("سنه کنشکا"، JRAS، ۱۹۱۴ صفحات ۹۷۳، ۹۸۶، ۱۹۱۵ صفحات ۱۹۱ - ۱۹۶). در magnum opus Taxila، سرجان مارشال اشاره میکند که حفریات وی در تاکسیلا مسأله یی را که کنشکا بدنبال دو کدفیزس روی کار امد حل نمود و نیز در نتیجه این حفریات بصورت صریح دیده شد که وی تا بعد از سال ۱۲۵ به قدرت نرسیده بود. این نتیجه گیری، طبق اظهار وی با ساس مراجعه به یادگار های که در روی جعبه کوچکی که از استوپه کنشکا در پشاور بدست امد و چگونگی سبک ان به قبل از قرن دوم میلادی ارتباط می یابد بعمل امده است. (تاکسیلا، I، صفحه ۷۰).

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ستین کنو یکی دیگر از تقویه کنندگان تئوری قرار دادن قرن دوم برای جلوس کنشکا میباشد وی با تشابه ارتباط Po-tiao با واسیودیوا کوشیده تا عصر کنشکا را بصورت تقریبی بین سالهای ۱۳۰ و ۱۷۰ میلادی تعیین کند، و با پذیرفتن محاسبات استرونومیک که توسط وان ویجک انجام یافته سال ۱۳۴ را به حیث سنه جلوس کنشکا بیان میدارد (IHQ ، II ، صفحه ۱۸۰) او بعدا پیشنهاد میکند که سال اول عصر کنشکا ۱۲۸ ـ ۱۲۹ میلادی خواهد بود (CII ، II (i) ، صفحه ، xciii). و در این باره اشاره میکند که وان ویجک چنین محاسباتی را انجام داده است (AO ، III ، صفحه ، ۸۳ ff ، V ، صفحه ۱۶۸ ff). و اظهار میدارد که این نتایج استرونومیکی اخیر مورد قبول او قرار دارد.

ستین کنو در مقاله بعدی خود ((یادداشت هایی در باره کرونولوژی اندو ـ سیتی)) که در سال ۱۹۳۳ نشر شد (IIH ، XII ، صفحات ۱ ـ ۴۶) سال ۱۴۹ پ م را بحیث آغاز عصر قدیم ساکا و ۱۲۸ ـ ۲۹ میلادی را بحیث آغاز جلوس کنشکا شرح داده است. در سال ۱۹۴۷ پروفیسور ناروژی ۱۳۸ میلادی را برای آغاز عصر کنشکا پیشنهاد کرد (ون ، لوهوزین دی لیو ، ((عصر سیتی)) صفحه ۱۶) در عین حال در مقاله دیگری که اثر ووگل را تائید کرد او سنه دیگری را برای کنشکا مطرح نمود که عبارت از سال ۲۰۰ میلادی باشد (اندیا انتیکوا ، صفحه ۱۹۵).

سنه بعدی ۱۲۸ ـ ۱۲۹ که توسط ستین کنو بیان شده همچنان از جانب جایا چاند ـ ویدیالانکار پذیرفته شده است. وی در مقاله تحت عنوان ((سنه کنشکا)) که در نشریه انجمن تاریخ بهار و اوریسه XV (I و II) صفحات ۴۵ ـ ۶۳ ، نشر گردیده نظر ستین کنو را در مورد سنه کنشکا را با تاکید مورد قبول قرار داد (همانجا ، صفحه ۵۴).

ب ، ن پوری در سال ۱۹۴۲ اشاره کرده ، طوری معلوم میشود که چون عصر کنشکا در ۱۴۴ میلادی آغاز گردیده است لذا مسأله رویداد برخورد اوبارود را دامان Rudradaman که هر دوی آن برسند و مالوا حکم میراندند از بین میرود (IC ، VIII ، صفحه ۹۱ ff). این مطلب در اثر دیگرش تحت عنوان ((هند تحت اثر کوشانی ها)) ۱۹۶۵ ، صفحه ۳۸ H و ۸ ن . مورد تائید قرار گرفت. پروفیسور گیرشمن با دقت کامل مطالعه تحلیلی از بازیافته های بگرام که توسط شاپور اول یا اردشیر تخریب و بعدا نوسازی گردید بعمل آورده و به نتیجه رسیده که واسیودیوا ـ پوتیاو Vāsudeva-Po-tiao آخرین حکمران کوشانی بود که سکه های وی از جانب حکمرانان ساسانی عاریت گرفته شد. شهزادگان ساسانی همچنان لقب کوشانا شاهنشاه Kuṣāna Sahanṣah (شاه شاهان کوشانی ها) را از سال ۲۳۰ تا ۲۴۸ انتخاب کردند. وی سال ۱۴۴ را بحیث سنه جلوس کنشکا و سال اول عصرش را منطبق با معلومات واقع در منابع چینائی و ایرانی پیشنهاد نموده است. (Cahiers d'Histoire Mondial: نشریه تاریخ جهانی ، III ، نمبر ۳ ، ۱۹۵۷ ، صفحات ۶۸۹ ـ ۷۲۲). در هند نظریه قرن سوم برای سنه کنشکا صرف چند نفر طرفدار دارد اینها شامل داکتر ر. س. ماجومدار و ر. ج. بهاندارکار فقید و پسرش د. ر. بهاندارکار هستند. طبق نظر ر. س. ماجومدار ((تغییر ساده از اسناد هندی و چینائی کنشکا را بعد از سال ۲۲۰ میلادی قرار میدهد ، و همچنان در آن وقت مبدأ تاریخی هندی معروفی که از سال ۹ ـ ۲۴۸ میلادی آغاز گردیده بود مورد استفاده قرار داشت ، ما صریحا در اشتباه خواهیم بود اگر کنشکا را بحیث بنیانگذار آن مورد نظر قرار دهیم)). این پیشنهاد طبق نظر وی به واسطه تاریخ ساتراپ های غربی و کتیبه متهورا که سنه آن به سال ۲۹۹ مربوط میباشد کاملا تائید شده است نشریه بخش ادبیات ، پوهنتون کلکته ، I ، صفحات ۶۵ ـ ۱۱۲). وی در مقاله دیگری راجع به شاه چندرا که در کتیبه مهرولی Mehrauli آمده این چندرا را با شاه کنشکا یکی دانسته ، بیان میکند ، زمانیکه مسأله مبهم سنه کنشکا اخیرا مورد مناقشه قرار نگرفته بود ،

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

وی در نظر خود را از لحاظ زمانی به امپراتوری گوپتا که بصورت عمومی اقامه شده بود نزدیک ساخته بود ۰ (JRAS ، IX ، ۱۹۴۳ صفحه ۱۸۲)۰ وی این نظر خود را در مقاله اش تحت عنوان ((مقاله ٔ درباره ٔ سنه کنشکا)) که در گذارش کنفرانس لندن (صفحات ۵۴ ـ ۱۵۰) به نشر رسید مورد تائید قرار داده است ۰

بهاندار کار اولا سال ۲۷۸ میلادی را بحیث سال جلوس کنشکا تعین کرد (JBBRAS ، XX ، ۱۹۰۰ ، صفحه ۲۸۴ ، ۴۴) ۰ اما بعداً د ۰ ر ۰ بهاندار کار نظر خود را درباره این موضوع پس گرفته ، و سال ۱۲۸ را بحیث سال اول عصر کنشکا وانمود ساخت (IC ، VII ، صفحه ۱۴۰ ،) ۰ در حالیکه هیچ دانشمند دیگری هندی با نظر بهاندار کار موافق نمیباشد ، هند شناس شوروی پروفیسور ای ۰ و ۰ زیمل به توضیحات مشابهی پرداخته و پیشنهاد نموده که وقتی میتوانیم با اندازه ٔ کافی بواقعیت های اساسی موجود در این زمینه دست یابیم که کرونولوژی کوشانی ها و مواد ثقه ٔ (از منابع مستقیماً استنباط شده) مربوطه را بصورت واضح تحلیل نمائیم این تعین حدود یا مشخص نمودن مواد موجوده در سطح معلومات کنونی مرا بدان داشت تا این خلاصه را منحیث نتیجه گیری شخصی خود ابراز نمایم تا در زمره دیگر نقاط نظر منحصر بفرد قرار گیرد ۰ من خصوصا سال ۲۷۸ را با امکانات بسیار زیاد ان بحیث سال اول عصر کنشکا بیان کردم (کرونولوژی کوشانیها نشریه ٔ مربوط به مواد راجع باین مسأله در گذارش کنفرانس دوشنبه سال ۱۹۶۸ در مسکو بچاپ رسید ، صفحات ، ۱ ـ ۱۸۸) دریافت سنه ٔ درست و غیر مبهم کنشکا که هند شناسان را در کارشان بی نتیجه گذاشته در دهه های اخیر خلای بین نظرات دانشمندان در این زمینه رو به نزدیکی میرود ۰ دو کنفرانسیکه راجع به سنه کنشکا در لندن به سال ۱۹۶۰ و در دوشنبه مرکز تاجکستان اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۸ دایر گردید زمینه ٔ را برای تبادل نظرات بین دانشمندان و مقایسه یادداشت های دانشمندانیکه انها مصروف تحقیقات در باره ٔ اسیای مرکزی و مردم ان در عصر کوشانی ها که تقریبا تا قرن هفتم میلادی دوام داشت فراهم کرد ۰ جریانات کنفرانس قبلی منتشر گردیده (بریل ، لیدن ، ۱۹۶۸) ولی جریان کنفرانس دوشنبه در لست نشرات بعدی مسکو اعلام گردید . درین لست خلاصه ٔ مقالاتیکه توسط دانشمندان شوروی ارائه گردیده حاوی ارزش بخصوصی است ۰ چون موضوع مربوط به سنه ٔ کنشکا و پروبلم های وابسته بان از زوایای مختلفی دیده شده است پس در این صورت لازم است تا نکات مهم موجود در مقالات هر دو کنفرانس درینجا یاد اوری گردد ۰

مقالات کنفرانس لندن :

الچین ، ف ۰ ر ((باستانشناسی و سنه ٔ کنشکا))(DK ، صفحات ، ۳۴ ـ ۴) نویسنده نتایج مهم حفریات مارشال در ناحیه تاکسیلا را با مراجعه با رتباط با زیافته های مسکوکات مورد ارزیابی دوباره قرار میدهد ۰ وی در تلاش جهت برقرار ساختن ارتباط بین سلسله مسکوکات و دوره های ساختمانی انها ، و نتایج حفریات بهارموند ، سیرکاپ ، سرسوخ و اطراف استوپه دهارما راجیکا را مورد تحلیل قرار داده است زمانیکه بسیاری از باقیمانده ها در ساحه متمرکز در یک دوره ساختمانی قرار داشتند تعداد دیگر انها به دوره تجدید ساختمانی بعدی تعلق میگیرند ۰ در انجا شواهد واضح وابستگی سکه های امپراتوری دوم وجود دارد که با در نظر داشت تشریحات پیکرشناسی ، سکه ها ، و همچنان قراین ابادی های تازه ، کرونولوژی عصر کنشکا بعد تر از ۱۰۰ میلادی ، یا به احتمال زیاد بین ۱۳۰ ـ ۱۴۰ میلادی تائید میگردد ۰ در این اثر علاوتاً ضمیمه وجود دارد که در ان مناطق عمرانی در تاکسیلا و جاهای دیگر واقع در شمال غرب فهرست شده و از انواع سکه های هر محل محاسبه ٔ نیز بعمل امده است ۰

بشمن ، ا ۰ ل : ((مقدمه بر مقالات راجع به سنه کنشکا)) ، DK ، صفحات I ـ XIV ۰ مقدمه علل تدویر این کنفرانس ، طرز العمل و نتایجی که در هشت جلسه در جریان سه روز صورت گرفت تشریح میکند مطبق گفته ناشر ، نظریات راجع به سنه کنشکا دسته بندی گردیده است ، و طبق ان اختلافات موجود در نظریه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

دانشمندان در این زمینه تقریبا ۵۰ سال تقلیل میابد . بنا برین احتمال قوی برای تعیین سال اول عصر کنشکا در اوایل قرن دوم میلادی وجود دارد .

بایلی ، اچ . وو : کنشکا ، DK ، صفحات ۳۵ ـ ۳۸ . طبق نظر نویسنده اسناد اسیای مرکزی از تومشک ، ختن ، نیا ، کوتچه ، قره شهر ، تورفان و تون هوانگ ، معلوماتی درباره سنه کنشکا ارائه می نمایند ، یک تعداد اشارات راجع به امپراتور بودائی کنشکا بدون تردید در آثار مربوط به ختن ، تخار ، سغد و آثار ترکی ایغور قابل سراغ است . وی پیشنهاد کرده که سه نام کنشکا ، هویشکا ، وواجشکا صفات مدحیه بودند که بواسطه اتخاذ پسوندهای iska یا iska از اصل کلمه تشکیل گردیده بودند .

بوساگلی . م :

((مسأله کنشکا از دیدگاه مؤرخین هنر)) DK ، صفحات ، ۳۹ ـ ۵۹ . از گفته های نویسنده ناممکن است تا توضیح اساس سبک صورت های کنشکا و سنه کنشکا بعمل اید . طبق گفته وی هنر گندها را بدون تردید ، اساسات عمومی تحول پذیری مخصوص بخود را نشان میدهد که بصورت واضح از نتایج متداوم متقابله میان شکل ریالیسم دارای منشأ هلنستیک ، و دیگر سبک های خشک و غیر متحرک بود که وابسته به تمایل کنشکا و خاصتاً وجود ارتباط انها با اشکال پارتی میباشد . نویسنده راجع به شخصیت کنشکا در تاریخ آرت بحث میکند ، و وی را بحیث مشوق دین بودائی بلوانواع مذاهب دیگر نیز منسوب میداند . اخیرا کشف معبد سرخ کوتل که به سال ۳۱ کنشکا تجدید ساختمان گردیده مؤید این مطلب بشمار میرود . نویسنده کدام سنهٔ معینی را برای کنشکا نشان نمیدهد .

دانی ، اا چ : ((سنه کنشکا)) ، DK ، صفحات ۵۷ ـ ۶۶ - . باساس نظر نویسنده ، خلای موجود در سلسله کتیبه های خروشتی که به سال های بین ۲۰۰ و ۳۰۳ مربوط میگردند معروف به کتیبه های غیر متعلق به کنشکا ست . بصورت دقیق این کتیبه ها مربوط به عصر ان کتیبه هائیست که متعلق به کنشکا میباشند . در این باره فرضیه ئی مطرح گردیده که این کتیبه ها باساس مبدأ تاریخی ۵۷ پ م ویکراما تاریخ زده شده ، و نیز پیشنهاد شده که کنشکا به حکمروائی خود در حوالی سال ۱۴۴ میلادی اغاز کرده بود . علاوه بر ان ، تمایل نوشته های بهم پیوسته در کتیبه های کنشکا ، وابسته به نفوذ اسیای مرکزی در انها ست .

کتیبه های کشاترا پاها نسبت به تمام کتیبه های مربوط به کنشکا که مبدأ های مختلفی را بکار برده اند ، یعنی کتیبه هایکه مبدأ تاریخی ان ها سال ۷۸ میلادی یا دارای مبدأ تاریخی مشهور به مبدأ تاریخی ساکا است ، و فاقد نوآوری های اند حاوی اختلاف اند . اینها طبق نظر نویسنده دارای اشاراتی راجع ازادی سیاسی انها میباشند .

ایگرمونت ، پ . اچ . ل : ((منبع پورانا فهرست Merutungās میراتونگا درباره شاهان وورود ساکها در هند)) ، DK ، صفحات ۶۷ ـ ۸۶ - . اساس این مطالعه بر ادبیات مذهبی هند ، خصوصاً داستان های ، قرون وسطی ئی جن ، پورانا ها و بخش های از روایات بودایی استوار است . طبق نظر نویسنده ساکها به هند در سال ۵۸ پ م نه بلکه در سال ۱۵ میلادی ، یا ۵۰۰ سال بعد از وفات بودا وارد شدند . اختلاف ۶۴ سال در بین این تاریخ و مبدأ تاریخی ساکا ، در سال ۷۸ وابسته با ختلاف بین این دو اساسات سنه گذاری قرون وسطایی میباشد . وی همچنان سه ضمیمهٔ دیگری را نیز در این باره علاوه میکند . ((مبدأ تاریخی ساکا و مبدأ تاریخی کوشانی ها)) (همانجا ، صفحه ۸۷ ، ۹۵) وی تئوری معروف ، ((کوشانی ها بحیث بنیادگذار مبدأ تاریخی ساکا)) و علاوتا به سرواستی وادنس Saravastivadins را در بکار بردن مبدأ تاریخی سابق سال ۳۸۳ پ م مشخص نمی سازد . این مبدأ ممکن حتی قبل از کنشکا و عمدتا در مجسمه های گندها را که به سال ۳۰۰ مربوط میگردد بکار میرفت . وی به همین نحوه سال مجسمه Hariti هریتی ، سکا را دهیری را در سال

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

۱۷ میلادی تعین میکند .

ضمیمه دوم این اثر به (۹۶ ـ ۹۴ ، صفحات همانجا) Priplus Moris Erythraei ارتباط میگیرد . وی واقعیت تازه ٔ یعنی تذکار نام دو شاه عرب را اشاره میکند که شخص دوم آن Ellazos ایلازولی با Yalut ، azz II یکی تشخیص نشده است و از وی در یک کتیبه ٔ که تاریخ ان مربوط سال ۱۴۴ مبداء تاریخی سبا میباشد و ان با سال ۲۹ میلادی توافق حاصل میکند درک میشود . طبق گفته نویسنده در این مقاله شرایطی را که در Priplus پرپلوس تشریح گردید و ان مربوط به سال اخیر سلطنت کجولا کدفیزس قبل از تاج پوشی ویما و تسخیر هند میباشد اشاره میکند ضمیمه سوم (۱۰۲ ـ ۹۷ همانجا) تاریخ سه امپراتور اخیر سیتی ها را که در هستوریکا فلیپا ، پمپیوس و تروگس امده بصورت خلص معرفی میدارد (قرن اول میلادی) این مرجع تاریخی فتح چهار یبغوی کوشانی های قدیم را بواسطه ٔ کجولا اشاره میکند ، طوریکه در متون لاتینی بیان گردید اسیانی پادشاه تخاری گردید و سا روکارها یای انها بودند . نویسنده میخواهد تا نشان دهد که این متن شواهد برجسته ٔ را درباره اینکه کجولا اساس قدرت کوشانی ها را بین سال ۳۰ و ۲۰ پ م گذاشت ارائه میکند . وی علاوتا اظهار میدارد که کنشکا در سال ۷۸ میلادی به پادشاهی شروع کرد .

گوبل . ر : ((شواهد سکه شناسی مربوط به سنه کنشکا))، DK ، ۱۰۳ ـ ۱۱۳ .

نویسنده در نتیجه مطالعه همه جانبه از سکه های امپراتور کنشکا (منتشره سال ۱۹۵۷) اولا به روابط پایدار بین سکه های اصلی امپراتوری رومن و انهائیکه در حوالی اخیر قرن اول میلادی تا اغاز قرن سوم میلادی مربوط میگردند اشاره میکند . همچنان وی تشریح میکند که ویما این نوع انتخاب را بسکه های تراجان و کنشکا از هادریان و هویشکا از انتونیوس پیوس بعمل می اوردند . این موازات زمانی در دریافت اجازه جهت ((طرح سکه ها)) و واسیو دیوای اول را معاصر ماکوس اوریلیوس نشان میدهد . نویسنده سال ۱۴۴ را بحیث سال اول جلوس کنشکا وانفود میسازد . گوبل همچنان عصر انتقالی بین کوشانی های بزرگ و اغاز تسلط ساسانیان را شرح میدهد . طبق نظر وی بعد از واسیو دیوای اول امپراتوری کوشانی به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم گردید ، که بخش اولی ان بواسطه ٔ واسیو دیوای دوم بعد از ۲۴۲ میلادی اداره میشد . بعد از یک مدت طویل پادشاهی کوشانو ـ ساسانی ها که بواسطه ٔ سکه های شان تشخیص شده بعد از سال ۳۰۳ جانشین وی گردیدند .

گوپتا . پ . ل : ((مسکوکات شاهان محلی هند شمالی و سنه کنشکا)) DK ، صفحات ۱۱۴ ـ ۱۲۰ .

نویسنده ، شواهد مربوط به تبارز چهار دولت محلی متهورا ، کوسمبی ، ایودهیا و پانکالا را از ورای بقایای امپراتوری موریا خلاصه می سازد . نویسنده با یادداشت تعداد حکمروایان و دوام سلطنت انها یک دوره اوسط ۱۸ ساله را برای پادشاهی انها تعین میکند . وی همچنان اسناد تاریخی ئی را که در اثر حفریات باستان شناسی از اهیکچترا بدست امده و ، مسکوکات کوشانی ها در طبقه چهارم و قبل از سوم ان بازیافت شده و انها مربوط به شهزاده ئیست که بواسطه سموادرا گوپتا در هم کوبیده شد توضیح میکند .

با ساس نتیجه گیری وی که بر اساس توضیحات پیرامون شاهان و بازیافت مسکوکات از طبقات مختلف طرح گردیده ، امدن کوشانی ها قبل از اواسط قرن دوم میلادی . در حوالی سال ۱۴۴ میلادی بوقوع پیوسته بود .

هومباخ . اچ : ((کتیبه سرخ کوتل که بواسطه داکتر ماریک خوانده شده است)) .

نویسنده دو نکته خاص موجود در این کتیبه را تشریح میدهد . نکته اولی به مراسمی ارتباط میگیرد که در سال سی و یکم اغاز گردید . این مراسم به ارتباط ساختمان مجسمه های شاه و مترای معبود ، که طبق ان ممکن دو و یا یک مجسمه کنشکا بحیث خدای مترا مورد حرمت قرار گرفت . نکته دوم انستکه کنشکا بحیث پسر Kozgaska و پسر مترای مورد پرستش اشاره شده . محاسبه تاریخ ان طبق نظر نویسنده ، مبدأ تاریخی xsono باختری را دنبال میکند که مطابق است با عصر کنشکا در هند .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

در یک ضمیمه (۱۲۲ صفحه همانجا -) نویسنده به دو کتیبه دو زبانی دارای سنه ٔ که از وزیرستان بازیافت شده و فعلا در موزیم پشاور حفظ گردیده است اشاره میکند . از این کتیبه ها یکی ان به زبانهای عربی و سانسکریت و دیگران به سانسکریت و باختری نوشته شده است . نویسنده اشاره میکند که سنه باختری که در کتیبه سرخ کوتل وجود دارد مبدأ تاریخی یی را وانمود میسازد که در سال ۲۳۲ میلادی آغاز گردیده بود وان به کنشکا ارتباطی نمیگیرد ، بلکه با کوشانا - شاهی Kuṣāna-Ṣāhis ساسانی که از جانب اردشیر یا کوشانی های متأخر که بعد از شکست کوشانی های بزرگ توسط ساسانی ها منصوب گردیده بودند در ارتباط است .

گوسمبی ، د . د : ((کنشکا و مبدأ تاریخی ساکا)) ، DK ، صفحات ۱۲۳ - ۱۲۵ .

نویسنده توضیح میکند که مبدأ تاریخی ۷۸ میلادی که توسط کنشکا اساس گذاشته شد ، عبارت از کنشکایی نیست که در سکه ها از ان نام برده شده بلکه کنشکای دیگریست که عنوان سوترمیکاس (منجی کبیر) را بکار می برد . و یا این حکمران ان کنشکائیست که در کتیبه سرخ کوتل از ان ستایش بعمل امده . حکمروائی که خود را در مسکوکات کوشانی کنشکا نامیده عبارت بود از کنشکای دوم .

ون لوهوزین - دی - لیو ، جی ، ا : ((سنه کنشکا و بعضی مجسمه های که اخیراً در باره انها نشراتی صورت گرفته)) ، DK ، صفحات ۱۲۶ - ۱۳۳ .

این پروفیسور آلمانی چگونگی بسیاری از مجسمه های متهورا را که اخیرا به نشر رسیده شرح میدهد . این مجسمه ها شامل بودای نشسته ایست که ملبس با طرز مشابه لباس گندها را بوده و متعلق به سال ۸۳ زمان سلطنت حکمروای محلی بهادراماکا Bhadramagha میباشد همچنان یک مهاویرا Mahāvirā که به قرن دوم بسال (۱) ۲۲ تاریخ زده شده و دارای سر و موهای خط داری که معلوم میگردد تقلید از سر مجسمه ٔ گندها را است ، نیز بملاحظه میرسد ، جینا Jina نشسته که مربوط سال (۱) ۳۱ میباشد یک شکل هموار و مشابه برسته هلزونی مجعد شکلی را وانمود میسازد ، به همین نحوه یک مجسمه نشسته بودا مربوط سال (۱) ۳۶ که به سبک گندها را میباشد و بسیار خوب حفاظه شده نیز دارای موهای مجعد میباشد . تمام این چهار اثر مراحل مختلف تحول مجسمه های ستون پایه ها را در متهورا نشان میدهد ، در حالیکه حاله بزرگ مربوط به دو اثر اخیرالذکر مرحله انتقالی را در انها بازتاب میکند . وی همچنان به تغییراتی که در صورت مجسمه های اماراواتی که در انجا مجسمه های بودا بین سال های ۱۸۰ - ۲۰۰ میلادی ساخته شده بود اشاره میدارد که طبق ان این تغییرات از مجسمه سازی متأخر متهورا به عاریه گرفته شده بود . سنه بعد از ۷۸ میلادی برای کنشکا این عاریه گیری یی هنرمندان اماراواتی از متهورا را ناممکن میگرداند .

مکداول . داوید . وو : ((شواهد سکه شناسی برای سنه کنشکا)) ، DK ، ۱۳۴ - ۱۴۹ .

سکه های کوشانی ها برای توضیح تاریخ عصر آنها منابع مهمی بشمار میروند . اشکال متعدد سکه های کوشانی ها و تقلید انها از روی سکه های امپراتورهای روم ، اتخاذ کرونولوژی روم که در این زمینه ثابت گردیده ، اهمیت مقدمی را برای تعین سنه کنشکا دارا میباشد . طبق گفته وی ، شواهد سکه شناسی سال ۱۲۸ - ۱۲۹ میلادی با وجود امکانات استثنائی سال ۱۴۴ میلادی یا ۱۱۰ میلادی را بحیث آغاز عصر کنشکا تائید می نماید . نویسنده یک سلسله ملاحظاتی را در این اثر راجع به اهمیت و حدود سکه های امپراتورهای مختلف رومی بعمل می آورد .

ماجومدار ، ر . س : ((سنه ٔ کنشکا)) ، DK ، صفحات ۱۵۰ - ۱۵۹ .

نویسنده در این اثر مطالعه ٔ پیرامون حکمروایان و سلسله های مربوطه انها را که بین دوره سقوط امپراتوری موریا شونکا Maurya-Śuṅga و ظهور گوپتا که عصر بین ۱۵۰ پ م و ۳۵۰ میلادی را در بر میگرفت بعمل

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

اورده است ۰ طبق گفته وی تعداد سکه‌ها یا نیکه انها به ضرب سکه میادرت و زیده اند و بر تراحی بسن هندوکش و اندوس به حکمروائی پر دا ختند کمتر از چهل نمود ۰ این حکمروایان بین سالهای ۲۰ ب م و ۲۰۰ م میلادی می زیستند ۰ در جنوب هند در ختمرو در حدود ۲۰ پاد شاه وکشا ترا پا هاو در کوسمی نزدیک مین تعداد بدون وقفه حکمروائی نمود ند ۰ دا کتر ما جومدار پیشنهاد مینما یدکه تاپشواهد دست داشته در این زمینه نتیجه ٔ را بار می اورد که طبق انحاظهور سر کوشانی هادر نیمه اول قرن سوم میلادی صورت گرفته است ۰ وی در ارتباط با این موضوع همچنان توجه ئی به تشابه بین کوشانی ها و گوپتای متقدم از روی ایکونوگرافی ، سکه ها و مراجع کتیبه شناسی خصوصا با مراجعه به کتیبه ستون پایه ختمرواکه مربوط سال ۴۱ میباشد بعمل اورده است وی مبدا معروف سال ۲۴۸ــ ۹ را به سنه جلوس کنشکا یکی میداند ۰

ما ریک ، اندره : ((سنه کنشکا)) (اصل ان بزبان فرانسوی میباشد و ترجمه ان بزبان انگلیسی توسط جاکوبان پا بر بین صورت گرفته است) ، D ، صفحات ۱۰۰ تا ۱۷۸ ، ۱۷۹ ــ ۱۹۹ ۰

در این مقاله مسأله سنه کنشکا با مراجعه به حفریات باستانشناسی در بگرام مورد رسیدگی قرار گرفته است نویسنده توجه قابل ملاحظه ٔ بر نقد تئوری سال ۱۴۴ میلادی گوشمن معطوف داشته است ۰ وی بدون تردید سال ۷۸ میلادی را بحیث سنه کنشکا ترجیح میدهد ۰ اما امکانات صحت کوشش گوشمن را در زمینه نیز نادیده نمیگیرد ۰ نویسنده در این مقاله حفریات بگرام ، کرونولوژی کوشانی ها ، کتیبه شاپور اول ، خزاین سکوکات ویرانی مناطق مربوط کوشانی ها را که از جانب امپراتوران ساسانی صورت گرفت نمود ارزیابی قرار میدهد ۰ طبق نظر نویسنده حادثه اخیر طوری معلوم میشود که ممکن است قبلاً در زمان سلطنت واسیو دیوا بوقوع پیوسته باشد ۰ ما ریک در بخش دوم مقاله خویش را جع به چگونگی روابط بین ساکاکشا ترا پاهای هند غربی و مصر ساکا بحث میکند ۰ طبق نظر وی کشتانا Caştana قدیمترین ساکاکشا ترا پا ، نائب کنشکا بود که وی به ساکا مربوط میباشد و مؤسس عصر تاریخی معروف ساکا بشمار میرود ۰

مکرجی ، ب ۰ ن : ((نظریاتی را جع به سنه کنشکای اول)) ، DK ، صفحات ۲۰۰ــ ۲۰۶ ۰

نویسنده در این مقاله مختصر را جع باشغال شمین توسط Sheo یا سند Sindh توسط کوشانی ها که در سال اخیر سلطنت ویما کد فیزس صورت گرفت و انها تا سال اول سلطنت واسیو دیوای اول در انجا حکمروائی کردند اشاره مینماید ، سکه های مسی ئی انهاکه شامل نمبر ۴۳۸ ، ۱ میشود از موهنجودارو Jhukar-جوکر اتا ج در سند بازیافت گردیده است ۰ اما بعد ا رودرادامان Rudradaman در ان منطقه در سال ۱۴۹ــ ۱۵۰ میلادی به دنبال ان قرار میگیرد (کتیبه جوناگراه) نویسنده در این مقاله شواهد مدی از کوسمی راکه در انجاکتیبه سال دوم ومسجه بودایه سبک ختمرواکه اشاره بروجود تیولداران کوشانی در ان منطقه میکند مطرح می سازد ۰ واشاره میکند که جانشین این تیولداران نیز مانند ازاد موگاMaoghaگردیدو این حادثه در سنه معروف قدیمی سال ۸۶ ساکا ، مطابق به سال ۱۵۸ــ ۱۵۹ میلادی بوقوع پیوسته ۰

نارایین ، ا ، ک : ((سنه کنشکا ــ بایک ضمیمه)) DK ، صفحات ۲۰۶ــ ۲۳۹ ، ۲۴۰ ــ ۲۴۳ ۰

نویسنده با در نظر داشت نظریات متعددی مربوط به سنه کنشکا در بین ۱۲۰ــ ۴۰ میلادی یک فاصله زمانی کوتاهی را جهت قرار دادن رژیم های محلی موگاها ، ناگاها ، یودیاها و غیره که در قلمروحکومت اشغالگر کوشانی هاتاحدی رشد نمودند توضیح میکند ، و نیز اشاره مینما یدکه انها بواسطه سمندرا گوپتا مغلوب گردیدند ۰ این سنه همچنان با اقتدار رودرامانا در غرب سال ۱۵۰ میلادی بر میخورد ۰ مشابه این مطلب نوی مبدأ تاریخی ساکا یعنی سال ۷۸ میلادی هم ضمنیک فاصله زمانی جهت قرار دادن کجولا ویما در ان بعد از شاهان ساکا وپهلوها مدت کوتاهی بشمار میرود معلوتاً از شواهد بدست امده از بگرام که تئوری سال ۱۴۴ میلادی گوشمن را تشکیل میدهد ، طوری معلوم میگردد که این سنه دارای خصوصیات اساسی قابل ملاحظه میباشد ۰

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

این تئوری همچنان خلای زمانی و مکانی را بین ویما و کنشکا قرار میدهد و نیز مشکل است تا در این خلا یا حتی سوتر میگاس را قرار دهیم . بنا بر این نوا بین ، به یک طرح دیگری اشاره میکند ، یعنی به سال ۱۰۳ میلادی . وی بدین مناسبت از یک بحران سیاسی کوچک در تاریخ ترکستان چین که در تاریخ خانواده اخیر هان ثبت گردیده استفاده مینماید . این مطلب به استقرار چین - پان بر تخت سلطنت کاشغر که وی مورد توجه کنشکای کبیر قرار داشت ارتباط میگیرد . نویسنده این مقاله همچنان بموضوع فرستادن جنرالی از جانب ویما از طریق پامیر که با شکستی از جانب پان چاو در سال ۹۰ میلادی مواجه شد و فرستادن سفیری از جانب وا سیو دیوای دوم به چین در سال ۲۳۰ میلادی اشاره مینماید . همچنان نویسنده علاوه بر بیان مطالب فوق به تعداد زیادی از سکه های کنشکا که انها از ترکستان چین بازیافت گردیده ویما تکتو و زی و ی در ان مناطق پیدا شد اشاره میکند . این مطلب مکمل بر اساس همزمانی حمله تراجان بر پارتیاکه در سال ۸۹ یا ۱۱۷ اتخاذ فاتاده بود درست بوده باشد . زیرا طوری فرض گردیده که وی معاصر کنشکا بود . این مقاله باجد ولی که به کتیبه های خروشتی و براهمی ارتباط میگیرد ، و با ساس چهار مبدأ تاریخی محاسبه گردیده ، استخانمه میباید ، این مبدأ های تاریخی عبارتند از ، مبدأ تاریخی یاوانا Yavana سال ۱۵۵ قبل از میلاد که از قرار معلوم مربوط عصر مینا ندر میگردد ، مبدأ هلو ها سال ۸۸ ب م ، که احتمالا مربوط به دوره قبلی یعنی ظهور سلسله ونون Vonone در سیستان میشود ، مبدأ ساکا سال ۷۸ میلادی و مبدأ کوشانی ها سال ۱۰۳ میلادی میباشد .

پتیچ لوسیانو : (موادی از تبت و کشمیر را جمع به سنه کنشکا)) DK ، صفحات ۲۴۴ - ۲۴۶ .

نویسنده در این مقاله مختصر به نقل ان روایاتی که درباره کنشکا در اثر را جاترانجینی و منابع تبتی اسیای مرکزی امده میپردازد . تاریخ روایتی ختن به فتح هندوستان توسط شاه کنیکا Ki-ni-ka ، حکمروای گوزان Gu-Zan (کوچین یا کوچا Kuchen or Kucha) و حکمروای Khotanese ختن ، شاه وجایا کرتی Vijayakirti اشاره میکند . طبق این تذکرات ، شهر سوکید So-Ked (ساکیتا Saketa) به اشغال در امد و از ان منطقه اثار زیادی را بدست اورد . تعیین هویت این حکمروا مشکل است . نویسنده در اخیر اشاره میکند که در این بیانات افسانوی چیزی درباره سنه کنشکا وجود ندارد .

پولی بلانک - : (شواهد چغانی برای تعیین سنه کنشکا)) DK ، صفحه ۲۴۷ - ۲۵۸ .

نویسنده مباحثه بررسی شواهد چغانی مربوط به کوشانی ها بیان میدارد که ما با قرار دادن مبدأ تاریخی کوشانی ها در سال ۱۴۴ میلادی بدون امکان نمودن کرونولوژی گیوشمن تا در خواهم بودتا به سنه تقریب نماییم که باشواهد سکه شناسی ، کتیبه شناسی و همچنان با شواهد چغانی در زمینه سازگار باشد ، نویسنده علاوتا اشاره میدارد که با ساس شواهد تقویمی و فصلی ، نفوذ کوشانی ها در حوزه تارم ، و ترکستان چین پیش از سال ۱۷۵ میلادی بر قوع پیوسته و همچنان در این عصر بود که دولت هان شرقی در چین از هر جهت با مشکلاتی مواجه بودند .

روز نفیلد ، جان . م : ((مکتب مجسمه سازی متهورا - دومعدن برای کرونولوژی)) DK ، صفحات ۲۵۷ - ۲۷۹ .

در این عصر اثر دومعد عمده مرتبط به کرونولوژی کوشانی ها با مراجعه به مکتب مجسمه سازی متهورا عبارت انداز : معلومات مشروح درباره موجودیت تاریخی دوم کوشانی ها که از روی چهره مجسمه ها و کتیبه های وی در اثر مذکور که دارای مبدأ تاریخی دوم کوشانی ها میباشد و در متهورا بعد از اختتام سلطنت وا سیو دیوای دوم مورد استعمال قرار گرفته بود . نویسنده از روی عطا لعه مواد هنری سال ۱۱۰ - ۱۱۵ میلادی را بحیث سرا غاز زمبدأ تاریخی کنشکا وا نمود میسازد . و این مطلب بحیث فرضیه مطروحه در زمینه مورد ارزیابی قرار گرفته است . نویسنده وان لوهوزین را در مورد توضیحات شدر باره سلسله دوم کتیبه های تاریخ دار کوشانی هاکه از متهورا بدست امده مورد تائید قرار میدهد ، همچنان وی ادامه قدرت کوشانی ها را حتی بعد از سلطنت وا سیو دیوای اول معرفی میدارد و حکمران این سلسله را شاملکشای دیگر ، واسکوسانا Vaskusana :

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

وا شکا میداند که انها تا سال ۵۷ دوام نمودند ، و این سال غیر از ان مبدأ تاریخی ئی میباشد که رقم ۱۰۰ـ طوریکه وا نلو هوزین پیشنهاد کرده از ان حذف میشود . اغاز این سلسله بسیار دیرتر از اختتام سلسلهٔ اولی بوقوع پیوست ؛ نویسنده همچنان مطالب از قبیل اهمیت متهورا را تاریخ خانواده کوشانی ها مجسمه بود اکه مربوط عصر وی میباشد و از انجا بدست امده و تفسیر کتیبهٔ ستون پایه ها را نیز مورد بحث قرار میدهد که خلاصهٔ را که شامل لست کتیبه های مربوط به سلسله های اندوستی در متهورا میباشد نیز منحیث ضمیمهٔ بر این مقاله افزوده است .

سرکار ، د ، سی . : ((شواهد کتیبه شناسی و نسخه شناسی درباره سنه کنشکا)) ، DK ، صفحات ۲۷۸ ـ ۲۹۲ .

طبق نظر نویسنده کتیبه های متهورا معلومات بسیار با ارزش و درستی را درباره سنه کنشکا در خود دارند ، این کتیبه ها اولاً به اساس مبدأ قدیمی و ثانیاً با ساس مبدأ تاریخی کنشکا تاریخ زده شده اند . تحلیل نسخه ها و دیگر شواهد مربوط به کتیبه های متهورا بیانگر این مطلب است که عصر حکمروائی کوشانی ها در متهورا از کنشکای اول تا واسیو دیوا ادامه یافت و شروع ان به سالی از دو قرن اول عهد مسیحی ارتباط میگیرد . نویسنده اشاره میدارد که در انجا دو مبدأ تاریخی ئی که در کتیبه ها بکار رفته اند وجود داشت ، یعنی مبدأ وکراما سال ۵۷ پ م و مبدأ ساکا سال ۷۸ میلادی .

ستاوسکی ، ب : ((مطالعه اسیای مرکزی کوشانی ها و بعضی مسایل مختص به کرونولوژی کوشانی ها در علوم تاریخی شوروی)) DK ، صفحات ۲۹۳ ـ ۳۰۳ . نویسنده در تهیه این مقاله که مربوط به مطالعه اسیای مرکزی در عهد کوشانی ها ، تحقیقات و کارهای باستان شناسان شوروی را برگزیده است . طبق گفتهٔ وی ، حفریات باستان شناسی نشان میدهد که در اسیای مرکزی زمان کوشانی ها اراضی تازهٔ برای زراعت اماده گردیده بود و در ان وقت تخنیک زراعت به اندازهٔ قابل ملاحظهٔ انکشاف یافت ، سیستم زراعت پیشرفته و قلبه جدید چوبی با سراهنی مورد استعمال قرار گرفت . سنال سازی در این عصر از لحاظ تخنیک و کیفیت هنری ان همچنان مانند پیشرفت زراعت ان عصر قابل یاد اوریست . علاوتا انواع مختلف زیورات معمول در ان عصر نیز دریافت گردیده است . تجارت بین المللی از طریق اسیای مرکزی بخش دیگری از زندگی اقتصادی در ان عصر بشمار میرود . همچنان در این دوره معبودانی از قبیل Ardoksho, Oesho-Waksh ، همچنان Navo, Farro که از روی سکه های کوشانی ها متعددی دیده میشوند بیانگر تعدد معبود ها در ان عصر بشمار میروند ، شواهد معماری آن عصر نیز بقایا و عناصری از ساختمانهای محلی ، را وانمود میسازد . تاریخ و باستانشناسی در این زمینه ها نیز توسط مؤلف ارائه گردیده است . وی اظهار میکند که کار مؤفقانه باستانشناسان اسیای مرکزی با همکاری باستان شناسان خارجی در این زمینه جهت اتخاذ تصمیم نهائی در قبول سنهٔ کنشکا کمک خواهد کرد . همچنان نویسنده سال ۷۸ میلادی را برای سنه کنشکا ترجیح میدهد .

تولستوف ، س ، پ : ((اسناد حاوی سنه از محل توپرک قلعه و مسأله مبدأ تاریخی ساکا و کنشکا)) DK ، صفحات ۳۰۴ ـ ۳۲۶ . از دیدگاه نویسنده موادی که از توپرک قلعه بدست امده تشابه مبدأ تاریخی کنشکا را با مبدأ ساکا تصدیق میکند . طبق نظر وی اگر فرضیهٔ گیرشمن در مورد برخورد واسیو دیوای اول با شاپور اول قبول گردد ، صرف نیم قرن (نیمه دوم قرن سوم میلادی) برای تاریخ اسیای مرکزی و رویداد های ان در خوارزم باقی خواهد ماند . علاوه بر ان تحلیل های رادیوکاربن فرضیه گیرشمن را تصدیق نمیکند بلکه مبدأ معمول یعنی سال ۷۸ میلادی را تقویه می نماید .

وار در ، ا ، ک : ((سنوات احتمالی پادسوا ، واسیو مترا (II) ، کاراکا و ماترسیتا (که از روایات بودائی استنباط گردیده) و تاریخ ادبیات و فلسفه)) DK ، صفحات ۳۳۷ ـ ۳۳۶ .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

دو شخصیت اولی رهبرانی از شورای بودائیان بودند که این شورا در تحت نظر و تشویق کنشکا قرار داشت، کاراکا بر طبق روایات طبیب شاه بود، در حالیکه ماترسیتا بحیث نویسنده رساله دینی یی به مهاراجا کنیکا یا کنشکا یاد آوری گردیده است، فشرده از نامها و سنوات مربوط بهم که توسط نویسنده ترتیب گردیده است که بر طبق آن سال ۷۸ میلادی بحیث وسیله ممکنه برای دریافت مبدأ تاریخی کنشکا نشان داده میشود. در این اثر نویسنده همچنان پیشنهاد میکند که کنشکای اول و پارسوا تقریباً معاصر واسیو مترای دوم (بحیث یک شخص بزرگ سال) و ناگارجونا بودند. گفته شده است که ماترسیتا توسط یکی از شاگردان ناگارجونا بدین تازه برگشتانده شد و او از قرار معلوم بعداً نامه به کنشکای دوم یا سوم که انها مستقیماً جانشین واسیو دیوای اول گردید فرستاد.

فریدریک ویلیام: ((کنیکا و کنشکا، الوه غوشا و ماترسیتا)) DK صفحات ۳۳۷ـ ۳۴۵.

نویسنده متن تبتی و منابع دیگر مختص به تشابه غیر ثقه کنیکا و کنشکا را از یکسو و از سوی دیگر الوه غوشا و ماترسیتا را مورد بررسی قرار میدهد. نویسنده اشاره میکند که مواد بدست آمده در زمینه به هیچ وجه قادر بحل موضوع نبوده و شامل نکات متضادی میباشند که برای نگارش تاریخ خالی از نواقص نخواهد بود.

زورچر، ای: ((یوچی و کنشکا در منابع چینائی)) DK، صفحات ۳۴۷ـ ۳۹۳.

در این مقاله جامع نویسنده دو نوع موادی را از متون ادبی چینائی که شامل ادبیات غیر مذهبی و ادبیات بودائی میگردند مورد ارزیابی قرار میدهد. مواد اولی که از میان توده های وسیع مردم گرد آوری گردیده حاوی ارزش بوده اما متون دوم که غیر از انست از لحاظ کرونولوژی با واقعیت فاصله میگیرد. در این نوع اطلاعات حاوی سنه کنشکا به سنگها را کشا Sangharakṣa پیشوای مذهبی مرتبط میگردد. یکی از رساله های وی که توسط راهب دانشمند Tao-an (وی معلومات خود را از هیئت اعزامی بسوی کشمیر گرد آوری کرده بود) ترجمه گردیده بود. و در سال ۳۸۴ میلادی تألیف شد. رساله دیگر وی تحت عنوان Yogācārabhumi توسط An-Shi-Kao پارتی که وی در سال ۱۴۸ میلادی به امپراتوری هان رفته بود و در حوالی سال ۱۷۰ میلادی فوت کرد ترجمه شد. این واقعیت ها بیان میدارد که ۱۴۰ میلادی مانعی برای termius ant quem کنشکا میگردد. در نتیجه مباحثات غیر رسمی اعضای شرکت کننده در سیمینار هر یک نظرات شخصی خود را روی مسأله مشخص سنه کنشکا که اختلاف آن بین سال ۷۸ـ ۱۴۴ میلادی میباشد ابراز کردند. نظریه قرن سوم برای عصر کنشکا از جانب هیچ یک از اعضا مورد تائید قرار نگرفت. کانفرانس، به گفته رئیس آن پروفیسور آ. ال. بوشمن با آنکه به نتیجه قطعی نرسید در زمینه خیلی مفید و ارزنده واقع شد. وی شخصاً مایل گردید تا سال ۷۸ میلادی را برای سنه کنشکا مورد تائید قرار دهد. شواهدی که در نتیجه حفریات باستانشناسی در جریان پنجاه سال بعد از کنفرانس که در زمینه قادر بحل موضوع نگردید امید است حل آن به اثر کشفیات باستان شناسی در آینده صورت گیرد.

کنفرانس دوشنبه و سنه کنشکا:

کنفرانس بین المللی دیگری نیز راجع به تاریخ، باستان شناسی و فرهنگ آسیای مرکزی در عصر کوشانی ها در سپتامبر ـ اکتوبر ۱۹۶۸ بحیث محصول برنامه خاص یونسکو در این منطقه دایر گردید. این کنفرانس هم از لحاظ تعداد اعضای شرکت کننده و هم از لحاظ ساحه مشخص مباحثات نسبت به کنفرانس لندن وسیعتر بود. جریان کنفرانس تا هنوز مورد ارزیابی قرار نگرفته است. اما چیزی که در این خصوص مشخص گردیده همانا مقالاتیست که بصورت یک خلاصه که حاوی فعالیت های هندشناسان و باستان شناسان شوروی میباشد تهیه گردیده است. آن بخش مقالات این کنفرانس که مربوط به کرونولوژی و سنه کنشکا میگردند در این جا نیز یاد آوری خواهد گردید. اما بخش دیگر آن که به فرهنگ کوشانی ها در آسیای مرکزی و بازیافته های از مناطق باستان شناسی در آن ساحه ارتباط دارد در تحت عناوین مناسبی در سلسله مقالات این کنفرانس نشر شده است.

زادنیپروفسکی وای، ا.: ((تاریخ بادیه نشینان آسیای مرکزی در عصر کوشانی ها)) خلاصه صفحات، ۱۸ـ ۲۰)

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

قرن دوم قبل از میلاد در تاریخ اسیای مرکزی حاوی مهاجرت های وسیع قبایل بادیه نشین بود که تأثیر مهم ان بر سر نوشت تاریخ کشور های مجاور و تشکل امپراتوری کوشانی ها قابل یاد اوریست • حد اقل سه دسته از قبایل در این رویداد ها سهیم بودند (۱) قبایل اصلی اسیای مرکزی (یوچی و وسون) Wa-Suns and Yueh-Chih (۲) قبایل خود محل مانند ساکا Sakas و کانگیو Kangkiu و (۳) قبایل از منشأ شمال غربی که به سرماتا ها Sarmats (ناحیه بین ارال و کسپین) ارتباط داشتند، نویسنده پیشنهاد میکند که جریان مهاجرت ها و مبارزه طیه یونان و باختر و جنگ های میان قبایل منتج به تشکل قبایل و از جا بجا شدن انها گردید و بالاخره منتج به پیروزی قبیله ٔ که باعث براه انداختن سلسله کوشانی ها شد، گردید • عناصری در فرهنگ هندی عصر کوشانی ها بملاحظه میرسد که انها بیانگر اصل تعلق انها به اسیای مرکزی منحیث نتیجه برخورد با قبایل کوچی میباشد • زیمل، ای، و. : ((۲۷۸ میلادی : سنه کنشکا))، (خلاصه صفحات ۲۲ ـ ۲۷) طبق گفته نویسنده، سال اول کنشکا یعنی ۲۷۸ میلادی توسط د، ر، بهاندار کار در سال ۱۸۹۹ بیان گردیده است، هرگاه اغاز ((عصر نامعین)) سال ۷۸ میلادی تعیین گردد و (و در صورتیکه با عصر ساکا مساوی قبول شود)، و یا در صورتیکه مبدأ تاریخی کنشکا در قرن سوم ان عصر نامشخص پنداشته شود موضوع مورد پذیرش خواهد بود • موادی متعلق به آن عصر نامشخص این فرضیه را (یا در هر حالت با این فرضیه در تضاد قرار نمیگیرد) در ارتباط با سنه قاطع کنشکا تائید میکند • نویسنده در تشخیص مطالب دیگر که توسط بهاندار کار پیشنهاد گردیده از قبیل حکمروایان سلسله اندو ساکا و اندو پارت های دوره قبل از کوشانی ها، فرضیه اینکه Vonones بنیان گذار مبدأ تاریخی مجهول ساکا بود و مطالب دیگر موافق نمیباشد • نویسنده با فرضیه بهاندار کار درباره یکی دانستن ((مبدأ تاریخی نامشخص)) با مبدأ تاریخی ساکا و کوشانی ها و انطباق عصر نامشخص با قرن سوم موافق است • باساس طرح نویسنده • کرونولوژی کنشکا و سلسله دودمان وی از قرار ذیل است :

Kujula Kadphises – c.100-160 of the «unknown era» = c.178-238 A.D.

Vima Kadphises – c.160-200 of the «unknown era» = c.238-278 A.D

Kaniṣka (20)5-(2)28 286-306 (20)1?(2)23 = 278-301 A.D

Vasiṣka (was unknown)(2)24-(2)25 - 302-306 A.D

Huviṣka (2)29-(2)60-307-338 (2)28-(2)60 306-338

Kaniṣka II (was unknown)(2)41 · 319

Vasudeva-(2)74-(2)98 352-376 (2)64-(2)98 342-376.

(in brackets – dates according to the ((unknown)) = Śaka era).

علاوه بر ان، طبق نظر نویسنده حوادث بیانگر سنه ٔ بعد از سقوط سلطنت کوشانی ها، به دو سلسله ٔ ازمنه شناسی ارتباط میگیرد • اغاز سنه انتشار سکه های کوشانی ساسانی گواه بسیار موثق فتح قلمرو کوشانی ها بواسطه ساسانی بوده و این حادثه با سنه ٔ کنشکا در ۲۷۸ میلادی متضاد واقع نمیگردد • کتیبه های گوپتا ـ از متهورا (سال ۶۱ GE ۳۸۰ (۳۸۱ میلادی)، ادریاگری Udayagiri (۸۲ GE = ۴۰۱/۴۰۲ میلادی) و سانچی (۹۳ GE = ۴۱۲/۴۱۳) ـ همچنان با سنه کنشکا یعنی سال ۲۷۸ میلادی طوریکه اشاره گردیده متضاد قرار نمیگیرد • سمندرا گوپتا در جمله ان حکمروایان سرحدی که عین عناوین کوشانی ها را استعمال میکردند قرار میگیرد • این مطلب همچنان از جانب نویسنده طرح گردیده که سنوات قبل از دوره ٔ کوشانی ها بحیث مطلب مورد مباحثه برای هر کدام از نظرات مربوط به سنه کنشکا کاری را از پیش برده نمیتواند • وجود سلطنت های کوچک و تابع سرزمین متعلق به کوشانی ها (در طول مدت استقرار سلطنت کوشانی ها بشمول قرن سوم و چهارم) بحیث سندی در برابر تئوری وی که طبق ان اینها وابسته به قدرت مرکزی حکمرانان کوشانی بود مورد نظر قرار نخواهد گرفت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

همچنان در نظر گرفتن روابط کشاترا پاهای غربی با کوشانی ها بحیث زیر دستان انها جوابی به موضوع ارائه نخواهد کرد. کرونولوژی ساکاکشاترا پاها که بصورت ثابت پی ریزی شده هیچ نوع همزمانی را با تاریخ سلطنت کوشانی ها ارائه نمیدارد.

نویسنده اشاره میدارد که ۲۷۸ میلادی نه تنها راه حل تازه و کاملاً قناعت بخشی را در باره بسیاری از مسایل عصر کوشانی ها ارائه میدارد بلکه یک تجدید نظر عمومی ئی را از منظره تاریخی امپراتوری کوشانی ها بین قرن اول و چهارم میلادی وانمود میسازد. در گذارش اخیر ریچارد فری اشاره شده که زیمل به اساس مطالعه تمام سلسله مسکوکات طلائی نتیجه بدست اورده که تمام سکه های از نوع رومی در قرن سوم، چهارم میلادی در این مناطق اسیای مرکزی باز یافت گردیده است. طبق گفته وی انکشاف سبک صورت های انها، بطور مثال، صورت دیانا Diana (نام الهه ماه و شکار) از شکل حاوی لباس کوتاه تا لباس طویل، و از حالت در رفتن یا کمان خمیده تا صورت ایستاده، بسکه های ایالتی رومی خصوصاً به اناتولیه، در عصری که در فوق ازان تذکار بعمل امد تعلق میگیرند. (نقل از ((اهمیت باستان شناسی مربوط به یونانی ها کوشانی ها در تاریخ اسیای مرکز)) نشریه تاریخ اسیائی، ویسبادن، I (۱)، ۱۹۶۷، صفحه ۴۰).

مقاله دیگری که به کرونولوژی کوشانی ها در ارتباط میباشد، همانا مقاله یو. جی لوکونین است تحت عنوان ((فتوحات ساسانی ها در شرق ایران و مسأله کرونولوژی کوشانی ها)) (خلاصه، صفحات ۳۷-۳۹). طبق گفته نویسنده بعضی از منابع مربوط به ساسانی ها و سکه های کوشانو-ساسانی) برای قرار دادن سنوات اولی ((برای عصر کوشانی ها)) بکار میروند. اولین تذکار مستقیم از امپراتوری کوشانی ها در ارتباط با فعالیت های ساسانی ها در شرق ایران روی کتیبه شاپور اول در کعبه زور استر)) امده است. تاریخ کتیبه ۲۶۲ میباشد. اسناد دیگر وابسته به روابط کوشانو-ساسانی، که بصورت عمومی به مسأله کرونولوژی کوشانی ها بکار میرود، به دوره های بعدی متعلق میگردند. این اسناد شامل منابع اطلاعاتی در باره معلومات شاهان کوشانی ها با شاهان توران و مکران در باره اردشیر اول است، و نوشته های تبری در باره لشکر کشی اردشیر اول به شرق میباشند. بعضی از دانشمندان واسیو دیواشاه کوشانی را در، وسیاجان Vehsajan که در اثر Moses Khorentzi ((تاریخ ارمنیا)) امده یکی میدانند. اما یگانه شاهد فتح اراضی متعلق به قلمرو امپراتوری کوشانی ها بواسطه ساسانی ها سکه های کوشانو ساسانی میباشد. طبق نظر نویسنده اغاز ضرب سلسله سکه های کوشانو-ساسانی متعلق سالهای هفتاد قرن چهارم میلادی است که از نوع سکه های طلائی محدب الشکل با اشاراتی بخط باختری میباشد.

سکه هتی سیتی کوشانو ساسانی در ارتباط نزدیک با سکه های واسیو دیوا فرض گردیده است. این گواه سکه شناسی، همچنان اختتام امپراتوری کوشانی ها را در سالهای شصت و هفتاد قرن چهارم وانمود میسازد. فتح نا تکمیل شاپور اول در زمینه تصرف اراضی که در سابق جزء قلمرو کوشانی ها بود و یا بعداً در تصرف آنها در امد یک قرن بعد انجام یافت، طبق نظر نویسنده، سنه انحطاط امپراتوری کوشانی ها در (سال های هفتاد قرن چهارم میلادی) با فرضیه بهاندار کار و زیمل راجع باینکه کنشکا در سال ۲۷۸ میلادی به حکمروائی خویش اغاز کرد، و کتیبه اخری واسیو دیوا بسال ۳۷۶ میلادی - ۲۷۸ + ۹۸ عصر کنشکا، ارتباط میگیرد، متضاد واقع نمیگردد. این تئوری را لوکونین بصورت غیر قابل مشاجره در راپور جریان کنفرانس که از جانب جی. ازارپای ارائه گردید توضیح کرده است. (باستانشناسی، نیویورک، XXIII، ۳ جون ۱۹۷۰، صفحات ۲۵۴-۲۵۷).

ل. ا. الباوم در مقاله خود راجع به ((طبقه بندی استقرار کوشانی ها در بخش انگور - ناحیه سرخان دریا))، (خلاصه، صفحات ۳۲-۳۴، کانفرانس سال ۱۹۶۸ دوشنبه یا مطالعات کوشانی، صفحات ۱۳۵-۱۳۶) روی مسأله سنه کنشکا در ارتباط با بازیافته هائی از طبقه اصلی کوشانی ها در هراباد (یا خیراباد) تپه شمال

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ترمز بحث میکند . با زیافت سکه های کجولا ، کنشکا ، هوشکا همراه با سکه های نیرو ین محل در زمینه حاوی اهمیت است . طبق بیان نویسنده ، یک دوره انحطاط و زوال در استانه قرن سوم میلادی واقع گردیده بود که در جریان قرون سوم و چهارم ، کار های انجام ناشده قبلی را تلافی نمود . این دوره به اثر کشفیات سکه های واسیو دیوا و سکه های ساسانی های متقدم یعنی هرمزد دوم مشخص گردیده است . (۳۰۲.c ـ ۳۰۹ میلادی) و یک دوره انحطاط رومی نیز در قرن پنجم بوقوع پیوست که سنهٔ ان بواسطه با زیافت سکه های ضرب شد یفتلی های اسیای مرکزی قابل تشخیص است ، این سکه ها به نیمه دوم قرن پنجم یا اغاز قرن ششم اشاره میکند ، این سکه ها به تقلید از ضرب سکه های پیروز در (۴۸۰.c ـ ۴۵۹) میلادی ضرب شده بود .

پیامدهای دیگر : علاوه بر کنفرانس های لندن و دوشنبه که زمینه مباحثات روی سکه کنشکا و سایر مسایل مربوط به انرا فراهم ساخت ، بعضی از دانشمندان که در یکی یا هردوی این کنفرانس ها شرکت داشتند نکات نظر خود را بصورت مقالات جداگانهٔ نیز ترتیب کردند که بعضی از انها حتی قبل از دائر شدن کنفرانس لندن به چاپ رسیده بود . رابرت گوبل یکی از نها است که یک مطالعه جامعی از سکه های کوشانی ها بعمل اورده است . این دانشمند سکه شناس المانی بحیث یکی از طرفداران نظریه اواسط قرن دوم برای سنه کنشکا اظهار میدارد که بعد از یک قرن حکمروائی کوشانی ها طوریکه بواسطه اسناد کتیبه شناسی ، نیز تائید میشود ، سکه های مربوط به ان دوره حاوی اشارهٔ به تقسیم امپراتوری کوشانی ها به دو بخش است ، که گند ها را حد فاصل میان ان دو بخش را تشکیل میداد . حکمروای بخش شمالی که خود را واسیو دیوا می نامید به ضرب سکه های طلائی و مسی که تقلید از سکه های پدرش واسیو دیوا بود ادامه داد . در نیمه جنوبی که یک قلمرو خاص هندی بود ، اولین حکمروا یک کنشکای دیگری بود که وی بدون تردید روش پادشاه قبلی را دنبال کرد و بصورت اتفاقی ستایش شیوا ـ ناندی Siva - Nandi را در انها انتخاب نمود . عقب این سکه ها از لحاظ ایکونوگرافی تازگیهائی را نیز نشان میدهد ، که این تازگی عبارت است از وجود الهه های خیر و برکت که اردوکشو Ardoksho نام داشت و بروی یک تخت دارای متکای بلند با ارایش از نوع غربی نشسته است . در ناحیه یا بخش جنوبی تقسیمات متذکره شاهان کوشانی که انها به کنشکای سوم و واسشکای سوم معروف بودند بحیث ادامه دهندگان این سلسله تا حوالی اواسط قرن چهارم یا تا اغاز عصر گوپتا ادامه یافتند . در ناحیه شمالی امتداد حکمروائی انها تا اندازه زودتر خاتمه یافت که این امر به فشار از جانب ایران ارتباط میگیرد . نویسنده یک سلسله از سکه های کوشانو ـ ساسانی را یاد اوری میکند که انها تغیراتی را وانمود میسازند که در مراحل مختلفی صورت پذیرفته بود ، طبق نظر نویسنده که بار دیگر اغاز عصر کنشکا را در سال ۱۴۴ میلادی قرار میدهد ما ختم دوره واسیو دیوای اول را در سال ۲۴۲ میلادی که بعد از ان این سلسله در تحت اقتدار واسیو دیوای دوم تا زمان هرمزد دوم برای شصت سال ادامه یافت می یابیم و این نظریه به سلطنت یک حکمروای واحد کوشانی که وی مانند اسلافش عمر طویلی داشت موافق است . بعدا گوبل از یک پارچهٔ یاد اوری میکند راجع به ان چیزی نشر نشده و ان عبارت از یک مدالی است با اندازهٔ سکه . در روی این مدال نیم تنه امپراتور روم همراه با نوشتهٔ Constantinus Max(imus) Aug(ustus) نشان داده شده ، همچنان در عقب این مدال الههٔ که وی از یک شاخهٔ افسانه وی محکم گرفته به نظر می خورد . این الهه شبیه اوردوکشو Ardoksho الهه خیر و برکت است که مورد ستایش کوشانی های بعدی بود نوشته روی این مدال با خط غیر معمول تحریر یافته است . در تهٔ شاخه مذکور ، گوبل کلمه tamga را تشخیص کرده یک سمبول اشاره بر نشر ان از جانب حکمروای کوشانی میباشد . گوبل این الهه را معرفی میکند و سپس بیان میدارد که نشر این الهه اولاً از جانب هویشکا برای سکه هایش انتخاب گردید . همچنان کلمه تامگا برای وانمود ساختن هویشکا بدان علاوه گردیده بود . منشاء روم شرقی ان در romanis kkusanisch-mishmedaillon از جانب گوبل مربوط به سنهٔ ۳۲۵ تا ۳۲۶ میلادی بیان شد یا سنهٔ که در ان کونستانتین نیم تاج اراسته

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

با جوا هر را که نوع ان بالا ی سر این نمخ نمز دیده میشود انتخاب کرد ، وی همچنان به نشر سکه ° شا بـه اشاره میکند که در Nikomedia بسال ۳۳۰ میلادی ضرب گردیده و درعقب ان سکه چهره ° الهه شـهر Constantinople نشاندا ده شده که زنی بر تخت نشسته از شا خه ° انسا نوی محکم گرفته است ° طبق گفتـه ° نویسنده ، نوع اولی ارد وکشو بر تخت نشسته بحیث یک سا ختمان معیاری ئی بروی سکه سا زی کشکای دوم میباشد، وی فرض نموده که در mischmedaillon که در روی ان الهه در حا لت ایستاده نشان داده شده بواسطه ° صنعت کا ران کوشا نی بعد ا در زمان سلطنت وا سیو دیوای اول بین سال ۳۲۶ و ۳۳۰ میلادی کار شده است. بعد از انکه خا نواده کوشا نی های بزرگ تقریبا یک قرن را سپری کردند ، کشکا به صر خود بسال ۲۳۰ میلادی اغاز کـرد ° "Dokument zur Gesch der Iranisch Hunnen in Backtrien und Indian" ونسها دن ، II ، ۱۹۶۷ ، صفحه ۳۰۱ در جلد) ° یک مقا له ° مقدماتی که به کشفیات در این زمینه ارتباط دارد که تحت عنوان ذیل به نشر رسیده است ، (Anzeiger of the Vienna Akad dar — گوبل میکوشد تا نظر خود را را جعه سنه ° که برای کشکا (Wiss, Phit-hist. Klasse 1964. بیان داشته با در نظر داشت صر با ختری ((Xsono)) که در سال ۲۳۰ میلادی اغا ز گردیده بود وقبلاً ازان تذ کاری بعمل نیا مده بود تا ئید نما ید ° هیلموت هو مباخ در مقاله اش تحت عنوان ((دو کتیبه ° دو زبا نه از توخـی وا قع در وزبرستان)) انرا نیز مطرح سا خته است ° لندن ،صفحات ۱۲۲ـ۱۲۳ ° د ° وو ° مکدا ول به همکاری ن ° جی ° ویلسون سند پر محتوی ئی را که بر اثر Periplus of the Erythraen Sea (Nomismatic Chronicle, London, 1970, P, 221 ° اتکا دارد به نشر رسا نده و این اثر حاوی فهرستی از مردمان بخش بار یا گا زای شرق هند میباشد که اینها شا مل قبا یل Proclais ، Gandarae ، Arachosii, Arattii میشدند ° ما فوق همه ° انها وجنگجو تر از همه قبیله با ختری بود ، همه این قبا یل تحت اثرشاه کوشا نی هیرا یوس Heraios قرار داشتند ° یک نویسنده بی نام، متن را که حاوی اشاره ° به یک پاد شاه عرب Haluchas of Petra که قلمرو وی بوا سطه ° روم در سال ۱۰۶ میلادی به اشغال در آمد و مربوط به حوا لـی سا لهای صد میلادی میگر د د نیز در میان است ° با ساس گفته ° این نویسند گان سوتر میگاس در سال ۷۸ میلادی هند را فتح کرد ، انها کشکا را در یکی از سا لها ی مربوط به دهه سوم قرن دوم میلادی میدا ند ، و این گفته فرضیه وان ویجک را در مجا سبات ستاره شنا سی اثر در این زمینه پشتیبا نی میکند ° این سنه گذاری از جانب دا ید پتگری در نقد ش از مقا لات را جع به کشکا در نشریه ذیل تردید گردیده است (BSOAS ، XXXIII ، ۳ ، ۱۹۷۰ ، صفحه ۶۴۸ ff) ° متقد با معلومات مخصوص خود از علم نجوم قدیم هند مونوگراف خود را راجع به Yavanajataka مطرح میسا زد) متقد مجا سبات وان ویجک را در باره تعین صر کشکا بسال ۱۲۸ میلادی بر اساس معلومات نجومی و قرار دادن مبدا تاریخی کشکا را در سال ۷۸ میلادی تر دید میکند ° طبق ملا حظات وی متن متذکره یک تصویری را برای گذاری صرسا کا برای کوشا نی ها ارا ئه میکند ° طبق نظر وی واضح است که سال میلادی برای هر دو یکسان یا همانند نمیبا شد ° ا ° ا ج ، بهوار ° ((Hariti و کرونولوژی کوشا نی ها)) ، BSOAS ، نمبر ۳۳ ، صفحه ۱۰ ff ° دا کتر بهوارکه در کنفرا نس کوشا نی در لندن شرکت دا شت بدون سهم دادن کدام مقا له ° در موضوع ، مطا لعه جا لب خود را در باره کرونولوژی کوشا نی ها که مختص به چهار پارچه مجسمه ° حاوی سنه از گذ ها را را به نشر رسا نید ° طبق گفته وی از اینمجسمه پارچه ان سال های سه صدیک صر نا مشخص مربوط میگر دند و چهارم ا ن تا هد تا ° دیده میشود که به صر کشکا مربوط است ° سنه گذاری ستون پا یه ° مجسمه ° بودای ایستاده طبق نظروی مربوط به سال ۳۸۴ نه بلکه به ۲۸۴ صری میشود که در ۱۰۰ قبل از آ مبدا ° تاریخی Yavana است که توسط ا ° ک ° نرا ین پیشنهاد شده) اگر نو سال متذکره مطا بق به ۱۲۹ میلادی میشود °

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مجسمه Mamane Dheri مربوط بسال ۸۹ با ساس مبداء تاریخی کنشکا نه بلکه بواسطه یک عصر قدیمی حساب میشود ، یا حذف اعداد صد طبق فرضیه موجود در زمینه این سنه سال ۲۸۹ مبداء تاریخی Yavana خواهد بود که این مبداء به سال ۱۵۵ قبل از میلاد اغاز گردیده بود و مبین سال متذکره کتیبه در ۳۴ میلادی میگردد . بیوار سال ۲۹۱ (نه ۳۹۹ یا ۱۴۹) را بحیث سنه مجسمه Hariti مربوط به Skarah Dheri ترجیح میدهد این مجسمه بار دیگر با ساس مبداء تاریخی Yavana سنه زده شده که مطابق به ۳۶ میلادی میگردد . مجسمه بودای Loriyan Tangai به سال ۳۱۸ که مطابقت بسال ۶۳ میلادی مینماید میگردد.
چون جلوس کنشکا به واسطه نویسنده از سال ۲۹ میلادی به بعد حساب گردیده بناء تمام این مجسمه ها به زمان سلطنت کنشکا و هم به زمان سلطنت، هوشکا وقف گردیده بود . بیوار همچنان کیش Hāriti را در شمال غرب هند از روی بسیاری از مجسمه ها بیان میدارد که طبق ان این مجسمه ها بحیث سمبول های وقف شده در برابر ... ساری عجیبی که انرا نویسنده به مرض طاعون شدیدی که از جانب شرق در سال ۱۶۵ میلادی به امپراتوری روم داخل گردید مربوط میداند . یک مجسمه Hariti نشسته بر تخت بصورت اتفاقی از جانب دانی در حفریات یک مرکز تجارتی عصر کوشانی ها در Shaikan Dheri ناحیه پشاور در یک طبقه پائین تر همراه با سکه های کنشکا دریافت گردید ، (نشریه پاکستان باستان ، II ، ۱۹۴۵ــ ۶۶ صفحه ۴۱ ، XVI pl).
ج . براف ، از کامبرج (لندن سابق) که وی در هیچ کدام از دو کنفرانس متذکره شرکت نداشت با بعضی تعدیلات و دلایل تازه این ادعای پولی بلانک را پشتیبانی میکند که امپراتوری کوشانی ها در زمان کنشکا نه تنها شامل حوزه تارم میگردید بلکه قریب تا سرحد قلمرو هان واقع در Shan-Shan توسعه یافته بود . انتخاب عنوان یا لقب مطنطنی را که از کلمات باسیلیوس ــ باسلیون Basileos-Basileon تا دیوه پوترا Devaputra از جانب شاه در اسناد رسمی وسعت امپراتوری شان را در ان ناحیه مجسم می سازد . اعزام سفیری از جانب حکمروای کوشانی Po-t'iao (واسیو دیوا Vāsudeva) یک مسافرتی از جانب (حکمروای یک محل کوچک) بود و براف ــ درباره سنه این نفوذ کوشانی ها می نویسد که این حادثه قبل از سال ۱۳۰ میلادی بوقوع نپیوسته بود . (BSOAS ، نمبر ۲۸ ، ۱۹۶۸ ، نمبر ۳۲ ، ۱۹۷۰ ، نمبر ۳۳۵۱ ، ۱۹۷۰) . پیشرفت و انکشاف مطالعات کوشانی روی یک برنامه بین المللی به همکاری دانشمندان کشور های مختلف نتیجه دو کنفرانس قبلی است که به دنبال ان جلسه دیگری تحت نظر یونسکو در سال ۱۹۷۰ در کابل دایر گردید . یک گذارش کوتاهی که از جانب جی ، فوسمن باستانشناس فرانسوی راجع به کشف یک کتیبه سه زبانی در روی یک صخره کوه در دشت ناور واقع در ۶۰ کیلومتری غرب کابل تهیه شده بود حاوی معلومات دلچسپی میباشد . یک شرح ترجمه این کتیبه که به الفبای یونانی تحریر گردیده وجود دارد که جهات بسیار هر کدام از ان سه زبان و نوشته های انها مجهول باقی مانده است از دو قسمت خوانای این کتیبه معلوم میشود که بسال ۲۷۵ یک عصر نامشخص مربوط است نام ویما (Wima) Vima بحیث بحیث پرستنده الهه شانونانا Shaonano که در روی سکه های کوشانی معمول بود نیز در ان ثبت گردیده است . ــ سال و ــ نام حکمروا که در ان کتیبه تذکار یافته که تا هنوز مجهول باقی مانده زیرا با زدید فوسمن از ان محل خیلی کوتاه و وسایل لازم برای مطالعه ان خیلی محدود بود . بعدا این صخره به واسطه روستائیان انجا شکستانده شد و مجال کشفیات بیشتر از لای ان از دست رفت . معلومات راجع باین کتیبه در گذارش مقالات راجع به کنشکا در Bibliotheca Orientalis ، لیدن ، نمبر ۲۷ ، ۱۹۷۰ صفحات ۴۰۳ ــ ۴۰۵ ثبت گردیده است . همچنان در نتایج کنفرانس کابل در نشریه سه ماهه افغانستان نیز به تفصیل راجع به ان اشاره شده است . ، کابل شماره ۲۳ ، ۱۹۷۰ــ ۱۹۷۱ صفحات ، ۶۲ــ ۸۳ .
تحلیل های ا . س . سوپر از مسایل کوشانی و مطالعات اخیر در برگیرنده موضوع سنه کنشکا :
مدیر مسئول نشریه ، Artibus Asia مقاله را در شماره ۱۳ ، ۱۹۷۱ ، قص ، صفحات ۳۳۹ــ ۳۵۰ و

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شماره ۳۴، ۱۹۷۲، ص. ۱، صفحات ۱۰۲ ـ ۱۱۳ مجله خود به نشر رسانده که در ان نظریه دانشمند را که در کنفرانس کوشانی شرکت داشتند و نشرات اخیر راجع به تاریخ و فرهنگ کوشانی ها را خلاصه نموده و در اخیر ان نظریه خود را در بارهٔ مقالات و نظریاتی که از جانب دانشمندان مطرح گردیده تحت کلیشهٔ چشم اندازی از خارج تحلیل و نشر کرده است. وی گفتهٔ ر. س. ماجولدار که در ابتداء بان اشاره کرده بود نقل قول می نماید ((گفتگوی وی یک دفاع نه بلکه در زمینه قضاوتی بشمار میرود)) وی از طریق تعبیرات سالم از واقعیت های اصلی که بر شواهد منطقی بی استوا میباشد به نتیجه نهایی دست میابد و ابهامات خشک و بی محتوا را در قضاوت خود راه نمیدهد)) نویسنده در یک یادداشت طویلی معلومات را از تاریخ چین که مربوط به سلسله های Sung و Liao تا سلسله Ch'ing (از قرن دهم تا ۱۹۱۲) میشود نقل میکند و اشاره می نماید که دورهٔ پادشاهی Yuan (Kin) Chin و فاصلهٔ ۱۲ سال سلسله Ch'ing ۲۶۴ را به صورت اوسط در بر میگیرد موادی که از انها کرونولوژی دورهٔ ما قبل کوشانی ها در افغانستان و شمال هند تنظیم میگردد، یک دورهٔ که شامل یک مدت طویلی نسبت بادعای نراین که انرا حد اقل دو قرن و ماجومدار ان را سه قرن میداند وانمود میگردد. برحسب تئوری سال ۱۴۴ گیرشمن منقد اشاره میکند که دانشمندان شوروی موازات کرونولوژی باستان شناسان فرانسوی را که در فاصله بین سرنوشت بگرام و محلات شهری در ترکستان شوروی مطرح گردیده رد می نماید. اما ماریک انرا تردید نموده بیان میدارد که تخریب بگرام در مرحله دوم بصورت واضح به فشار ساسانی ها بسوی شرق ارتباط دارد. این مقاله علاوتا توضیح میکند که حفریات منظم در حوالی متهورا یک یا دو معبد بودائی متعلق بدوره اخیر را باز یافت کرده که با معابدی که در اطراف تاکسیلا یا کتیبه هایی که بسال بعد از ۹۸ مربوط میشوند قابل مقایسه است و شواهد چینائی طبق گفتهٔ وی در این زمینه بصورت کامل مورد استفاده نمیباشد. ادعای توسعه حکمروائی کوشانی ها از پامیر تا حوزه تارم نزد نویسنده غیر قابل پذیرش نمیباشد. طبق گفته وی ((این قابل پذیرش نیست)) و نویسنده اشاره میکند ((که چنین تغیر عمده و قابل تامل در بارهٔ توازن نیرو های اسیای مرکزی یعنی تاخت و تاز عمومی کوشانی ها بدون اطلاع سالنامه نگاران خانواده هان بعدی بوقوع پیوسته بود)). طبق نظر وی بسیار مشکل است تا مسالهٔ قدرت کوشانی ها بیان گردد و یا حتی شکوهمندی ان طوریکه درخشیده بود در میان گذاشته شود. همچنان نویسنده بیان میدارد که منابع چینائی با هرکدام از نظریات دیگری که سنهٔ مربوط به قرن سوم را برای عصر کوشانی ها مطرح میسازد جدی ترمخالفت میکند. Po-t'iao در سالنامه های قرن سوم میلادی سلطنت Wei در سال ـ ۲۳ میلادی شرح یافته و این زمانیست که پادشاه کوشانی های بزرگ نمایندهٔ را همراه با پیشکش به دربار وی فرستاد، این پادشاه احتمالاً واسیو دیوای اول یا دوم متعلق به سلسله کوشانی های بزرگ بوده باشد. وی پادشاه مقتدری بود که در بار چین اولین بار به وی لقب سلطنتی را گذاشت که طبق آن وی را (دوست Wei کبیر نامیدند). با ساس قاعدهٔ کرونولوژیکی سوپر تصور میشود که ویما در ربع اخیر قرن اول به تخت سلطنت کوشانی ها جلوس کرد و در اوایل قرن دوم وفات نمود که کنشکا در سال ـ ۱۱۰ ـ ۱۱۵ میلادی جانشین وی گردید. در بارهٔ کشف گوبل ((romisch-Kushanisch mischmedaillo)) سوپر اظهار میدارد که وی یک سند تازهٔ ساختگی خارجی را که بواسطهٔ قالب کندهٔ بومی ماهر در روی کاپی سکهٔ کونستانتین صورت گرفته بود مشاهده میکند. برای نوشتن نام الههٔ لاتین و یونانی را برگزیده بودند. همچنان پارچهٔ که ازان یادآوری بعمل امد حاوی رابطهٔ با سنهٔ کنشکا نمیباشد.

سلسله اخلاف کنشکا ـ

علاوه بر سوال سنه کنشکا که هنوز حل ناشده باقی مانده است، مسالهٔ دیگری که با اخلاف کنشکا ارتباط میگیرد به همین صورت تا هنوز حل نگردیده است. در مقالهٔ تحت عنوان ((جانشینی سلسله کوشانی ها)) که از جانب پروفیسور ا. ل. بوشمن به نشریه دانشکده مطالعات اسیائی افریقائی، XX، ۱۹۵۷، صفحات ۷۷ ـ ۸۸ تهیه گردیده، نظریات مختلف موجود در زمینه جانشینی بعد از کنشکا را مورد ارزیابی قرار داده است. این مسئله به سادگی قابل حل است اما به نسبت دو فکتور در زمینه به مشکلی مواجه میگردد. اینها عبارتند از تذکار Rajan Vāskuṣāna در کتیبهٔ Sanči مربوط به سال ۲۲ و تذکار کنشکا پسر Vajheṣka حکمروا

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

در کتیبهٔ ارا Ara واقع در پنجاب بسال ۴۱، زمانیکه هوشکا امپراتور کوشانی بود و امپراتوری وسیع وی در غرب افغانستان و در شرق بهار را احتوا میکرد. در مورد این Vāskuṣāna پیشنهاد گردیده که وی همان واسشکای معروف است که بحیث همکار نزدیک کنشکا در زمان حیاتش ایفای وظیفه میکرد و بعدا در سال ۲۴–۲۸ جانشین او گردید و از آن پس هویشکا که وی دورهٔ پادشاهی طویلی داشت یعنی از سال ۲۸–۶۰ جانشین وی گردید. در این فاصله بسال ۴۱ یک حکمروای دیگری بنام کنشکا پسر واجشکا Vājheṣka از قرار معلوم واسشکا پا به عرصه می گذارد که بعداً از وی چیزی شنیده نمیشود. توضیحات متعددی درین باره از روی شرح معلومات تدارک شده. از کتیبه آرا مربوط بسال ۴۱ بعمل امده است. و. ا. سمت (EHI، صفحه ۲۸۶) و بدنبال وی ر. د. بنرجی (IA، XXXVII، ۱۹۰۸، صفحه ۵۸ ff) اشاره کرده اند که این کتیبه به کس دیگری غیر از کنشکای کبیر مربوط نمیشود و وی در سالهای اینده و بروز مسایل نظامی در اسیای مرکزی و فشار ناشی از آن واسشکا را در هند بحیث نایب السلطنهٔ خود مقرر داشت که اندکی بعد وی جانشین پدر گردید و برادرش هویشکا جانشین او شد. بگفتهٔ بوشمن این تئوری دور از ردیف نظرات ممکن در زمینه نمیباشد اما این به مشکل قابل پذیرش است که پادشاهی که در عصر خود چنین بزرگ، موثر و هنوز زنده و بر سر اقتدار باشد فرامونر گردد. گیرشمن می گوید که کتیبه ارا براستی به کنشکای کبیر اشاره میکند. و این اشاره به زمینهٔ سنه عصری که این کتیبه بدان متعلق است و بواسطهٔ کنشکا بمیان امده بود متوجه میگردد. (بگرام صفحات ۱۰۱–۱۰۲). همچنان دیده میشود که توضیحات کتیبه ارا به احتمال زیاد بصورت قرار دادی بعمل امده که طبق ان به کنشکای دومی که وی بر قسمتی از امپراتوری کوشانی ها در سال ۴۱ حکومت کرد اشاره میشود (CII، I، (I)، صفحه IXXX). بر حسب نظر ف. وو. توماس هویشکا برادر جوان کنشکای اول یا واسشکا بود، اخر الذکر بعد از یک دوره کوتاه پادشاهی فوت کرد و هویشکا در صورت صغارت پسر واسشکا، کنشکای دوم قدرت را بدست گرفت. وقتی کنشکای دوم بزرگ شد از جانب هویشکا در بدست اوردن بخشی از قدرت دولتی مجال یافت و مسألهٔ جانشینی به همین اساس از طریق وی دنبال گردید (فصل چاپ ناشدهٔ از کامبرج هستوری اف اندیا II که از جانب ا. ل. بوشمن در مقاله اش نقل قول گردیده است) با ساس این نظریه بوشمن امکانات دیگری را اشاره میکند، یعنی وجود کنشکای دوم برادر هویشکا که وی در یک دوره کوتاه شریک قدرتش بود و یا کنشکا یکی از اعضای وابستگان غیر مستقیم خانواده کوشانی بود که وی برای یک مدت در بخشی از امپراتوری کوشانی ها قدرت را غصب کرده بود (op. cit، صفحه ۸۰).

در مقالهٔ دیگری تحت عنوان ((یادداشت ها در باره عصر سیتی)) که ضمیمه بر مقاله ون لو هوزین–دی–لیو (JRAS ۱۹۵۲، صفحات ۱۰۸–۱۱۶، تکرار مقاله در صفحات ۱۶۸–۱۷۱ همانجا) میباشد، ف–وو. توماس راه حلی را در زمینه پیش میکند که طبق ان، دیده میشود وی یک راه حلی منطقی را در مورد این پروبلم وانمود کرده است، یا نقل قول از کتیبهٔ بدون سنه متهورا که اشاره میکند بر mahārāja-rajātrajasa-devaputrasya Haviṣkasya pitamahasya (JRAS ۱۹۲۴، صفحات ۴۰۲–۴۰۳). که باینصورت ترجمه گردیده است ((پدر کلان هویشکا)) و یا همچنان ((از هویشکا پدر کلانش)) بعداً پادشاهی کرد توماس اشاره میکند که ترجمه دومی درست تر میباشد، زیرا نام پدر کلان طبق معمول از جانب نواسه اش به ارث برده شده بود)). فرضیهٔ موجودیت دو هویشکا بسیاری از مشکلات در زمینه را از بین میبرد، اما تئوری اینکه یکی از ین هویشکا پدر کلان دیگرش بود مشکلات دیگری را به میان می اورد. طبق نظر بوشمن یک با دیگر، هویشکای اول پسر واسشکا و نواسه کنشکای اول بود، وی پسری داشت که در صورت صغارت وی هویشکای دوم جانشین وی گردید. این سلطنت برای دو یا سه سال بدست کنشکای دوم برادر بزرگ هویشکای اول قرار گرفت که وی بعداً به نفع نواسه بزرگش از سلطنت استعفا داد و بعد از ۲۰ سال سلطنت او پسرش واسیودیوا جانشین وی گردید (op. cit، صفحه ۸۱) بدون شک این سلسله شامل شش نسل در جریان ۹۸ سال میگردند، که بصورت اوسط هر کدام انها از ۱۴ تا ۱۷ سال را در بر میگیرند که واقعا یک دورهٔ کوتاهی بشمار میرود.

این مطلب نیز از جانب بوشمن پیشنهاد گردیده که هویشکا یک مزاحم بود که او بعد از مرگ واسشکا و در زمان صغارت کنشکای دوم پسر اخیر الذکر سلطنت را مدتی غصب کرد. وقتیکه کنشکای دوم بزرگ شد وی خود ش پادشاه گردید اما بعداً بزودی یا مرد و یا معزول گردید و چون وارثی در میان نگذاشت بناء دومین پسر عمش جانشین

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

وی گردید • این هم نواسه هویشکای اول که وی غاصب سلطنت بود میباشد ، او بزودی وفات کرد و ممکن است توسط کنشکای دوم در همان وقت یا بعد تر اعدام گردیده باشد • طبق نظر بوشمن (op ، cit ، ۸۳) تفسیر توماس را از کتیبه متهوراکه فاقد سنه میباشد و ان به وجود وهویشکا اشاره میکند نا درست میداند • اما این گفته به هیچوجه بدان معنی نیست که اشاره وی را که طبق ان واقعا دو هویشکا وجود داشت باطل نمیسازد • در واقع به نظر میخورد که این تفسیر بسیار احتمالی ئی از این کتیبه است و بناً وانمود میشود که واقعیت غیر از انست که یک هویشکا نواسه هویشکای دیگری بوده باشد • بوشمن اظهار میکند که واسشکا و هویشکای اول پسران کنشکای اول خواهند بود ، کنشکای دوم و هویشکای دوم پسران واسشکا است که به دنبال انها واسیودیوا پسر کنشکای دوم قرار قرار میگیرد ، و همین سلسله صرف تا پنج نسل ادامه میابد •

گره مشکلی که هویشکا وکنشکای متذکره در کتیبه ارا بسال ۴۱ را بخود پیچانده بود توسط لودر و ستین کنو به طرق مختلف از هم باز گردید • لودر میپندارد که واسشکا جانشین کنشکای کبیر گردید که بعد از مرگ وی امپراتوری کوشانی ها با کنشکای دوم که وی در شمال حکم میراند تقسیم گردید ، در حالیکه هویشکا تقسیم خود را در ملک هند بدست گرفت • بعد از ان همچنان هویشکا حکمران منطقه شمالی نیز گردید ، در سال ۵۱ در کتیبه وردگ از وی بحیث امپراتور یاد اوری گردیده است • طبق گفته ستین کنو این تیوری یگانه تیوری میباشد که ما را با تعدیلات مختصر به یک راه حل قانع کننده ئی در موضوع رهنمائی میکند • ستین کنو پیشنهاد کرده که هویشکا جنرال کنشکای کبیر بود و او فاتح کشمیر به شمار میرود • وی احتمالاً برادر واسشکا بوده ، و بعد از وفات اخیر الذکر طوری معلوم میشود که قبل از سال ۳۳ حکمران و یا نائب السلطنه ایالات شرقی گردید • اما با دقت کامل دیده میشود که وی قبل از سال ۴۰ بحیث امپراتور (rājātirāja) مشخص نگردیده است و بعد از ان بود که وی ملقب به مهاراجا دیوه پوترا Maharaja devaputra گردید • به این اساس ممکن است تصور شود که وی خود را قبل از این تاریخ ازاد نساخته بود (نقل از CI ، II ، (i) صفحه lxxxi) • از جملهٔ دانشمندان هندی جی • ن • بنرجی ، پیشنهاد میکند که مسالهٔ تقسیم امپراتوری کوشانی ها بعد از واسشکا که وی قدرتشرا در بخش وسیع شمال غرب که که تا اندازه نا مشخص میباشد ، نتیجه مثبتی بار نمیاورد • توضیحات صرف احتمالی وی بر انست که هویشکا در ان نواحی برای یک دوره کوتاه ، حیثیت حمکروا را بخود گرفت • کنشکای دوم طوری معلوم میشود که قبل از هویشکا وفات کرد که تا اکنون کتیبه یا سند دیگری از سلطنت وی کشف نگردیده است (تاریخ جامع هند ، II ، ۱۹۵۷ ، صفحه ، ۲۴۶) • و • و • میراشی ، علاوتا توضیحات لودر و ستین کنو را در مقاله اش تحت عنوان " سنه ستون پایه متهو را مربوط کنشکا " را میپذیرد ، (EI ، XXXVI صفحات ۲۹۳ — ۲۹۷) • ب • ن پوری میپندارد که هردو ، واشکوشانا — واسشکا ، Vaskuṣana-Vasiṣka و پسرش کنشکا بحیث کوشانی های بعدی که بنام کوشانا پوترا معروف اند ، توالی سلسله کنشکارا بعد از وفات واسیودیوا دنبال میکند که تشکیل دهندهٔ سلسله جداگانه بشمار میروند ، این سلسله با واماتاکشا Vamatakṣa شروع و به کنشکای سوم متذکره در ستون پایه مات در متهورا بسال ۴۱ (؟) خاتمه میابند • وی نظر خود را در مقاله اش تحت عنوان ، Kuṣānaputras ، ، (IC ، VIII ، صفحات ۱۹۳) وهمچنان در کتاب مستقل وی تحت عنوان ، هند تحت اثر کوشانی ها ، فصل ۱۷ مطرح کرده است • س • ر • کرشنا ما چارلو در مقاله اش تحت عنوان ، شاه واسکوشانا مشخص بود ، (PIHC ، VII ، ۱۹۴۴ ، (۱۹۴۶) ، صفحه ۱۳۵ ، ff) • شاه واسکوشانای متذکره در فهرست لودر نمبر ۱۶۱ ، سنه ۶۱ Sam را با واساشکا یا واسشکای سلسله کوشانی یکی میداند •

کوشانی های متأخر :

تاریخ کوشانی ها در زمان هویشکا و واسیودیوا بدون تردید واضح است اما روابط یکی ان با دیگرش مشخص نمیباشد ، کتیبه های هویشکا تا سال ۶۲ تاریخ زده شده است و سکه های وی که از یک منطقه وسیع ، کاپیسا تا بهار دریافت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

گردیده اشاره کنندهٔ یک امپراتوری وسیعیست که وی بر ان حکم میراند • قدیمی ترین سند جانشینی وی به سال ۶۷ مربوط میگردد • واسدیوا همچنان بر یک قلمرو وسیعی حکم میراند که از شهر بهلول ، جمالگره و بگرام در شمال غرب تا بهار در شرق امتداد داشت • وی همچنان کسیست که بسال ۲۳۰ سفیری را به نزد امپراتور چین فرستاد و از وی عنوان ، شاه ته یوچی ، دوست Wei وی ، را دریافت کرد ، این مطلب در San-Kouo-tche ثبت گردیده است • یکی بودن Po-tiao با واسدیوا یک واقعیت پذیرفته شده است ، اما بعضی از دانشمندان انرا واسدیوای دوم و مربوط به خانواده کوشانی های بعدی میدانند (لوهوزین دی ، لیو صر سیتن صفحه ۳۱۹ ، بنوجی ، H ، com ، I ، II ، صفحه ۲۳۸) گیرشمن این واسدیوا را با واسیاجان Vahsad شاه کوشانی که بواسطه Khorena ، موسیس ارمنی نام برده شده (ژورنال اف ولد هستوری ، Jan III (۳) ، صفحه ۱۰۱) یکی میداند • توالی سلسله کوشانی های ، احتمال زیاد در زمان حیات واسدیوا با بصورت فوری بعد از وی طوری دیده میشود که بصورت موقتی به اثر شکست حکمروای ان خانواده و ویرانی مرکز انها از جانب ساسانی ها قطع میشود • بعد از وقفه کوتاه این سلسله دوباره ، احیا میگردند • شواهد این حادثه به اثر حفریات باستانشناسی در بگرام و سائر مناطق مربوط به اسیای مرکزی اتحاد شوروی بدست امده است، و انها را گیرشمن برای ثابت ساختن فرضیه خویش ترتیب کرده است • وی همچنان کتیبه شاپور اول را که در دیوار کعبه زردشت یا معبد زوراستر در نقش رستم نزدیک پارسی پولیس (۲۴۱ـ۲۷۲) موجود است نقل میکند • این کتیبه احتمالا در حوالی سالهای ۲۶۲ـ۲۶۳ به ارتباط پیروزی وی بر روم نوشته شده بود • در این کتیبه که به سه زبان تحریر یافته ماخذی در باره کوشانی ها وقلمروشان که به واسطه شاپور اول ضمیمه قلمروش گردیده بود وجود دارد • این مطلب که پایان سلسله سلطنتی کوشانی ها در زمان واسدیوا بوقوع پیوست و شخصی که انرا انجام داد شاپور اول میباشد از جانب گیرشمن پیشنهاد شده است • این فرضیه گیرشمن را ملاحظه کنید در :

Recherches sur les Res Gesta Divi Sapories Broxelens, 1953. P, 98-110 .

تردید نموده است • وی با نقل قول از تهری اشاره میکند که این فتح کار اردشیر پدرش بود که در زمان فتح باختر صورت گرفت • این مطلب منتج به ان شد که حکمروای کوشانی تسلیم طلبی ئی را در مقابل ساسانی ها قبول نماید • به این ارتباط همچنان این منبع معلوماتی در باره ویرانی معبد اتش پرستی سرخ کوتل ارائه میدارد • حفریات در این معبد سه مرحله را اشکار ساخته است، اولی ان مربوط به اصار معبد میگردد ، دومی ان مرحله افزایش و الحاق ساختمان تازهٔ را به پلان یا نقشه سابق نشان میدهد که در نتیجه اتش سوزی کار ساختمان ان خاتمه یافت ، و مرحله سومی ان مربوط به زمان پایان این طوفان میگردد که بصورت صوری توسط معماران غیر ماهری اصار گردیده بود • شلم بزه شاختمان این معبد را به کوشانی های بزرگ که تعداد سکه های انها شامل چهارده عدد میگردند (هفت از کنشکا ، دو از هویشکا و باقی ان نا مشخص است) وهمه انها از مرکز قدیمی معبد و یا مجاورت ان در یافت گردیده است نسبت میدهد • طبق نظر وی ویرانی سرخ کوتل از جانب اردشیر در زمان فتح باختر که بعد از ان حکمران کوشانی اطاعت از حکمروای ساسانی را پذیرفت صورت گرفت (Le temple de Surkh-Kotal en Bactriana ، ژورنال ازیاتیک ، ۱۹۵۲ ، صفحات ۵۳۳ـ۵۳۴ ، ۱۹۵۴ ، صفحات ۱۰۵ـ۱۶۱ ؛ صفحات ۲۶۹ ـ ۲۷۰) ، همچنان مقالات متعدد دیگری از شلم بزه در باره سرخ کوتل وجود دارد که در بیلیو گرافی معرفی شرح یافته است •

در این ارتباط روزنفیلد پیشنهاد کرده است که در پایان سلطنت هویشکا یک سلسله اتش سوزی در سرخ کوتل به وقوع پیوست و بعد از ان بود که این منطقه به شکل تازه تری اصار معبد گردید • این مرحله اختتام یا فعالیت معبد در معبد مربوط میشود به ظهور ساسانی ها در جنوب باختر و این موضوع از باز یافت سکه های کوشانو ساسانی از معبد کوچک اتش پرستی در بالای یک سطح بالای اتش سوزی از زیر یک تشر ضخیم بنایی که موجود بود و در

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

معرض هوا قرار داشت واضح میشود ، (هنرهای عصر کوشانی ، ۱۶۲) همچنان از جانب وی پیشنهاد شده که تعداد سکه های واسیو دیوا که در حوالی تاکسیلا در ته خاک شده بود به یک حالت بحرانی اشاره میکند که مناطقی در افغانستان و اسیای مرکزی اتحاد شوروی شواهدی از ویرانی و آتش سوزی در آن عصر را وانمود میسازد ؛ شواهد سکه شناسی نشان میدهد که امپراتوری کوشانی ها در زمان سلطنت واسیو دیوا و یا بعداً سلطنت او بدو بخش منقسم گردید . علاوتاً واضح است که ساسانی ها که با اردشیر اول و شاپور اول در این مناطق تازه وارد شدند تسلط شان تا زمان شاپور دوم دوام یافت (نیمه قرن سوم میلادی) ، در این مناطق وسیع به نظارت و تحدید پرداختند . (همانجا ، صفحه ۱۰۵) . روابط کوشانو ـ ساسانی ها با مراجعه به مطالعه سکه های انها توجه یک تعداد محدود دانشمندان را بر انگیخت . ای . هرز فیلد ، مطالعه وسیع خود را از سکه های کوشانو ـ ساسانی تحت عنوان ذیل به نشر رساند ؛

Memor of the Archaeological Survy of India No.33

(از جانب داوید ر . ب . در JRAS ، ۱۹۲۳ ، صفحات ، ۲۱۹ ، تجدید نظر گردید) .

نویسنده در این مطالعه سکه شناسی خود متمایل است تا روابط بین سلسله های شمال غرب هند را با ساسانی ها در جریان قرن سوم نشان دهد ؛ مطالعه دیگری از ان توسط ج . باتیالی تحت عنوان ،

Notes sur la nomismatique des Kuṣana (Arethus, fac. 18. 1928. pp. 19–85,

صورت گرفت که روابط این دو را شرح میدهد و از جانب داوید اقتباس گردید ((Contribution a l etude l art du Gandhara no. 405

وی در این جا اشاره میکند که اختلاف بین سکه های واسیدیوا (س ، ۲۲۰ میلادی) و سکه های ساسانی ها دیده نمیشود که در نتیجه ان مشکل بنظر میخورد تا انها به دو گروپ تقسیم گردند ؛ طبق نظر وی شاهی که به واسطه اردشیر مغلوب گشت اخرین حکمروای قلمروی بود که اردشیر سکه های خود را از نوع سکه های وی اقتباس کرد . و این سکه ها ستاتیر واسیو دیوا میباشد . مطالعه مشابهی از مواد سکه شناسی از جانب ا . اچ . بیوار صورت گرفته که انرا در مقاله اش تحت عنوان سکه های کوشانو ـ ساسانی ، در JNSI ، XVIII (۱۹۵۶) ، بخش اول ، صفحات ۱۳ ـ ۴۶ . بنشر رساند . محتوی این مقالات از دیدگاه سکه شناسی بعدا بصورت جداگانه شرح خواهد شد . روشن ساختن ، به اصطلاح عصر تاریک در تاریخ هند باستان بین عصر کوشانی ها و گوپتاها بواسطه یک سلسله کتیبه ها و سکه های که به عصر ان حکمروایان کوشانی که انها امپراتوری کوشانی ها را ادامه دادند بعمل امده است . سند بسیار مهمی از این سلسله همانا کتیبه ستون پایه مات متهور است که متعلق به سال ۱۴ شاه کنشکا میباشد . کتیبه های این دوره توجه بسیاری از دانشمندان را جلب کرده است که آنها یک مرحله انتقالی را با یک شکل پیشرفته کلماتی مثل ma و ha را وانمود میسازند و انها بیانگر نزدیکی به انواع متعدد نوشته های گوپتاها میباشند . د . ر . شاهنی اولین کسی بود که این صورت ها را مادامیکه این کتیبه را برای نشر در Epigraphia India ، XIX ، ۱۹۲۷ صفحه ۹۶ ـ ۷۹ اماده میساخت شرح داده است . طبق گفته وی چیز عمدهٔ جالب در این کتیبه در واقعیتی نهفته است که طبق ان این اولین کتیبه براهمی عصر کوشانی ها میباشد . در این کتیبه ها نام ماه شمسی هندوئی بحیث ماه سنه کتیبه به عوض نام فصلی که در دیگر کتیبه های براهمی این عصر بصورت تغییر نا پذیر امده اقتباس شده است . شاهنی اهمیت انرا به دلایل دیگری شرح میدهد . تا اکنون کتیبه دیگر کنشکا در بین سالهای ۱۱ و ۱۲ عصر کنشکا که حاوی سنه باشد وجود ندارد . سند موجوده که در سال ۱۴ ان شاه تاریخ زده شده خلای متذکره را پر میکند . محقق مذکور این کنشکا را از کنشکای کبیر مجزا نمیسازد .

اچ . ر . خوند کار در مقاله اش تحت عنوان « سنه گذاری قبل از گوپتا » (IC ، ۱۷ ، ۱۹۳۷ ـ ۱۹۳۸ ، صفحات ۴۱۱ ـ ۴۱۴) اهمیت این کتیبه را از نظر تاریخ کوشانی های بعدی تشریح میکند و وی سوالی را مطرح میسازد که ایا کنشکای متذکره در کتیبه فوق با کنشکای سال ۳ و ۱۱ و یا با کنشکای کتیبه ارا مربوط سال ۴۱ ،

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

یکی میباشد و یا وی شخصیست که تا هنوز برای تاریخ کوشانی ها مجهول است و یا کنشکای سوم است . طبق گفته وی به اساس شواهد اخیر مربوط به این موضوع وی در تاریخ کوشانی ها کنشکای سوم است • وی همچنان شواهد کتیبه شناسی را در این زمینه شواهد بسیار با ارزش وانمود میسازد • و پیشنهاد میکند که کتیبه مورد بحث مربوط به کنشکائی میباشد که پادشاهی وی به دوره گوپتاها بسیار نزدیک بود • خوند کار قبلا کتیبه دیگری را که مربوط به Kuṣānaputra بود و از سات بدست امده شرح میدهد ، این کتیبه یک حکمروای بعدی ئی را که وی پسر کوشا ، که نام شخص اول حکمروای ان (کجولا کدفیزس) نمیباشد بیان میکند ، طوری که جایاسوال پیشنهاد کرده (JRAS ، VI . صفحات ۱۲ـ۲۲) ، در ان زمان یک دوره تاریخی وجود داشت که در ان خانواده های بر سر اقتدار بطور مثال Kadamba ، Calukya ، وغیره به نظر میخورند ، که بعد از اولین حکمروای انها Kadamba ، Calukya ، نامیده میشدند • طبق گفته نویسنده این مقاله ، کلمه Kuṣānaputra بدون تردید طوری معلوم میشود که به خانواده کوشانی های بزرگ بعدی که واسشکا = واجشکا ، کنشکای دوم و دیگران بدان متعلق بودند اطلاق گردیده است • اگر کنشکای متذکره در کتیبه ارا با کنشکای دوم یکی دانسته شود ، پس این نامی که در این کتیبه امده کنشکای سوم خواهد بود • ب • ن • پوری در مقاله اش تحت عنوان ، " Kusanaputras " که در (IC ، VIII ، ۱۹۴۲ـ۱۹۴۳ ، صفحات ۱۹۱ـ۱۹۶) به چاپ رسیده است می کوشد تا به اساس مطالعه کتیبه های متذکره و یک تعداد سکه های حاوی خصوصیات مشترک با تشریحات کتیبه های اخیر براهمی و خروشتی این دوره چگونگی تاریخ دوره سلطنتی کوشانی های بعدی را توضیح میکند • نویسنده در این خانواده کوشانا پوترا و اماتاکشا Vamtakṣa را که تصور شده وی موسس انها بوده ، شامل میسازد وی را کوشانا را با واسشکای متذکره در کتیبه های متهورا و سانچی ، کنشکای کتیبه ارا و کنشکای کتیبه ستون پایه مات را که طبق نظر وی به سال ۸۴ نه بلکه بسال ۱۴ مربوط میگردد یکی دانسته است که عبارت از کنشکای سوم میباشد • در این ارتباط پیشنهاد گردیده که عصر مشهور ۲۴۸ـ۲۴۹ میلادی که بعدا به نام عصر Kalachuri معروف گردید توسط اولین حکمروای این خانواده اساس گذاشته شد • کرونولوژی کوشانی های بعدی یا کوشانا پوتراها که از جانب نویسنده بیان شده از قرار ذیل میباشد :

Vamtakṣa - A.D-248-9 - c. 268; Kaniṣka II - year 41 = c. AD 289;

Vasu-Vasiṣka-22-28 = c. AD. 270-; Kaniṣka III - year 84 = c. AD. 332.

ب • ن • پوری در اثرش تحت عنوان "هنر تحت اثر کوشانی ها" تاریخ کوشانی های متاخر را در فصل چهارم صفحات ۶۹ـ۷۸ ، بصورت مجزا با یادداشت های فراوانی اورده است • وی در این اثر همچنان نظر خود را در باره کنشکای متذکره در کتیبه متهورا تغییر میدهد • بعد از مرور بر اصل کتیبه که اکنون در موزیم پتنه موجود است ، نویسنده سنه انرا یعنی سال ۱۴ را که از جانب د • ر • شاهنی پیشنهاد شده می پذیرد و تاریخ گذاری انرا به اساس صدهای هذف شده تشریح میکند • وی علاوتا کنشکای کتیبه ارا را با سرخ کوتل که مربوط سال ۳۱ میباشد یکی میداند • در شرح اسناد کتیبه شناسی ، وی به سکه های دو حکمران کوشانی متاخر ـ کنشکا و واسیو = واسیو دیوا نیز اشاره میکند

طبق نظر وی مشکل است تا بصورت دقیق گفته شود که کنشکای مربوط به خانواده کوشانی های متاخر که سکه های وی نیز باز یافت گردیده • همان کنشکای کتیبه سال ۱۴ متهورا یا کنشکای کتیبه سرخ کوتل سال ۳۱ و ارا مربوط سال ۴۱ خواهد بود • همچنان در این اثر اشاره شده که اسناد کتیبه شناسی به کنشکای سوم بحیث اخرین حکمروای این خانواده اشاره میکند • که به احتمال زیاد در شمال هند ، Yaudheyas ، Kunindas ، Malavas ، Nagas ، Maghas ، رشته های قدرت کوشانی ها را ازهم گسیختند • در شمال غرب

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

قدرت کوشانی ها تا اخیر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم میلادی دوام کرد و انها در این منطقه لقب یا علامت Kidara Kuṣāna، را بخود اختیار کردند • و اخرالامر به اثر حملات شدید هونها در قرن پنجم معدوم گشتند کتیبه ستون پایه متهورا هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ کتیبه شناسی نظر دانشمندان را بخود جلب کرده است و • و • میراشرد رمقاله خود تحت عنوان « سنه کتیبهٔ ستون پایهٔ متهورا مربوط کشکا » EI، XXVI، صفحات ۲۹۲-۲۹۷) خواندن این کتیبه را تصحیح میکند • طبق گفته وی این کتیبه متعلق به روز دهم ماه Pausa، در سال ۵۴ (نه ۲۴) زمان سلطنت مهاراجا دیوه پوترا کشکا میباشد • وی یکی بودن این کشکا را با کشکائی که در کتیبه ارا از ان نام گرفته شده میپذیرد و میکوشد تا موقف متصادم کشکای دوم و هویشکا را در اوایل سالهای پنجاه عصر کوشانی ها به طریقه افسانوی اصلاح نماید • وی اظهار میدارد که در امپراتوری کوشانی ها بعد از مرگ واسشکا بسال ۲۸ جنگ داخلی رو نما شد، در ان وقت اولاً کشکای دوم فاتح گردید و بحیث امپراتور تا سال ۴۱ حکم راند بعد از انکه وی از قدرت افتاد هویشکا دوباره بر سر قدرت امد و او را به یک موقف زیر دست خود تنزیل داد که بعداً بزودی هردو ی انها توسط شخص دیگری مغلوب گشتند و به موقف زیر دستی درامدند • نویسنده مشترک این دو پادشاه کوشانی را بر چاشتانا ، رودرادامان و بعداً برحکمر وایان راشتراکوتا و برادر وزرگ وی گوتما (۷۳۲-۷۴۸) روشن میسازد • این سنه از جانب شاهنی پیشنهاد شده اما سال ۴۱ از جانب چهاپارا طرح و قبول شده است (ABORI، ۱۹۳۲ ، صفحه ۲۷۰) اس• ک• دیکشت (ABORI ، XXXVII، صفحه ۹۸) پیشنهاد میکند که خواندن این سنه برای تنظیم کرونولوژی کوشانی های متاخر ضرور است• وی در یک مقاله پیشین خود این سند را به قرن چهارم نه بلکه به قرن سوم ، ویکراماسموات نسبت می دهد و توجیه میکند که سنه واقعی این کتیبه سال ۳۱۴ ویکراماسموات میباشد (همانجا صفحه ۹۷) •

ف• وو • توماس در مقاله خود تحت عنوان « کشکا ، سال ۱۴ » که به کتاب وگل تحت عنوان اریانا انتیکوا ، صفحه ۲۹۶-۳۰۳ ارایه کرده ، در ان یک مطالعه تحلیلی ئی از مشخصات خط و زبان این کتیبه بعمل اورده است• وی از ن • ج و ماجومدار اقتباس نموده توضیح میدارد که هردو ، مشخصهٔ نسخه شناسی و زبان شناسی این کتیبه برای تصور اینکه این کتیبه به سال ۱۴ عصر کشکا تاریخ زده شده بسنده میباشد ، و این نتیجه گیری قبلاً نیز بواسطه ماجومدار بعمل امده بود • بعداً زمانیکه وی کتیبه کوسام مربوط به سلطنت مهاراجا واسیرا- اناي سال ۱۰۷ را به نشر اماده میساخت (EI، XXIV، صفحه ۱۴۹) اشارد کرده که از لحاظ کتیبه شناسی نا ممکن است که این کتیبه به کشکای اول نسبت داده شود و به عصر کوشانی های قبلی پذیرفته شود • در حالیکه الفبای ان شکل الفبای قبل از گوپتاها را نشان میدهد (همانجا ، صفحه ۱۴۸ ، نمبر ۴) • توماس در قسمت بعدی کتاب خود اشارد میکند که شکل مخصوص ma و ha، نخست در غرب هند توسعه یافت و استعمال ان در کتیبه نا در عصر رودراسینا Rudrasena در سال ۲۰۰ میلادی اغاز گردید و شاید استعمال ان در نیمه قرن سوم و اوایل ان در متهورا توسعه یافت • به همین ترتیب، دیگر ضرور نیست تا روی ان کتیبه سال ۱۴ کشکا جستجو شود ، در صورتیکه ان کتیبه مشخصات مربوط به گوپتا را نشان میدهد که این مشخصات به اوایل قرن سوم تا چهارم میلادی مربوط میباشد • این کتیبه به هیچ صورت مربوط سال ۱۴ کشکای اول شده نمیتواند •از جانب دیگر نا ممکن بنظر میرسد که به سالهای مهاراجادیوه پوترا کشکا تاریخ زده شده باشد ، خصوصاً در متهوراکه مرکز حکمروائی کوشانی ها از زمان قدیم بود نوشته شده باشد به کدام سنه غیر از عصر کوشانی ها نسبت داده شود • این پروفیسور وزیده در اخیر اظهار میدارد که این کتیبه در سال ۱۰۴ یا حتی ۲۰۴ تاریخ زده شده است• کشکای اخیر متذکره در این کتیبه همیشه مورد قبول واقع گردیده است و بخوبی به اساس برداشت سکه شناسی روی این مطلب در (JAOS، ۵۶ (۱۹۳۶) ،صفحه ۴۲۹) جهت پذیرفتن این بحث کشکای سوم بحث میکند و بر انست که نام برده واسودیوای متذکره در کتیبه اها قبل از واسودیوای دوم

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

که وی از لحاظ سکه شناسی از اولی کاملاً متمائز است میباشد ۰ حتی کنشکای سال ۲۰۴ ، اگر پسانتر از حوالی قرن سوم میلادی نباشد فرضیهٔ ناممکن نخواهد بود ۰ بهر صورت دیوه پوتراشاهانوشاهی Daivaputra Sāhānuṣāhi همچنان قبل از ۲۴۰ میلادی باختر را به نفع ساسانی ها ازدست دادند و خودشان در گندهارا و ممکن است در پنجاب و متهورا برای یک مدت طویلی در برخورد با سمندراگوپتا مصروف ماندند ۰

خاتمه و کوشانی های کیداری :

پایان حکمروائی کوشانی ها در هند نیز توجه دانشمندان مختلف را بخود معطوف داشته است ۰ ک ۰ پ ۰ جیاسوال فقید اظهار نموده که بهاراشیوا Bhārāṣiva Nagas کوشانی ها را از حوزهٔ قلمرو کنشکا راند (تاریخ هند ، ۱۵۰ ـ ۳۵۰ میلادی صفحه ۱۹ـ۲۰) ۰ نامبرده اصلاً در یک فقره مربوط به کتیبه های واکاتا Vākataka یاداوری گردیده است، در ان کتیبه طوری یاداوری گردیده که بهاراشیوا که به خانواده وی شاه بهاواناکا Bhavanaga پدر کلان مادری رودراسینای اول Rudrasena I تعلق داشت، ده Asvamedhas اشوامیداس قربانی های اسپ را انجام داد ودر حوالی دریای گنگا تاج گذاری کرد ، زیرا وی به اثر شجاعت انها این پاداش را حاصل کرده بود ۰ این بهاراشیوا راجایاسوال به خانواده ناواناگاس Nava-Nagas که در پوراناها راجع به انها طوری امده که حکمروائی انها قبل از گوپتاها بود ۰ موسس این خانواده ناوا بود که وی کوشانی ها را از ایالات میرزاپور و بنارس راند و جانشین وی ویراسینا Virasena گردید که وی از سکه هایش شناخته میشود و وی موسس سه خانواده ناگا میباشد ۰ انهائی که درخانواده اصلی ناگا شامل بودند عبارت اند ازهایاناگا Hayanaga وترانایاگا Trayanaga در قلمرو انها کوشانی ها تحت اثر فشار شدید ، بهاراشیوا قرار داشت و سرانجام کوشانی ها بین سالهای ۲۳۸ و ۲۶۹ میلادی شاپور امپراتور ساسانی را خواست تا وی را حمایه نماید بناً ازسال ۲۶۰ میلادی به بعد بود که بهاراشیوا در تحت اثر واکاتاکا به اختیار داری قبول شد ۰ از ان خانواده پراواراسینای اول Pravasena I بود که کوشانی هارا از پنجاب راند و انهارا مجبور ساخت تا در تحت اثر حمایه ساسانی ها در افغانستان به جستجوی محل بود وباش برایند ۰ تیوری فوق که از طرف جیاسوال پیشنهاد گردیده بود از طرف ا ۰ اس ۰ التیکار در مقاله اش تحت عنوان « ایا بهاراشیوا ها کوشانی هارا راند ؟ » (IC ، XII ، صفحات ۱۱۹ـ۱۲۲) رد گردیده است ۰ طبق نظر وی که کوشانی ها چنان نیرومند و صاحب امپراتوریس وسیع بودند اگر واقعاً از جانب بهاراشیوا به جانب ستلج رانده شده میبودند ، این واقعیت حتماً در کتیبه های واکاتاکا یاداوری میگردید ۰ تذکار انجام قربانی ازجانب انها دال بر پیروزی شان بر کوشانی ها نمیباشد ۰ علاوتا شواهدی در دست نیست تا نشان دهد که بهاراشیوا ها مربوط به ناوا ، یا ناگای جدید کانتی پوری Kantipuri متذکره در پوراناها باشد ۰ این خانواده حاوی نه (Nava) یا حکمروا بود ۰ و همچنان کدام سندی راجع به اینکه ویراسینا Virasena به خانواده ناگا مربوط بود وجود ندارد و سکه های وی و اخلافش هیچگاه در پنجاب دریافت نگردیده است ۰ طبق نظر التکار ، تیوری هری ـ ناگا در جنبش علیه کوشانی ها اخیرا از نظر افتاده است ۰ نویسندهٔ مقاله همچنان به مقالهٔ دیگرش حواله میدهد که وی در ان اشاره کرده یاودهیاس Yaudheyas حکمروای بود که کوشانی هارا ازپنجاب شرقی راند ، و در ان شهر نقش ناگا حاوی اهمیت اندک بود (JUPHS ، XVI ، صفحات ۵۲ـ۵۷) ۰

در این ارتباط و ۰ آ سمت قبلاً اشاره کرده بود که ناپدید شدن دو خانوادهٔ بزرگ و عالی مقام از هند مشابه است به از بین رفتن خانواده Arsacidian فارسی ازجانب ساسانی ها ، وی به اساس مطالعه سکه های پارسی شده شمال هند که متعلق به کوشانی ها بود تصور کرده که بعضی از تهاجمات ثبت ناشدهٔ ساسانی ها در ان زمان بر قوم پوست و معلوماتی راکه ازکتیبه های پای کولی و مناطق دیگر با سکه های کوشانو ساسانی ها که بدست امده انکی تردید از فرضیه شمت رامیکاهد ۰ تبارز قدرت پارسی ها ضربه بزرگی را درجهت انحطاط قدرت کوشانی ها در اطراف شمال و غرب هند وارد نمود ۰ کتیبه پای کولی همچنان شرح میدهد که کوشان شاه احتمالاً صرف برای مدتی در تحت حمایه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شاهان ساسانی حکمروائی کردند ، کوشانی‌ها درسرحد هند واحتمالاً هم درپنجاب طوری ظاهرشدند که بصورت واقعی باقبایل دیگر مخلوط گردیده بودند بنابراین‌ها به موجودیت خود به اشکال گونه گونه ئی حتی تا زمان سمودراگپتا ادامه دادند (Kidara Kusana ، II ، I ، M ، cos ، صفحه ۲۵۲) موجودیت کوشانی‌های کیدارا واسلاف انها یعنی شاکا Sakas (به ساکا Sakas در) دیده است. شواهد سکه شناسی نشان میدهد که پنجاب مرکزی وغربی بعد ازکوشانی‌های متاخر ازجانب سه سلسله یاخانواده سیتی اداره گردید. طبق نظرالتکار که ی کنگهم را در زمینه پیروی میکند. سکه های حکمروایان خانواده شاکا به سکه های کشکای سوروواسودیوای دوم شباهت بسیار نزدیک دارند. شیلاداس و Śiladas وگداهاراس Gadhara بر مناطق مرکزی پنجاب حکم میراندند. حکمروائی شاکاس Śakas وشیلاداس در اواسط قرن چهارم میلادی بالقبیله ئی که گاهی بنام هوچی کوچک و گاهی بنام کوشانی‌های کیدارا نامیده شده اند مرخ اندام کردند. طبق نظر ف.س. مارتین (سکه های کوشانی های کیداری) ضمیمه سکه شناسی، JRAS ، III ، ۱۹۳۷ ، XLVII ، ۲۳-۵۰ ؛ رئیس کیدارا موسس این خانواده در حوالی ۳۲۰ میلادی حکمروائی کرد ، در حالیکه کنگهم انرا در سال ۴۵۲ میلادی و مرکز انهارا در پشاور تعیین کرده است. ی در اغاز حکمروائی خود تحت اثر ساسانی‌ها بود ولی بعدا در افغانستان وحوزه اندوس بحیث شخصیت بلند قامتی تبارز کرد، در همان وقت بود که کیدارا کشمیر و پنجاب مرکزی رافتح کرد و التکار ی را باسکرا طکا Mlecścha که در — پورانا تذکار یافته یکی میداند (ماجموعه او و ش و التکار، ا ؛ س ؛ تاریخ جدید مردم هند ، جلد ۱۷ ، لاهور ، ۱۹۴۶ ، صفحه ۲۰۰ ، اقتباس پارگیتر ، خانواده های حرکالی Kali ، صفحه ۵۵ و میگوید طارطا ی مجبور گردید تا تبعیت شاپوردوم را بپذیرد ، ولی بعدا ی دوباره انرا درکرده قدرتش را گندهار، کشمیر، پنجاب غربی ومرکزی استحکام بخشید ، ی یک تعداد سکه های طرز را نگهداشت که نامهای انها در روی سکه های شان امده تکرار بعد از او پسرش پیرو Piro در سال ۳۷۰ جانشین ی گردید که سکه های ی نیز باز یافت شده است. سرانجام ی ازجانب شاپور سوم مغلوب گردید. شواهد سکه شناسی علاوه بر ان یک تعداد حکمروایان کوچکی را از قبیل Kedāvirya ، Śiladitya ، Sarvayasas ، Bhasvan ، Kusala ، Prakāśa نشان میدهد که انها درجریان نیمه قرن پنجم میلادی در پنجاب حکمروائی میکردند. التکار درباره انها میندارد که ایشان حکمروایان کوشانی‌های کیداری بودند و در روی سکه های شان نام کیدارا نیز دیده میشود، انها به مرور زمان هندی شدند و این حکمروایان کیداری بعداً ازجانب هونها Huna که انهاتاحیات خودرا در نیمه قرن چهارم میلادی با خشم فراوان اغاز کرده بودند بصورت کامل ازبین برده شدند.

وسعت امپراتوری کوشانی‌ها وسیستم اداری انها :

وسعت امپراتوری کوشانی‌ها از روی نقاط بازیافت سکه ها وکتیبه هایشان اشکار گردیده است در حالیکه موضوع مربوط به اداره انها در کتیبه ها تشریح گردیده است، کتیبه های مربوط به ان دوره روشنی بروش اصولی که از جانب حکمروایان کوشانی جهت اداره ان امپراتوری وسیع که درپیش گرفته بودند وانرا تکامل داده بودند میندازد، کتیبه های کوشانی ها از کوسام Kosam (کوسامبی Kausambi) ، سرناتھ Sarnath ، سراواستی Srāvasti ، سوویهار Suvihar (بهاولپور Bhawalpur) ، زیدا Zeda (Und) ، مانیکالا Manikiala ، موقد حکمروائی کوشانی‌ها در سراسر منطقه ئی که از پنجاب وشمال سند تا سرحدات بهار در شرق امتداد داشت میباشند شواهد کتبی از راجاترانگینی ، کلپاناماندتیکا و سالنامه های چینائی ها بانگرحکمروائی انها برکشمیر ، ختن و تونگلی Tung-li وپانچی Panchi که تصور گردیده است بعضی قسمتهای مرکزی وغربی هند بود، میباشد. لومبه بودهن گیا Bodh Gaya ، هیشکا ازپنجاب اشارهٔ در Sridharma-pitakanidanasutra (که درسال ۴۷۲ میلادی به زبان چینائی ترجمه گردید) راجع به شاه پوتالی پوترا ازجانب شاه کوشانی نموده، امپراتوری

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کوشانی هارا بسوی شرق بیشتر امتداد میدهد ۰ پ ۰ ل ۰ گوپتا در مقاله اش تحت عنوان « وسعت شرقی امپراتوری کوشانی ها » که درنشریه سه ماهه تاریخی هند ، XXX به نشر رسیده است، این موضوع را به اساس بازیافت سکه هایشان از این مناطق ارزیابی میکند ۰ به این ارتباط جالب خواهد بود که از بازیافت یک تعداد محدود سکه های کوشانی ها ازبنگله دیش و همچنان تعدادی از سکه های کوشانی ها که به پوری ـ کوشانا Puri-Kuṣana معروفاند و از جوتاناگپور Chota-Nagpur واقع دربهار بازیافت شده یاد اوری نمائیم ۰ اس ۰ ک ۰ بوس در یک مقاله اش راجع به این موضوع اشاره میکند که این سکه ها ازجانب قبایل Kuṣāna Murundas که انها سابقاً حکم روای بهار بودند به ضرب رسیده است ۰ موراناهای متذکره در پوراناها با کوشانی ها یکی امده است (IC ، III ، صفحه ۷۲۷) ماخذ مربوط به این موضوع عبارتاند ازمقالات ت ۰ ن ۰ ستایهنجی (کوماراهار، پتنه) ، (JNSI ، (۱۹۵۱)) ، وا ۰ بنرجی : « کوشانی ها در هند شرقی » (JNSI ، XIII ، صفحه ۱۰۷-۱۰۹) ۰ وسعت امپراتوری کوشانی ها در هند شرقی از روی بازیافت ظروف سفالینه شکسته که بیانگر خصوصیات موجودیت کوشانی ها در دره تهال Thal مربوط بلوچستان میباشد واضح گردیده است ۰ طبق نظر ستین کنو شناخت خطوط این کتیبه ها تمایلی را در زمینه بار میاورد تا در باره Yola Mira متذکره در این کتیبه بحیث حکمروای محلی یا رئیس تحت اثر حکمروائی کوشانی ها فکر شود ۰ کتیبه Cāñci سانچی مربوطه واسشکا ، حکمروائی کوشانی هارا بر مالوا تائید میکند ۰ یک تعدادی از دانشمندان معتقدند که امپراتوری کوشانی ها حکمروای کشاتراپای هند غربی بودند (بهاندارکار ، IA ، ۱۹۱۸ ، صفحه ۱۵۳ ، ستین کنو ، CII ، II ، (i) صفحه lxviii) و عده دیگر انرا تردید میکند (JRAS ، ۱۹۲۵ ، صفحه ۹) ۰ توضیحات کنو درباره اینکه کشاتراپای هند غربی رعایای کوشانی ها بودند از طرف توماس نیز رد شده است (cit. op. etc «Sandanes Nahapana») اچ ۰ س رای چودری در مقاله خود « یادداشتی درباره پیوستگی زمانی ئی کنشکا و رودرادامان » (IHQ ، II ، pt ، I ، صفحات ۱۴۹-۱۵۲) بیان میدارد که همزمانی حکمروائی رودرادامان برسند و سایوویرا ، اقتدار کنشکا در سویویهار Suivihar وفق ناپذیر است ۰ امد در این مورد دلیلی در میان نیست تا امکانات ان بعد از سال ۱۵ میلادی یعنی زمانیکه رودرادامان وفات کرده بود تردید شود ۰ سیلوین لیوی همچنان توسعه امپراتوری کوشانی هارا علاوه بر جنوب غرب به جنوب نیز اشاره میکند ۰ وی پیشرفت وسیع امپراتوری کوشانی ها را در جنوب هند ازلحاظ یکی دانستن تونگ لی Tung-li متذکره در سالنامه های بعدی چین با هند جنوبی بیان کرده است (JA «Kanishka et Satavahana» ، ۱۹۳۶ ، صفحه ۶۱) ۰ ب ۰ ن ۰ مکرجی در کتاب The Kushānas and the Deccan علاوتا اظهارات لیوی را تردید میکند (صفحه ۴۲) وهمچنان نظریات ا ۰ بنرجی را نیز در زمینه پذیرش نظر لیوی در مینماید (IHQ ، XIII ، صفحات ۲۱۱-۲۱۷) ۰ طبق گفته ف ۰ وو ۰ توماس و واهد کافی ئی در زمینه یکی دانستن قلمرو تونگلی با جنوب هند وجود ندارد ۰ وسعت امپراتوری کوشانی ها در شمال غرب و همچنان اسلی مرکزی بر شرح هیونتسانگ اتکا دارد ۰ این زائر چینائی به حکمروائی کوشانی ها بر یک قلمرو وسیع که تا شرق کوهای Tsung-ling امتداد داشت اشاره میکند ۰ وی همچنان به مطلبی که شهزادگان اسیای مرکزی بحیث گروگانها ازجانب امپراتور کنشکا نگهداری شده بودند اشاره میکند ، (اسناد بودائی مربوطه غرب ، I ، صفحه ۵۰) ۰ ستین کنو در یک مقاله خود در اکتا اورینتالیا ، VI ، ۱۹۲۷ ، صفحات ۹۳-۹۶ ، An-Kuo (= Anguvaka) پدر شاه ختن را با Kien (= Kan) که با کنشکا مشابه است یکی میداند ، کلمه اخیر iṣka ایشکا یک پسوند یست که از وی اشتقاق گردیده است مانند واسشکا و هویشکا ۰ وی این تیوری را با دلایل بیشتری تقویه میکند و ازمطالعه خود در این زمینه نتیجه ارایه میدارد که کنشکا در سال ۱۲۸ از ختن به فتوحات خود شروع کرد و بعد از سپری کردن مدتی در انجا در شرق هند و متهورا پیشرفت، و گاهی به جهت دیگری یعنی به سرزمین های شرقی قدم گذاشت، وی پامیر را عبور نموده و در انجا بحیث پادشاه ختن و اختیار دار کل امپراتوری کوشانی ها مستقر گردید ۰ این واقعه شاید در سال ۲۳ سلطنت وی که مصادف بود به ۱۵۰-۱۵۱ میلادی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

موضوع پیوسته باشد و می ممکن است با King kien که می گشته شده بود یکی باشد . گو این حقایق را با اشاره به اطهارات کالپانا مانديتیکا و هیوانتسانگ تجزیه مینماید (همچنان ماخذ راجع ساختن و کشکا در اپترستین کنو دیده شود، II، c11، (i)، صفحات 1xxvi – 1xxiv) اج ۰ وو ۰ بایلی راجع به شاه چندرا – کشکا Chandra-Kanishka، شاه بلخ که در یک نسخه ختنی امده اشار ۰ میدارد (JRAS، ۱۹۴۲، صفحه ۱۹) ۰ حفریات اخیر مربوطه مناطق اسیای مرکزی، بدون تردید حکمروائی کوشانی ها را در سراسر این منطقه تایید میکند، خصوصا در سرزمین های که امروز شامل جمهوریتهای تاجکستان و ازبیکستان میگردند ۰ ماخذ راجع به کارهای باستانشناسان و مورخین درباره اسیای مرکزی در این زمینه بعدا ارایه خواهد شد ۰

تشکیلات اداری :

قلمرو وسیع امپراتوری کوشانی ها طبعا نیازمند یک سیستم اداری نیرومند بود ۰ حکمروایان کوشانی مطابق به القاب عالی شان دارای نیروی کافی ئی بودند ۰ انها امپراتوری وسیع خویش را به بخش های جداگانه تقسیم کرده بودند که هرکدام انها تحت اثر یک رئیس ایالتی قرار داشت بنام کشاترا پاس Kṣatrapas و همچنان ترا پاس Mahāksatrapas یاد میشدند ۰ همچنان اشارائی از وجود رابطان تیولدار نیز وجود دارد که انها بنام های دندانایاکاس Dandanayakas و مهادندانایاکاس Mahadandanayakas نامیده میشدند که اینها به امور ین اداری قضائی کمک میکردند ۰ رابطان محلی بنامهای گرامیکاس gramikas و دراپالاس یاد میگردیدند ۰ در این تشکیلات سیستم اداری کوشانی ها دفاتر و اشخاص جدیدی وجود داشتند که بعضی از این رقم ها بصورت میراثی به انها میرسید و اینکه در بعضی قسمتهای مهم اشخاص جدیدی منصوب میگردید ۰ ب ۰ ن ۰ پوچی در مقاله اش راجع به القاب امپراتوری کوشانی ها ، (PIHC، III، ۱۹۳۹، (۱۹۴۰)، صفحات ۴۳۳–۴۴۱) تجزیه گیی میکند که کوشانی ها القاب خود را نه تنها از هند که انها واقعا در انجا حکمروائی میکردند اتخاذ نمودند بلکه از چین و ایران نیز دریافت کردند ۰ ف ۰ وو ۰ توماس در مقاله خود تحت عنوان « دیوه پوترا » اشاره میکند که این عنوان نه تنها یک عنوان رسمی بود بلکه یک لقب ضمیمه نام انها بشمار میرفت که از جانب رعایای شان به انها اعطا شده بود ، (II، Law Volume B.C، صفحه ۹۲ و NIA، VII، نمبرهای ۵، ۶، ۱۹۴۴، صفحه ۹۲) ۰ این لقب را کوشانی ها از هند گرفته بودند به ازکدام منبع چینائی ۰ این نظر از جانب من ۰ ن ۰ گوشال مورد تائید قرار گرفته است ، اما از ۰ ار ۰ شرما در این لقب ابراز تردید نموده است ۰ شرما میگوید که این لقب توسط کوشانی ها اتخاذ شده بود (چگونگی نظریات سیاسی و طرز ادارات در هند باستان) صفحه ۱۷۷ ۰ نظریه گوشال در صفحه ۱۷۵ نقل گردیده است) ۰ در مقاله دیگری تحت عنوان ، سیستم اداری ایالتی و حالات در عصر کوشانی ها ، (PIHC، VIII، ۱۹۴۵، (۱۹۴۴)، صفحات ۴۲–۶۷) ب ۰ ن ۰ پوچی راجع نظم ایالتی در تحت اثر کشاترا پاها و قریه ها در تحت اثر شخص مورد علاقه شان ، این دو موضوع را در فصل ، سیستم اداری ، اثری بنام هند تحت اثر کوشانی ها به تحصیل یاد اوری کرده است ۰

شرما اشارد میکند که حکمروایان کوشانی سیستم ساترا پی های خامنشی را که بعدا از جانب هند ویونانی ها و هند پارتی ها دنبال گردیده اتخاذ کردند ۰ مثال هلی از قریوی های موروثی حکمرانان ایالتی نیز موجود است ۰ یاد اوری این مطلب جالب است که یکی از کشاترا پاهای که در کتیبه های کوشانی ها از ان ها تذکار بعمل امده است هندی نمیباشند ۰ انها همه خارجی ها و یا متعلق به کدام دسته نوظهور از قبیله کوشانی یا شاخه از قبایل دیگر بودند ۰ اما سران یا رئیس قریه ها مثل Jayanaga بدون تردید هندی ها بودند ۰

این نکته توسط ز ۰ اس ۰ شرما پیشنهاد گردیده که کوشانی ها در ایالات خود سیستم اداری دوگانه ئی را بوجود اوردند تا یکی انها بر قدرت دیگرش نظارت نماید ۰ (op. cit، صفحه ۱۶۸) ۰ سیستم دوالی ان صرف از جانب ب ۰ ن ۰ پوچی در مقاله اش تحت عنوان ، دندانایاکاس و مهادندانایاکاس ، تشریح گردیده است (PIHC، ۱۹۴۳) ۰ همچنان در کتابش (op. cit، صفحه ۸۳–۸۴) ۰

همچنان دندانایاکاس با القاب عالی مثل Mahāpracaṇḍa-daṇḍanayāka نیز در کتیبه های اخیر یاد اوری گردیده است ۰ و دراین خصوص از جانب مرحوم کتاب متذکره یاشعله گردیده که دندانایاکاس

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

با القاب عالی مثل Maha و بعداً مهاپراکاندا رئسای زیر دستی بودند که از جانب حکمروایان کوشانی تعیین میشدند • انها وفاداری خود را نسبت به ایشان قبول داشتند و برای انها درصورت ضرورت کمکهای مادی و نظامی را تدارک میدیدند • انها حیثیت اداره چیان، قاضیان و سرانسران سپاه را دارا بودند • این سیستم که اولاً از جانب کوشانی ها وضع گردید ، بعداً از جانب گپتاها نیز دنبال شد که حتی تا اوایل قرون وسطی نیز ادامه یافت (اثر گوشل "Indian Historiography and other Essays" صفحه ۷۷—۱۷۹) •

ب • ن • پوری به استناد سیستم اداری ان عصر که درمتون سانسکریت بودائی قرن اول—سوم میلادی) موجود میباشد درمقاله اش که انرا در جلسه کانگرس تاریخ هند در بمبی قرائت کرد این موضوع را شرح داده است ، (گذارش کانگرس، ۱۹۴۷، ۱۴۶، ۱۵۱) • دشوار است تا به معلومات موجود که از منابع مختلف جمع اوری شده درباره اساسات ادارات کوشانی ها چیزی بیفزائیم • اکنون صرف لازم است تا این معلومات پذیرفتنی شود، بعضی از منابع معلومات جالبی را راجع به اسلحه ، نظامیان و تدارکات نظامی و دفاعی کوشانی ها ارایه میدارد • این موضوع نیز از جانب نویسند متذکره درمقاله اش که انرا در کانگرس تاریخ هند در پتنه قرائت کرده بود تذکار یافته است که درخلاصه مقالات ان کانگرس نشر شد • ار • اس • شرما معلومات بدست امده از کتیبه هارا درمقاله اش تحت عنوان « طرز حکومت کوشانی ها » و در کتابش تحت عنوان « چگونگی نظریات سیاسی و ادارات در هندستان » (۱۹۵۹) ارزیابی نموده است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

فرهنگ و ادبیات

ادبیات این عصر معروف به سانسکرت بودایی است، زبان این ادبیات سانسکریت و محتوی اش بودایی میباشد-این ادبیات کاملاً با نظریات تازه بودائی و پرستش بودا و از همه بیشتر با بها کتسم و باسا- ئی مرتبط میباشد. فعالیت های ادبی آن عصر به منظور شایع ساختن طریقهٔ جدیدی در تاریخ بودیزم کاملاً با زندگی و فعالیت های بودا، افسانه ها و خصوصیات مربوط به او امیخته گردیده بود. آثار ادبی که بصورت اشعار در میان مردم بنام Kāvyas معروف بود و همچنان داستان نما یشی بقلم اشوه- گهوشا که وی دوست بدا نشمند و صاحب کشکا پند اشته شده وجود دارد. تعیین کرونولوژی نوشته های اشوه گهوشا که به زبان چینائی نیز ترجمه گردیده مشکل است. نوشته وی تحت عنوان Śārip-utraprakaraṇa مربوط به صرکشکا و یا احتمالاً به دوره های سلطنت کشکا و هویشکا میباشد. یک نسخه قدیمی از تصحیح و تشخیص متن اصلی این نوشته از اسیای مرکزی بدست آمده که معلوم میشود- این کار در صرکوشانی های متأخر از جانب کدام نویسنده از اسیای مرکزی صورت گرفته باشد. ترجمه نوشته دیگر اشوه گهوشا بعنوان Buddhacarita به زبان چینائی در قرن پنجم میلادی حد اخیر بن نوشته و نویسنده، انرا و انمود میسازد، حدود اولی ان چند قرن قبل خواهد بود. دو قطعه مشهور این اشعار یعنی Buddhacarita و Saundarānanda در ردیف Mahākavyas یا اشعار زیبا قرار میگرند که در انها خصوصیات قهرمان دلیر و شریف بصورت برجسته متبارز است. این اشعار با زمینه های مختلف زندگی و خواص امیخته با طبیعت انسان ها امیخته است. قصد این دو نوشته آن است تا خواننده را- وادارند تا مسایل زندگی را که با لزایل احساس و دوری از رستگاری امیخته است مطالعه و درک نموده با تکنیک انها بر صلح و سعادت که اهداف عالی بشمار میروند نایل گردند. نوشته های بقلم این شاعر مواد جامعی برای مطالعه شرایط فرهنگ این عصر که زیر بحث است ارائه میدارد که این مواد بصورت شایسته دست بندی گردد.

بودا کاریتا Buddhacarita :

این اثر به نظریات عمده تاتاگاتا Tathāgata وفعالیت های وی در دربار سلطنتی تا اخوان اختصاص میابد. این اثر بصورت کامل بدست نیامده، صرف از ۲۸ قطعه ان ۱۴ قطعه به ترجمه چینائی وجود دارد. شاعر درک خود را نسبت به اداب اجتماعی، سماجت و خواستها وزی در کلام زیبا و اراسته، با بیان عارضی پسندیده نشان میدهد. او طوریکه دیده میشود از والمیکی Vālmīki تقلید کرده که بحیث موضوع شعایی در بین نوشته های وی وراماینای Rāmāyaṇa، ادیکاوی Ādikavi قرار میگرد. متن سانسکریت ان توسط کوول (اکسفورد، ۱۸۹۳) تدقیق شده و همچنان از جانب جانستون (کلکته، ۱۹۳۳) به زبان انگلیسی ترجمه گردیده است، این اثر بیشتر از وی از طرف کوول برای اثری بنام کتابهای مقدس شرق (جلد XIX) ترجمه شده بود. این اثر همچنان توسط کاپلر در سال (۱۹۲۲) وشمیت در سال (۱۹۲۴) به زبان جرمنی و از جانب فارمیچی در (۱۹۱۲) به ایتالیایی ترجمه گردید، ترجمه ان به زبان هندوی و بنگالی بشکل نقد و تشریح روی متن ان از طرف عده از دانشمندان از قبیل بوهتلنگ، کیلهورن، سیمر، فابیوت، لودر، گوریسکی، جانسون، اچ ب چاسفوروجود گلبار صورت گرفته است. ماخذ مربوط به این موضوع در ذیل امده است:

و بیشتر تاریخ ادبیات هند، II، کیت، ادبیات کلاسیک سانسکریت، پیشاور، تاریخ سانسکریت بودایی، ب. ص. لاوپاشوه گهوشا زندگی و نظر اسوه گهوشا بر والمیکی و دیگر مطالعات سانسکریت بودایی،

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

زایو چینائی I-tsing از اشعائی خود با بودا گاریتا در شکل که بصورت ترجمه زبان چینائی درآمده بود بیان میکرد، (Pou-Yao-King) که توسط دهرمارکشا از سانسکریت در بین ۱۴۴ — ۴۲۱ میلادی ترجمه گردید) و این ترجمه های چینائی بواسطه سامویل بل به انگلیسی برگردانده شد، طبق گفته رهز دایویدز JRAS ۱۹۰۱، صفحه ۴۰۵) این ترجمه های چینائی ترجمه های کامل بودا گاریتای اشوه گهوشا نمیباشد اما ترجمه تبتی این متن نسبت به ترجمه چینائی آن صحیحتر پنداشته شده است.

لیون: Zeitschrift fur die Kunde des Morgenlandes, WZKT, I, 1893, pp 193 ff.,

سوندارانانده ا: Sundaranandaa

این شعر طویل اشوه گهوشه نیز به داستان زندگی بودا ارتباط دارد، اما موضوع اصلی آن راهگشائی نانده Nanda برادر اندر و لخورده، وی تشکیل میدهد. وی راجع به این شعر بیان میکند که: او نوشته نه بخاطر باز جویی بلکه بخاطر نجات و ارامش کامل، این اشعار مشابه به یک قدرکی صل است که با داروی تلخ یکجا گردیده تا برای کسی که وی میخواهد اورا به کیش تاتاگاتا بگشاند لزیز ساخته شده است. قهرمان شعر، نانداد رشق همسرش سوخته و وی اماده نبود تا از ان دست کشد اما وی همچنان نسبت به اغراض از دستور بودا ناراض بود. سرانجام نانداد به مشوره و اموزش استاد ملفت شده به قانون معرفت قدس متوصل میگردد و چیزهای قدس جستجوی رستگاری را دنبال میکند. وی همچنان انرا نه برای شخصی خود بلکه برای موعظه به دیگران می پذیرد. در این شعر امده که رهایت قانون معرفت، — آراستن ان با سلاح تعمق، نظم کامل، طرقیست که شخص را برای موفقیت اماده میگرداند. یکپارچه از نظرات نادرست اگر در کسی موجود باشد طبق گفته اسوگهوشا بواسطه گیرنده های ندای لارد بودا راند خواهد شد. بخاطر نشان سوندرا Sundra نیز با ارزوی های رهائی از تاثیرات متعدد احساسی درمیان زنان به تبلیغ نجات از هوا و هوس پرداخت. این اشعار اشوه گهوشا از جانب ماستری در بیلیوتیکا انديا، کلکته، ۱۹۱۰ به نشر رسیده است. نشر حاوی تقریظ و تشریه بران از طرف ای. اچ جوهنستون (اکسفورد ۱۹۲۸) صورت گرفته و بعداً این متن به زبان انگلیسی نیز ترجمه گردید. همچنان به زبانهای هندی و بنگالی نیز ترجمه گردیده است. بطالعات دقیق این اثر از جانب ماستری، توماس، باستون، لویس، دی — له — واله پوسن، گورونستکی، هولتزش و گونسر بعمل امده. وتر نتز، با هولتزش در اینکه اسوه گهوشا اولاً سوندرانانده را و بعداً بودا گاریتا را بوشت توافق نشان میدهد، (تاریخ ادبیات هند، جلد II، صفحه ۲۶۲ ن). بیلیوگرافی موضوع شامل اثار ذیل است: کیت، تاریخ ادبیات سانسکریت صفحه ۵۹ ff؛ انترنتز، op. cit. صفحه ۲۵۷؛ باستون JA، ۱۹۱۲ (۱) صفحه ۲۹؛ هولتزش ZDMG جلد ۷۲، ۱۹۱۸ صفحه III، جلد ۷۳، ۲۹۳؛ گونر: JRAS، ۱۹۲۸ صفحه ۱۳۱ ff؛ توماس: JRAS، ۱۹۱۱، صفحه ۱۱۲ ff؛ باستون: BSOS، ۱۹۱۸، صفحه ۱۳۳ ff؛ گورنسکی: «مطالعات راجع به ادبیات سانسکریت بودائی»، کراکو، ۱۹۱۹، صفحه ۵۶ ff؛ اچ. پ. ساستون: JASB، V، ۱۹۰۹، صفحه ۱۶۵.

شاریپوتراکارانا Sāriputraprakarana:

این درامه ئی از خامه اسوه گوشا، پسر سوارناکسی Suvarnakṣi، در اسیای مرکزی از تورفان با دو اثر دیگری که مولفین ان معلوم نمیباشد کشف گردید. این اثر در نه بخش امده و مباحثات شاریپوترا Sāriputra و ماود گالیایانا Maudgalyayana را بیان میدارد. بعضی از رویداد های ثبت شده در ان قابل تشخیص است. مذاکرات شاریپوترا را با اشواجیت Aśvajit راجع به اد طی بودا بحیث اموزگار شرح

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

میدهد ، تاثیر نقش ویدوشاکا Viduṣaka بر یک برهمن که حیثیت اقائی وی را داشت و وی تعلیماتی را از یک کشاتریا حاصل کرده بود ، بیان میدارد همچنان موضوعاتی از قبیل ، شرح شاریپوترا از افسانهٔ راجع به اینکه دوای مریض را معالجه کرد وانرا از یک برهمن مربوط به کاست پاین حاصل نموده بود ، ماواگا لیا یانا ، شاریپوترا را استقبال نمود و جویای احوال او شد ، خوشی ، اموزش و سرانجام پیشرفت وی را به سوی بوداخو- استار شد ، اینها زمینه های این داستان نمایشی را تشکیل میدهد • همچنان در این اثر امده که بودا ا انها را می پذیرد و سرانجام راجع به اینکه انها در مرحلهٔ عالیتر معرفت و فعالیت در میان هوایون وی قرار دارند سخن میگوید • در پاین این داستان نمایشی همچنان یک دیالوگ فلسفی بین شاریپوترا و اموزگار وجود دارد که این مشاجره بیانگر بحث علیه موجودیت برتری طلبی یی شخصی میباشد ز • داستان با ستایش لارد از این دو پیرو تازه اش و دعای معمول پایان میابد •

ببلیوگرافی : ستین کنو : ، درامه هندی ، برلین ، ۱۹۵۰ ، صفحه ۵۰ ، لیودر : Bruchstacke Inddhistischer Drama (۱۹۱۱) • ترکیب دوباره این درامه بصورت پا- رچه های متعدد ، همچنان ، SBAW ، ۱۹۱۱ ، ۳۸۸ ؛ در اثر کیتر ، فلاسفه بودائی ، III. Pt ، فصل III ، ؛ کیت : درامه سانسکریت ، صفحه ۸۱ ؛ پوری : IUK ، صفحه ۱۵۶ - ۱۶۶ .

درامه های دیگر :

یک نسخهٔ شامل پارچه هایی از دو درامه دیگر نیز وجود دارد • مشابهت در روش این درامه های هندی به سلسله درامه های اشوه گهوشا ، پیوستگی شاعران بودایی را وانمود میسازد • درامه اولی یک حکایت از یک نفر بودائی است و دومی ان به مسایل عشق Nāyaka نایاکای جوان ارتباط میگیرد که ان سوماداتا ، Somadatta و برگشت ان به بویزم نامیده شده است • پارچه اولی ان از وزن های شعریئی ترکیب یافته که تااند- ازهٔ زیادی به سبک اشوه گهوشا شباهت دارد • در حالیکه مسایل عشق سموداتا دران بیانگر نزدیکی ان به سوندارانندا Saundarananda میباشد • این مشکل است تا گفته شود که این دو نمایشنامه نیز بوا- سطه اسوه گهوشا نوشته شده باشد •

مأخذ : جوهنستون تالیف این دو اثر را از جانب اشوه گهوشا تردید میکند ، بوداکاریتا مقدمه ، صفحه xxiii ؛ کیت « درامه سانسکریت » صفحه ۸۲ـ۸۵ •

اثار دیگر اشوه گهوشا :

یک تعداد ترجمه به زبان چینایی و تبتی به اشوه گهوشا ارتباط میگیرد ، که از جانب ف• و• توماس در اثرش Varindravachanasamucca اثار ، یاد اوری شده است • این اثار عبارت اند از گندیسوترا Gandistotra و Vajrasuci میباشد (ببلیوتیکا اندیا ، نمبر ، ۱۳۰۹ ، صفحه ۲۵ـ۲۷) • اثر اولالذکر « اهنگ دلپذیر » مجموعه ۲۹ بند بوده که از سبک اشوه گهوشا مجزا میباشد ، و تصور شده که ممکن است قرنها بعد در جریان وقوع هرج و مرج در کشمیر نوشته شده باشد • پارچه دیگر یعنی Vajrasuci یک پارچه موثر از مباحثات و دلایل علیه برتری طلبی برهمنی و سیستم کاست موجود در ان میباشد • مباحث راجع به مولف Sutrālamikāra بواسطه I'-tsing اشاره شده و این مطلب اخیراً به اثر کشف یک پارچه اصلی ان از اسیای مرکزی حل گردیده است •

ببلیوگرافی : اس• لیوی ، باز آفرینی اشوه گهوشا ، JA ، ۱۹۲۸ ، صفحه ۱۹۳ ff ، گورونسکی « مطالعات راجع به ادبیات سانسکریت » ، ب• س• لاو « اشوه گهوشا » ؛ ، و• و• توماس : یک شعر جدید از اشوه گهوشا ، JRAS ، ۱۹۱۴ ، صفحه ۷۵۲ـ۷۵۳ • ارتباط اشوه گهوشا با Vālmiki و Kālidāsa با کوفر « بعضی از یادداشت های متن راجع به بوداکاریتای اشوه گهوشا » JRAS ، ۱۹۲۹ .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

همچنان توجه دانشمندان زیادی را بخود جلب کرده است و موازات موجود در اثر انها نشان میدهد که اشو گهوشا مرهون Valmiki بود چنانکه Kalidasa به وی مرهون بود • بعضی از دانشمندان کالیداسا را مربوط به قرن اول قبل از میلاد میداند که در این صورت وی پیش از شاعر فیلسوف بودائی قرار میگیرد • این دانشمندان شامل اینها اند ، ک•س• چاتوپادهیایا ، مطالعات یونیورستی اله اباد ، II صفحه ۸۰ ff ؛ ک•م• شیمبهاوا ، یکار ، نشریه پوهنتون بمبی ، بخش ، صفحه ۲۳۲ــ ۲۴۲ ، س•کونهنراجی ، IHQ ، XVIII ، صفحه ۱۲۸ ff•

مهاوستو Mahavastu :

منابع چینائی در مورد ترجمه این اثر سکوت اختیار میکند • اثری که به مکتب لوکوتاراوادا Lokottaravāda تعلق میگیرد و به ده بهومیس Bhumis تقسیم شده ، اما در این اثر اشاره به طریقهٔ مهایانا Mahayanist وجود ندارد • احتمالاً این اثر در عصر بین انحطاط هینایانیسم Hinayānism و ظهور مهایانیسم تهیه شده باشد • خصوصیات مهایانیسم موجود در ان که بر مکتب هنری مجسمه سازی گندهارا تاثیر افگنده به حدود قبلی ان به دو قرن اول میلادی اشاره میکند ، در حالیکه حدود اخری ان به اساس مراجعه به Hunas ، زبان و نوشه چینائی و horapathaka هسترولوگ ، توضیح خواهد شد • این اثر از لحاظ معلومات فرهنگی غنی میباشد و این غنای ان به اثر بهم پیوستن شواهد دیگری از عصر بین قرن اول و سوم میلادی بعمل امده است• ونترنتز ــ اغاز انرا به قرن اول میلادی و انجام انرا به ــ در قرن چهارم میلادی قرار میدهد • این اثر یک گنجینهٔ از قصه های جاتاکا ست که ضمنا به نثر و قسما بصورت ترکیب شعر و نثر گفته شده است• یک تعداد ضمایمی نیز در ان نسبت به تکریم از بودیزاتوا ، از قرار معلوم ، بودا نیز به انها افزوده شده است•

بیلوگرافی : سینارت: مهاوستو در سه جلد ، پاریس ۱۸۸۲ــ ۱۸۹۷ • این اثر یادداشت های مشرح از موضوعات را در بخش مقدماتی ان در بر میگیرد • یک بررسی خوبی از ان همچنان از جانب ، ر•ل •مترا در اثرش تحت عنوان ، ادبیات سانسکریت بودائی نیپال ، صفحه ۱۱۵ــ ۱۶۱ ، وهمچنان از جانب ، ب•س• لاو در مهاوستو در دو بخش بعمل امده است• این اثر از طرف جونز در سه جلد به انگیسی ترجمه گردیده است و همچنان به واسطه پوسین در دایره المعارف مذاهب و عقاید اشاره گردیده است VIII ، صفحه ۳۲۸ ؛ اچ•پ • ساستری در نشریه سه ماهه تاریخ هند ، ، ۱۹۲۵ ، صفحه ، ۲۰۲ ؛ بارث در Revue de l'histoire des Religions پاریس ۱۱ ، ۱۸۸۵ ، صفحه ۱۶۰ ff ؛ و Journal des Savants صفحه ۴۵۹ ، وندش:

Die Komposition des Mahavastu, Abhundlungen Fur die Kunde des Morgenlandes, herausg Vonder Deutschen Morgentandischen-Gesellschaft- XXVII, 1909 pp. 467-511

ونترنتز ، تاریخ ادبیات هند ، صفحه ۲۳۹ ، اولدنبرگ

Machrichten Vonder Kgl. Gesellschaft der Wissenschaften Gottingen, Philal-histor Klass, 1912 pp. 123 ff.

لالیتاوستارا Lalitavistara :

این متن کاملا مقدس بیانات پر شکوه لارد را بیان میکند و جزئیات زندگی وی را وانمود میسازد که موضوع هنرمندان گندهارا و همچنان باروبودرو Barobudur (جاوا Java) واقع در اندونیزیا را تدارک مینماید • از روی شواهد ظاهری ان، تاریخ ان احتمالاً از جانب Fo-Pen-ming-King (۶۸ میلادی) استخراج گردیده که این تاریخ بصورت احتمالی ممکن است تاریخ ترجمه ان باشد • این اثر چینائی بسیار قبل نا پدید گردیده است• ترجمه تبتی این اثر بودائی به دوره بعدتری تعلق میگیرد و شواهد ان از مجسمه های باروبودرا واضح گردیده که موضوع مجسمه های انجا به ان اتکا میابد • فصل های بخصوص و تشریحات لالیتاوستارا وانمود میسازد که این اثر با عبارات تازه درامده و همچنان این مهاوایپولیاسوترا Mahavaipulyasūtra بصورت واضح تشریحات

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

قدیمی را میرساند • و اینها شامل فصل های XII، و XIII میگردند • تشخیص اشاره به ۳۴ نوع از نوشته های که در متن از انها نام برده شده بر خصوصیت بعدی این اثر اشاره میکند • این اثر همچنان بر اخلاص یا بهاکتی Bhakti نسبت به لارد • یک موضوع بعدی در بودیزم تاکید میورزد • این اثر بودائی مواد خوبی برای مطالعه فرهنگ عصری که تحت بحث است فراهم میکند.

ببلیوگرافی : این متن اِلاّ از جانب راجنرالال مترا در ببلیوتیکا اندیا، ۱۸۷۷، و بعدا توسط اس•لیف مان هال (۱۹۰۲ و ۱۹۰۸)، و ویلر Zum Lalitavistara، لیبزیک (۱۹۱۵) نشر گردید، ترجمه انگلیسی ان توسط ار•ل مترا صورت گرفت و در ببلیوتیکا اندیا بین سالهای ۱۸۸۱–۱۸۸۶ نشر شد. فصل XV ان قسما به (I – V) به زبان جرمنی از طرف لیفمان و به زبان فرانسوی از جانب فوسوکس ترجمه شد :

Annals du Muses Guimet (Paris) tom 6 et. 19 (Paris 1884–1882)

پیوستگی این اثر با ادبیات پالی قدیم از جانب برنوف اشاره گردیده است:

Lotus de la bonne Loi, pp. 864 ff;

اولدنبرگ : خلاصه مذاکرات کانگرس بین المللی شرق شناسان، V، برلین، ۱۸۸۲، جلد ۲، صفحات ۱۰۷–۱۲۲، همچنان وندش در اثرش تحت عنوان : Māra und Buddha and Buddhas Geburt;

کرن : کتاب های مقدس شرق، ۲۱، صفحه XI • خلاصه مباحثات ومسایل مربوط به قدامت ان در اثر ونتر نتز توضیح گردیده است، تاریخ ادبیات هند، II، صفحات ۲۴۸ ff •

اواداناسس Avadanas :

حاوی مفهوم، فعالیت ها و شهکارهای برجسته، یا نمایش شکوهمند بوده و از طریق احساس Karmavrittam یا bhutapurvacaritam انجام یافته است• اواداناس با یک جرئت اخلاقی قصه های گذشته و انچه در عصرش اتفاق افتاده بود شرح میدهد • گاه گاهی این قصه ها پیشگوئی های از اینده را نیز مینماید و میکوشد تا فعالیت های موجود را بیان نماید• مشخصه اصلی این داستان مثل جاتاکاها حتما بودا نمیباشد • Avadānaśatata اوادانا شتاکا که یک شکل قدیمی ان میباشد تصور شده است که در نیمه اول قرن سوم میلادی به زبان چینائی ترجمه گردیده بود • اشاره به اصطلاح dinara در ان، سال اول انرا در، در ۱۰۰ میلادی قید میکند • این یکمتن سانسکریت هینایانا بوده با آنکه پرستش بودا جای مهمی را در افسانه های مربوط به به ان اشغال کرده • در این اثر شواهد کیش بودیزاتوا که طریقه مهایانا وجود دارد دیده نمیشود این اثر به ده Vargasa تقسیم گردیده که هر کدام ان به موضوعات مختلف اختصاص یافته است• بطور مثال فصل های اول و سوم ان به پیشگوئی راجع به طریقه بودا در اینده بحث میکند • روح مطلب این قصه بر انست که ثمره اعمال سیاه، سیاه است و ثمره اعمال سفید سفید و از مخلو اند و مخلوط•

دیویاوادانا Divyāvadāna :

به صورت تحت الفظ قصه های سماوی ترجمه گردیده است، این اثر از نقطه نظر قدامتش بعدتر میباشد • این اثر یک پا را در هینایانا و پای دیگر را در مهایانا گذاشته است• شروع و انجام قصه های ان کاملا به عین طریقه که در Avadanasataka دیده میشود صورت گرفته است• سبک ان متحد الشکل نبوده – تشریحات غیر مرتبط و پراگنده را وانمود میسازد، و تصور شده است که این اثر در یک زمان واحد تهیه نشده است• یکی از جالب ترین قصه های ان بنام Śārdūlakarna-vādana در سال ۲۶۵ میلادی به زبان چینائی ترجمه گردید، به این اساس ممکن است اصل ان مربوط به قرن دوم میلادی باشد • در حالیکه پرزیلوسکی در این مورد اشاره میدارد که Aśokavādāna در حوالی سالهای ۱۵۰–۲۰۰ قبل از میلاد تهیه شده بود • ونتر نتز تصور میکند که این اثر بصورت مجموعی قبل از قرن چهارم وجود نداشت• بعضی از بخش های ان در قرن سوم و چهارم

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

میلادی نوشته شده ، خصوصا انهای که Avadanasataka یا Kalpanām-anditika کومارالاتا Kumaralata اتکا دارد ، مربوط به تاریخ موریاهای بعدی اختصاص یافته احتمالاً بسیار پیش یعنی در قرن اول میلادی نوشته شده است اما قسمت زیادی از ان طوری معلوم میشود که در قرن دوم میلادی تهیه گردیده باشد .

بیلیگرافی : درباره ادبیات اوادانا بصورت عمومی اثار ذیل دیده شود : برنوف ،

برنوف : «Introduction a l'histoire du Boddhisme pp. 207 ff »

فییر : در مقدمه ترجمه اش و سپیر در پیشگفتار نشر Avadanaśataka ؛ ونترنتز ، تاریخ ادبیات هند ، II ، صفحه ۲۷۷ ، کیت : تاریخ ادبیات سانسکریت صفحه ۶۴ ff ، ،

همچنان Avadanaśataka توسط جی . اس . سپیر در (بیلیتیکا بودیکا ، III) ، سنت پترزبورک ، ۱۹۰۲ـ۱۹۰۹ نشر شد ، و ازجانب فییر در Annals du Musee Guimet پاریس در سال ۱۸۹۷ ترجمه گردید ، بعضی از بخش های دیگر ان نیز از جانب وی در ژورنال ازیاتیک ۱۸۷۸ـ۱۸۸۴ ، ونترنتز cit. op .

سادهاماپونداریکا Saddharmapundarika :

تحت الفظی ، لوتوس قانون راستین ، معنی میدهد ، این اثر بخصوصیت پیشرفته بودیزم مهایانا مربوط است پرستش بودای متجسم ، کیش یادگار ها و پرستش مجسمه ها و وقف ستوپه ها و معابد بودائی به ان ارتباط میگیرد . این اثر تدوینی از نظریه های بودائیان است راجع به نجات یابی از طریق روش بودا (بودایانا) ساکیا مونی ، معبود مافوق معبود ها (به نظر بودائیان) ، حاوی صفات نامحدود ، طبیب و نگهبان مخلوقات که از قرنها بدینسو در گذشته و حال و اینده برای تدریس قانون راستین به گیرهان زندگی میکند . به اساس گفته این متن ، وی باران بزرگ رحمت را می باراند ، طبل ان را به صدا میاورد ، خوبی های انرا اشکار میسازد و مشعل بزرگی را روشن میسازد ، ناقوس انرا به صدا میاورد ، شعاع از ابروان وی منتشر میشود ، و هژده هزار از پیروان بودا را تنویر میکند .

قدامت این اثر بودائی به واسطه شواهد دیگری تعیین شده است یعنی از ترجمه ان به زبان چینائی که برای بار اول در سال ۲۳۳ میلادی صورت گرفت . ترجمه در در دست رس از این اثر همانا عبارت است از ، دهارمه رکشا (۲۸۶ میلادی) ، کوماراجیوا Kumarajiva و جناگوپتا Jinagupta و همچنان دهارمه گوپتا . این اثر همچنان از طرف ناگارجونا نقل گردیده که یک شکل نا پخته مهایانا بودیزم را وانمود میسازد . با توجه به یک تعداد از مجسمه های بودا از چوب ، جواهر ، مواد گداخته ، تصاویر برجسته و فرسک ها ، الهام گیری هنرمندان بودائی را از این اثر وانمود میسازد . تاریخ این اثر بصورت تقریبی در نیمه اول قرن دوم میلادی تعیین گردیده است ، پوسین تصور نموده که بعضی از بخشهای ان خصوصا فصل های اول ان شاید قبل از تاریخ متذکره نوشته شده باشد . محتویات این اثر بصورت یک خلاصه فصل بندی شده از جانب کرن در مقدمه ترجمه اش تحت عنوان کتاب های مقدس شرق ترتیب گردیده است ، XXI ، ۱۸۸۴ . شیوع نفوذ برهمنی از کیش Bhakti و فلسفه اوپانیشادها Upaniṣads همچنان در این اثر بیان گردیده است . در این اثر موضوع شخصیت بودا بحیث کمک کننده به انهای که خواستار کمک و نجات از طرف وی میگردند در هسته اصلی نظریات بودائی قرار میگیرد ، و همچنان در طریقه بودا ، لارد مفکوره یا Brahma عالی را وانمود میسازد همچنان اشاعه Bhagvadgita در قسمت اول و اوپانیشادها در دومی ان قابل تذکار است .

بیلیگرافی : این متن از طرف کرن و بونیونانجیو در (بیلیوتیکا بودیکا ، X سنت پترزبورگ ، ۱۹۰۸) نشر گردید ، این اثر همچنان از طرف برنوف به زبان فرانسوی در La Lotus de la bonne loi, Paris, 1852 و از طرف اچ . کرن به زبان انگلیسی در (کتابهای مقدس شرق ، XXI ، ۱۸۸۴) ترجمه گردیده است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

راجع به لوتوس (Pundarika) در تحت عنوان (هنر بودائی در ارتباط با مفکوره های بودائی ، ۱۹۱۴ از جانب انیستاکی تشریحاتی بعمل آمده • اشاراتی راجع به ترجمه ان به زبان چینائی در اثر بکچی ، La Conon Boudhique I , pp 85-150 و ونترنتز ، تاریخ ادبیات هند ، ۳۰۴ بعمل آمده است•

پارچه های این اثر که مربوط به ایسای مرکزیست از طرف هیورنل و لیودر ، بقایای نسخه های از اسیای مرکزی صفحه ۱۳۲ ff ، وپوسین در JRAS ، ۱۹۱۱ صفحه ۱۰۶۷ به نشر رسیده است ۱۰ س• یندال نسخه نیالی انرا کشف کرده ، و ان متن متعلق به قرن چهارم یا پنجم میلادی میباشد در JRAS ، ۱۹۰۱ ، صفحه ۱۲۴ ن ، شرح داده است• جهت نفوذ برهمنی در این اثر ، کرن اولا در مقدمه اثرش ترجمه بدان مبذول نموده است (SBE ، XXI صفحه XXVI) طبق نظر ونترنتز ، مشکل است تا به اساس پیشنهاد فارکهر در (منتخبی از تاریخ ادبیات مذهبی هند ، صفحه ۱۱۴) که مستقیما از کیش کرشنا Krsna ویدانتا Vedānta و بهاگاوادگیا Bhagavadgita متاثر گردیده بود قبول گردد • این اثر بودائی همچنان در دائره المعارف مذاهب وقاید نیز تشریح شده است•

سوکهاواتیوها Sukhavativyuha:

توضیحاتی در اطراف Blessed land یک اثر دیگر معاییاناست که در بین سالهای ۱۴۷ و ۱۸۴ میلادی ترجمه گردید • ارزش این اثر در رابطه سلختن معلومات راجع به مطالعه فرهنگ شمال هند در قرن اول و سوم میلادی ، چندان نمیباشد • توضیحات در باره عنوان متذکره ، که تخیلات بودائی را با رابحه بی حدی مطوکرده ، است این اثر را به صورت یک پارچه مفیدی برای درک چگونگی تفکرات بودائی در ان صورا نمود میسازد

میلاندا پانهو Milindapanho : بیلیوگرافی ونترنتز و تاریخ ادبیات هند II صفحه ۳۷۱

پرسشهای میناندر ، در شکل موجوده ان مواد زیادی برای مطالعه فرهنگ مصری که این اثر در ان نوشته شده بود وجود دارد • این اثر در شکل خود از بعضی جهات بر ادبیات بودائی سابق متکی میباشد • بر اساس معلومات که از این اثر بدست میاید واضح میشود که در یکی از سالهای بین قرن اول و سوم میلادی متعلق میباشد • طبق نظر رهیس داویدس ، این اثر در شمال هند اندکی بعد از اغاز عصر مسیحی هم به سانسکریت و هم به پراکریت شمال هند نوشته شده است• طبق نظر ونترنتز در اصل معلوم میشود که در قرن اول مسیحی نوشته شده ، تا در قرن دوم • رهیس داویدس انرا بین ۱۰۰ و ۲۰۰ میلادی متعلق میداند •

ترجمه چینائی ان به استثنای بخش ساختگی ان در بین سالهای ۳۱۷ و ۴۲۰ صورت گرفته است•

بیلیوگرافی : متن ان از طرف ترنکر در لندن به سال ۱۸۸۰ نشر شد و از جانب رهیس داویدس در کتابهای مقدس شرق سلسله ۳۵ و ۳۶ نشر شد ، و به جرمنی از طرف ف•او• شرادر (برلین ۱۹۰۹) صرف بخش اصلی ان صورت گرفت • و همچنان از صرف رهیس داویدس در دائره المعارف مذاهب وقاید ، VIII ، صفحه ۶۳ ، و همچنان از جانب ونترنتز در تاریخ ادبیات هند II ، صفحه ۱۷۴ ff ، شرح یافته است• همچنان اثر بیست و سلطین لیفی : خلاصه مذاکرات کانگرس شرق شناسان ، IX ، لندن ۱۸۹۲ ff ، صفحه ۱۸ در این مورد دیده شود • کتاب مقدماتی میلاندا پانهو با حکایات کوتاه در یک اثر جداگانه در اوداناای بودائی به زبان چینائی که مربوط به سال ۴۷۲ میلادی میباشد بنظر میخورد دیده شود: Takakusu JRAS ، ۱۸۹۶ ، صفحه ۱-۲۱ ؛ ونترنتز ، op. cit ، صفحه ۱۷۷ ن) و همچنان ، پ• دمی :

Ville les Version Chinoises de Milindapanho, BEFEO, XXIV.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

MINISTRY OF INFORMATION
AND CULTURE
International center
of kushan studies
Historical and scientific
Magazine of kushan studies
Kabul
March, 1982

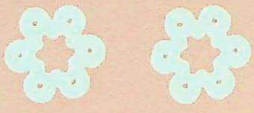

Address :
Ministry of Information and culture
kushan studies, Archaeology
and Museum Department
International. center of
kushan studies

حق چاپ دولتی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

Tahqiqat-e-Kushani

International

Center of Kushan

studies

6879

EDITOR ;

Gul Mohammad Adabyar

Board of Readers :

Abdullah Dost — M. Amin Hakim